



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

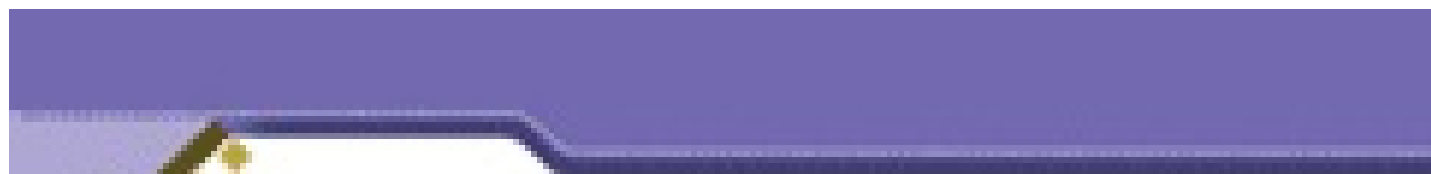
Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



چهارمین اثر نویسندگان

hodhodbook.ir

مجموعه آثار حضرت زینب (علیها السلام)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه مقالات همایش صدف کوثر

نویسنده:

ناصر رفیعی محمدی

ناشر چاپی:

جامعة المصطفی (صلي الله عليه وآله) العالمية

ناشر دیجیتالی:

مركز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
مجموعه مقالات همایش صدف کوتر جلد ۱	۱۱
مشخصات کتاب	۱۱
اشاره	۱۱
فهرست اجمالی	۱۵
فهرست مطالب	۱۷
سخن دبیر علمی همایش	۳۲
بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مقام معظم رهبری	۳۳
سخنرانی آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی	۳۷
سخنرانی آیت الله العظمی عبدالله جوادی آملی	۴۴
سخنرانی آیت الله علی رضا اعرافی	۵۵
سخنرانی آیت الله محمد محمدی ری شهری	۶۰
زیست نامه مستند حضرت خدیجه علیها السلام : سید علیرضا عالمی	۶۶
چکیده	۶۶
خانواده و ولادت	۶۶
حیات خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با حضرت محمد صلی الله علیه و اله	۶۸
حیات خدیجه علیها السلام پس از ازدواج	۷۳
ایمان به رسول خدا صلی الله علیه و اله	۷۷
حمایت از پیامبر صلی الله علیه و اله و اسلام	۸۱
فضایل و مناقب	۸۲
درگذشت	۸۶
منابع	۸۷
سیری در احوال ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و اله: محمد امینی	۹۲
چکیده	۹۲
مقام و منزلت حضرت خدیجه علیها السلام	۹۳
پیش از ازدواج	۹۴
عمر حضرت خدیجه علیها السلام	۹۴
ازدواج های سابق	۹۶
اشاره	۹۶
الف) یوهاله	۹۶
ب) عتیق	۹۸
زمان ازدواج	۹۸
فرزندان	۹۸
ازدواج فرزندان	۹۹
دوشیزه بودن خدیجه علیها السلام	۱۰۲
منابع	۱۰۴
بحثی درباره ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام: حمیده صرفی	۱۰۷
چکیده	۱۰۷
ازدواج پیش از پیامبر صلی الله علیه و اله	۱۰۸
اشاره	۱۰۸

۱۰۸	الف) بررسی و نقد دلیل تاریخی
۱۱۲	ب) بهره جستن از بعضی دلایل کلامی و منافی دانستن این مسأله با اصل عصمت
۱۱۴	راز علاقه حضرت خدیجه علیها السلام به حضرت محمد صلی الله علیه و آله
۱۱۴	اشاره
۱۱۴	۱. سفر تجاری میسره با پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۱۵	۳. پیشگوی راهب یهودی
۱۱۷	۴. خواب دیدن حضرت خدیجه علیها السلام
۱۱۷	اقوال مختلف درباره خواستگاری
۱۱۷	اشاره
۱۱۷	۱. خواستگاری پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام
۱۱۷	۲. خواستگاری خود خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۱۸	۳. خواستگاری خدیجه علیها السلام به واسطه نفیسه دختر منیه
۱۱۸	۴. خواستگاری خدیجه علیها السلام به واسطه خواهرش هاله
۱۱۹	مراسم ازدواج
۱۱۹	تهمت های ناروا به پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام
۱۱۹	۱. تنگ دستی پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۲۰	۲. دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج
۱۲۰	۳. شراب خوراندن پدر خدیجه علیها السلام
۱۲۰	۴. انگیزه ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام
۱۲۱	۵. خطبه ابوطالب هنگام ازدواج
۱۲۳	شیوه شوهرداری خدیجه علیها السلام
۱۲۳	۱. محبت به همسر
۱۲۵	۲. برترین همسر
۱۲۷	۳. احترام و تکریم بستگان همسر
۱۲۷	۱-۳- تکریم ابوطالب
۱۲۷	۲-۳- محبت به امام علی علیه السلام
۱۲۸	فرزندان خدیجه علیها السلام
۱۳۰	سن دختران پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۳۲	منابع
۱۳۵	بستگان حضرت خدیجه علیها السلام: فاطمه کرمی
۱۳۵	اشاره
۱۳۵	چکیده
۱۳۶	مقدمه
۱۳۷	پدر و مادر حضرت خدیجه علیها السلام
۱۳۷	الف) بستگان پدری حضرت خدیجه علیها السلام
۱۳۷	۱. پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری حضرت خدیجه علیها السلام
۱۳۸	بنی اسد خاندان پدری حضرت خدیجه علیها السلام
۱۳۸	۲. برادران حضرت خدیجه علیها السلام
۱۳۸	۳. خواهران حضرت خدیجه علیها السلام
۱۳۹	۴. عموهای حضرت خدیجه علیها السلام
۱۴۰	۵. عمه های حضرت خدیجه علیها السلام

۱۴۱	ب) بستگان مادری حضرت خدیجه علیها السلام
۱۴۱	۱. پدر بزرگ و مادر بزرگ مادری حضرت خدیجه علیها السلام
۱۴۲	سیر تطور منابع در گذر زمان
۱۴۳	تفاوت ها و اشکالات مذکور در منابع
۱۴۴	چگونگی تأثیر منابع متقدم در منابع پسین
۱۴۵	شرح حال اجمالی از بستگان حضرت خدیجه علیها السلام
۱۴۵	الف) برادران حضرت خدیجه علیها السلام
۱۴۸	ب) خواهران حضرت خدیجه علیها السلام
۱۴۹	ج) عموهای حضرت خدیجه علیها السلام
۱۵۴	عمه های حضرت خدیجه علیها السلام
۱۵۵	موضع بستگان خدیجه علیها السلام در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۵۶	نمودار منابع حاوی اطلاعات بستگان حضرت خدیجه علیها السلام
۱۶۰	نمودار بستگان حضرت خدیجه علیها السلام
۱۶۱	نتیجه
۱۶۲	منابع
۱۶۵	معرفی کتاب دارالسیده خدیجه بنت خویلد علیها السلام فی مکه المکرمه: رضا مختاری
۱۶۵	اشاره
۱۷۲	منبع
۱۷۳	حضرت خدیجه کبری علیها السلام: تدبیر، درایت، نجابت، عطوفت اخلاقی و فضایل: غلامرضا گلی زواره
۱۷۳	مقدمه
۱۷۴	از نسل با صلابت
۱۷۵	القاب شایسته
۱۷۶	بر کرانه کمالات
۱۷۸	پارسایی و پایداری
۱۷۹	پیوندی پاک
۱۷۹	در وصف نبی اکرم صلی الله علیه و آله
۱۸۰	از منظر منظومه منور
۱۸۱	در نگاه بزرگان دنیای اسلام
۱۸۲	از دید زنان نامور
۱۸۳	از زبان و قلم نویسندگان غیر مسلمان
۱۸۴	کارفرمای کارآفرین
۱۸۷	بیت با برکت
۱۸۸	جهاد اقتصادی
۱۹۰	مقایسه و بررسی تاریخی و آماری فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام: مهتاب شورمیح، فاطمه جوربندی ثانی
۱۹۰	اشاره
۱۹۰	چکیده
۱۹۱	مقدمه
۱۹۲	فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام
۱۹۲	فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب سیره
۱۹۵	فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب طبقات
۱۹۹	فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب انساب

۲۰۳	فراوانی و نام منابع مورد استناد در سایر منابع
۲۱۳	تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب سیره
۲۱۵	تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب طبقات
۲۱۷	تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب انساب
۲۱۹	تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در سایر منابع
۲۲۲	بررسی قدیم ترین کتب سیره مورد استناد در فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام
۲۲۲	بررسی قدیم ترین کتب طبقات مورد استناد در فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام
۲۲۳	بررسی قدیم ترین کتب انساب مورد استناد در فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در این پژوهش که از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام نام برده اند آمار فرزندان و حتی نام شان ثابت و تعداد آن ها شش نفر است که عبارتند از: «قاسم عب
۲۲۳	بررسی قدیم ترین کتب مورد استناد در سایر منابع از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام
۲۲۳	اشاره
۲۲۴	ارتباط درون گروهی نمودارها
۲۲۳	تجزیه و تحلیل
۲۳۸	نتیجه
۲۴۰	منابع
۲۴۵	بررسی و تحلیل سن حضرت خدیجه علیها السلام در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله (با تأکید بر منابع متقدم تاریخی): نعمت الله صفری فروشانی، داوود کاظم پور
۲۴۵	اشاره
۲۴۵	چکیده
۲۴۵	مقدمه
۲۴۶	رویکرد تاریخی و تعریف منابع متقدم
۲۴۶	تعریف منابع متقدم
۲۴۷	سن ازدواج در عرب جاهلی و صدر اسلام
۲۴۹	سن یائسگی در زنان
۲۵۴	واکاوی امکان ازدواج برای پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از بعثت
۲۵۴	۱.فاخته دختر ابی طالب (ام هانی)
۲۵۵	۲.غزیه
۲۵۹	فرزندان خدا پیامبر صلی الله علیه و آله
۲۵۹	اشاره
۲۶۱	۱.سیره ابن هشام (م ۲۱۳ ق)
۲۶۲	۲.محمد بن سعد (۲۳۰ ق)
۲۶۵	۳.بلادری (۲۷۹ ق)
۲۶۸	۴.یعقوبی (۲۸۴ ق)
۲۷۰	۵.محمد بن جریر طبری (۳۱۰ ق)
۲۷۱	۶.مسعودی (۳۴۶ ق)
۲۷۲	نتیجه
۲۷۳	منابع
۲۷۶	سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: حسین تهرانی
۲۸۲	حضرت خدیجه علیها السلام، به غیر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با کسی ازدواج نکرد
۲۹۰	ناسازگاری بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام، با مبانی اعتقادی تشیع
۲۹۳	عدم اعتبار بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام از نظر تاریخ
۲۹۵	ناقلان ازدواج های دروغین حضرت خدیجه علیها السلام
۲۹۵	اشاره

۲۹۵ ۱. هشام بن محمد بن سائب کلبی
۲۹۵ ۲. زبیر بن یحیی
۲۹۶ ۳. قتاده بن دعامة
۲۹۸ باکره بودن مادران ائمه اطهار علیهم السلام
۲۹۸ اشاره
۲۹۹ ۱. مادر گرامی امام زین العابدین علیه السلام
۲۹۹ ۲. مادر گرامی امام موسی بن جعفر علیه السلام
۳۰۰ ۳. مادر گرامی امام رضا علیه السلام
۳۰۲ بیان عایشه درباره حضرت خدیجه علیها السلام
۳۰۳ کیفیت انعقاد نطفه حضرت فاطمه علیها السلام
۳۰۶ منزل و مقبره حضرت خدیجه علیها السلام بر اساس سفرنامه های حج: محمدرضا خادمیان
۳۰۶ چکیده
۳۰۷ الف) منزل حضرت خدیجه علیها السلام
۳۱۰ ب) مقبره حضرت خدیجه
۳۱۴ منبع
۳۱۵ کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام: آسیب ها و راه کارها: مهدیه جیت سزای، احمد عابدی
۳۱۵ اشاره
۳۱۵ چکیده
۳۱۶ مقدمه
۳۱۸ بیان مسأله
۳۱۸ اهمیت پژوهش
۳۱۸ الف) هدف اصلی
۳۱۹ ب) هدف فرعی
۳۱۹ روش پژوهش
۳۲۰ پیشینه پژوهش
۳۲۲ یافته ها و نتایج
۳۲۲ کتاب های فارسی
۳۳۰ مقالات فارسی
۳۴۰ مقالات روزنامه ها
۳۴۳ منابع
۳۴۴ کتاب شناسی توصیفی خدیجه کبری علیها السلام: سید رضا هاشمی شاه قبادی
۳۶۳ کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام (به زبان های فارسی عربی اردو ترکی اسپانیولی انگلیسی ایتالیایی، آلمانی و فرانسوی) مریم اسماعیلی (سما)
۳۶۳ مقدمه
۳۶۴ الف) فارسی
۳۶۶ مقالات فارسی
۳۶۷ ب) عربی
۳۷۱ مقالات عربی
۳۷۵ ج) ترکی
۳۷۷ د) اردو
۳۷۸ ه) انگلیسی Khadija Bint Khuwaylid
۳۸۰ و) اسپانیولی

مشخصات کتاب

مجموعه مقالات همایش صدف کوثر

حضرت خدیجه علیها السلام

جلد اول

دبیر علمی همایش: ناصر رفیعی محمدی

مسئول همایش: محمد جواد زارعان

مدیر اجرایی همایش: محمد صادق دهقان نژاد

مراکز همکار: جامعه الزهراء علیها السلام، مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران، مجتمع عالی بنت الهدی، پژوهشگاه قرآن و حدیث

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم شهناز محققیان

ص: 1

اشاره

مجموعه مقالات همایش صدف کوثر

حضرت خدیجه علیها السلام

جلد اول

ص: 3

دبیر علمی همایش: ناصر رفیعی محمدی

مسئول همایش: محمد جواد زارعان

مدیر اجرایی همایش: محمد صادق دهقان نژاد

* اعضای شورای علمی (به ترتیب الفبا):

رسول عبداللهی

علی نقی خدایاری

قاسم جوادی (صفری)

محمد جواد زارعان

محمد علی رضایی اصفهانی

محمد عظیمی

مهدی قائمی امیری

ناصر باقری بیدهندی

ناصر رفیعی محمدی

مراکز همکار: جامعه الزهراء علیها السلام، مرکز مدیریت حوزه علمیه خاوران، مجتمع عالی بنت الهدی، پژوهشگاه قرآن و حدیث

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم شهناز محققیان

ص: 4

سخن دبیر علمی همایش...15

بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مقام معظم رهبری...16

سخنرانی آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی...20

سخنرانی آیت الله العظمی عبدالله جوادی آملی...27

سخنرانی آیت الله علی رضا اعرافی...38

سخنرانی آیت الله محمد محمدی ری شهری...43

زیست نامه مستند حضرت خدیجه علیها السلام: سید علیرضا عالمی...49

سیری در احوال ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله: محمد امینی...75

بحثی درباره ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام: حمیده صرفی...90

بستگان حضرت خدیجه علیها السلام: فاطمه کرمی...118

معرفی کتاب دارالسیده خدیجه بنت خویلد علیها السلام فی مکة المکرمه: رضا مختاری...144

حضرت خدیجه کبری علیها السلام تندیس درایت نجابت، عطوفت، اخلاق و فضایل: غلامرضا گلی زواره...152

مقایسه و بررسی تاریخی و آماری فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام: مهتاب شورمیج، فاطمه جوربندی ثانی...169

بررسی و تحلیل سن حضرت خدیجه علیها السلام در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله (با تأکید بر منابع متقدم تاریخی): نعمت الله

صفری فروشانی، داوود کاظم پور...206

سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: حسین تهرانی...237

منزل و مقبره حضرت خدیجه علیها السلام بر اساس سفرنامه های حج: محمد رضا خادمیان...267

کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام آسیب ها و راه کارها: مهدیه چیت ساز احمد عابدی...276

کتاب شناسی توصیفی خدیجه کبری علیها السلام: سید رضا هاشمی شاه قبادی...305

کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام به زبان های، فارسی، عربی، اردو، ترکی، اسپانیولی، انگلیسی، ایتالیایی آلمانی و فرانسوی):
مریم اسماعیلی (سما)...324

ص: 6

سخن دبیر علمی همایش...15

بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مقام معظم رهبری...16

سخنرانی آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی...20

سخنرانی آیت الله العظمی عبدالله جوادی آملی...27

سخنرانی آیت الله علی رضا اعرافی...38

سخنرانی آیت الله محمد محمدی ری شهری...43

زیست نامه مستند حضرت خدیجه علیها السلام...49

خانواده و ولادت...49

حیات خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با حضرت محمد صلی الله علیه و آله...51

حیات خدیجه علیها السلام پس از ازدواج...56

ایمان به رسول خدا صلی الله علیه و آله...60

حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و اسلام...64

فضایل و مناقب...65

درگذشت...69

منابع...70

سیری در احوال ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله...75

مقام و منزلت حضرت خدیجه علیها السلام...75

پیش از ازدواج...77

عمر حضرت خدیجه علیها السلام...77

ازدواج های سابق...79

الف) ابو هاله...79

ب) عتيق...81

زمان ازدواج...81

فرزندان...81

ص:7

ازدواج فرزندان...82

دوشیزه بودن خدیجه علیها السلام...85

منابع...87

بحثی درباره ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام...90

ازدواج پیش از پیامبر صلی الله علیه و آله...91

الف) بررسی و نقد دلیل تاریخی...91

ب) بهره جستن از بعضی دلایل کلامی و منافی دانستن این مسأله با اصل عصمت...95

راز علاقه حضرت خدیجه علیها السلام به حضرت محمد صلی الله علیه و آله...97

1. سفر تجارتي میسره با پیامبر صلی الله علیه و آله...97

2. پیشگویی پسرعموی دانشمند حضرت خدیجه علیها السلام...98

3. پیشگویی راهب یهودی...98

4. خواب دیدن حضرت خدیجه علیها السلام...100

اقوال مختلف درباره خواستگاری...100

1. خواستگاری پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام...100

2. خواستگاری خود خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله...100

3. خواستگاری خدیجه علیها السلام و به واسطه نفیسه دختر منیه...101

4. خواستگاری خدیجه علیها السلام به واسطه خواهرش هاله...101

مراسم ازدواج...102

تهمت های ناروا به پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام...102

1. تنگ دستی پیامبر صلی الله علیه و آله...102

2. دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج...103

3. شراب خوراندن پدر خدیجه علیها السلام...103

4. انگیزه ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام...103

5. خطبه ابوطالب هنگام ازدواج...104

شیوه شوهرداری خدیجه علیها السلام...106

ص: 8

1. محبت به همسر...106

2. برترین همسر...108

3. احترام و تکریم بستگان همسر...110

1-3- تکریم ابوطالب...110

2-3- محبت به امام علی علیه السلام...110

فرزندان خدیجه علیها السلام...111

سن دختران پیامبر صلی الله علیه و آله...113

منابع...115

بستگان حضرت خدیجه علیها السلام...118

مقدمه...119

پدر و مادر حضرت خدیجه علیها السلام...120

الف) بستگان پدری حضرت خدیجه علیها السلام...120

1. پدربزرگ و مادربزرگ پدری حضرت خدیجه علیها السلام...120

بنی اسد خاندان پدری حضرت خدیجه علیها السلام...121

2. برادران حضرت خدیجه علیها السلام...121

3. خواهران حضرت خدیجه علیها السلام...121

4. عموهای حضرت خدیجه علیها السلام...122

5. عمه های حضرت خدیجه علیها السلام...123

ب) بستگان مادری حضرت خدیجه علیها السلام...124

1. پدربزرگ و مادربزرگ مادری حضرت خدیجه علیها السلام...124

سیر تطور منابع در گذر زمان...125

تفاوت ها و اشکالات مذکور در منابع...126

چگونگی تأثیر منابع متقدم در منابع پسین...127

شرح حال اجمالی از بستگان حضرت خدیجه علیها السلام...128

الف) برادران حضرت خدیجه علیها السلام...128

ص: 9

- ب) خواهران حضرت خدیجه علیها السلام...131
- ج) عموهای حضرت خدیجه علیها السلام...132
- عمه های حضرت خدیجه علیها السلام...136
- موضع بستگان خدیجه علیها السلام در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله...137
- نمودار منابع حاوی اطلاعات بستگان حضرت خدیجه علیها السلام...138
- نمودار بستگان حضرت خدیجه علیها السلام...140
- نتیجه...141
- منابع...142
- معرفی کتاب دارالسیدة خدیجه بنت خویلد علیها السلام في مکه المکرمة...144
- منبع...151
- حضرت خدیجه کبری علیها السلام تندیس درایت نجابت، عطوفت، اخلاق و فضایل...152
- مقدمه...152
- از نسل با صلابت...153
- القاب شایسته...154
- بر کرانه کمالات...155
- پارسایی و پایداری...157
- پیوندی پاک...158
- در وصف نبی اکرم صلی الله علیه و آله...158
- از منظر منظومه منور...159
- در نگاه بزرگان دنیای اسلام...160
- از دید زنان نامور...161

از زبان و قلم نویسندگان غیر مسلمان...162

کارفرمای کارآفرین...163

بیت با برکت...166

جهاد اقتصادی...167

ص: 10

مقایسه و بررسی تاریخی و آماری فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام...169

مقدمه...170

فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام...171

فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب سیره...171

فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب طبقات...173

فراوانی و نام منابع مورد استناد در سایر منابع...177

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب سیره...182

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب طبقات...183

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب انساب...184

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در سایر منابع...185

بررسی قدیم ترین کتب سیره مورد استناد در فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام...187

بررسی قدیم ترین کتب طبقات مورد استناد در فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام...187

بررسی قدیم ترین کتب انساب مورد استناد در فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام...188

بررسی قدیم ترین کتب مورد استناد در سایر منابع از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام...188

ارتباط درون گروهی نمودارها...189

جدول مقایسه فراوانی...194

تجزیه و تحلیل...195

نتیجه...199

منابع...210

بررسی و تحلیل سن حضرت خدیجه علیها السلام در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله (با تأکید بر منابع متقدم تاریخی)...206

مقدمه...206

رویکرد تاریخی و تعریف منابع متقدم...207

تعریف منابع متقدم...207

سن ازدواج در عرب جاهلی و صدر اسلام...208

ص: 11

سن یائسگی در زنان...210

واکاوی امکان ازدواج برای پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از بعثت...215

1. فاخته دخترابی طالب (ام هانی)...215

2. غزیه...216

فرزندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله...220

1. سیره ابن هشام (م 213 ق)...222

2. محمد بن سعد (230 ق)...223

3. بلاذری (279 ق)...226

4. یعقوبی (284 ق)...229

5. محمد بن جریر طبری (310 ق)...231

6. مسعودی (346 ق)...232

نتیجه...233

منابع...234

سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله...237

حضرت خدیجه علیها السلام، به غیر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با کسی ازدواج نکرد...243

ناسازگاری بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام، با مبانی اعتقادی تشیع...251

عدم اعتبار بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام از نظر تاریخ...254

ناقلان ازدواج های دروغین حضرت خدیجه علیها السلام...256

1. هشام بن محمد بن سائب کلبی...256

2. زبیر بن بکار...256

3. قتاده بن دعامة دعامة...257

باکره بودن مادران ائمه اطهار علیهم السلام...259

1. مادر گرامی امام زین العابدین علیه السلام...260

2. مادر گرامی امام موسی بن جعفر علیه السلام...260

3. مادر گرامی امام رضا علیه السلام...261

ص: 12

بیان عایشه درباره حضرت خدیجه علیها السلام...263

کیفیت انعقاد نطفه حضرت فاطمه علیها السلام...264

منزل و مقبره حضرت خدیجه علیها السلام بر اساس سفرنامه های حج...267

الف) منزل حضرت خدیجه علیها السلام...268

ب) مقبره حضرت خدیجه علیها السلام...271

منبع...275

کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام: آسیب ها و راه کارها...276

مقدمه...277

بیان مسأله...279

اهمیت پژوهش...279

الف) هدف اصلی...279

ب) هدف فرعی...280

روش پژوهش...280

پیشینه پژوهش...281

یافته ها و نتایج...281

کتاب های فارسی...283

مقالات فارسی...291

مقالات روزنامه ها...301

منابع...304

کتاب شناسی توصیفی خدیجه کبری علیها السلام...305

کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام (به زبان های، فارسی، عربی اردو ترکی اسپانیولی، انگلیسی، ایتالیایی، آلمانی و

فرانسوی...324

مقدمه...324

الف) فارسی...325

مقالات فارسی...327

ص: 13

ب) عربى...328

مقالات عربى...332

ج) تركى...336

د) اردو...338

ه) انگلىسى...339 Khadija Bint Khuwaylid

Online Books...341

Articles ...341

و) اسپانىولى...341

ز) فرانسوى...343

ح) ايتاليابى...344

ط) آلمانى...347

ص: 14

بررسی ابعاد شخصیت أم المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام از موضوعات مهم و شایسته تحقیق و بررسی است مطالعه تاریخی زندگی آن بزرگوار نشان می دهد ایشان در دوران جاهلیت و پس از آن دارای فضایل اوصاف اخلاقی و کمالات معنوی فراوان بود شخصیتی که در جامعه خود به عنوان الگوی زن برتر تأثیر به سزایی در گسترش صفات نیک انسانی داشت.

حضرت خدیجه علیها السلام نخستین لیبیک گوی، رسالت همسر و هم سر رسول خدا صلی الله علیه و آله انیس تھی دستی کاشانه أم ابیها و مادر امت بود نقش مهم او در پیش برد اسلام در دوران نونهالی و ظهور دین و حمایت بی دریغش از اندیشه های توحیدی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر کسی پوشیده نیست. مقام معظم رهبری مدظله می فرمایند:

جناب خدیجه علیها السلام حقیقتاً مظلوم است به خاطر این که شرف همسری پیغمبر در مورد ایشان یک ارزش مضاعف است دیگران مشرف به شرف همسری پیغمبر شدند، لکن این رنج هایی را که پیغمبر در عمده رسالت به آن ها مبتلا بودند ندیدند. جناب خدیجه علیها السلام دوران رنج پیغمبر را دوران سختی پیغمبر را تحمل کردند و دیدند.

1. مجموعه مقالات همایش صدف کوثر 3 جلد

2. شناخت نامه حضرت خدیجه علیها السلام (فارسی)، 2 جلد

3. شناخت نامه حضرت خدیجه علیها السلام (عربی انگلیسی) 1 جلد

4. أم المؤمنین خدیجه فی مصادر اهل السنة، 1 جلد.

امید است مجموعه آثار همایش مقبول درگاه الهی واقع شود و همگان مشمول عنایت و شفاعت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و همسر گرامیش ام الائمه حضرت خدیجه کبری علیها السلام واقع شویم از همه اساتید، فضلا و پژوهشگرانی که در نگارش مقاله همکاری داشته اند قدردانی می کنم به ویژه از اعضای کمیته علمی اساتید محترم آقایان ناصر باقری، بیدهندی مهدی قائمی امیری، محمد علی رضایی اصفهانی قاسم، جوادی رسول، عبداللهی محمد عظیمی و علی نقی خدیاری که در ارزیابی و تدوین آثار همایش همکاری جدی داشته اند هم چنین از همکاری و زحمات کمیته اجرایی: آقایان مهدی، برزگر علی جعفری منش محمد مراد خان بابا علی اصغر شریفی نیا، محمد عظیمی، محمدباقر متولی ابوالحسن مهرورز و غلامرضا نصرتی قدردانی و تشکر می نمایم.

ربنا تقبل منا إنك انت السميع العليم

دبیر علمی همایش ملی صدف کوثر

ناصر رفیعی محمدی

17 ربیع الاول 1439

بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مقام معظم رهبری

اولاً خیلی تشکر می‌کنم از آقایان، محترم که به این فکر افتادید و این کار را با انگیزه دارید دنبال می‌کنید

جناب خدیجه علیها السلام حقیقتاً مظلوم است؛ به خاطر این که شرف همسری پیغمبر در مورد ایشان دارای یک ارزش مضاعف است؛ دیگران مشرف به شرف همسری پیغمبر شدند لکن این رنج‌هایی را که پیغمبر در عمده دوران رسالت به آن‌ها مبتلا بودند ندیدند ده سال در مدینه بود خب عزت بود، احترام بود و زندگی راحت بود نسبت به آن دوره؛ جناب خدیجه علیها السلام دوران رنج پیغمبر را، دوران سختی‌های پیغمبر را تحمل کردند و دیدند اولاً خود این نفس ایمان آوردن به پیغمبر - که اولین کسی که ایمان آورد امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام بودند - یک امتیاز بزرگ است یک ارزش بسیار بالایی است؛ عبور کردن و صرف نظر کردن از عقایدی که انسان سال‌های متمادی با آن‌ها زندگی کرده آسان نیست برای ما پیش‌نیامده یک چنین چیزی تا بفهمیم چقدر مشکل و مهم است. ایشان با آن فطرت پاک صدق قضیه را، حقانیت قضیه را بلافاصله فهمید؛ تا پیغمبر را دید با آن حال - با آن حالت معروف و مذکور در کتاب‌ها - که از حرا برگشته بود فهمید که یک حادثه‌ای مهم اتفاق افتاده و قلب مبارکش مجذوب شد و ایمان آورد. بعد پای این ایمان ایستاد؛ حالا شما ثروت را می‌فرمایید. (1) این یک کلمه به زبان آسان است؛ کاری است که خب کسانی که پول دارند می‌توانند بالاخره یک پولی هم

ص: 16

1- اشاره حجت الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی به این که حضرت خدیجه علیها السلام همه اموالش را صرف اسلام کرد.

مصرف کنند، خرج کنند اما این که انسان از همه زندگی راحت خارج بشود- یعنی همه پولش را مصرف، کند همه ثروتش را صرف کند - یک کار یک ذره و دو ذره نیست؛ درباره امام حسن مجتبی علیه السلام مثلاً می گویند که ایشان چندبار از اموال خودشان خارج شدند یا چند بار از نصف مال شان خارج شدند؛ این جزو بزرگ ترین امتیازات است این بزرگوار این امتیاز را دارد که از همه اموال خودش خارج شد و همه را صرف کرد در راه ترویج اسلام و تقویت پیغمبر. بعد هم دچار آن سختی ها و آن مشکلات طاقت فرسا [شد] که یکی اش همین مسأله شعب ابی طالب بود و آن سه سالی که آن جا بودند و آن سختی هایی که این بزرگوار متحمل شد و این ایمان را محکم نگه داشت، خب قرآن درباره کسانی که قبل از فتح و بعد از فتح انفاق می کنند [می گوید] (يَسْتَوِي مِّنْكُمْ مَّنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلْ)؛ (1) این «قبل الفتح»، قبل از فتح مدینه است؛ یعنی قبل از آن که مدینه ای در اختیار پیغمبر قرار بگیرد و زندگی ای، راحتی حکومتی، تسلطی، قدرتی در اختیار آن بزرگوار باشد؛ در حال نهایت شدت ایشان انفاق کردند؛ هم مال شان را هم جان شان را هم راحت شان را خب این ها واقعاً فضایل مهمی است؛ این ها مغفول عنه مانده؛ حضرت مظلومه است؛ این بزرگوار واقعاً مظلومه است. تعبیر کردند جناب آقای اعرافی گفتند غریب واقعاً همین جور است؛ جناب خدیجه علیها السلام الغریب است. حالا شما (2) می گویند مادر یازده امام [اما] در واقع مادر دوازده امام؛ چون ایشان مادر امیرالمؤمنین علیه السلام هم هست. ایشان امیرالمؤمنین علیه السلام را در آغوش خودش، در دامان خودش، در زندگی خودش پرورش داده تا چند سالگی. به هر حال این یک کار بسیار خوبی است و کار بسیار مهمی است و ان شاء الله برکات زیادی هم خواهد داشت

ص: 17

-
- 1- سوره حدید، بخشی از آیه 1؛ «... کسانی از شما که پیش از فتح [مکه] انفاق و جهاد کرده اند، [با دیگران] یکسان نیستند...».
 - 2- حجت الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی

بله همین طور که اشاره کردید، (1) تعریض (2) به سایر زوجات مطهرات پیغمبر نبایستی باشد؛ بالاخره زوجات پیغمبر محترمند؛ هر کسی به این ها اهانت کند- هر کدام شان باشد- به پیغمبر اهانت کرده؛ این را من عن اعتقاد و قاطعاً عرض می کنم؛ به پیغمبر نباید اهانت کرد امیرالمؤمنین با جناب عایشه آن رفتار را. کرد عایشه به جنگ حضرت آمده بود لشکرکشی کرده بود [اما] امیرالمؤمنین نگذاشت حرمت عایشه به هم بخورد وقتی ایشان را می خواست بفرستد به مدینه زن ها را لباس مردانه پوشاند و محمد بن ابی بکر را هم در رأس این ها قرار داد یعنی برادر جناب عایشه را؛ این خیلی مهم است که امیرالمؤمنین با زنی که به جنگ او آمده، این جور با احترام [رفتار کند]؛ به خاطر این که [همسر پیغمبر بود]. والا- امیرالمؤمنین که از کسی ملا-حظه ندارد؛ لازم بود شلاق بزند، لازم بود گردن بزند می زد؛ امیرالمؤمنین که از چیزی نمی ترسید؛ این معلوم می شود که به خاطر احترام به پیغمبر است آن آیه شریفه سوره مبارکه احزاب ظاهراً این جوری است؛ (وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أُزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا) (3) این که کسانی حق ندارند بعد از پیغمبر با ازواج پیغمبر ازدواج کنند به خاطر حرمت پیغمبر است به خاطر احترام به پیغمبر است بنابراین حتماً تعریض بایستی وجود نداشته باشد. حالا ما ممکن است به بعضی از زوجات پیغمبر ارادت بیشتری داشته باشیم به بعضی به خاطر یک جهاتی نه آن ارادت را نداشته باشیم؛ آن بحث دیگری است، اما نسبت زوجیت، به هر حال بایستی محفوظ باشد.

از جمله دیگر همسران پیغمبر هم که به نظر بنده مظلوم واقع شده اند، جناب ام سلمه؛ ایشان هم همین جور ام سلمه خیلی مقام بالایی دارد، خیلی رتبه معنوی بالایی دارد که هم در زمان پیغمبر این را می شود فهمید و هم بعد از پیغمبر می شود این را فهمید؛ این بزرگوار هم ناشناخته است در دنیای اسلام و

ص: 18

1- همان.

2- اهانت

3- سوره احزاب بخشی از آیه 35

ایشان هم مورد توجه قرار نگرفته حالا اگر کسانی همت کنند نسبت به جناب ام سلمه هم که امتیازاتی دارد- غیر از امتیاز زن پیغمبر بودن - و درباره ایشان هم کار بشود، تحقیق بشود، خیلی خوب است به هر حال ما متشکریم از جناب آقای اعرافی جناب آقای رفیعی و بقیه آقایانی که همکاری دارند در این قضیه و امیدوارم ان شاء الله اجرشان را از پیغمبر بگیرند؛ و مسلماً این کار مورد رضای رسول الله صلی الله علیه و آله است.

والسلام علیکم ورحمه الله

ص: 19

سخنرانی آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

«الحمد لله رب العالمین والصلاه والسلام علی خیر خلقه محمد صلی الله علیه و اله و علی آبائه الطیبین الطاهرین المعصومین لاسیما بقیه الله المنتظر - ارواحنا فداه - و لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم».

در ابتدا از برگزارکنندگان این همایش تشکر و قدردانی می کنم.

بحث در مورد ام المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام، جهات مختلف و ابعاد زیادی دارد که باهم متفاوت هستند. از ویژگی های این همایش، این است که برای بانوی بسیار والا مقام و مجاهدی تشکیل شده که برخی ها، خدمات برجسته او را به فراموشی سپرده اند. به همین جهت می توان او را مظلومه نام نهاد، در حالی که زندگی او می تواند الگوی بسیار ارزنده ای برای همه مجاهدان راه خدا باشد.

این بانوی بزرگوار از جمله کسانی است که مصداق بارز کلام امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه هستند؛ در آن جا که فرمودند: (لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهَا) اگر در مسیر هدایت همراه کم داشتید، وحشت نکنید!.

خدیجه کبری علیها السلام در آغاز کار در حمایت از پیغمبر صلی الله علیه و آله تک و تنها بود اما به مصداق این کلام وحشتی به خود راه نداد و تا آخر محکم ایستاد. او می گفت: «خدا با ماست» و کسی که خدا با اوست تنها نیست این بانوی بزرگوار مصداق بارز همین موضوع هست معروف است زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه بودند، هر زمان به خانه می آمدند و بدن نازنین شان بر اثر سنگ های دشمنان مجروح بود و این بانوی بزرگوار زخم های پیغمبر صلی الله علیه و آله را می بست و آن حضرت را دل داری می داد.

یکی از نشانه های مظلومیت این بانوی بزرگوار این است که تنها دوران

مشقت بار زندگی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را دید.

او هرگز زنده نماند تا دوران عظمت پیغمبر صلی الله علیه و آله را ببیند زمانی را که اسلام تمام جزیره العرب را فرا گرفته و بانگ لا اله الا الله همه جا بلند بود. تمام دوران سختی پیغمبر را تا آخر عمر دید، مخصوصاً در آن زمان که پیغمبر و مسلمانان، سخت در حلقه محاصره دشمنان گرفتار بودند حتی این بانوی بزرگوار زمانی چشم از جهان فرو بست که مسلمانان در حلقه محاصره بودند و به این ترتیب، دوران پیروزی و عظمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را که در جزیره العرب به اوج رسید و همه دشمنان در برابر او تسلیم شدند و بانگ توحید و الله اکبر تمام فضای حجاز را پر کرده بود را هرگز مشاهده نکرد. آری او با غم و اندوهی جانکاه چشم از جهان بر بست و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و دخترش فاطمه زهرا علیها السلام را داغ دار ساخت؛ در حالی که وظیفه خود را در حمایت از اسلام و همسرش انجام داده بود.

زویای زندگی این بانوی بزرگوار واقعاً مطالعه کردنی است و در هر زاویه اش، درس مهمی نهفته است. برخی تصور می کنند که او هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله چهل سال داشت و پیش از آن حضرت با دو نفر دیگر به نام های ابوهاله تمیمی و عتیق بن خالد ازدواج کرده و از آنان فرزندان نیز داشته، اما هر دو مسأله از نظر محققان و بزرگان تاریخ کاملاً منتفی و اشتباه هست. مطابق تحقیق دانشمندان بزرگ، تاریخ، او هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله دوشیزه ای 25 یا 28 ساله بوده و آن دو نفر که نام برده شد همسران خواهرش بودند و فرزندان هم که نام برده اند فرزندان خواهرش بودند بلاذری از علمای بزرگ اهل سنت در کتاب انصاب الاشراف می گوید:

خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله دوشیزه ای 28 ساله بود. (1)

دانشمند دیگری به نام ابن العماد حنبلی در کتاب شذرات الذهب نقل می کند:

ص: 21

1- نک: ج 1، ص 98.

خدیجه کبری علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله 27 ساله بود. (1)

البته گروه زیاد دیگری هم از علمای اهل سنت و شیعه، به این حقیقت اذعان کرده اند که ذکر نام همه به درازا می کشد.

خدیجه کبری علیها السلام در همان ایام جوانی آینده روشنی را در چهره پیغمبر صلی الله علیه و آله مشاهده می کرد، که هنگام ازدواج با آن حضرت، علی رغم نکوهش زنان قریش که چرا زن با شخصیت و ثروتمندی همچون او باید با فردی یتیم و به ظاهر فقیر ازدواج کند با افتخار خواستگاری ابوطالب برای پیغمبر صلی الله علیه و آله را پذیرفت و نکته جالب این که مهریه او نود مثقال طلا بود که حضرت خدیجه علیها السلام فرمود:

من نود مثقال طلای مهریه ام را خودم به محمد صلی الله علیه و آله هدیه می کنم که او به عنوان مهریه به من بدهد.

جالب تر این که وقتی یکی از حاضران در مجلس زبان به انتقاد گشود و گفت: «مگر مهریه را خود زن هم به خودش می پردازد؟» ابوطالب که مراسم خواستگاری را دنبال می کرد خشمگین شد و گفت: «اگر دامادی مثل محمد صلی الله علیه و آله باشد، سزاوار است بیش از این هم فداکاری و افتخار کنند».

این بانوی بزرگوار در تمام دوران زندگانش بعد از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که حدوداً ده سال بود دائماً مظلوم و در فشار بود داستان تولد حضرت زهرا علیها السلام را همگی شنیده اید که در هنگام وضع حمل هیچ یک از زنان به کمک حضرت خدیجه علیها السلام نیامدند تا این که چهار زن بهشتی در لباس انسان جدید به یاری او آمدند.

اضافه بر این ها فضایل بسیار زیادی برای خدیجه کبری علیها السلام ذکر کرده اند که گاهی 120 فضیلت نیز شمرده اند که بنده به سه تای آن ها اشاره می کنم:

1. پاک دامنی و عفاف او در عصر جاهلیت زبان زد خاص و عام بود. این، دوره عصر آلودگی زنان و داستان های زیادی در این باره وجود دارد.

ابن حجر عسقلانی می نویسد «کانت تدعی قبل البعث الطاهرة».

ص: 22

1- نک: ج 1، ص 14.

ابن هشام هم می گوید: «... و كانت تدعى فالجاهلية بالظاهرة لشدة عفافها و صيانتها».

2. فضیلت دیگری که ذهبی از علما و تاریخ نگاران اهل سنت در کتاب سیر اعلام النبلا آورده این است: «حضرت خدیجه علیها السلام ام المؤمنین و سرور سیده زنان عالم در زمان خود بود مناقبش بسیار است. او صاحب کمال، عاقل جلیل القدر پرهیزکار، سخاوتمند و از اهل بهشت است، کسی که پیغمبر صلی الله علیه و اله او را ستوده و بر دیگر زنانش برتری داده و او را بسیار بزرگ شمرده، به طوری که عایشه می گفت: «من به هیچ زنی مثل خدیجه رشک و حسد نبردم، به جهت این که پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از وفات خدیجه علیها السلام بسیار از او یاد می کرد». از جمله کراماتش این است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله پیش از او با زنی ازدواج نکردند و تا هنگامی هم که خدیجه علیها السلام زنده بود با دیگری ازدواج نکردند و هم چنین فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از او هستند و او بهترین همنشین برای حضرت بود». (1)

بنابراین او را ام الأئمه نیز می توان نامید؛ زیرا مادر حضرت زهرا علیها السلام بود.

3. عایشه بنت الشاطی از نویسندگان معروف اهل سنت در کتاب زینب علیها السلام قهرمان کربلا می گوید:

خدیجه دختر خویلد برترین زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و نزدیک ترین آن ها به ایشان و عزیزترین آن ها نزد آن بزرگوار بود بیست و پنج سال به تنهایی مورد مهر و احترام رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داشت (15 سال قبل و 10 سال بعد از بعثت) و هیچ زنی با او در این افتخار شریک نیست.

آن بانو در سال های پر مشقت نخستین اسلام در کنار حضرت محمد صلی الله علیه و اله بود و کمک حال و حامی شان بود و دشواری هایی را که حضرت از جانب قریش در راه رسالت شان می دیدند این بانو آسان می ساخت.

حضرت خدیجه علیها السلام پیش از همه به نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان آورد و چنان به حضرت علاقه داشت که حاضر بود در راه او جان خود را فدا کند.

ص: 23

1- نک: ج 2 ص 81.

مخالفت قریش بر اطمینان او می افزود ایمانش همچون کوه استوار بود و هنگامی که دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله را ساحر و یا مجنون می خواندند او با تمام وجود پیغمبر را دوست می داشت و راست گو می دانست و از او حمایت می کرد.

هنگامی که حضرت خدیجه علیها السلام در موقعیت سخت و پیچیده شعب ابی طالب قرار گرفت دیده از جهان فروبست و بعد از آن مرحله سخت تری از مبارزه با دشمن برای رسول خدا صلی الله علیه و آله شروع شد و حضرت نتوانستند در مکه بمانند و هجرت کردند در حالی که خاطراتی از نخستین همسر خود برجای گذاشتند و هیچ یک از زنان بعد از او نتوانستند محبت این یادگار عزیز پیغمبر را از قلب آن حضرت بیرون کنند و یا اندکی از آن بکاهند.

در این جا لازم می دانم به دو نکته مهم اشاره کنم:

1. متعصبان با تاریخ بازی کردند مخصوصاً عمّال بنی امیه این مسأله را به حد اعلا رساندند اند مرحوم علامه امینی می فرماید:

تمام کسانی که به نوعی با علی بن ابی طالب علیه السلام ارتباط، دوستی و علاقه داشتند عمّال بنی امیه سعی کردند که لکه ننگی به آن ها بچسبانند. از جمله ابوذر غفاری که مقامش در اسلام معلوم است و پیامبر صلی الله علیه و آله راست گویی و درست کاری اش شهادت داده اند. این ها می گفتند که ابوذر اشتراکی و کمونیست است؛ چون در سخنانش از کلمه «مال الله» استفاده می کند.

علامه امینی در ادامه می فرماید:

این بی خبران نمی دانند که این تعبیر در قرآن مجید آن جا که خداوند درباره بردگان می فرماید: (... وَ آتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ) (نور 33). اگر این کلمه نشانه اشتراکیت و کمونیسم هست، پس چرا در قرآن آمده؟ سپس ایشان با تحقیق در کتب مختلف، سخنان بسیاری از پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر شخصیت های برجسته را جمع آوری و عرضه نموده اند که از کلمه مال الله استفاده کرده اند؛ چون ابوذر غفاری علاقه خاصی به

امیر المؤمنین علیه السلام، داشت خواستند با چسباندن این وصله به ایشان، او را بد نام کنند.

در مورد خدیجه کبری علیها السلام نیز چنین کرده اند آن هایی که می خواستند برخی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله را برای بانو برتری دهند وصله چهل سالگی به ایشان چسبانده اند و این که قبلاً دوبار ازدواج کرده است؛ در حالی که پژوهشگران می گویند: آن روایات چهل سالگی و دو ازدواج قبلی ساختگی و دروغ است؛ ولی چون قصد داشتند برخی زنان دیگر حضرت را بر این بانوی بزرگوار برتری دهند سعی در ترویج چنین دروغ هایی داشته اند.

البته آن ها با این کار می خواستند وصله ای هم به پیامبر صلی الله علیه و آله بچسباندند و آن این که حضرت به خاطر مال و ثروت خدیجه کبری علیها السلام تن به ازدواج با زن چهل ساله ای داده که قبلاً دو بار ازدواج کرده است عمال بنی امیه با این دروغ ها هم قصد ضربه زدن به پیامبر صلی الله علیه و آله و هم قصد ضربه زدن به خدیجه علیها السلام را داشتند.

2. زندگانی خدیجه کبری علیها السلام واقعاً الگو برای همه زنان و مردان است. این که گفته می شود برای زنان و مردان هر دو الگوست تبعیت از قرآن مجید است. خداوند متعال در آیه 11 و 12 سوره مبارکه تحریم می فرماید:

(صَبَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا لِّلَّذِيْنَ ءَامَنُوْا اَمْرًاۗتَ فِرْعَوْنَۗ اِذْ قَالَتْ رَبِّ اِنِّىۡ لِيۡ عِنْدَكَۢ بَيِّنٰتٌۭ فِىۡ الْجَنَّةِ وَنَجِيۡنٍ مِّنۡ فِرْعَوْنَۗ وَ عَمَلِهٖۙ وَ نَجِيۡنٍ مِّنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيۡنَ * وَ مَرْيَمَ اِتَتْ عِمْرٰنَ الَّتِىۡ اٰخَصَّنٰتْ فِرْجَهَا فَنفَخْنٰ فِيْهِۙ مِّنۡ رُّوْحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمٰتِ رَبِّهَا وَ كُنْتِۙ وَ كَانَتْ مِّنَ الْقٰنِتِيۡنَ)؛

«و خدا برای کسانی که ایمان آورده اند زن فرعون را مثل می زند آن گاه که گفت: ای " پروردگار من برای من در بهشت نزد خود خانه ای بنا کن و مرا از فرعون و عملش نجات ده و مرا از مردم ستم کاره برهان " و مریم دختر عمران را که شرمگاه خویش را از زنا نگه داشت و ما از روح خود در آن دمیدیم؛ و او کلمات پروردگار خود و کتاب هایش را تصدیق کرد و او از فرمان برداران بود»

همسر فرعون به موسی علیه السلام ایمان آورد. لذا او را تهدید کردند و در بیابان زیر آفتاب سوزان خواباندند و روی سینه اش تخته سنگ قرار دادند، ولی تا آخر از ایمان به موسی علیه السلام دست برداشت قرآن می فرماید: زندگی آسیه زن فرعون برای مؤمنان اعم از زن و مرد الگوست.

مریم علیها السلام نیز الگوی دیگری برای مردان و زنان است و آن به دلیل استقامت وی در مقابل دشمنان بود بنابراین زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام واقعاً سر مشقی برای همه مردان و زنان مؤمن است. او در دوران تنهایی اسلامی و تنهایی پیامبر صلی الله علیه و آله، همه دار و ندارش را تقدیم پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام کرد و این درسی برای ماست که اگر روزی دشمنان جامعه ما را در فشار و تحریم های گوناگون سیاسی و اقتصادی قرار دادند، ایستادگی کنیم.

ص: 26

«الحمد لله رب العالمین وصلى الله على جميع الانبياء والمرسلين وسيما خاتمهم و افضلهم واهل بيته العظييين الانجيين، سيما بقية الله في العالمين بهم تتولى و من اعدائهم تتبرأ إلى الله».

مقدم شما آیات، حجج و بزرگواران این همایش را گرامی می دارم و از برگزارکنندگان این همایش عظیم حق شناسی می کنم. از خردمندانی که با ایراد مقال و یا ارائه مقاله بروزن علمی این همایش افزوده اند، سپاسگزارم و از ذات اقدس اله مسألت می کنیم به برکت ولی اش خیر و صلاح و فلاح امت اسلامی مخصوصاً شما عزیزان را به برکت دعای ولی اش مستجاب بکند و خیر دنیا و آخرت به همه شما مرحمت نماید.

این همایش گذشته از این که دارای صبغه دینی است، صبغه علمی و هم چنین چنین صبغه حقوقی نیز دارد؛ زیرا حقوق متقابل مادر و فرزند، ایجاب می کند که فرزند مادرش را بشناسد و بشناساند و براین پیوند مادر و فرزندى فخر کند. اگر فرمود: (وَ أَرْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ) و اگر فرمود: (حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ) و اگر حکومت توسعه موضوع در این جا سهم تعیین کننده دارد که دارد، و اگر نبود آیه (لَا أَنْ تَنْكِحُوا أَرْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ) همین آیه کافی بود. اگر توسعه موضوع در بخش های فراوان سهم تعیین کننده دارد در حقوق و عقوق متقابل فرزند و مادر هم سهمی دارد؛ و اگر (أَرْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ) هست که هست و اگر عقوق مادر مشروع نیست و اگر حقوق مادر لازم است و اگر اولین حق شناخت پاک دامنی مادری مادر هست ما در گرایش و همایش این کنگره عظیم دیر جنبیده ایم.

اما آن چه می توان در این گونه محاضر به عرض تان رساند اموری است:

است و بسته کجا می خواهی بروی؟ می خواهی تصدیق کنی باید برهان دستت باشد (أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَيَّ اللَّهُ إِلَّا الْحَقَّ). می خواهی تکذیب کنی باید برهان دستت باشد. چون ذات اقدس اله فرمود: (بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ). این اشاره به کفار است؛ چون با این که برهان دستش نیست، تصدیق می کند و بدون برهان تکذیب می نماید.

مؤمن دو طرفش بسته است و هر دو طرف دژ و دژبان دارد و آن دژبان این آیه است (إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا). این «مسئولاً» همین دژبان است. (أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَيَّ اللَّهُ إِلَّا الْحَقَّ) همین است. اگر بخواهی بگویی نه، باید برهان دستت باشد و گرنه مشمول آیه کریمه (بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ) می شوی.

این عصر عصر جاهلیت است و فرهنگ فرهنگ تقلید است و دلالی نه تحقیق و استدلال در چنین عصری حضرت خدیجه کبری علیها السلام عالمه، عابده، زاهده و موحد بود ما به چنین مادری فخر می کنیم درست است او دوازده معصوم و معصومه به بار آورده است ولی خود مادر ما هم هست؛ زیرا (أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتِكُمْ) هست.

خوب چه کسی آن روز او را موحد کرد؟ در کدام مکتب درس خواند؟ این حنفاء قبلاً این طور بودند این بخش همان فرهنگی است که وجود مبارک مادرمان خدیجه کبری علیها السلام آمد و فرهنگ عقلانیت را در فضای جاهلی اجرا کرد.

چون آن فرهنگ فرهنگ جاهلی بود، پس اقتصاد جاهلی هم داشتند؛ اقتصاد جاهلی در محدوده ربا دور می زند.

قرآن در این زمینه می فرماید: (فَأَذَّنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ). برای مثال، بانک ربوی حرب با خداست ولی کسی به آن اهمیت نمی دهد خوب این جاهلیت است. دیگر خداوند در سوره احزاب به ما گفته نه جاهلیت مدرن و نه جاهلیت کهنه: (لَا تَبْرَجَنَّ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى). در دوران جاهلیت، ربا از یک سوی یک پیمان تجاری و اقتصادی رسمی بود و از سوی دیگر و دامن فروشی یک تجارت

رسمی بود؛ لذا فرمود: (لا تُكْرَهُوا فَتْيَاتِكُمْ عَلَى الْبِعَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا).

حضرت خدیجه علیها السلام بر هر دو این ها خط بطلان کشید. ایشان که تجارت و مال فراوان داشت هم ربا را تحریم کرده بود و هم بغاء را؛ این کار مادر ماست. ایشان با وجود آن ثروت کلان نیازی نداشت که کالا مال التجاره از شام به مکه و حجاز ببرد، چون با ربا می توانست آسوده زندگی کند؛ ولی هم جلوربا را گرفت و هم به این آیه نیامده عمل کرد. پس هم فرهنگ را عوض ساخت و هم اقتصاد و طهارت را عوض کرد و به تحریم ربا عمل نمود. این کار مادر ما بود.

اگر این همه خضوع ائمه علیهم السلام در پیشگاه مادر را می بینید، نه این که مادر دوازده معصوم و معصومه هست؛ نه زیرا فاطمه بنت اسد نیز مادر دوازده امام بود، ولی این مقام را ندارد این سلام و عرض ادب خاصی که ائمه نسبت به حضرت دارند ما را به کرنش در مقابل این بانو موظف می کند بنابراین اگر بخواهیم ره آوردش چیست و ما نیز باید آن را امروزه انجام دهیم، تبدیل فرهنگ جاهلیت به فرهنگ عقلانی است تحریم بانک های ربوی و تحریم مراکز فساد در فضای مجازی و غیر مجازی اگر بخواهیم این مادر از ما راضی باشد، باید راه او را طی کنیم عقوق یعنی چه؟ مگر مرده و زنده دارد؟ همه به لطف الهی می دانید پدر و مادر حقی دارند و راهی را که رفته اند باید آن راه را ادامه دهیم تا عاق آن ها نشویم باید باور کنیم که (أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتِكُمْ) تنها این نیست که به زیارت برویم و «السلام عیلک» بگوییم؛ باید راه آن ها را برویم. وجود مبارک خدیجه کبری علیها السلام ویژگی های خاصی داشت، مثلاً طرف مشورت پیامبر صلی الله علیه و آله بود؛ مأموریت داشت منزل را نگه دارد و روزها غذا برای پیامبر صلی الله علیه و آله به غار حراء ببرد

او مال التجارة فراوانی را به برکت اشرف خویش (نه کارگری و کارمندی) به سودآوری تبدیل کرد. همان مردمی که آیه (إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا) آن ها را رام کرد «لهو» در آیه زمینه تجارت است و لذا ضمیر «الیها» مفرد آمده نه تشبیه و به تجارت باز می گردد، پس اصل تجارت است و خدیجه علیها السلام کل

جریان را در زمان جاهلیت رهبری کرد و عده ای هدایت شدند. او برای ما یک مریم ثانی است که در قرآن خداوند می فرماید: (اَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ). وجود مبارک خدیجه علیها السلام برای ما نه تنها مادر بلکه الگوست؛ زیرا کمال انسان در روح است. این روح اولاً مجرد است، ثانیاً مجرد نه مذکر است نه مؤنث، ثالثاً می تواند این مجرد را شکوفا کند لذا فرمود: (صَدَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوْا اَمْرًا تَّ نُوْحٍ وَ اَمْرًا تَّ لُوْطٍ). در آیه «للذین» آمده نه «لللاتی»، الگوی جامعه بد (نه زنان بد)، زن نوح علیه السلام است و الگوی جامعه بد- اعم از زن و مرد - زن لوط علیه السلام است؛ معلوم می شود که ذکوریت و انوئیت در کار نیست و مریم علیها السلام الگوی جامعه خوب است اعم از زن و مرد.

هیچ کمالی در اسلام، مشروط به ذکوریت و ممنوع به انوئیت نیست. رسالت و نبوت و رهبری کار اجرایی است و کمال نیست ولایت پشتوانه رسالت و نبوت است و همه محققان این را با برهان ثابت کرده اند. این ولایت مشروط به ذکوریت و ممنوع به انوئیت نیست؛ لذا می شود صدیقه کبری علیها السلام. مرحوم کلینی در جلد اول اصول کافی نقل می کند که جبرئیل بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله بر حضرت زهرا علیها السلام نازل می شد و مطالبی می گفت و وجود مبارک حضرت به خاطر می سپرد وقتی حضرت امیر علیه السلام به خانه می آمدند، برای ایشان املا می کرد و این می شد مصحف فاطمه علیها السلام. حضرت امیر علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: (لَقَدْ اَنْقَطَعَ بِمَوْتِكَ مَا لَمْ يَنْقَطِعْ بِمَوْتِ اَحَدٍ). بله وحی تشریحی بعد رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله قطع شد ولی وحی تکوینی و علم به غیب و ... مرتب هستند و ادامه دارند.

آن وحی و آن، علم تمام شدنی نیست؛ لذا ائمه علیهم السلام می فرمودند: «که علم ما تمام شدنی نیست» با این که خود وجود محدودی داشتند علم شان نامحدود بود. ولی خدا به علم الهی و به لدن وابسته است: (إِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ عَلِيمٍ). این علم لدنی، فقه و اصول و فلسفه و کلام نیست انسان این علوم را یا از استاد یاد می گیرد که لدنی نیست یا از کتاب یاد می گیرد که لدنی نیست یا از فرشته ها یاد می گیرد که لدنی نیست. لدن یعنی نزد. اگر برود و برود

بالا تا نزد خدا و هیچ واسطه ای نباشد، همه حجب نورانی خلق بشود (إِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ عَلِيمٍ). این دیگر تمام شدنی و خطا بردار نیست؛ خطیئه بردار هم نیست. در چنین فضایی، وجود مبارک خدیجه کبری علیها السلام آن راه ها را طی کرد و وجود مبارک امام صادق علیه السلام این سخنان را فرموده و ائمه ما این راه ها را به ما نشان داده اند. ذات مبارک اقدس اله در مورد زن فرعون چنین تعبیراتی دارد.

هیچ کمالی در دین مقدس اسلام مشروط به ذکوریت و ممنوع به انوئیت نیست مرجعیت یک کار اجرایی است آن چه فضیلت است، فقاقت هست و اجتهاد. زن می تواند در حد صاحب جواهر و یا حتی بالاتر باشد و شاگردانی تربیت کند که همگی مرجع شوند ولایت چیزی است که هم صدیقه کبری علیها السلام دارد و هم فاطمه معصومه علیهما السلام، البته با تفاوت مراتب. مادر ما ولی الله هست پس چرا به او اقتدا نکنیم و او را اسوه قرار ندهیم؟

این که ذات اقدس اله به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود به این ها بگو: «وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتِكُمْ»؛ یعنی شما بچه های یک چنین مادر هستید نه این که فقط به زیارت بروید این یک هشدار به عظمت بیت، است شما از این بیت تربیت شده اید و شناسنامه دارید چرا بچه های شیرخوارگاه به جایی نمی رسند؟ چون نمی دانند والدین شان کیست؟ چرا غالباً بچه های بیوت علمی به درجات علمی می رسند؟ چون شناسنامه دست شان هست

این آیه به ما می گوید: شناسنامه دارید و مادرتان این است. از آن طرف هم به ما شناسنامه داده اند هر کس به دنیا می آید والدینش برای او شناسنامه می گیرند، ولی وقتی بالغ شد، باید خودش شناسنامه جدیدی برای خودش بگیرد و شناسنامه طبیعی به درد او نمی خورد. حضرت اعلام کردند: (أَنَا وَعَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ)؛ یعنی ما حاضریم شما را به فرزندی بپذیریم؛ حالا وجود مبارک خدیجه کبری علیها السلام مادر ماست؛ پس خدیجه علیها السلام از دو منظر ما در ماست: یکی به حکم خدا در آیه (وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ) و دیگری این که حضرت فرمود بیاید

بچه های ما باشید خوب اگر حضرت را به پدری قبول کردیم، مادر ما که خواهد بود؟ ما مادر خود را باید انتخاب کنیم همان طور که پدرمان را انتخاب کردیم. پیامبر صلی الله علیه و آله مثل قرآن و بلکه حقیقت قرآن بودند که دو اثر دارد یک عده گمراه را گمراه تر و یک عده به راه را به راه تر می کند: (وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا). چطور قرآن عده ای را کورتر می کند. مگر این شمس، اعشا را کورتر نمی کند؟ کسی که مشکل گوارشی دارد، گلابی هرچه شیرین تر و آبدار تر باشد داد او را بیشتر در می آورد حال این تقصیر گلابی است یا تقصیر دستگاه گوارشی او طیب به او می گوید «دستگاه گوارشت ایراد دارد. خوب میوه شیرین نخور! این میوه درد تو را بیشتر می کند». ما اختیارمان به دست خودمان است که کدام یک از نه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله را به مادری انتخاب کنیم آن اولی به اختیار ما نبود ولی این اختیار با خودمان است.

ما در پذیرفتن (أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ) آزاد هستیم؛ اما با جان و دل قبول کردیم که ایشان پدر ما باشد وقتی وجود مبارک حضرت امیر علیه السلام را به پدری انتخاب کردیم، مادری که باید انتخاب بکنیم صدیقه کبری علیها السلام است و اگر حضرت رسول صلی الله علیه وسلم را به پدری انتخاب کردیم مادری که باید انتخاب کنیم باید خدیجه کبری علیها السلام باشد. آن اولی در اختیار ما نبود و گفتیم: «أَمْنَا وَ سَلَّمْنَا» ولی این دومی به اختیار خودمان است.

ما هر لحظه باید این حقوق فرزند و والدینی را بررسی کنیم و این که می فرماید: (حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا)، همین است.

وجود مبارک حضرت امیر علیه السلام را از جهاتی فرزند حضرت خدیجه علیها السلام محسوب می شوند؛ هم از جهت «وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتِكُمْ» که حضرت خدیجه علیها السلام أم المؤمنین است و هم این که فرزند ایشان محسوب می شد؛ چون در مقطعی از زندگی، در پرورشگاه ایشان تربیت شد، البته حضرت تربیت الهی داشتند. در کتاب صوت العدالة الانسانية آمده که در زمان جاهلیت یک گرانی در مکه رخنه کرد و زندگی بر جناب ابوطالب فشار آورد وجود مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله به عموهای شان فرمودند:

«گرانی به خیلی ها آسیب زده از جمله عمویم ابوطالب، بهتر است نزد ایشان رفته، به وی کمکی کنیم و کمی از بار سنگین مخارج را از دوش ایشان برداریم». وقتی این مسأله را با ابوطالب مطرح کردند فرمود: «دعی لی عقیلاً و خذوا من شتتم؛ عقیل پسر بزرگ و کمک حال من است پس بهتر است برای کمک به من در کنارم باشد. از دیگر فرزندان هر کدام را که خواستید همراه خود ببرید تا از این بار سنگین اقتصادی عائله کاسته شود».

اول کسی که سخن گفت پیامبر صلی الله علیه و آله بودند که فرمودند: «من علی را با خود می برم». البته این خواست خداوند است و ما نمی دانیم که گرانی و ارزانی برای چیست؟

زراره یکی از شاگردان ویژه امام صادق علیه السلام بود. جمعی به محضر حضرت رسیدند و حضرت در حضور آنان از زاره بد گفتند. وقتی خبر به او رسید، خدمت حضرت آمده عرض داشت: باین رسول الله! من که شاگرد مخصوص شما هستم و هر وقت بخواهم خدمت می رسم سبب این که در حضور آن از بنده بد گفتید چه بود؟» حضرت فرمودند: «زراره من در غیاب تو جانت را حفظ کردم. در بین آن اشخاص، عمال بنی عباس حضور داشتند و منتظر بودند تا از تو تعریف کنم و بهانه ای برای آسیب رساندن به تو به دست آن ها بدهم. شنیده ای که خضر کشتی را سوراخ کرد تا از گزند دشمنان سالم بماند؟ کار ما هم چنین است؛ گاهی آسیب می رسانیم که بماند وگرنه شما که پیش ما محترم هستی».

وجود مبارک حضرت امیر علیه السلام از همان ابتدا تحت تربیت پیامبر صلی الله علیه و آله بود. وقتی به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله آمد کودکی بیش نبود که تمام امور داخلی به عهده مادرمان خدیجه کبری علیها السلام بود. ما وقتی در تهران اولین سال درس خارج را از محضر آیت الله محمد تقی آملی استفاده می کردیم (ایشان شخصی بود که مرحوم آقا ضیاء در اجازه اجتهادشان از ایشان به کشف المجتهدین العظام و از مرحوم نایینی به صفوة المجتهدین العظام نام برده بودند)، برای اولین بار این

مطلب را از ایشان شنیدم که شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: «یا بن رسول الله علیه السلام چرا به پیامبر صلی الله علیه و آله ابوالقاسم می گفتند؟» حضرت فرمودند: «چون پسری داشتند که نامش قاسم بود و به همین سبب کنیه ایشان ابوالقاسم بود». عرض کرد: «یا بن رسول الله زدنی بیانا»؛ شما می دانید این جواب سؤال بنده نیست و من برای شنیدن این پاسخ نیامده ام». حضرت فرمودند: «حال که آماده شنیدن جواب هستی بگو ببینم مگر نه این است که علی علیه السلام تربیت شده مکتب پیغمبر صلی الله علیه و آله است؟» عرض کرد: «بله». فرمود: «مگر نه این است که شاگرد فرزند استاد هست؟» عرض کرد: «بله». فرمود: «مگر نه این است که علی علیه السلام قسیم النار و الجنة است؟». عرض کرد: «بله» فرمود: پس پیامبر صلی الله علیه و آله ابوالقاسم می شود».

خدیجه علیها السلام نه تنها ام المؤمنین فقهی است، ام المؤمنین فرهنگی ام المؤمنین اقتصادی و ام المؤمنین عفاف و حجاب نیز است. وقتی این ها را داریم دنبال چه می گردیم؟ شما عزیزان باید بدانید که خداوند سبحان، هر شخصی را استعدادی داده است. از آیه (ما مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ) معلوم می شود که تنها برای فرشته ها نیست؛ زیرا (النَّاسُ مَعَادِنَ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِصَّةِ). این اصل اول.

اصل دوم این که خداوند هر اندازه به ما نعمت داده ما مسئول هستیم: (لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ). ما هم به اندازه ای که می فهمیم، مسئول هستیم و به میزانی که نمی فهمیم مسئولیتی نداریم اگر به ما یک استعدادی داد و احساس کردیم که گاهی با صاحب جواهر کلنجر برویم و گاهی با صاحب کفایه و گاهی با شیخ انصاری و هر حرفی را به سادگی قبول نکنیم، پس در این صورت روحیه دلالی در ما نیست و روحیه تحقیق در ماست و معلوم می شود که مسئولیم همچنین اگر طلبه ای امام جماعت امام جمعه وکیل و یا قاضی بشود، بعید می دانم در قیامت بتواند جواب گو باشد.

این نهال فروشی غده ایست برای حوزه مراجع حوزه را تأمین می کنند. قبلاً مراجع 80-90 ساله چند نفر بودند و حوزه ها پر از محققانی بود که تالی تلو

مرجع بودند حوزه نجف و غیره را مرجعیت دینی حفظ می کند. دین مردم به مرجعیت است. اگر طلبه ای این هوش را در خود می بیند، باید این هوش را ارزان نفروشد. طلبه باید بداند که امام جماعت شدن امام جمعه شدن و قاضی شدن واجب کفایی است و وظیفه همه ماست که این ها و نظام و احتیاجات نظام را تأمین کنیم؛ ولی اگر کسی «الناس معادن کمعدان الذهب و الفضة» بود او هیچ جوابی در قیامت در پیشگاه خداوند نخواهد داشت. چنین شخصی باید در حوزه بماند و فقط و فقط تألیف و تدریس کند و شاگرد و مجتهد تربیت نماید حوزه باید چنین باشد باید بین خود و خدای خود این راه را داشته باشید و گرنه صفوة المجتهدین العظام و کهف المجتهدین العظام تربیت نمی شود.

ما الان غرق در نعمت هستیم این انقلاب صدها سؤال برای ما آورده که باید پاسخ دهیم. همه شما با تفسیر آشنا هستید. آن چه مرحوم طوسی در تبیان آورده مرحوم امین الاسلام با یک تنظیم خاصی در مجمع البیان آورده و کم تر چیز تازه ای در آن است چند قرن بعد از امین الاسلام مرحوم فیض تفسیر نوشت. بعد از فیض چهار صد سال حوزه خاموش بود وقتی قرآن مهجور باشد چه چیز می تواند جامعه را اداره کند؟ نگذاشتند یا نخواستیم یا غافل بودیم که چهار صد سال این قرآن متروک بود. بعد هم که مرحوم علامه آمد، اگر جنگ های جهانی اول و دوم و جریان مشروطه، نبود ایشان هم حداکثر یک مقدار بیش تر از صافی می نوشتند اما و ما ادریک المیزان المیزان کجا و صافی کجا؟

جنگ های جهانی اول و دوم چقدر برکت آورد؟ این ها یک غده سرطانی هستند. غده سرطانی چقدر برکت می آورد؟ صد ها دانشکده پزشکی به برکت سرطان تأسیس شده ما که در عالم شر بالذات نداریم، این ها شرّ بالعرض هستند. اگر مرض، نبود این همه سازمان پزشکی و وزارت درمان تأسیس نمی شد.

این انقلاب صدها مسأله دارد و صدها جواب می خواهد. دادن این جواب ها از طلبه ای که تنها امام جماعت و امام جمعه و... باشد، ساخته نیست. تنها از

طلبه زرین فکر برمی آید. اگر استعدادی در خود دیدید، جواب خدا را باید بدهید. البته با قناعت هم می شود زندگی آبرومندانه داشت ما بر زندگی مان باید مسلط. باشیم این پیام مادر ماست. آن شعب ابی طالب را مادرمان طی کرد.

اگر گفتیم کنگره بین المللی خدیجه علیها السلام یعنی این؛ یعنی با تحریم ساختن با دین ساختن و علیه تحریم قیام کردن خدا رحمت کند شهید مطهری را که گفته بود: قاتل حسین بن علی علیه السلام تنها شمر نبود. همان طور که می گوئیم: خدایا لعنت کن قاتل الحسین و شایعت و بایعت و تابعت این ها را هم می گوئیم امروز شبهه، علمی، شبهه عبائیه نایینی نیست. آن شبهه رخت بر بست. امروز شبهه مطرح شبهه کانت و هگل است که جوانان ما با سجاده وارد دانشگاه می شوند و بی نماز خارج می گردند. این سخن امام صادق علیه السلام که فرمود: (العالمُ بِرَمَانِهِ ، لا- تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللّوَابِسُ)، عکس نقیض هم دارد دیگر خود استدلال به عکس نقیض در کافی از وجود مبارک حضرت هست آن جا که می فرماید: (من هَجَمَتِ عَلَيْهِ اللّوَابِسُ فليس بعالم). بنابراین امیدواریم از این گونه کنگره ها علم صائب و عمل صالح نصیب همه ما بشود.

ص: 37

«و الصلاة والسلام على سيدنا و نبيتنا ابي القاسم المصطفى محمد صلى الله عليه و آله و على آله العطيين ، لاسيما بقية الله في العرضين».

خدا را شاکرم که به دوستان مان توفیق عطا فرمود که در راهی بسیار مقدس قدم گذارند و از همه برادران و خواهران ارجمند و نهادهای فاخر قم که در برگزاری این همایش سهیم بودند متشکرم حوزه خواهران جامعه الزهراء، جامعه المصطفی و مؤسسات تابعه این نهادها همه سهیم بودند. نویسندگان مقالات از خواهران و برادران ، اساتید، بزرگوار مراجع عظام رهبر عالی قدر و محققان و نویسندگان ارجمند هیأت علمی داوران و تهیه کنندگان این جلسه فاخر در صبح و بعد از ظهر و همه دوستانی که در یک سال در کسوت ها و کوشش های مختلف در خدمت این احیای مقدس بودند باید تشکر کرد به ویژه از برادر عزیز و بزرگوارمان جناب آقای دکتر رفیعی که خیلی زحمت کشیدند و خیلی همت ورزیدند و دوستان بزرگواری که با ایشان بودند و پشتیبانی کردند همه انشاء الله اجرشان با خداوند تبارک و تعالی این پدیده مبارک و زنده داشت نام مادر مؤمنان و مادر امامان و پرچم دار دفاع از رسالت را باید به شما تبریک گفت؛ به همه شما برادران و خواهرانی که همراه این کاروان حرکت کردید.

حضرت خدیجه کبری علیها السلام دارای زندگی پرفروغ و شخصیتی بسیار ممتاز و کم نظیر است. کسی که نام او در لیلۃ الاسرا و در معراج و در پیشگاه خدا به میان می آید و در آن گفت و گوی رویاروی پیامبر صلی الله علیه و آله با عالم غیب و لاهوت و ملکوت نامش ذکر می گردد که همین بالاترین افتخار هست. کسی که به واسطه جبرئیل و پیامبر صلی الله علیه و آله، مخاطب سلام خداوند قرار می گیرد و نام زیبای او در شب معراج

طنین می افکند و کروبیان و ملکوتیان از او یاد می کنند این نشانه عظمت است.

در محور اول، سخنانم به چند نکته درباره زندگی و ویژگی های خدیجه کبری علیها السلام و در محور دوم به چند نکته از زاویه دیگر اشاره خواهم کرد.

در محور اول نخستین نکته درجه معرفت ناب ایشان است. عصر جاهلیت بین 100 تا 200 سال عمر داشت؛ این دوره یعنی فروریزی تمام ارزش های متعالی و زیر و رو شدن ارزش های الهی و انسانی؛ یعنی به انحراف گراییدن همه گروه های اجتماعی و سقوط تمام آن چه از ابراهیم خلیل الرحمان و انبیای الهی به ارث رسیده بود؛ آن هم کجا؟ در پایگاه توحید و خانه خدا.

افراد معدودی در این دوره «حنفا» خوانده می شدند که غالباً از دودمانی پاک بودند و طوفان و امواج سهمگین جاهلی آن ها را غرق نکرد و چرخ های بی رحم انحراف ها و بت پرستی ها و آلودگی ها آن ها را پایمال نمود؛ مانند حضرت خدیجه علیها السلام که در برابر امواج سهمگین شرک و کفر و بت پرستی و فساد و فحشا و آلودگی ها ایستاد؛ زیرا دارای لایه های عمیق معرفتی و فکری بود.

قرآن کریم می فرماید: (إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَى). این قیام فرادای این بانوی بزرگ، جلوه معرفت ناب و گذر از همه تحلیل های سطحی عالم بود.

آن بانو در میان حنفای عصر جاهلیت مانند خورشید می تابید و معرفت او در حدی بود که بوی رسالت را استشمام می کرد از دواج ایشان با پیامبر صلی الله علیه و آله از دواج ساده ای نبود؛ نشانه ها و کدهای تاریخی اش را از قبل می دید. این روح خیلی بلند و نگاه عمیق آسمانی و راهبردی می خواهد که از این لایه ها عبور کرده ژرفای تاریخ را ببیند و بوی رسالت را استشمام کند. استشمام بوی رسالت کار هر کسی نبود. نبود این استشمام معرفت عمیق و تحلیل ناب می خواست؛ دست مایه ای از عالم ملکوت که باید در این وجود تجلی بکند تا بوی رسالت را استشمام نماید و وزش یک باد جدید از عالم ملکوت و عالم ملک را احساس کند.

نکته دوم این که خدیجه علیها السلام نقطه گذر از این جاهلیت به عصر نور و تمدن جدید و نقش آفرین این گذار است. آن بانو عنصر منفعل در این گذار نبود بلکه عنصر فعال بود؛ یعنی علاوه برداشتن شمع معرفت و عمق نگاه و تحلیل عمیق خود،

عنصری فعال در گذر از جاهلیت به دنیای جدید و جهان بعثت به شمار می آید.

او پرچم دار دوره گذار و انتقال از تاریکی ها به روشنایی ها بود و در گذر از فساد ها و آلودگی ها به بعثت پر فروغ پیامبر صلی الله علیه و آله ، عنصر فعال و نقطه وصل و اثرگذار بود.

این انتقال تاریخ بشر از جاهلیتی که بر جزیره العرب حاکمیت داشت و همه تمدن های عصر پیامبر صلی الله علیه و آله را در خود هضم کرده بود، یک انقلاب عظیم به شمار می آید انتقال از این جاهلیت به دنیای جدید، یک زایمان فوق العاده تاریخی محسوب می شد و امر ساده ای نبود. نبوت عظمت پیامبر صلی الله علیه و آله ، توفیقات الهی و پیدایش معدود انسان هایی بود که در آن دوره گذار و گذر جان فشانی کردند و عمل راهبردی از خود نشان دادند؛ لذا بشر اصلاً از یک وضعی به وضع دیگر منتقل شد انتقال تاریخ بشر از یک مرحله پست به یک مرحله بسیار باشکوه و پایه ریزی یک تمدن نوآن هم از بدترین نقطه عالم و منحط ترین جامعه.

حضرت خدیجه کبری علیها السلام قهرمان این میدان، نیز بود گزارش های دقیقی از سال های قبل از بعثت در دست نیست ولی کدهایی وجود دارد که به ما می گوید خدیجه علیها السلام خود را آماده این انتقال می کرد انتخاب ازدواج آن بانو با حضرت رسول صلی الله علیه و آله خیلی هوشمندانه و آگاهانه بود این ازدواج برای آماده سازی جامعه برای یک تحول بزرگ به شمار می آید. پس خدیجه علیها السلام یک پرچم برافراشته دوره گذار و حلقه انتقال. بود ایشان نگاه عمیق ملکوتی و راهبردی داشت در عصری که کسی هیچ نشانی حس نمی کرد.

نکته سوم این که خدیجه علیها السلام الگوی جدیدی از زن و خانواده بود؛ الگوی خانواده ای کاملاً متفاوت با دیگر خانواده ها. من این نوع خانواده ها را آرمانی می نامم؛ یعنی خانواده ای که در این شاخصه های معمولی و سطحی هضم نشده است. حضرت خدیجه علیها السلام و فاطمه علیها السلام و زینب سه حلقه و نگین درخشان تاریخ اسلام و الگوهای از پاکی و عصمت در عصری بودند که همه چیز ناپاک بود این طهارت و عصمت در خانه خدیجه علیها السلام تجلی یافت که فراتر از خانه های عادی بود

نکته چهارم این که حضرت خدیجه علیها السلام الگوی دارایی و حکمت الگوی، دارایی و معرفت و الگوی دارایی و جهاد و مقاومت بود. اصولاً تجمع ثروت و مال و همراه شدن شان با دانش و معرفت و مقاومت و جهاد مصادیق کمی دارد؛ ولی خدیجه کبری علیها السلام در سخت ترین دوران الگوی بی مثالی در جمع بین ثروت و معرفت و حکمت و جهاد و مقاومت به شمار می رفت جمع این ارزش ها دشوار است؛ زیرا طبیعت، ثروت، معمولاً تن آسایی و گریز از معرکه هاست. طبیعت تعلق به تمتعات مادی دور شدن از معرفت های آسمانی است، ولی این تضادها در این بانوی بزرگوار در آن زمان جمع شده بود.

نکته آخر این که خدیجه علیها السلام جلوه گاه انوار امامت بود و میراث همه انبیا و اولیای الهی از این زن پاک به عالم منتقل شده است. این یک طهارت ذاتی و طهارت اکتسابی می خواهد که هر دو در آن بانو جمع بود. ایشان در کنار رسالت قرار گرفت و پایگاه امامت و مادر مؤمنان شد.

ما زنده داشت برای بانوی بزرگوار گرفته ایم که تنها همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود که در چنین جایگاه رفیعی قرار گرفت و قله بلندی را احراز کرد. این زنده داشت چند جهت دارد یکی عرض سپاس و ادب و شکر است. همه ما مدیون این بانوی بزرگ هستیم و بر سر سفره این مادر نمونه نشسته ایم، پس باید سپاسگزار باشیم. مردان و زنان امروز در هر جای عالم باید از این بانو الهام بگیرند. این گرامی داشت تنها برای شیعیان نیست بلکه همه امت اسلام به شناخت و ویژگی های این بانو نیاز دارند.

نکته مهم دیگر این که بحث اعتقاد یا عدم اعتقاد به امامت در شیعه و سنی بسیار مهم است و با این که با همه وجود مدافع اصل نورانی امامت هستیم، اولیاء ما به ما آموخته اند که این را ابزاری برای خون ریزی و درگیری قرار ندهیم بلکه کار فرهنگی بکنیم.

متأسفانه در دنیای امروز کسانی می خواهند این دو جبهه را بر هم منطبق کنند، ولی به اعتقاد ما این دو جبهه بندی از هم جدا هستند. یکی جبهه بندی فکری و اعتقادی و بر اساس مسأله امامت است که در این جا باید آرام سخن

گفت و بحث کرد دیگری جبهه عنودانه و کینه ورزانه اقلیت کفرآلود و منحرف در برابر اصالت رسالت و گرایش خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ در حالی که همه مسلمانان آگاه به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله عشق ورزیده و برای اهل بیت جایگاه رفیعی قائل بوده اند.

این دو جبهه گیری امروز دوباره فعال شده و قدرت های بیگانه قصد دارند این دو معادله را بر هم منطبق کنند و ما می گوئیم که این دو منطبق نیستند. آن هایی که امروز در برابر مسلمانان چه شیعه و چه سنی ایستاده اند، دارای افکار انحرافی اموی هستند که گاهی در تاریخ ما جلوه گری می کند. البته گاهی کارهای علمی بسیار خطرناکی انجام می دهند.

گرایشی که امروز در جبهه های داعشی تجلی یافته انحراف از مسیر خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، تحریف فضیلت های اهل بیت علیهم السلام و تهمت زدن و بدل سازی است. امروز آنان در غالب پایان نامه ها رساله ها و تحقیقات کذایی در ام القرای، مدینه و جاهای مختلف دنیای اسلام فعالیت هایی را انجام می دهند تا فضایل این خاندان را کم اهمیت جلوه دهند.

این هر چهار ترفند شیطانی از این گروه اقلیت نادان را در برابر خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز خدیجه کبری علیها السلام شاهدهیم؛ مثل طرح بالا- بودن سن شان هنگام ازدواج با حضرت و یا این که قبلاً دوبار ازدواج کرده بودند و ... آنان قصد دارند شأن این بانوی بزرگوار را پایین بیاورند و با زدن تهمت ها و بدل سازی ها، سعی در کم فروغ کردن شخصیت ایشان دارند و نهایتاً قصدشان این است که این خورشید را در پس ابرها مخفی کنند؛ لذا با برگزاری چنین همایش هایی این ابرها را باید کنار بزنیم

آفرین بر شما و بر همه همه تلاش گران این عرصه که با همت خود در این زمینه کوشیدید چنین همایش هایی باید در سطح ملی و فراملی و با مشارکت همه مسلمانان معتقد به جایگاه این مادر مؤمنان انجام بشود. بنابراین کار بزرگی انجام شده ولی راه درازی در پیش است و از خداوند می خواهیم که به ما در این زمینه کمک بکند.

«الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين لاسيما بقية الله الاعظم ارواحنا فداء».

قبل از هر سخن، از برگزارکنندگان و مجریان این همایش نورانی تشکر می‌کنم؛ به ویژه از برادر عزیزم جناب آقای دکتر رفیعی که از مدت‌ها قبل در تدارک این محفل نورانی بودند.

تکریم و تعظیم ام‌المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام، کار بجا و شایسته‌ای است.

این بانوی یکی از شخصیت‌های ممتاز با فضیلت و بسیار تأثیرگذار در تاریخ اسلام است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در تجلیل از این شخصیت، در کنار سه بانوی دیگر تعبیرهای بلندی دارند؛ تعبیری که شیعه و سنی نقل کرده‌اند: «افضل النساء العالمين». وقتی حضرت می‌خواهند بهترین زنان جهان و جهانیان را نام ببرند ابتدا از حضرت خدیجه کبری علیها السلام و بعد دختر بزرگوارشان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، سپس مریم کبری و بعد آسیه یاد می‌کنند. هم‌چنین این چهار بانورا برترین زنان بهشت می‌دانند «افضل النساء اهل الجنة...»

نیز در برخی منابع اهل سنت مثل معجم طبرانی و مجمع البیان آمده که حضرت می‌فرمایند: (كَمَلَمِنْ الرَّجَالِ كَثِيرًا وَمِنْ النِّسَاءِ إِلَّا أَرْبَعَةً) این چهار زن در تاریخ بشریت، کامل‌ترین زنان جهان هستند. جالب این‌که منابع اصلی اهل سنت، صدر حدیث را آورده‌اند، ولی اسامی مبارک حضرت خدیجه علیها السلام حضرت فاطمه علیها السلام را از آخر حدیث حذف کرده‌اند.

این احادیثی که اشاره شد، خصوصاً حدیث اول و دوم، نشانه این است

که چهار زن در تاریخ بشریت به قله رفیع انسانیت دست یافته اند: حضرت خدیجه علیها السلام، فاطمه علیها السلام، مریم علیها السلام و آسیه علیها السلام.

کمالات شخصیت های بزرگ به دو بخش تقسیم می شود: کمالات اختیاری کمالات غیر اختیاری کمالات اختیاری نیز خود به دو بخش اختیاری اختصاصی و غیراختصاصی تقسیم می گردد.

کمالات غیراختیاری مثل فضایل ذاتی شخصیت های بزرگ است. شماری از شخصیت های بزرگ دارای فضایل ذاتی هستند؛ حالا ریشه این کمالات کجاست بحث مفصلی دارد که البته به تحلیل بنده از کمالات اختیاری سرچشمه می گیرد برای، نمونه امام صادق علیه السلام می فرمایند: (ثَلَاثُ خِصَالٍ مِّنْ رُّزُقِهَا كَأَنَّ كَامِلًا). (العقلُ، والجَمالُ، والفَصاحَةُ)؛ سه ویژگی وجود دارد که اگر این سه روزی فردی، شود او فرد کاملی است:

یکی قدرت درک و عقل دیگری داشتن جمال زیبا و سومی داشتن بیان فصیح و بلیغ این ها، طبیعی، ذاتی و سرشتی هستند. داشتن این فضایل دست خود شخص نیست که زیبا رو باشد و یا قدرت درک بالایی داشته باشد؛ البته ممکن است با خوردن فلان غذا یا انجام دادن فلان کار، حافظه را تقویت، کرد ولی کسی که قدرت درک ذاتی بالایی ندارد با این کارها نمی شود قدرت درک او را مثلاً تا حدّ قدرت درک بوعلی سینا بالا برد. این امکان پذیر نیست. فصاحت نیز همین گونه است.

البته مراد آن حضرت از این که می فرمایند: کسی که سه ویژگی عقل جمال و فصاحت را با هم داشته باشد به کمال رسیده»، کمال صفات غیراختیاری فرد است نه مطلق کمالات اختیاری و غیراختیاری

دسته دیگر از کمالات اختیاری است و انسان می تواند آن ها را کسب کند و یا کسب نکند؛ مانند عقاید درست اخلاق نیکو و اعمال نیک این ها کمالات اختیاری هستند؛ ولی همین کمالات به دو دسته اختصاصی و غیراختصاصی تقسیم می شود و آن چه قصد داریم در مورد آن صحبت کنیم، مربوط به کمالات

اختیاری و غیراختیاری خدیجه کبری علیها السلام است

در مورد کمالات غیر اختیاری آن بانو به همان ویژگی هایی که امام صادق علیه السلام بر شمردند می توان اشاره کرد؛ یعنی کمال عقل و جمال و فصاحت در روایات آمده است:

(كَانَتْ مِنْ أَحْسَنِ النِّسَاءِ جَمَالًا وَ أَكْمَلُهُنَّ عَقْلًا وَ أَتَمَّهُنَّ رَأْيًا)؛ ایشان دارای زیبایی و عقل کامل بوده اند. در مورد فصاحت و بلاغت نیز گفته شده که ایشان سروده های زیبایی در وصف رسول الله صلی الله علیه و آله داشته اند؛ سروده هایی که منسوب به ایشان است.

حضرت خدیجه علیها السلام یک سری کمالاتی نیز داشتند که اکتسابی و اختصاصی ایشان بود؛ مثل این که ایشان اولین زن مسلمان بود خوب اسلام آوردن ایشان اختیاری بود ولی این طور نیست که هر کسی بتواند اولین زن مسلمان باشد. این کمال اختیاری به آن بزرگوار اختصاص دارد.

امام کاظم علیه السلام در روایتی می فرمایند:

(سئلتُ ابي عن بدء الاسلام؛ از پدرم در مورد آغاز اسلام پرسیدم. ایشان فرمودند:

جبرئیل بر حضرت نازل شد در حالی که خدیجه علیها السلام و علی علیه السلام نزد ایشان حضور داشتند پیامبر صلی الله علیه و آله رو کرد به خدیجه علیها السلام و علی علیه السلام و فرمودند: (إِنَّ جِبْرَائِيلَ عِنْدِي وَ يَدْعُوكُمَا بِيَعْتِ الْإِسْلَامِ)؛ یعنی دعوت این دو بزرگوار به دعوت خود خداوند و به واسطه جبرئیل بوده است؛ فَأَسْلِمَا تَسْلَمًا، وَأَطِيعَا تُهْدَيَا). این اولین بیعت در تاریخ اسلام بود که جبرئیل آن را بیعت الاسلام نامید.

حضرت علی علیه السلام اولین مرد مسلمان و حضرت خدیجه علیها السلام اولین زن مسلمان بودند که در اسلام بر دیگر زنان سبقت داشتند امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند:

(لَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ أَنَا ثَالِثُهُمَا). این از ویژگی های خدیجه کبری علیها السلام به شمار می آید که به اختیار بوده و به ایشان اختصاص دارد

کمال اختیاری اختصاصی دیگر این است که آن بانو بزرگ ترین ثروتمند بود که تمام ثروتش را در راه خدا و برای ترویج اسلام هزینه کرد. در تاریخ داریم: (كَانَتْ أَكْثَرَ قُرَيْشٍ مَالًا) و در آیه (يَلْفِيهِمْ رِحْلَةُ الْبَيْتَاءِ وَالصَّيْفِ). این کاروانی که در دو فصل رفت و آمد و تجارت داشتند بخش اعظمش به حضرت خدیجه علیها السلام تعلق داشت رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«ما نفعني مال قط ما نفعني مال خديجة؛ هیچ مالی به اندازه مال خدیجه علیها السلام برای من نفع نداشت».

این که مال آن بانو تمام صرف ترویج اسلام، شد درست است؛ ولی این که گاهی شنیده می شود که اگر مال خدیجه علیها السلام و شمشیر حضرت علی علیه السلام نبود اسلام رواج نمی یافت درست نیست؛ زیرا مفهوم این سخن این است که اسلام به قدرت مال و زور شمشیر رواج یافت و این درست نیست؛ زیرا اسلام با منطق رواج یافته است بلکه شمشیر حضرت علی علیه السلام موانع را از سر راه برداشت و مال حضرت خدیجه علیها السلام هم به ترویج اسلام کمک کرد

پس این که خدیجه کبری علیها السلام به عنوان بزرگ ترین ثروتمند قریش، تمام اموال خود را در راه خدا و برای ترویج اسلام هزینه کرد از کمالات اختیاری اختصاصی آن بانو به شمار می آید.

خدیجه علیها السلام تنها زن یا نخستین زنی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله با او مشورت می کردند پیامبر صلی الله علیه و آله خود عقل کل بودند و کسی که به عقل کل مشورت می دهد باید خیلی اهل نظر و اهل فکر باشد در تذکرة الخواص آمده:

(كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُوَدُّهَا وَيَحْتَرِمُهَا وَيُشَاوِرُهَا فِي أُمُورِهِ كُلِّهَا)

پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان علاقه داشتند و به او احترام می گزاردند و در تمام امور از ایشان مشورت می گرفتند.

(وَكَانَتْ وَزِيرَةَ صِدْقٍ)؛ یعنی دستیار صادقی برای حضرت بودند و این خیلی مهم است. همچنین در تعبیر دیگری آمده (كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسْكُنُ)؛ یعنی سبب آرامش پیامبر صلی الله علیه و آله بودند.

فضیلت اختصاصی دیگر این که ایشان تنها زنی است که ادامه دهنده نسل پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می روند. حضرت فاطمه علیها السلام مادر همه امامان علیهم السلام و ادامه دهنده نسل پیامبر صلی الله علیه و آله فرزند این مادر بودند.

آن بانو کمالات اختیاری غیراختصاصی هم داشتند که بیشتر به درد ما می خورد؛ زیرا قابل الگوبرداری هستند از کمالات ذاتی و اختصاصی نمی توان الگو گرفت هر چند از جهاتی می توانند به انسان الهام بخش باشند، اما آن، کمالات به خود خدیجه کبری علیها السلام اختصاص دارند.

اما از کمالات غیراختصاصی ایشان یکی طهارت و پاکی آن حضرت است:

«كانت تدعى في الخاهلية طاهرة لتركها ما كنت تفعله نساء الجاهلية».

هم چنین در زیارت ائمه علیهم السلام می خوانیم:

(أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ).

این پاکی قابل الگوگیری است و مردان و زنان جهان می توانند از این ویژگی اختیاری الگو بگیرند.

صداقت و راست گویی یکی دیگر از ویژگی های خدیجه کبری علیها السلام بود. در روایات آمده است که جبرئیل خدمت رسول الله نازل شد و هنگامی که در نزد ایشان حضور داشت حضرت خدیجه علیها السلام از جلو آن ها عبور کرد. جبرئیل پرسید: «من هذه يا محمد؟» حضرت پاسخ دادند: «هذه صدیقة امتی» صدیقه مبالغه در صدق است. جبرئیل گفت: «عند معی رسالة من ربی، تقرأها السلام و تبشرها بأن لها بیت فی الجنة»؛ «شما از طرف خدا به او سلام برسان و خانه ای در بهشت را نیز به ایشان بشارت بده» صدیقه از صداقت می آید و صداقت قابل الگوگیری است

هم چنین به ایثار و نفاق می توان اشاره کرد. اموال آن بانو را تا هشتاد هزار شتر گفته اند و هم چنین چهار هزار غلام و کنیز داشته که همه این اموال و غلامان را در راه خدا دادن کار ساده ای نیست این نیز قابل الگوگیری است، البته هر کس به اندازه توانش

دفاع از اسلام و ارزش های اسلامی کمال اختیاری دیگر ایشان است. در آن دوران، غربت دفاع از اسلام ارزش های اسلامی و فرهنگ و عقاید اسلامی بسیار، اهمیت داشت که در این روزگار و انفسای فرهنگی می توانیم از آن الگو بگیریم.

مدیریت اقتصادی خوب و دقیق ایشان نیز از فضایل غیر اختصاصی به شمار می آید که این منافاتی با زن بودنش ندارد.

مسأله دیگر ازدواج حضرت (نوع ازدواج و شرایط انتخاب همسر) است که از فضایل اکتسابی غیر اختصاصی این بانوی بزرگوار به شمار می آید. ایشان در مورد انتخاب پیامبر صلی الله علیه و آله و به همسری خود عرض می کند:

(يَا بَنَ عَمٍّ! إِنِّي قَدْ رَغِبْتُ فِيكَ لِقَرَابَتِكَ وَ شَرَفِكَ فِي قَوْمِكَ وَ أَمَانَتِكَ عِنْدَهُمْ وَ حُسْنَ خُلُقِكَ وَ صِدْقَ حَدِيثِكَ)

وقتی زنی می خواهد فردی را به شوهری خود انتخاب کند باید این ها از میزان ها و معیارهایی باشد که در انتخاب خود لحاظ می کند. البته این چنین نبود که او خواستگاری نداشته بلکه در تاریخ آمده است:

(وَ كُلَّ قَوْمٍهَا قَدْ كَانَ حَرِيصًا عَلَى تَرْوِيجِهَا).

ولی ایشان به رسول خدا صلی الله علیه و آله می گوید که به این دلیل این ویژگی هایی که داشتید انتخاب کردم این شاخص ها می تواند در انتخاب همسر سر الگو باشد.

چکیده

با وجود اهمیت جایگاه و نقش حضرت خدیجه علیها السلام در تاریخ اسلام پژوهشگران کم تر به تدوین حیات و زندگانی آن حضرت توجه کرده اند؛ شاید دلیل عمده، آن پراکندگی و کمبود گزارش ها درباره ایشان باشد با توجه به این کاستی این نوشتار با استناد به منابع و متون متقدم، تاریخی حدیثی و تفسیری - اغلب پیش از قرن هفتم هجری - حیات و زندگانی این بانورا کاوش و بررسی می کند. سعی شده تا حد، امکان دوره های مختلف حیات آن حضرت با روش، تاریخی در ساختاری به ترتیب تاریخی و منسجم، گردآوری شود تا تصویری مستند برای پیگیری حیات آن حضرت و تدوین سیره آن بزرگوار به دست آید

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، زیست نامه، پیامبر اسلام، دختر خویلد.

خانواده و ولادت

حضرت خدیجه علیها السلام دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی ابن قصی بود (1) پدرش از بزرگان و اشراف طایفه بنی اسد، یکی از طوایف مشهور قریش، به شمار می آمد. شواهد تاریخی نشان می دهد خویلد در میان قریش دارای نفوذ بوده است. او در حوادثی مانند مقابله با حاکم یمن که درصدد بود حجر الاسود را از

ص: 49

مکه به یمن منتقل کند نقش بارزی ایفا کرد و در مقابل او ایستاد. (1) هم چنین خویلد در حفر و احیای زمزم عبدالمطلب را یاری رساند. (2) گفته شده که وی قبل از جنگ فجار (3) از دنیا رفت. (4) برخی هم گفته اند در این جنگ کشته شد. (5)

مادر حضرت خدیجه علیها السلام فاطمه دختر زانده بنت اصم (6) از قبیله بنی عامر بود. (7) خدیجه علیها السلام پانزده سال قبل از عام الفیل به دنیا آمد. (8) او دو خواهر به نام های هاله و رفیقه و سه برادر به نام های، عوام حزام و نوفل داشت. نوفل به «اسد قریش» معروف بود. (9) ورقه بن نوفل و حکیم بن حزام برادرزاده های او نیز شخصیت های معروف بنی اسد در صدر اسلام به شمار می رفتند ورقه که کیش مسیحی داشت. (10) همان کسی بود که طبق منابع سیره، به خدیجه علیها السلام خبر داد که همسرش به نبوت خواهد رسید. (11) حکیم بن حزام از اعضای دارالندوه قریش به شمار می رفت. (12) همو دارالندوه را در زمان حکومت معاویه از وی خرید (13) برادرزاده دیگر خدیجه یعنی زبیر بن عوام (م 36) که پسر عمه رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بود، جزو مسلمانان پیشگام به شمار می رفت. دو فرزند وی به

ص: 50

-
- 1- البدایه والنهایه، ج 2، ص 296؛ ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 268
 - 2- معجم البلدان، ج 3، ص 149
 - 3- جنگ فجار یا جنگ گناه یا فسق مجموعه جنگ هایی بود بین کنانه و قریش از یک سو و قیس العیلان از سوی دیگر در ماه های حرام اتفاق افتاد این جنگ ها در هنگام نوجوانی و جوانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اتفاق افتاد (رك: السیره النبویه، ج 1، ص 184).
 - 4- البدایه والنهایه، ج 2، ص 296
 - 5- امتاع الاسماع، ج 1، ص 18
 - 6- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 189؛ انساب الاشراف، ج 1، ص 396؛ الذریه الطاهره، ص 44؛ الاستیعاب، ج 4، ص 1817.
 - 7- انساب الاشراف، ج 1، ص 396؛ اسدالغابه، ج 3، ص 760.
 - 8- الاستیعاب، ج 1، ص 35؛ تذکره الخواص، ص 271.
 - 9- جمهره انساب العرب، ص 120-121.
 - 10- بیهقی، دلائل النبوه، ج 2، ص 127
 - 11- سد الغابه، ج 4، ص 671
 - 12- الانساب، ج 1، ص 214.
 - 13- الاستیعاب، ج 1، ص 262

نام های عبدالله و عروه نیز افراد سرشناس در قرن اول هجری به شمار می رفتند. عبدالله برای مدتی خلافت زبیریان را در حجاز و عراق برپا کرد و عروه (م 99) از فقهای طراز اول مدینه بود. (1)

حیات خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با حضرت محمد صلی الله علیه و اله

بررسی های تاریخی نشان می دهد گزارشی در مورد حیات حضرت خدیجه علیها السلام در دوران کودکی و جوانی وجود ندارد. در مجموع گزارش های حیات آن حضرت قبل از ازدواج با حضرت محمد صلی الله علیه و آله به ازدواج ها و پیشه ایشان محدود می شود. بر پایه گزارش های سیره نویسان آن بانو پیش از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله دویار ازدواج کرده اما میان ترتیب این ازدواج ها اختلاف نظر است؛ برخی گفته اند ابتدا همسرایی هاله هند بن نباش از تمیم بود که از او پسری به نام هند به دنیا آمد. بعد از وی با عتیق بن عائذ مخزومی ازدواج کرد و از وی طلاق گرفت. (2) از وی نیز دختری به نام هند داشت. (3) برخی گفته اند ابتدا همسر عتیق مخزومی بود. (4) ابی هاله که در مکه از دنیا رفت (5) از قبیله تمیم (6) از هم پیمانان بنی عبدالدار بود. (7) البته بعضی معتقدند که خدیجه علیها السلام پیش از رسول خدا صلی الله علیه و آله با کسی ازدواج نکرده اند؛ مانند ابن شهر آشوب به نقل از بلاذری، کوفی و سید مرتضی. (ان النبی تزوج به و کانت عذراء) (8) ابوالقاسم کوفی می گوید:

ص: 51

-
- 1- الانساب، ج 1، ص 216-217.
 - 2- انساب الاشراف، ج 1، ص 406، المحبر، ص 78؛ 452.
 - 3- انساب الاشراف، ج 1، ص 407؛ تذکره الخواص، ص 271.
 - 4- المعارف، ص 133، المعرفه والتاریخ، ج 3، ص 268، شرح الاخبار، ج 3، ص 15؛ البدء والتاریخ، ج 5، ص 10 الاستیعاب، ج 4، ص 1817؛ اعلام الوری، ج 1، ص 274؛ اسد الغابه، ج 6، ص 79.
 - 5- المعارف، ص 133؛ الذریه الطاهره، ص 46
 - 6- جمهره انساب العرب، ص 210.
 - 7- الذریه الطاهره، ص 46
 - 8- مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 138

خدیدجه علیها السلام خواهری به نام هاله داشت که با مردی از طایفه مخزوم ازدواج کرد و دختری به نام هاله آورد. سپس با مردی از بنی تمیم ازدواج کرد به نام ابوهند که برای او هند را به دنیا آورد آن مرد تمیمی زن دیگری داشت که زینب و رقیه را به دنیا آورد و سپس درگذشت. پس از مرگ مرد، تمیمی فرزندش هند به قبیله تمیم پیوست ولی هاله خواهر حضرت خدیجه و دو فرزندش که تنها مانده بودند نزد خدیجه علیها السلام زندگی می کردند، پس از ازدواج خدیجه علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله هاله از دنیا رفت و خدیجه علیها السلام دو دختر او را عهده دار شد و چون عرب ها ریبیه (دختر خوانده) را در حکم دختر می دانستند از این رو به دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و مشهور شدند. (1)

درباره پیشه حضرت خدیجه علیها السلام نیز گزارش هایی در منابع به صورت گذرا وجود دارد و به فراوانی مال و دارایی و تجارت پیشگی او اشاره شده است (2) گزارشی که نشان دهد وی خود به مسافرت های تجاری می رفته در دست نیست اما گزارش ها نشان می دهد که مال و کارگزارانش را در خدمت تاجران قرار می داد تا بدین گونه به صورت مضاربه از اموال و مال التجاره اش کسب درآمد کند. همکاری تجاری خدیجه علیها السلام با حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز با توجه به همین پیشه خدیجه علیها السلام شروع شد. وقتی او از راست گفتاری امانت داری و اخلاق نیکوی حضرت محمد صلی الله علیه و آله اطلاع یافت به آن حضرت پیشنهاد همکاری داد و آن حضرت نیز پذیرفتند (3) برخی گفته اند ابوطالب این پیشنهاد را مطرح کرد. (4)

یعقوبی این همکاری را نفی می کند. به گفته وی، این که مردم می گویند خدیجه علیها السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله را اجیر گرفته بود درست نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز برای کسی اجیر نشد (5) به همین دلیل، یعقوبی گزارشی از تجارت پیامبر صلی الله علیه و آله برای خدیجه علیها السلام گزارشی نیاورده است. البته از سوی پژوهشگران معاصر نیز به

ص: 52

1- الاستغاثه، ج 1، ص 64.

2- الذریه الطاهره، ص 47

3- الذریه الطاهره، ص 47، اسد الغابه، ج 6، ص 80

4- الخرائج و الجرائح، ج 1، ص 140؛ امتاع الاسماع، ج 1، ص 16.

5- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 21

این سفرها تردید وارد کرده اند. (1)

به گفته حکیم بن حزام اولین همکاری تجاری بین خدیجه علیها السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و اله، به دعوت آن بانو صورت گرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله همراه میسره غلام خدیجه علیها السلام به بازار حبشه برای خرید البسه نظامی رفتند که از آن سود زیادی کسب شد. (2) سفر تجاری دوم همراه با میسره به شام بود. این مسافرت در ماه ذی حجه سال 25 عام الفیل در حالی که حضرت محمد و 25 ساله بودند اتفاق افتاد. (3) این سفر به دلیل اتفاقاتی که در آن رخ داد، دارای اهمیت است. در این سفر رسول خدا صلی الله علیه و آله زیر درختی نشستند راهب نسطوری که احتمالاً راهب بصری (4) بود به میسره گفت که وی نبی است؛ زیرا پیش از آن کسی غیر از عیسی بن مریم علیه السلام زیر آن درخت ننشسته بود (5) طبق برخی گزارش ها این بشارت نبوت زمانی به میسره داده شد که راهب ابری را مشاهده نمود که بر حضرت محمد صلی الله علیه و سلم سایه می کرد. (6) در برخی از گزارش ها، از دو ملک سخن رفته است که بر آن حضرت سایه افکنده بودند. (7) از دیگر اتفاقاتی که میسره در این سفر گزارش داده این بود که در هنگام هم طعام شدن با حضرت هر دو سیر می شدند اما از غذا چیزی کاسته نمی شد. (8) میسره هنگام بازگشت آن چه را از ویژگی های اخلاقی (9) مانند صداقت گفتار امانت داری و اخلاق کریمانه (10) حضرت دیده بود برای خدیجه علیها السلام با زگو کرد. (11) آن بانو گفته های میسره را برای

ص: 53

-
- 1- اخبار و آثار ساختگی، ص 252.
 - 2- امتاع الاسماع، ج 1، ص 15-16
 - 3- همان، ص 17
 - 4- همان.
 - 5- المحبر، ص 77-78.
 - 6- التنبيه والاشراف، ص 197
 - 7- ابن هشام، السيره النبويه، ج 1، ص 238.
 - 8- المحبر، ص 77-78
 - 9- اسد الغابه، ج 6، ص 80
 - 10- امتاع الاسماع، ج 1، ص 17.
 - 11- ابن اسحاق، السيره النبويه، ج 1، ص 129؛ انساب الاشراف، ج 1، ص 106؛ التنبيه والاشراف، ص 197؛ اسد الغابه، ج 6، ص 80؛ امتاع الاسماع، ج 1، ص 17؛ بحار الانوار، ج 16، ص 9.

ورقه بن نوفل بازگفت و از ورقه این بشارت را شنید که حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيٌّ خَوَاهِدُ بُوَد. (1)

گزارش‌ها نشان می‌دهد که توصیفات میسر در علاقه مندی خدیجه علیها السلام به حضرت محمد صلی الله علیه و آله دخیل بوده است؛ از این رو خدیجه علیها السلام به آن حضرت پیشنهاد ازدواج داد. (2) تفصیلی‌ترین گزارش در این باره از آن عمار یاسر است. وی در این گزارش خود را آگاه‌ترین فرد به ماجرای این ازدواج معرفی می‌کند. عمار می‌گوید:

من و رسول خدا صلی الله علیه و آله در حزوره (بازار کنار کعبه) بودیم که خواهر خدیجه علیها السلام نزد من آمد و گفت: «آیا رفیقت به ازدواج با خدیجه تمایل دارد؟» وقتی با رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان گذاشتم، ایشان تمایل نشان دادند. (3)

یعقوبی که همکاری تجاری بین خدیجه علیها السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را قبول، ندارد این ماجرا را از زبان عمار با محتوای مذکور نقل کرده است. (4)

گزارش‌هایی در منابع تاریخ و سیره وجود دارد که گویا خدیجه علیها السلام می‌دانسته که پدرش با این ازدواج موافق نیست؛ لذا سعی کرده به گونه‌ای موافقت وی را حاصل کند گزارشی که در آن خدیجه علیها السلام برای جلب رضایت پدرش بدو مشروب خوراند تا با ازدواج او با حضرت محمد صلی الله علیه و آله موافقت کند، با توجه به این که پدرش در قید حیات، نبود درست نیست (5) مقریزی هم این گزارش را نمی‌پذیرد؛ چون خویلد در فجار کشته شده بود. (6)

ص: 54

1- السیره النبویه، ج 1، ص 238؛ البدایه والنهایه، ج 2، ص 296.

2- السیره النبویه، ج 1، ص 129؛ انساب الاشراف، ج 1، ص 106؛ التنبیه و الاشراف، ص 197؛ شرح الاخبار، ج 3، ص 16؛ اسد الغابه، ج 6، ص 80؛ امتاع الاسماع، ج 1، ص 17.

3- دلائل النبوه، ج 2، ص 71.

4- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 20.

5- الطبقات الکبری، ج 1، ص 133.

6- امتاع الاسماع، ج 1، ص 18.

برخی گزارش های دیگر نشان می دهد که خدیجه علیها السلام به حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیشنهاد داد که وی را از عمویش عمرو بن اسد خواستگاری کند. (1) بنابراین در این که خواستگاری از پدر یا عموی خدیجه علیها السلام صورت گرفته، اختلاف گزارش وجود دارد گزارش ها در این خصوص که برای خواستگاری نزد عموی او رفتند فراوانی بیش تری دارد. (2) برخی از تاریخ نویسان و سیره پژوهان با یادآوری کشته شدن خویلد در جنگ های، فجار معتقدند خواستگاری نزد عموی خدیجه علیها السلام صورت گرفت. (3)

این که چه کسی با حضرت محمد صلی الله علیه و آله به خواستگاری خدیجه علیها السلام رفت، اسامی دو تن از عموهای آن حضرت یعنی ابوطالب و حمزه در روایات آمده است (4) برخی هم گفته اند که عموهای آن حضرت و بزرگان بنی هاشم حضور داشته اند. (5) حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حمزه، گوسفندی را برای جلسه خواستگاری ذبح (6) گزارش ها حاکی از آن است که خطبه عقد را ابوطالب خواند. (7) متن خطبه در منابع ذکر شده است. (8) در پی آن ابوطالب مردم را اطعام کرد. (9) مهریه حضرت خدیجه دوازده اوقیه بود (10) برخی هم گفته اند مهریه وی دوازده و نیم اوقیه (چهل درهم) است؛ (11) بنابراین مهریه ایشان 480 یا پانصد درهم بوده و بنابر گزارش دیگری، بیست شتر (بکره) بوده است. (12) رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از ازدواج با

ص: 55

1- المحبر، ص 780

2- الکامل، ج 2، ص 400. امتاع الاسماع، ج 1، ص 180

3- تذکره الخواص، ص 271؛ الاستیعاب، ج 4، ص 1817

4- ابن حبیب، المحبر، ص 78؛ کافی، ج 5، ص 374؛ اسدالغابه، ج 6، ص 80

5- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 20؛ تذکره الخواص، ص 272

6- المحبر، ص 78

7- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 20

8- کافی، ج 5، ص 374

9- همان، ص 375

10- الذریه الطاهره، ص 52؛ امتاع الاسماع، ج 1، ص 17-18

11- السیره النبویه، ج 1، ص 190 - ج 2، ص 643؛ امتاع الاسماع، ج 1، ص 17-18

12- السیره النبویه، ج 1، ص 190 و ج 2، ص 643.

خدیجه علیها السلام به خانه وی نقل مکان کردند (1).

زمان دقیق ازدواج مشخص نیست ولی برخی از تاریخ نویسان ، ماه صفر سال 2 عام الفیل را زمان ازدواج دانسته اند. (2) از برخی گزارش ها استنباط می شود که روز 25 صفر بوده است. (3) خدیجه علیها السلام بنا بر اغلب گزارش ها هنگام ازدواج چهل سال داشت. (4) اما قول 28 ساله بودن ایشان نیز در منابع معتبر اولیه آمده است؛ از جمله دولابی که به آن اشاره می کند (5) درباره سن پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بیش تر گزارش ها بر 25 سالگی ایشان تأکید دارند (6).

حیات خدیجه علیها السلام پس از ازدواج

گزارش های اندکی درباره حیات حضرت خدیجه علیها السلام پس از ازدواج تا زمان بعثت وجود دارد منابع سیره و تاریخ نیز به صورت عموم در این مورد سکوت کرده اند. از لابه لای گزارش ها به بخش هایی از حیات حضرت خدیجه علیها السلام در این دوره تاریخی می توان دست یافت قابل اعتنا ترین گزارش ها درباره فرزندان ایشان است که اغلب در این دوره به دنیا آمدند. این که چه تعداد فرزندان قبل از بعثت به دنیا آمده اند اتفاق نظری وجود ندارد. (7) برخی به قبل از بعثت و (8) برخی به پس از بعثت اشاره کرده اند. (9) در این که اولین فرزند چه کسی بوده اتفاق نظر نیست؛ برخی زینب و برخی دیگر قاسم را گفته اند. (10) اختلافی در تعداد

ص: 56

1- اخبار مکه و ما جاء فیها من الاثار، ج 1، ص 199.

2- الاستیعاب، ج 1، ص 35؛ امتاع الاسماع، ج 1، ص 17.

3- امتاع الاسماع، ج 1، ص 17.

4- انساب الاشراف، ج 1، ص 107؛ المحبر، ص 9؛ الطبقات الکبری، ج 1، ص 105.

5- الذریه الطاهره، ص 52

6- السیره النبویه، ج 1، ص 187؛ انساب الاشراف، ج 1، ص 107؛ الطبقات الکبری، ج 1، ص 105؛ الاستیعاب، ج 1، ص 38.

7- الذریه الطاهره، ص 67؛ انساب الاشراف، ج 1، ص 405؛ الکافی، ج 3، ص 218

8- الذریه الطاهره، ص 67

9- انساب الاشراف، ج 1، ص 405؛ تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 20؛ الکافی، ج 3، ص 218.

10- الاستیعاب، ج 4، ص 1818.

و اسامی دختران وجود ندارد اما در تعداد و اسامی پسران اختلاف نظر است. این اختلاف شاید از آنجا ناشی شود که پسران همگی در خردسالی از دنیا رفتند. در مجموع گزارش های تاریخی متفقند که پسری به نام قاسم (1) داشته که حضرت محمد صلی الله علیه و اله کینه خود را از آن گرفتند (2) حتی برخی گفته اند خدیجه پسری جز او نداشت. (3) قاسم کم تر از دو سال یا تا زمانی که شروع به راه رفتن کرد، (4) زنده بوده (5) و بنابر اغلب گزارش ها پیش از بعثت از دنیا رفت. (6) اما به روایت دولابی (7) و کلینی، (8) او بعثت را درک کرده است. پسر دیگر عبدالله نام داشته که در طفولیت (9) و در پی قاسم درگذشت. (10) به گفته بلاذری عبدالله، «طیب و طاهر» خوانده شده چون در اسلام به دنیا آمد. (11) ابن عبدالبر می گوید:

این قول که طیب و طاهر همان عبدالله، هستند قول زیبر و اکثر اهل نسب است بنابراین او داری سه اسم عبد الله، طیب و طاهر بوده است. (12)

بر اساس گزارش ها عبدالله پس از بعثت به دنیا آمد. (13) برخی طیب و طاهر را اسامی دو فرزند دیگر خدیجه علیها السلام دانسته اند. (14) ابن اسحاق بدون نام بردن از، عبدالله از دو فرزند به نام های طیب و طاهر نام برده (15) و برخی هم یکی از این

ص: 57

-
- 1- البدء و التاريخ، ج 5، ص 16؛ الاستيعاب، ج 4، ص 1818.
 - 2- انساب الاشراف، ج 1، ص 396.
 - 3- اسد الغابه، ج 6، ص 81.
 - 4- همان، ج 4، ص 1818.
 - 5- انساب الاشراف، ج 1، ص 396.
 - 6- السيره النبويه، ج 1، ص 190؛ الذريه الطاهره، ص 67.
 - 7- الذريه الطاهره، ص 67.
 - 8- کافی، ج 3، ص 218.
 - 9- الاستيعاب، ج 4، ص 1818.
 - 10- الاستيعاب، ج 4، ص 1818.
 - 11- انساب الاشراف، ج 1، ص 405.
 - 12- الاستيعاب، ج 4، ص 1819.
 - 13- انساب الاشراف، ج 1، ص 405؛ تاريخ يعقوبی، ج 2، ص 20.
 - 14- ابن اسحاق، السيره النبويه، ج 1، ص 130؛ ابن هشام، السيره النبويه، ج 1، ص 190؛ تاريخ طبری ج 2 ص 281.
 - 15- الاستيعاب، ج 4، ص 1819.

دورا در شمار پسران خدیجه علیها السلام ذکر کرده اند. (1) برای مثال کلینی روایتی آورده که تنها در آن از طاهر در کنار قاسم به عنوان پسران خدیجه علیها السلام یاد شده است. (2) سرگذشتی برای طاهر و طیب در منابع وجود ندارد جز این که گفته شده در مکه از دنیا رفتند. (3) برخی از تاریخ نویسان مشهور فرزندان به نام طاهر و طیب برای خدیجه علیها السلام را اشتباه قلمداد کرده و آن دو را نامی برای عبدالله دانسته اند. (4) ناگفته نماند که دولابی در یکی از گزارش هایش عبد مناف را نخستین فرزند نام برده (5) که با توجه به این که در دیگر منابع نامی از وی به میان نیامده، صحت آن محل تردید جدی است. هیچ تاریخی در منابع، برای سال ولادت پسران خدیجه علیها السلام ثبت نشده است.

در مورد دختر اول خدیجه علیها السلام نیز اختلاف وجود دارد؛ برخی زینب را اولین دختر می دانند (6) اما تعدادی حضرت رقیه را بر دیگر دختران مقدم کرده اند. (7) گفته شده رقیه پیش از بعثت به عقد عتبه پسر ابولهب درآمد (8) اما او پس از بعثت رقیه را طلاق داد (9) و بعد از آن رقیه با عثمان بن عفان ازدواج کرد. (10)

شاید بیش ترین گزارش ها درباره دختران خدیجه علیها السلام پیش از اسلام، درباره زینب باشد. خدیجه مایل بود که زینب با ابوالعاص بن ربیع خواهرزاده اش (پسر هاله بنت خویلد) ازدواج کند این ازدواج با موافقت حضرت محمد صلی الله علیه و اله صورت گرفت. (11) از این ازدواج دختری متولد شد به نام امامه که بعد از شهادت

ص: 58

-
- 1- الهدایه الکبری، ص 39؛ المعارف، ص 141؛ الطبقات الکبری، ج 1، ص 106، تاریخ اهل البیت، ص 91.
 - 2- کلینی، الکافی، ج 3، ص 218.
 - 3- الاستیعاب، ج 4، ص 1819
 - 4- الطبقات الکبری، ج 1، ص 133، اعلام الوری، ج 1، ص 275؛ الاستیعاب، ج 1، ص 50.
 - 5- الذریه الطاهره، ص 66
 - 6- الاستیعاب، ج 4، ص 1818
 - 7- السیره النبویه، ابن هشام، ج 1، ص 190؛ الذریه الطاهره، ص 69
 - 8- هدایه الکبری، ص 39
 - 9- الذریه الطاهره، ص 83
 - 10- الذریه الطاهره، ص 83؛ هدایه الکبری، ص 39
 - 11- السیره النبویه، ج 1، ص 651؛ الذریه الطاهره، ص 70.

حضرت زهرا علیها السلام با امام علی علیه السلام ازدواج کرد (1) خدیجه علیها السلام در روز عروسی زینب و ابوالعاص گردن بندی به وی هدیه داد که بعدها زینب آن را همراه اموالی برای آزادی همسرش در جنگ بدر نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاد و آن حضرت به احترام خدیجه علیها السلام، ابی العاص را آزاد کردند (2) و او نیز در مقابل، زینب را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه فرستاد وقتی ابوالعاص بعد از شش سال ایمان آورد، رسول خدا صلی الله علیه و آله زینب را بدون عقد جدید نزد ابوالعاص فرستاد. (3)

برخی تاریخ نویسان رقیه و زینب را فرزند خواندگان و ربیبه حضرت محمد صلی الله علیه و آله دانسته اند و دلیل آن راقیح ازدواج این دو با ابوالعاص و عتبه بن ابولهب می دانند؛ هر چند ازدواج، ها در دوره جاهلیت صورت گرفته است. (4)

ام کلثوم سومین دختر خدیجه علیها السلام نیز قبل از بعثت به دنیا آمد. نام وی آمنه بود. (5) وی در عقد عتبه بن ابی لهب بود که پس از بعثت وی را طلاق داد و همسر عثمان شد. بعد از فوت رقیه ام کلثوم با عثمان ازدواج کرد. (6)

اغلب گزارش ها نشان می دهد که حضرت فاطمه علیها السلام کوچک ترین فرزند خدیجه علیها السلام بوده اند. (7) در مورد این که حضرت فاطمه علیها السلام پیش یا پس از بعثت به دنیا آمدند، بین تاریخ نویسان اختلاف نظر است. برخی تاریخ نویسان اهل سنت گفته اند پیش از بعثت به دنیا آمده (8) و دسته ای گفته اند که پس از بعثت به دنیا آمده است. (9) منابع شیعه اتفاق دارند که ایشان پس از بعثت به دنیا آمده اند (10) به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله، گوهر وجودی حضرت فاطمه علیها السلام از میوه های بهشتی

ص: 59

-
- 1- الذریه الطاهره، ص 69-70
 - 2- السیره النبویه، ابن هشام، ج 1، ص 653.
 - 3- همان، ص 659
 - 4- الاستغاثه، ص 111-112.
 - 5- هدایه الکبری، ص 39
 - 6- الذریه الطاهره، ص 83
 - 7- السیره النبویه، ابن هشام، ج 1، ص 190؛ الذریه الطاهره، ص 69
 - 8- الطبقات الکبری، ج 8، ص 19؛ انساب الاشراف، ج 1، ص 403.
 - 9- مروج الذهب، ج 2، ص 291، مستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 161؛ الاستیعاب، ج 4، ص 1893.
 - 10- کافی، ج 1، ص 458، مفید مسار الشیعه، ص 54

است. ایشان می فرمایند:

جبرئیل از بهشت خرما برایم آورد آن را خوردم و به نطفه ای در صلب من تبدیل شد. آن گاه خدیجه علیها السلام باردار شد. (1)

هم چنین خدیجه علیها السلام در هنگام بارداری با جنین صحبت می کرده است (2) روایت شده هنگام وضع حمل از بهشت چهار قابله (مریم علیها السلام دختر عمران آسیه دختر مزاحم، کلثوم خواهر، موسی و ساره همسر ابراهیم) فرستاده شدند (3) خدیجه علیها السلام تمام فرزندان را به دایه ای داد که شیر دهد غیر از حضرت فاطمه علیها السلام که از کسی جز مادر شیر نخوردند. (4)

ایمان به رسول خدا صلی الله علیه و آله

منابع تفسیری، حدیثی و تاریخی اهل سنت وقتی از مقدمات و نشانه های بعثت صحبت به میان می آورند اظهار می دارند که رسول خدا صلی الله علیه و آله، ابتدا نشانه های بعثت را با همسرش در میان می گذاشتند. (5) پس از بعثت نیز اولین اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله، باز گفتن چگونگی آن به خدیجه بود. (6) رسول خدا صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام خواستند که او را بپوشاند. مفسران می گویند که اولین آیات سوره مدثر در این جا بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد. (7) طبق گزارش برخی از سیره نویسان خدیجه علیها السلام به آن حضرت تبریک گفته و ایشان را به ثبات قدم در این امر تشویق کرده است. (8) پس از آن خدیجه علیها السلام به خانه ورقه بن نوفل نصرانی رفت

ص: 60

1- التوحید، ص، 118، معجم الکبیر، ج 22، ص 401، مستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 156.

2- الامالی، ص 690

3- همان، ص 691

4- منتخب تاریخ کبیر، ج 1، ص 293؛ البدایه والنهایه، ج 5، ص 307

5- جامع البیان، ج 30، ص 161؛ الکشف والبیان، ج 10، ص 243؛ معالم التنزیل، ج 5، ص 280.

6- جامع البیان، ج 29، ص 90؛ تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج 4، ص 489-490؛ الکشف والبیان، ج 10، ص 68.

7- تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج 4، ص 489؛ جامع البیان، ج 29، ص 90؛ مجمع البیان، ج 10، ص 579؛ الکشف، ج 4، ص 645

8- السیره النبویه، ج 1، ص 237-238.

که از محتوای کتاب های عبرانی و انجیل آگاهی داشت و جریان را شرح داد، ورقه گفت که جبرئیل همان «ناموس اکبر» است که به نزد موسی می آمد و حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیغمبر این امت است. سپس از پیامبر صلی الله علیه و آله تمجید نمود و او را تشویق کرد (1) طبق برخی گزارش ها خدیجه و پیامبر صلی الله علیه و آله هر دو نزد ورقه رفتند. (2) ورقه پیشگویی کرد که مردم پیامبر صلی الله علیه و آله را تکذیب کرده، آزار می دهند و از شهر بیرون کرده با او خواهند . جنگید ورقه به پیامبر صلی الله علیه و آله وعده داد که اگر آن روز را درک کند یاریش خواهد کرد. (3) دسته ای دیگر نیز ملاقات پیامبر صلی الله علیه و آله و ورقه و گفتگوی آن ها درباره چگونگی بعثت را در دیداری گزارش کرده اند که به طور اتفاقی در هنگام طواف کعبه صورت گرفت. طبق این گزارش ها، ورقه از آغاز بعثت باخبر شده بود و می خواست چگونگی آن را به صورت مستقیم از خود رسول خدا صلی الله علیه و آله بشنود. (4) در برخی از منابع از فردی به نام عداس نام برده شده که خدیجه علیها السلام پیش او نیز رفته بود. (5)

ناهماهنگی و گاهی تضاد در گزارش های مربوط به ورقه در منابع اهل سنت وجود دارد. سخن از مراجعه به ورقه در مواردی در زمان مشاهده علایم بعثت و قبل از نزول فرشته وحی به میان آمده و در مواردی دیگر در وقایع پس از بعثت ذکر شده است (6) طبق پاره ای گزارش ها پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه هر دو به دیدار ورقه رفتند (7) در حالی که برخی روایات مدعی اند که خدیجه علیها السلام به تنهایی رفت. (8) بعضی گفته اند که ابوبکر نیز همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. (9) گزارش هایی گزارش هایی

ص: 61

-
- 1- السیره النبویه، ص 238، الطبقات الکبری، ج 1، ص 153؛ تاریخ طبری، ج 2، ص 48.
 - 2- صحیح بخاری، ج 1، ص 3.
 - 3- همان.
 - 4- السیره النبویه، ابن هشام، ج 1، ص 238.
 - 5- سعد السعود، ص 215؛ حیات القلوب، ج 3، ص 680-681.
 - 6- الطبقات الکبری، ج 1، ص 153.
 - 7- تاریخ طبری، ج 2، ص 48؛ الذریه الطاهره، ص 58.
 - 8- السیره النبویه، ابن هشام، ج 1، ص 238؛ تاریخ طبری، ج 2، ص 49-50.
 - 9- تفسیر ثعلبی، ج 10، ص 244؛ تفسیر قرطبی، ج 1، ص 115؛ تاریخ مدینه دمشق، ج 63، ص 7.

وجود دارد که ورقه به صورت اتفاقی رسول خدا صلی الله علیه و آله را در طواف دید و از موقوفه جو یا شد. (1) محتوای گزارش هایی نیز با واقعیات تاریخی در تضاد است. برخی گفته اند او هنگام بعثت، مرد اما در برخی روایات آمده که ورقه در اسلام آوردن ابوبکر نقش داشته (2) و شاهد شکنجه شدن بلال بوده و او را به صبر دعوت کرده است؛ (3) اما نام او جزو کسانی نیست که مسلمان شده باشد. از سوی دیگر، عمده کسانی که درباره ورقه روایت نقل کرده اند زبیری ها و حزب ایشان هستند. (4) ایشان نه تنها عمده گزارش های مربوط به بعثت را نقل کرده اند، بلکه کسانی مانند عروه بن زبیر در تطهیر ورقه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت نقل کرده اند. (5) به گفته زبیر بن بکار پیامبر صلی الله علیه و آله و از سب کردن ورقه نهی فرموده و از بهشتی بودن او خبر داده اند. (6)

آل زبیر جریان دیگری نیز نقل کرده اند که طبق محتوای آن، خدیجه با تدبیری دست به آزمایش آورنده وحی زد. او از رسول خدا صلی الله علیه و آله خواست که چون جبرئیل بر آن حضرت نازل، گشت حضرت به خدیجه اطلاع دهد. چون جبرئیل نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد خدیجه روپوش از سر و صورت برداشت و به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد که آیا جبرئیل محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله را ترک کرده یا حاضر است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و می فرماید که او ترک کرده. خدیجه می گوید: «ثابت قدم باش و مژده باد تو را که او فرشته است و شیطان نیست!» (7) برخی در نقد این گزارش گفته اند که در این زمان حجاب واجب نشده بود، از سویی

ص: 62

1- السیره النبویه، ج 1، ص 238؛ تاریخ طبری، ج 2، ص 50؛ تاریخ مدینه دمشق، ج 63، ص 13.

2- تاریخ مدینه دمشق، ج 30، ص 33-34

3- سیره ابن اسحاق، ج 4، ص 170؛ العثمانیه، ص 32؛ الانساب، ج 2، ص 275؛ الاصابه، ج 6، ص 476؛ سیر اعلام النبلاء، ج 1، ص 129

4- الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج 2، ص 313.

5- تاریخ مدینه دمشق، ج 63، ص 25.

6- همان، ص 24

7- السیره النبویه، ج 1، ص 239؛ سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 116؛ ابی نعیم اصفهانی، دلائل النبوه، ص 149.

از نظر تاریخی اخبار مربوط به ورقه و نقش او در قوت قلب دادن به پیامبر صلی الله علیه و آله در آغاز بعثت را باید با توجه به جایگاه تاریخی خاندان زبیر و امکان فضیلت تراشی برای بنی اسد در نظر گرفت که آل زبیر و ورقه و خدیجه علیها السلام از آن طایفه بودند از بین مفسران علامه طباطبایی داستان ورقه و مراجعه خدیجه به وی و آرامش رسول خدا از صحبت های او را نادرست می داند. (2) در بعضی از منابع شیعی نیز از رفتن خدیجه علیها السلام نزد ورقه و عداس سخن به میان آمده، (3) اما به نظر می رسد این اخبار از متون اهل سنت به این منابع راه یافته باشد. در این منابع گزارشی درباره مراجعه به ورقه وجود ندارد. یعقوبی در ماجرای بعثت، گزارشی را آورده که در آن نام ورقه است ولی بحثی از این که خدیجه یا رسول خدا صلی الله علیه و آله برای پرس و جو درباره بعثت پیش او رفته باشند، وجود ندارد تنها او گزارش کرده که ورقه از خدیجه می پرسد: «آن کسی که نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می آید جبرئیل است یا میکائیل؟» (4) برخی از پژوهشگران، شیعی ذکر نام ورقه در جریان بعثت را که در منابع شیعی آمده، نقد نموده و بر نادرستی آن تأکید کرده اند (5)

در خصوص خدیجه در برانگیخته شدن همسرش به رسالت، این موضوع اهمیت دارد که خدیجه علیها السلام در همان روز نخست بعثت ایمان آورد (6) و اولین زن مؤمن بود. (7) ابن خلدون می گوید که رسول خدا صلی الله علیه و آله، خدیجه علیها السلام را به اسلام دعوت

ص: 63

1- بعثت نامه، ص 248

2- تفسیر المیزان، ج 20، ص 467

3- سعد السعود، ص 215

4- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 23.

5- النص والاجتهاد، ص 421 و 422؛ الصحيح من سیره النبی الاعظم، ج 2، ص 313؛ راز بزرگ رسالت، ص 393-394.

6- تاریخ مدینه دمشق، ج 42، ص 28.

7- السیره النبویه، ج 1، ص 652؛ تفسیر الحبری، ص 394؛ ذخائر العقبی، ج 1، ص 265؛ تاریخ مدینه دمشق، ج 42، ص 36-37

نکرد، بلکه با نزول وحی و شنیدن جریان وحی او خود به صدق گفتار ایشان باور یافت (1)

حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و اسلام

تصدیق رسول خدا صلی الله علیه و آله، اولین و مهم ترین حمایت حضرت خدیجه علیها السلام از آن حضرت بود؛ امر با اهمیتی که همواره از آن یاد می کردند. آن حضرت روزی به عایشه درباره فضیلت و تمجید از خدیجه علیها السلام فرمودند:

زمانی که همه مرا تکذیب کردند، او مرا تصدیق کرد. (2)

با ایمان آوردن خدیجه علیها السلام دختران او نیز ایمان آوردند. (3) مردم مکه تا مدتی تنها وی و حضرت علی علیه السلام را از مؤمنان به پیامبر صلی الله علیه و آله و اسلام می شناختند. عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله این سه بزرگوار را در کنار کعبه در حال نماز دید و به دیگری گفت: «غیر از این سه نفر کسی به این دین نیست». (4)

وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و رسالت خود را اظهار نمودند و مردم را به اسلام دعوت فرمودند قریشیان مخالفت کردند پیامبر صلی الله علیه و آله در شعب ها در خفا نماز می خواندند. از این رو خدیجه از آسیب های احتمالی به جان رسول خدا صلی الله علیه و آله بیمناک بود. او نگرانی اش را به ابوطالب اطلاع داد وقتی ابوطالب با رسول خدا در این باره صحبت کرد آن حضرت از ایمنی اش توسط خداوند خبر دادند و خدیجه اظهار شادی کرد. (5) وقتی رسول خدا در منزل، بود خدیجه برای محافظت از ایشان هنگام ارتباط با مسلمانان تدابیری سنجیده بود (6) او سعی می کرد در خانه با حمایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مقابل آزار و اذیت های مشرکان

ص: 64

1- تاریخ ابن خلدون، ج 1، ص 116؛ دلائل النبوه، مقدمه، ص 18.

2- الذریه الطاهره، ص 53-54.

3- السیره النبویه، ج 1، ص 652

4- الارشاد، ج 1، ص 30

5- حسین بن حمدان، خصیبه هدایه الکبری، بلاغ، 1419، ص 65.

6- مفید الاختصاص، ص 182

رفتارهای آن‌ها را در مقابل دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله کم‌اهمیت و بی‌نتیجه جلوه دهد. (1)

کمک‌های مالی بخش دیگری از حمایت‌های حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان بود این حمایت‌ها زمانی که مسلمانان سه سال در شعب ابی طالب در محاصره اقتصادی و اجتماعی قرار گرفتند، حضرت خدیجه علیها السلام در این مدت مالش را انفاق کرد (2) به گونه‌ای که چیزی از آن باقی نماند. (3) آیه هشتم سوره ضحی (وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى) درباره بی‌نیازی رسول خدا صلی الله علیه و آله و به دلیل اموال خدیجه نازل شد (4) نقش حمایتی خدیجه از مسلمانان تحت محاصره، تنها به این مورد منحصر نبود. زمانی که تهیه مایحتاج برای محاصره‌شدگان با قیمت‌های گزاف نیز میسر نبود خدیجه با فرستادن پیام برای اعضای حلف الفضول از این اقدام آنان انتقاد کرد. (5) هم‌چنین توسط برادرزاده اش حکیم بن حزام، سعی می‌کرد مخفیانه مایحتاج غذایی محاصره‌شوندگان را تهیه کند. (6)

فضایل و مناقب

حضرت خدیجه علیها السلام در جاهلیت «طاهره» خوانده می‌شد. (7) (8) القاب خدیجه علیها السلام

ص: 65

1- السیره النبویه، ج 1، ص 198.

2- یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 31؛ فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ج 1، ص 125

3- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 31؛ قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ج 1، ص 85

4- طبرسی، مجمع البیان، ج 10، ص 384.

5- انساب الاشراف، ج 1، ص 271.

6- همان، ص 272.

7- الاستیعاب، ج 4، ص 1817؛ اسد الغابه، ج 6، ص 78

8- اسد الغابه، ج 6، ص 78

نزد اهل بیت علیهم السلام، الطاهره (1) الکبری (2) و الغراء (3) بوده است. برخی از منابع نیز لقب «صدیقه» را برای وی ذکر کرده اند. (4) این القاب نشان از فضیلت و منزلت اجتماعی وی دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله از کنیه ام هند را برای وی استفاده می کردند. (5) فعالیت های تجاری اش نشان می دهد که وی زنی پرکار و باهوش بوده است. ازدواج وی با فرد امینی مانند حضرت محمد صلی الله علیه و سلم نشان می دهد که به فضایل اخلاقی اهمیت فراوانی می داده است.

درباره دین حضرت خدیجه علیها السلام قبل از اسلام در منابع سخنی به میان نیامده، ولی گفته شده که وقتی همسرش برای عبادت به غار حرا می رفت، خدیجه نیز همراه او در غار معتکف می شد این، امر از گرایش های معنوی خدیجه پیش از بعثت حکایت دارد این واقعیت که او اولین ایمان آورنده به رسول خدا صلی الله علیه و آله، بود به خوبی از فضیلت و خدا جویی آن حضرت حکایت دارد. خانه خدیجه علیها السلام از اماکن مقدس شهر مکه محل عروج پیامبر صلی الله علیه و آله و مهبط جبرئیل امین و ملائک و محل زندگی رسول خدا بود. هم چنین محل زندگی حضرت فاطمه علیها السلام و امام علی علیه السلام به شمار می رفت.

این که با فرزندش حضرت فاطمه علیها السلام در رحم بود صحبت می کرد (6) و قابله های بهشتی هنگام وضع حمل او را یاری دادند (7) نیز جزو فضایل و کراماتی است که شامل حال وی شد. به فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله جبرئیل حامل سلام خداوند به خدیجه علیها السلام بوده است (8) و خداوند هر روز چندین بار به فرشتگانش در

ص: 66

-
- 1- انساب الاشراف، ج 3، ص 97، تجارب الامم، ج 3، ص 395.
 - 2- المزار الکبیر، ص 463-497.
 - 3- همان، ص 579
 - 4- شرح الاخبار، ج 3، ص 20.
 - 5- دلائل النبوه، ص 215
 - 6- الامالی، 690
 - 7- همان، ص 691
 - 8- الذریه الطاهره، ص 61؛ السیره النبویه، ج 1، ص 241؛ الاستیعاب، ج 4، ص 21.

خدیجه رسول خدا صلی الله علیه و آله را بسیار دوست می داشت و کسانی را که به آن حضرت محبت کرده بودند نیز دوست می داشت؛ برای نمونه ثویبه کنیز ابولهب را که در طفولیت به رسول خدا صلی الله علیه و آله شیر داده بود تکریم می کرد و از ابولهب خواست او را به خدیجه بفروشد تا آزاد کند ولی ابولهب سرباز زد. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه مهاجرت کردند ابولهب او را آزاد کرد. (2) در مورد حلیمه هم گفته اند که بعد از ازدواج رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد آن حضرت آمد و از تنگ دستی شکایت کرد؛ خدیجه علیها السلام به او بیست رأس گوسفند و تعدادی شتر داد. (3)

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز علاقه فراوانی به خدیجه علیها السلام داشتند. به گفته عایشه آن حضرت به گونه ای از خدیجه علیها السلام صحبت می کردند که گویی در زمین زنی غیر از خدیجه علیها السلام وجود ندارد. (4) پیامبر درباره محبتش به خدیجه فرمودند: «خداوند محبت او را روزی من کرده است». (5) پیامبر او را احترام می کردند و در امور با او مشورت می نمودند. (6)

پس از رحلت خدیجه نیز از او بسیار یاد می کردند و بستگان و دوستانش را بسیار گرامی می داشتند هر گاه گوسفندی ذبح می کردند، سهمی را برای دوستان خدیجه کنار می گذاشتند و به در خانه آن ها می فرستادند. (7) اگر چیزی به دست شان می رسید می فرمودند که برای فلان زن از آن ببرید؛ زیرا او خدیجه علیها السلام را دوست می داشت. (8) روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و از زن سیاه چرده ای که با او برخورد

ص: 67

1- صحیح بخاری، ج 4، ص 231، صحیح مسلم، ج 7، ص 133.

2- السیره الحلبیه، ج 1، ص 124

3- همان، ص 151

4- شرح الاخبار، ج 3، ص 18

5- صحیح مسلم، ج 7، ص 134

6- تذکره الخواص، ص 272.

7- شرح الاخبار، ج 3، ص 17-18

8- الذریه الطاهره، ص 66

می کردند (1) به شدت استقبال نمودند و به او لطف کردند، به گونه ای که اصحاب در شگفت شدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: « او در ایام زندگی ام با خدیجه، نزد ما می آمد». (2) به گفته عایشه «هیچ کدام از زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد وی عزیزتر از خدیجه نبود. (3) هیچ گاه به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله مانند خدیجه حسادت نکردم». (4) روزی عایشه به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: «خدیجه غیر از پیرزنی بود؟ خدا بهتر از او را به شما داده است». پیامبر صلی الله علیه و آله به گونه ای از این سخن ناراحت شدند که عایشه می گوید: «نه پیش از آن و نه پس از آن رسول خدا را آن گونه ندیدم». (5) و فرمود:

به خدا بهتر از او را به من نداده است. او زمانی که مردم کفر ورزیدند، ایمان، آورد زمانی که دیگران مرا دروغ گو گفتند تصدیق کرد، زمانی که بقیه مرا تحریم مالی کردند او انفاق کرد و برای من فرزند آورد در حالی که دیگر زنان چنین نکردند.

عایشه می گوید: به خود گفتم دیگر هیچ گاه از وی بد نخواهم گفت». (6)

پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد جایگاه و منزلت خدیجه علیها السلام فرمود:

بهترین زنان بنی اسرائیل مریم دختر عمران بود و بهترین زنان این امت خدیجه دختر خویلد است. (7)

در جای دیگر می فرماید:

بهترین زنان جهان مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، خدیجه علیها السلام دختر خویلد و فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله است. (8)

ص: 68

1- انساب الاشراف، ص 412

2- الاستیعاب، ج 4، ص 1810.

3- تذکره الخواص، ص 272.

4- اسد الغابه، ج 6، ص 84.

5- شرح الاخبار، ج 3، ص 20.

6- مسند احمد بن حنبل، ج 6، ص 117؛ الذریه الطاهره، ص 53-54؛ معجم الکبیر، ج 23، ص 13؛ تذکره الخواص، ص 273.

7- الذریه الطاهره، ص 62؛ تذکره الخواص، 1418، ص 272؛ الاستیعاب، ج 4، ص 1823.

8- شرح الاخبار، ج 3، ص 64؛ الاستیعاب، ج 4، ص 1896 و 1821.

در جای دیگر نیز این چهار زن را بهترین زنان اهل بهشت دانسته اند. (1)

هم چنین در مورد خدیجه علیها السلام می فرماید:

به خدیجه علیها السلام خانه ای از دُر و گوهر در بهشت بشارت داده شده که رنج و سرو صدایی در آن نیست (2)

درگذشت

خدیجه علیها السلام بعد از برداشته شدن تحریم مسلمانان و خروج آن ها از وضعیت سخت شعب ابی طالب بیمار شد. (3) در هنگام بیماری، رسول خدا صلی الله علیه و آله صلی الله علیه و سلم نزد وی رفتند و به او بشارت دادند که در بهشت همسروی خواهند بود. (4) اغلب منابع گفته اند که حضرت خدیجه علیها السلام در 65 سالگی (5) در سال دهم بعثت از دنیا رفت، (6) سالی که پیامبر آن را به دلیل درگذشت خدیجه و عمویش ابوطالب - که با فاصله اندکی از خدیجه درگذشت (7) «عام الحزن» نامیدند. (8) بر پایه برخی منابع او در ماه رمضان از دنیا رفت. (9) شیخ مفید و سبط بن جوزی، گزارش دقیق تری داده و رحلت وی را در دهم ماه رمضان سال دهم بعثت ثبت کرده اند. (10) پیکر پاک خدیجه علیها السلام در قبرستان حجون مکه دفن شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله برای دفن وی خود داخل قبر شدند. (11) گفته شده در آن زمان نماز جنازه سنت نبود. (12)

ص: 69

1- مسند احمد بن حنبل، ج 1، ص 293؛ اعلام الوری، ج 1، ص 296.

2- الذریه الطاهره، ص 61؛ السیره النبویه، ج 1، ص 241؛ شرح الاخبار، ج 3، ص 17.

3- کشف الغمه، ج 1، ص 375.

4- اسد الغابه، ج 6، ص 85

5- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 35؛ التنبیه والاشراف، ص 199 - 200؛ تذکره الخواص، 1418، ص 273.

6- الذریه الطاهره، ص 65؛ تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 35؛ انساب الاشراف، ص 405؛ التنبیه والاشراف . 199 - 200؛ مسار الشیعہ،

ص 22 - 23؛ تذکره الخواص، ص 273

7- انساب الاشراف، ج 1، ص 405 .

8- اعلام الوری، ج 1، ص 53، حلبی، ج 2، ص 41؛ قصص الانبیاء، ص 314؛ السیره الحلویه، ج 2، ص 41.

9- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 35؛ مسار الشیعہ، ص 22-23.

10- مسار الشیعہ، ص 22 - 23؛ تذکره الخواص، 1418، ص 274

11- الطبقات الکبری، ج 8، ص 18؛ تذکره الخواص، ص 273.

12- 12 تذکره الخواص، ص 273

1. ابن ابي الثلج، محمد بن احمد تاريخ اهل بيت عليهم السلام، قم، آل البيت، 1410، ق.
2. ابن اثير محمد بن علي الكامل، بيروت، دارصادر، 1386 ق. ابن اسحاق، محمد، سيره ابن اسحاق، معهد الدراسات والابحاث للتعريف، بي تا
4. ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي الاصابه، بيروت، داراحياء التراث العربي بي تا
5. ابن حزم اندلسي علي بن احمد، جمهوره انساب العرب، بيروت، دار الكتب العلميه، 1403 ق.
6. ابن سعد ق. محمد، الطبقات الكبرى، بيروت، دارصادر، بي تا.
7. ابن عبدالبر، يوسف بن عبد الله، الاستيعاب، بيروت، دارالجيل، 1412 ق.
8. ابن عساکر، علي بن حسن، تاريخ مدينه دمشق، بيروت، دارالفكر، 1415 ق.
9. ابن عساکر، علي بن حسن، منتخب تاريخ، كبير، بيروت، دارالفكر، 1415 ق.
10. ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم، المعارف، قاهره، الهيئه المصريه العامه للكتاب، 1992م.
11. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، البدايه والنهايه، بيروت، دارالفكر، 1407 ق.
12. ابن هشام، عبدالملك، السيره النبويه، بيروت، دارالمعرفه، بي تا.
13. ابن اثير، علي بن محمد، اسد الغابه، بيروت، دارالفكر، 1409 ق.
14. ابن حبيب، محمد بن حبيب المحبر، بيروت، دار الافاق الجديده، بي تا.
15. ابن حزم اندلسي، علي بن محمد، جمهوره انساب العرب، بيروت، دار الكتب العلميه 1417 ق.
16. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، تاريخ ابن خلدون، بيروت، دارالفكر، 1408 ق.

17. ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم، المعارف قاهره، الهيئه المصريه العامه للكتاب، 1992 م.
18. ازرقى، محمد بن عبد الله، اخبار مکه وما جاء فيها من الآثار، قم، شريف، رضى، 1403 ق.
19. اصفهاني، ابونعيم اسماعيل محمد، دلائل النبوه، بيروت، دارالنفائس، 1406 ق.
20. بخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح البخارى، بيروت، دارالفكر، 1401 ق.
21. بسوى، يعقوب بن سفيان، المعرفه والتاريخ، بيروت، الرساله، 1401 ق.
22. بغوى، حسين بن مسعود معالم التنزيل، بيروت، داراحياء التراث العربى 1420 ق.
23. بلاذرى، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، بيروت، دارالفكر، 1417 ق.
24. بيهقى، احمد بن حسين، دلائل النبوه، بيروت، دارالكتب العلميه، 1409 ق.
25. ثعلبى، احمد بن ابراهيم، تفسير ثعلبى الكشف والبيان، بيروت، داراحياء التراث العربى، 1422 ق.
26. الجاحظ، عمرو بن بحر العثمانيه، مصر، دار الكتاب العربى، 1374 ق.
27. حاكم نيشابورى، محمد بن عبد الله، مستدرک على الصحيحين، بيروت، دارالمعرفه، بى تا.
28. حبرى، كوفى، حسين بن حكم، بيروت، تفسير الحبرى، آل البيت، 1408 ق.
29. حسنى، معروف اخبار واثار ساختگى، ترجمه حسين صابرى، آستان قدس، 1372 ش.
30. حلبى، ابوالفرج على بن برهان السيره الحلبيه، بيروت، دارالكتب العلميه 1427 ق.
31. حميرى قمى، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، 1413 ق.

32. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الكبرى، بیروت، مؤسسه البلاغ، 1419 ق.
33. دوانی، علی، بعثت نامه، (آغاز وحی و بعثت پیامبر در تاریخ و تفسیر طبری)، قم، صبح صادق، 1383 ش.
34. دولابی، محمد بن احمد، الذریه الطاهره النبویه، قم، جامعه مدرسین، 1413 ق.
35. دولابی، محمد بن احمد، الذریه الطاهره، قم، جامعه مدرسین، 1413 ق.
36. ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، بیروت، الرساله، 1413 ق.
37. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، مصر، شرکه حلبی، 1386 ق.
38. سبحانی، جعفر، راز بزرگ، رسالت، قم، انتشارات توحید، 1386 ق.
39. سبط بن جوزی، یوسف بن حسام الدین، تذکره الخواص، قم، رضی، 1418 ق.
40. سمعانی، عبدالکریم بن محمد الانساب حیدرآباد، مجلس دایره المعارف العثمانیه، 1382 ق.
41. سهیلی، عبدالرحمان بن عبدالله، روض الانف فی شرح السیره النبویه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1412 ق.
42. سید بن طاووس، علی بن موسی سعد السعود، قم، رضی، 1363 ش.
43. شرف الدین العاملی، سید عبدالحسین النص و الاجتهاد، قم، ابوالمجتبی، 1404 ق.
44. شیانی، احمد بن حنبل، مسند، بیروت، دارصادر، بی تا.
45. صدوق، محمد بن علی، امالی، قم، بعثت، 1417 ق.
46. صدوق، محمد بن علی، توحید، قم، نشر اسلامی، 1398 ش.
47. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، قم، نشر اسلامی، 1374 ش.
48. طباطبایی محمد حسین، سنن النبی، تهران، اسلامی، 1378 ش.

- 49 طبرانی، سلیمان بن احمد، معجم الكبير، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1404 ق.
50. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، آل البیت 1417 ق.
51. طبرسی، فضل بن حسن، تاج الموالد، بیروت، دارالقار، 1422 ق.
52. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، اعلمی، 1415 ق.
53. طبری، محب الدین محمد بن عبد الله، ذخائر العقبی، قم، دارلکتاب الاسلامی، بی تا
54. طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامه، قم، بعثت، 1413 ق.
55. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، بیروت، دارالفکر، 1415 ق.
56. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، بیروت، در الهادی، 1415 ق.
57. علوی، علی بن محمد، المجدی فی انساب الطالبین، قم، مکتبه مرعشی، 1422 ق.
58. قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، بیروت، داراحیاء التراث العربی بی تا
59. قطب راوندی، سعید بن هبه الله، الخرائج و الجرائح، قم، مدرسه المهدي، 1409 ق.
60. قطب راوندی، سعید بن هبه الله، قصص الانبياء، قم، مؤسسه الهادی، 1413 ق.
61. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1363 ش.
62. کوفی، علی بن احمد الاستغاثه، تهران، مؤسسه الاعلمی، 1373 ش.
63. مجلسی محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی 1403 ق.
64. مجلسی، محمد باقر حیات القلوب، قم، سرور، 1376 ش.

65. مسعودى، على بن حسين ، التنبيه والاشراف ، قاهره دار الصاوى بى تا
66. مسعودى، على بن حسين ، مروج الذهب، بيروت، دارالمعرفه ، بى تا.
67. مسكويه، احمد بن محمد تجارب الامم، تهران، سروش، 1379 ش.
68. مشهدى، محمد بن جعفر، المزار الكبير، قم، قيوم، 1419 ق.
69. مغربى نعمان بن محمد بن محمد ، شرح الاخبار، قم، جامعه مدرسين، بى تا.
70. مفيد، محمد بن محمد الاختصاص، قم، نشر اسلامى، 1414 ق.
71. مفيد، محمد بن محمد، الارشاد، قم، كنگره شيخ مفيد، 1413 ق.
72. مفيد، محمد بن محمد مسار الشيعه، قم، كنگره شيخ مفيد، 1413 ق.
73. مقاتل بن سليمان ، تفسير مقاتل بن سليمان، بيروت، دارالكتب العلميه 1424 ق.
74. مقدسى، مطهر بن طاهر، البدء والتاريخ، بورسعيد ، مكتبه الثقافه الدينيه بى تا
75. مقرزى، احمد بن على بيروت، امتاع الاسماع، دارالكتب العلميه 1420 ق.
76. نيشابورى، مسلم بن حجاج ، صحيح مسلم، بيروت، دارالفكر، بى تا.
77. واقدى، محمد بن ، عمر المعازى، بيروت، الاعلمى، 1409 ق.
78. ياقوت حموى، ياقوت بن عبد الله ، معجم البلدان، بيروت، داراحياء التراث العربى 1399 ق.
79. يعقوبى، على بن ابى يعقوب، تاريخ يعقوبى، بيروت، دارصادر، بى تا.

حضرت خدیجه علیها السلام اولین و برترین همسر پیامبر گرامی اسلام است. مقام او چنان بود که جبرئیل سلام خدا را بر او رساند زندگی پیش از ازدواج او چنان که باید در تاریخ گزارش نشده، اما مسأله سن آن حضرت هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و دوشیزه بودن او از مسائل قابل توجه است. از میان اقوال مختلفی که در مورد سن آن حضرت مطرح شده به نظر می رسد سن 25 یا 28 سال به واقع نزدیک تر باشد. از نظر ازدواج قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز اقوال جمع زیادی از تاریخ نویسان دال بر دوشیزه بودن او هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله است و شواهد گوناگونی در تأیید این مطلب وجود دارد.

واژگان کلیدی

ام المؤمنین، حضرت خدیجه علیها السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله

مقام و منزلت حضرت خدیجه علیها السلام

خدیجه علیها السلام از میان خانواده ای خوش اصل و نسب که همیشه به پاکی و اخلاق بزرگوارانه از آن ها یاد شده (1) در شهر مکه دیده به جهان گشود. از اشتهار آن حضرت به القابی چون طاهره (2) استفاده می شود که آن حضرت از نظر دیانت

ص: 75

1- سیره ابن هشام، ج 1، ص 121.

2- ذهبی، تاریخ الاسلام، ج 2، ص 152؛ الاستیعاب، ج 4، ص 279؛ سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 111؛ الروض الأنف، ج 1، ص 215؛ الاصابه، ج 4، ص 282 - 281؛ البدایه والنهایه، ج 2، ص 294؛ تاریخ الخمیس، ج 1

به دین حنیف حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام تمایل داشته و چه بسا احترام پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه به جهت اعتقاد او به یکتاپرستی بوده است (1)

او اولین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود و آن حضرت در زمان حیاتش همسر دیگری اختیار نکردند (2) و جز ابراهیم، تمام فرزندان دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه هستند. (3) در عظمت او همین بس که وقتی جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد می شد، عرض می کرد: «به خدیجه سلام پروردگارش را برسان» (4)

پدرش خویلد به جهت اعتقاداتی که داشت از حمل حجر الاسود به یمن جلوگیری کرد و با پادشاه یمن به منازعه پرداخت و زیادی یاران او خویلد را از دفاع از اعتقادات و اعمال دینی اش بازداشت و سر سخنانه از معتقدات خود دفاع کرد. (5)

اسد بن عبدالعزی جد خدیجه علیها السلام از شخصیت های برجسته پیمان «حلف الفضول» به شمار می آمد که برای یاری ستم دیدگان بنا نهاده شده بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز به خاطر اهمیت این، پیمان خود در آن حضور یافتند و عملاً کار آنان را ارج نهادند. (6)

پسر عموی خدیجه علیها السلام ورقة بن نوفل نیز از افرادی بود که با بزرگان یهود و نصارا معاشرت داشت و کتاب های آن ها را مطالعه کرده بود (7)

ص: 76

1- ص 264

2- سیره ابن هشام، ج 1، ص 122

3- همان.

4- سیره ابن هشام، ج 1، ص 159؛ ابی مغازلی، مناقب علی بن ابی طالب، ص 249

5- سیره حبلی، ج 1 ص 225.

6- سیره ابن هشام، ج 1، ص 87

7- سعد السعود، ص 215؛ تاریخ ابن خلدون، ج 2، ص 406

سیری در احوال ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله

تاریخ از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام پیش از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خبرهای دقیقی نمی دهد و تنها از او به عنوان یک شخصیت سرمایه دار متشخص یاد می کند که ظاهراً پیش از ازدواج با حضرت محمد صلی الله علیه و سلم با دو نفر به نام «عتیق بن عائد مخزومی» و «ابوهاله تمیمی» ازدواج کرده است. ولی برای روشن شدن مطلب و شناخت شخصیت واقعی پیش از ازدواج او باید دو موضوع مهم را بررسی کرد:

1. حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج چند ساله بوده است؟

2. آیا پیش از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، شوهر یا شوهران دیگری هم داشته یا نه؟

عمر حضرت خدیجه علیها السلام

اقوال مختلفی درباره سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج در کتب تاریخی وجود دارد. قول مشهور به چهل ساله بودن ایشان اشاره می کند؛ لذا طبری از کلبی به این موضوع اشاره کرده، (1) ولی یعقوبی (2) و مسعودی (3) و سبط ابن الجوزی، به این مطلب تصریح نکرده و گفته اند او در شصت و پنج سالگی وفات یافته که در این صورت او هنگام ازدواج چهل ساله بوده است. ولی اقوال دیگری نیز وجود دارند که قابل چشم پوشی نیستند و حتی اگر از این نظریه قوی تر نباشند ضعیف تر نیستند و عبارتند از:

الف) 25 سالگی: ابن کثیر (متوفای 774 ق) می گوید که خدیجه به 65 سالگی رسید و گفته می شود که او به 50 سالگی رسید و قول دوم صحیح است. (4) در این صورت خدیجه هنگام ازدواج 40 ساله یا 25 ساله بوده و نویسنده 25 سالگی را درست می داند.

ص: 77

1- تاریخ طبری، ج 3، ص 280

2- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 25

3- التنبیه والأشراف، ص 199-200.

4- البدایه والنهایه، ج 2، ص 359

ب) 28 سالگی: محمد بن سعد (متوفای 230 ق) از هشام بن محمد از سائب از پدرش از ابن عباس روایت می کند: «روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه ازدواج کرد، آن بانو 28 ساله بودند و مهرش هیجده اوقیه بود». (1)

ابن عماد حنبلی نیز می گوید:

«پیامبر صلی الله علیه و آله در 25 سالگی با خدیجه ازدواج کردند و خدیجه بنابر قول صحیح چهل ساله بود ولی بسیاری بیست و هشت سالگی را ترجیح داده اند. (2)

ج) 30 سالگی: ابن عساکر روایت دیگری از ابوبکر بن عثمان و عالمان دیگر نقل می کند که آن حضرت هنگام ازدواج 30 ساله بوده است. (3)

این ها مجموع اقوالی بود که در مورد سن حضرت خدیجه علیها السلام بیان شده و اقوال دیگری هم وجود دارد که در مجموع عبارتند از: 25 سالگی، 30 سالگی، 35 سالگی، 40 سالگی و 45 سالگی

مشهورترین قول از میان اقوال، مذکور قول به 28 و 40 سالگی است؛ ولی حدود دوازده سال اختلاف نظر در سن یک شخصیت برجسته تاریخی که از خانواده های اصیل و مشهور بوده بسیار بعید به نظر می رسد؛ ضمن این که همه تاریخ نویسان معتقدند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیست و پنج سالگی ازدواج کرده اند پس باید زوجه خود را از میان افرادی انتخاب کنند که از نظر سنی کم تر از آن حضرت یا همسن ایشان باشد و یا اگر به دلایلی با فرد خاصی قصد ازدواج دارند، باید تفاوت سنی در کم ترین حد خود باشد. بنابراین اگر نتوانیم ثابت کنیم که حضرت خدیجه در 25 سالگی ازدواج کرده که بعید هم نیست پذیرفتن چهل سالگی برای آن حضرت مشکل است و به نظر می رسد همان نظریه ای اولویت دارد که می گوید حضرت خدیجه هنگام ازدواج 28 ساله بوده است. (4) ابن عماد

ص: 78

-
- 1- طبقات الكبرى، ج 8، ص 17.
 - 2- شذرات الذهب، ج 1، ص 14.
 - 3- تاریخ دمشق، ج 3، ص 191.
 - 4- انساب الأشراف، ص 98؛ سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 111؛ مختصر تاریخ دمشق، ج 2، ص 275؛ بحار الانوار، ج 16، ص 12؛ حاکم نیشابوری، مستدرک، ج 3 ص 182؛ سیره مغلطای، ص 12؛ المحبر، ص 79؛ تاریخ الخميس، ج 1، ص 264؛ تهذیب الاسماء، ج 2، ص 342؛ سیره حلبی، ج 1 ص 140.

حنبللی هم می گوید:

«بسیاری 28 سالگی را در موقع ازدواج برای آن حضرت ترجیح داده اند» (1).

ازدواج های سابق

اشاره

از مسائل دیگری که در تاریخ به غلط شهرت یافته، این است که حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با دو نفر دیگر نیز ازدواج کرده است. طبری نقل می کند:

او قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله نزد عتیق بن عابد مخزومی بود، سپس او فوت کرد و بعد ابوهاله بن زراره بن نباش با او ازدواج کرد. سپس او نیز فوت نمود و آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله با او ازدواج کرد. (2)

برای رسیدن به حقیقت، لازم است چند مطلب درباره «عتیق بن عابد» و «ابوهاله» بررسی گردد.

الف) ابوهاله

از این که کنیه او ابوهاله بوده است همه اتفاق نظر دارند ولی در میان عرب کنیه اسم محسوب نمی شود؛ چون اسم آن نامی است که به صورت طبیعی بعد از تولد پدر و مادر برای فرزند خود انتخاب می کنند؛ ولی کنیه شهرتی است که کسی بعد از ازدواج و فرزنددار شدن به نام فرزندش مشهور می شود؛ مثلاً ابوهاله یعنی کسی که نام فرزندش هاله بوده و لذا به ابوهاله یعنی پدر هاله شهرت یافته و حتی ممکن است یک نفر میان عرب ها به تناسب فرزندانش کنیه های متعددی داشته باشد ولی هیچ گاه یک نفر دارای دو اسم یا بیش تر نخواهد بود.

بنابراین هر چند او به ابوهاله شهرت داشته نام اولیه او که پدر و مادر برای

ص: 79

1- شذرات الذهب، ج 1، ص 14.

2- تاریخ طبری، ج 2، ص 411.

او انتخاب کرده اند معلوم نیست و اسما متعدد برای او ذکر کرده اند. زیر می گوید:

«او مالک بن نباش بن زراره است» (1)

فیروزآبادی برای او چهار اسم نقل می کند:

«نباش بن زراره» «مالک بن زراره بن نباش» «ابوهاله بن نباش بن زراره» و «زراره بن نباش بن زراره» (2)

ابن ماکولا نیز از ابن کلبی نقل می کند که او «هند بن نباش بن زراره بن وقدان» است. (3)

علامه مجلسی نیز می گوید:

خدیجه با دو نفر ازدواج کرده؛ اسم یکی از آنان ابوشهاب عمرو کندی (یا ابوهاله مالک بن نباش بن زراره) بود. (4)

بالاخره معلوم نیست که اسم او «نباش» بوده یا «مالک» یا «زراره» یا «هند» و یا «عمرو کندی».

و معلوم نیست «زراره» خود ابوهاله است یا پدر او و یا پدر بزرگ او. هم چنین معلوم نیست نباش خود ابوهاله است یا پدر او یا پدر بزرگش

و معلوم نیست هند نام خود اوست یا نام فرزند او در حالی که برخی هند را فرزند او!! می دانند نه خود او؛ بنابراین برای ابوهاله پنج اسم را مطرح کرده اند که عبارتند از:

1. نباش؛ 2. مالک؛ 3. زراره؛ 4. هند؛ 5. ابوشهاب عمرو کندی (5)

ص: 80

1- اسد الغابه، ج 5، ص 71

2- سید علی بن معصوم، الدرجات الرفیعه، ص 407

3- اکمال الکمال، ج 1، ص 523؛ اسد الغابه، ج 5، ص 71؛ فتح الباری، ج 7، ص 109

4- بحار الانوار، ج 16، ص 22 و ج 108، ص 215.

5- مجمع الزوائد، ج الزوائد، ج 8، ص 475؛ المعجم الکبیر، ج 22، ص 159.

در مورد عتیق هم اختلافاتی وجود دارد؛ برخی او را «عتیق بن عامر المخزومی»، (1) برخی «عتیق بن عائد بن عبدالله» (2) و برخی نیز او را «عتیق بن عابد بن عبدالله» (3) می نامند.

اختلاف در مورد اسم پدر عتیق است و معلوم نیست که آیا پدر او عامر بوده یا عابد یا عائد!!

زمان ازدواج

زمان ازدواج این دو نفر هم با حضرت خدیجه علیها السلام مشخص نیست و نمی دانیم آیا عتیق مقدم بوده است یا ابوهاله.

علی بن عبدالعزیز جرجانی و زبیر می گویند: ابوهاله اولین شوهر خدیجه علیها السلام بوده، ولی قتاده، و یونس بن بکیر و ابونعیم، عتیق را اولین شوهر خدیجه علیها السلام می دانند. (4)

فرزندان

در مورد فرزندان عتیق از حضرت خدیجه علیها السلام اختلافات ذیل وجود دارد:

1. برخی می گویند: فرزند عتیق از خدیجه علیها السلام یک دختر بوده به نام هند که مادر محمد بن صیفی مخزومی است. (5)
2. برخی می گویند: یک دختر بوده به نام حارثه (6)
3. برخی می گویند: فرزند او پسر بوده به نام هند. (7)

ص: 81

-
- 1- قاضی نعمان بن مغربی، شرح، الأخبار، ج 3، ص 15؛ الاصابه، ج 6، ص 14.
 - 2- مقاتل الطالبیین، ص 30؛ اسد الغابه، ج 5، ص 434.
 - 3- هیثمی، مجمع الزوائد، ج 9، ص 219؛ الذریه الطاهره، ص 25.
 - 4- اسد الغابه، ج 5، ص 434
 - 5- شرح الاخبار، ج 1، ص 183؛ طبقات الکبری، ج 5، ص 434.
 - 6- شرح الاخبار، ج 3، ص 15
 - 7- مجمع الزوائد، ج 9، ص 219؛ المعجم الکبیر، ج 22، ص 449

4. ابن هشام برای او علاوه بر یک دختر فرزند دیگری از خدیجه یاد کرده به نام عبد الله . (1)

در مورد فرزندان ابوهاله از خدیجه علیها السلام نیز اختلافات فراوانی وجود دارد:

1. بیش تر می گویند: او دو فرزند داشته به نام های هند و هاله که هر دو پسر بوده اند.

2. برخی هند را دختر می دانند. (2)

3. کتاب نسب قریش (ص 22) نیز هاله را دختر دانسته است. (3)

4. ابن هشام بعد از این که هند را پسر می داند برای ابوهاله دختری ذکر می کند به نام زینب نه هاله. (4)

ازدواج فرزندان

در مورد ازدواج هند دختر عتیق نیز برخی می گویند: او با پسر عموی خود صیفی بن امیه بن عائذ بن عبدالله ازدواج کرد و از او صاحب فرزندی به نام محمد شد. (5) ولی ابن عساکر از محمد بن عمر واقلدی نقل کرده که عتیق از خدیجه دختری داشت که مالک بن زراره ابوهاله اسدی با او ازدواج کرد. (6)

اگر بپذیریم کسی به نام عتیق با خدیجه علیها السلام ازدواج کرده و آن چه دنیا آمده دختر بوده نه پسر سؤالات ذیل مطرح می شود:

1. چگونه ممکن است آن دختر و مادرش خدیجه طبق نقل ابن عساکر، بعد از عتیق ، هر دو با شخصی به نام ابوهاله ازدواج کنند؟! مگر جمع بین مادر و دختر جایز بوده است؟

ص: 82

1- سیره ابن هشام، ج 4 ص 1058.

2- اسد الغابه، ج 5، ص 434؛ تاریخ طبری، ج 2، ص 411

3- محمد حبیب بغدادی، پاورقی کتاب المنمق، ص 247.

4- ابن هشام الحمیری، سیره النبی، ج 4 ص 1058.

5- طبقات الکبری، ج 8 ص 15 ، و البدایه والنهایه ، ج 5 ص 314

6- تاریخ دمشق، ج 3 ص 190.

2. با توجه به شخصیت با عظمت خدیجه علیها السلام که در مکه به پاک دامنی و زیبایی و ثروت و عقلانیت و حکمت و کیاست مشهور بوده و به نام سیده قریش و طاهره خوانده می شده (1) و برخی او را ملکه بطحا می گفته اند چگونه ممکن است تاریخ این گونه در مورد او به تناقض گویی افتاده باشد؟

3. چگونه مدت عمر او را با 12 سال اختلاف نقل می کنند؟

4. چگونه ممکن است خدیجه علیها السلام سران قریش مثل ابوسفیان، ابوجهل و عقبه بن ابی معیط را جواب رد گفته باشد ولی با دو نفر از افراد مجهول و گمنام مانند عتیق و ابوهاله ازدواج کرده باشد که هنوز یک نام مشخص برای آنان و پدران شان در تاریخ پیدا نشده است؟!

5. چگونه زمان ازدواج های این شخصیت معروف تاریخ معلوم نیست که آیا ابتدا با عتیق ازدواج کرده و سپس با ابوهاله و یا بالعکس؟!

6. چرا فرزندان او این همه گمنامند که بالاخره معلوم نیست هند دختر عتیق بوده یا پسر او و نامش هند بوده یا حارثه و آیا برادر دیگری به نام عبدالله داشته یا نه و اگر او دختر بوده با صیفی مخزومی ازدواج کرده یا با ابوهاله که شوهر مادر اوست؟

7. چرا معلوم نیست هند و هاله فرزندان ابوهاله نیز پسر بوده اند یا دختر و یا خواهر دیگری به نام زینب داشته اند یا نه ؟

پس روشن می گردد که حضرت خدیجه علیها السلام تنها با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرده اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و از نظر حسب و نسب شریف ترین فرد زمان خود در مکه بودند ایشان فرزند عبد الله بن عبدالمطلب بن هشام بن عبد مناف بودند که اجدادش همگی از رهبران و بزرگان قریش به شمار می آمدند و خود آن حضرت در دوران جوانی به «محمد امین» شهرت داشتند.

خدیجه علیها السلام از احوال آن حضرت بی خبر نبود و همیشه از ورقه بن نوفل و از علمای

ص: 83

1- ذهبی، تاریخ الاسلام، ج 2، ص 152؛ الاستیعاب، ج 4، ص 279؛ سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 111؛ الروض الأنف، ج 1، ص 215؛ الاصابه، ج 4، ص 281 282؛ البدایه والنهایه، ج 2، ص 294؛ تاریخ الخميس، ج 1، ص 264.

دیگر علایم نبوت را می‌پرسید. ابن حجر عسقلانی می‌گوید:

روزی خدیجه علیها السلام با جمعی از زنان در منظری از غرفه‌های سرای خود نشسته بود. یکی از احبار یهود نیز با او بود در این هنگام محمد صلی الله علیه و اله از آن جا عبور کرد مرد یهودی به خدیجه گفت: «آیا می‌شود این جوان را به این غرفه دعوت نمایی؟» خدیجه کنیز خود را به سوی آن حضرت فرستاد و او را به غرفه دعوت کرد آن حضرت اجابت فرمودند و در جمع آنان نشستند. مرد یهودی تقاضا کرد که آن حضرت کتف خود را بگشاید. حضرت پذیرفتند. وقتی چشم مرد یهودی به مهر نبوت، افتاد، گفت: «به خدا سوگند این مهر پیغمبری است!» خدیجه گفت: «اگر عموهای او حاضر بودند، تو نمی‌توانستی بر بدن او نظر کنی؛ چون عموهای او از یهودیان نسبت به او می‌ترسند.» مرد یهودی گفت: «هیچ کس نمی‌تواند به او آسیبی برساند. قسم به موسی بن عمران که او پیغمبر آخرالزمان است!» آن حضرت وقتی از آن جا خارج شدند مهرش در دل خدیجه علیها السلام افتاد و به یهودی گفت: «تو از کجا می‌دانستی که او پیغمبر است؟!» گفت: «تورات مرا از این امر با خبر ساخته که او خاتم انبیاست و پدر و مادرش در کودکی از دنیا می‌روند و جد و عمویش کفالت او را بر عهده می‌گیرند». سپس به سوی خدیجه اشاره کرد و گفت: «او با زنی از قریش ازدواج می‌کند که بزرگ قبیله و سیده عشیره است. این سخن را نگاه دار» و چون خواست بیرون رود گفت: «مواظب باش تا محمد را از دست ندهی» و این سخن در ذهن خدیجه هم چنان باقی بود. (1)

در یک روز عید نیز خدیجه علیها السلام با جمعی از زنان قریش در مسجد الحرام بودند. یکی از یهودیان به زنان رسید و گفت: «به زودی در میان شما پیغمبری مبعوث می‌گردد و هر کدام از شما می‌توانید با او ازدواج کنید». آن زن‌ها او را سنگ باران کردند و از خود دور ساختند اما خدیجه به فکر فرو رفت. (2)

این قبیل حوادث خدیجه را چشم انتظار یار خود نشانده بود. پس با توجه

ص: 84

1- ریاحین الشریعه، ج 2، ص 211

2- الاصابه، ج 8، ص 101.

به شناختی که خدیجه از آن حضرت داشت و آوازه امانت داری ایشان زمزمه همگان بود از او خواست مالی در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دهد تا به عنوان تجارت به سرزمین شام برود و به صورت مضاربه ای با هم کار کنند؛ یعنی سرمایه از خدیجه و کار از رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد تا اموالش تباہ نگردد و سود بیش تری عاید او شود. لذا یعقوبی می گوید: «هرگز او برای کسی به عنوان اجیر کار نکرد» (1)

وقتی از سفر تجاری شام بازگشتند میسره غلام خدیجه، کمال امانت داری و راست گویی پیامبر صلی الله علیه و آله را به اطلاع خدیجه رساند. او از شنیدن حکایت سفر پیامبر صلی الله علیه و آله از قبیل حکایت بحیرا و دیگر کرامات و از دیدن آن همه سود، از این تجارت شگفت زده شد و میل به ازدواج خود با حضرت را ابراز نمود. زنی که سران قریش را از خود ناامید کرده بود پیشگام ازدواج با حضرت شد. خواهرش هاله با عمار یاسر صحبت کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله به خواستگاری خدیجه برود. (2)

بنابراین گویا خدیجه چشم انتظار چنین روزی بوده و اگر دست رد هم به سینه خواستگاران، زده به این امید بوده که روزی به وصال محبوب خود نایل شود. پس چگونه می توان باور کرد که او سران قریش را از خود براند ولی به ازدواج با دو مرد گمنام تمیمی و مخزومی تن در دهد؟

دوشیزه بودن خدیجه علیها السلام

بر همین اساس، بسیاری از دانشمندان می گویند که خدیجه هنگام ازدواج دوشیزه بوده و ازدواج او با عتیق و ابوهاله را منکر می شوند. ابوالقاسم کوفی (متوفای 352 ق) می گوید:

اجماع عام و خاص اهل آثار و نقل خبرها بر این است که از اشراف و بزرگان قریش و طایفه داران، کسی نبود مگر آن که از خدیجه خواستگاری کرده بود و

ص: 85

1- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 21

2- تاریخ الخميس، ج 1، ص 263؛ سیره حلبی، ج 1، ص 137.

تمایل به ازدواج با او داشت ولی او از ازدواج با آن‌ها امتناع ورزید. اما وقتی با رسول خدا ازدواج کرد زنان قریش بر او غضبناک شدند و او را از خود راندند و به او گفتند: «سران و فرمانروایان قریش از تو خواستگاری کردند تو با هیچ کس از آنان ازدواج نکردی ولی با یتیم ابوطالب (محمد) ازدواج کردی که فقیر است و سرمایه‌ای ندارد؟»

پس از نظر اهل فهم چگونه ممکن است که یک بیابانی تمیمی با خدیجه ازدواج کند ولی از بزرگان و اشراف قریش سرباز زند؟ آیا صاحب نظران نمی‌دانند که این امر از روشن‌ترین محالات و از کم‌ارزش‌ترین سخنان است (1).

ابن شهر آشوب می‌گوید:

پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی با خدیجه علیها السلام ازدواج کرد او دوشیزه بود. آن چه در دو کتاب الانوار و البدع آمده است که رقیه و زینب دو تا از دختران هاله خواهر حضرت خدیجه بوده‌اند این مطلب را تأیید می‌کند (2).

اصفهانی هم می‌گوید: «خدیجه زن باکره‌ای بود». (3).

آن چه در مورد دو دختر منسوب به خدیجه گفته می‌شود، واقع این است که هاله خواهر حضرت خدیجه با مردی مخزومی ازدواج کرد و از او صاحب دو دختر شد به نام زینب و رقیه آن گاه که مخزومی از دنیا رفت، حضرت خدیجه علیها السلام سرپرستی آن‌ها را بر عهده گرفت. سپس بعد از مرگ هاله، زینب و رقیه تحت تربیت و سرپرستی رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفتند. (4) عادت عرب نیز این بوده که اگر کسی در خانه آنان پرورش یابد یا هم پیمان آنان باشد، او را فرزند می‌خواندند مثلاً به زید بن حارثه می‌گفتند: زید بن محمد و مقداد بن عمرو را مقداد بن اسود می‌خواندند در حالی که اسود حلیف و هم پیمان مقداد بود نه فرزند او (5).

ص: 86

1- الاستغاثه، کوفی، ج 1، ص 70؛ مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 159

2- مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 159.

3- دلائل النبوه، ص 178

4- قاموس الرجال، ج 1، ص 239

5- نجاح الطائی، ازدواج النبی و بناته، ص 121.

1. ابن اثير، على بن ابي الكرم، اسد الغابه، بيروت، دارالكتاب العربي، تهران، اسماعيليان، بي تا.
2. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، تاريخ ابن خلدون، تحقيق، خليل شحاده، بيروت، دارالفكر، 1408 ق.
3. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بيروت، دارصادر، بي تا.
4. ابن شهر آشوب، محمد بن علي، مناقب آل ابي طالب، تحقيق: اساتيد نجف اشرف، مطبع الحيدريه، 1376 ق.
5. ابن طاووس، علي بن موسى سعد السعود، قم، دارالذخائر، بي تا.
6. ابن عبدالبر، ابي عمر يوسف بن عبد الله، الاستيعاب، تحقيق: علي محمد، البجاوي، بيروت، دارالجيل، 1412 ق.
7. ابن عساکر، علي بن حسن بن هبه الله، تاريخ دمشق، تحقيق: علي شيري، بيروت، دارالفكر، 1415 ق.
8. ابن عماد حنبلي، عبدالحى العسکرى الدمشقى، شذرات الذهب، بيروت، داراحياء التراث العربي
9. ابن كثير دمشقى، اسماعيل ابن كثير، البدايه والنهايه، تحقيق: علي شيري، بيروت، داراحياء التراث العربي، 1408 ق.
10. ابن ماکولا، اكمال الكمال، قاهره، دارالكتب الاسلاميه، بي تا.
11. ابن مغزلى علي بن محمد بن محمد الوسطى، المناقب، انتشارات سبط النبى 1384 ش.
12. ابن هشام، السيره النبويه، تحقيق: محمد محى الدين عبدالحميد، مصر، مكتبه محمدعلى صبيح واولاده، 1383 ق.
13. ابي، فداء عماد الدين اسماعيل، المختصر في الاخبار البشر، بيروت، دار الفكر، 1404 ق.
14. اصفهاني، ابوالفرج، مقاتل الطالبين، تحقيق: كاظم المظفر، قم، موسسه

15. بغدادى، محمد بن حبيب، المنمق تحقيق خورشيد احمد، فارق خطى.
16. بلاذرى، احمد بن يحيى، انساب الأشراف، تحقيق: محمد حميد الله مصر، دار المعارف، 1959 م
17. تسترى، محمد تقى، قاموس الرجال، قم، انتشارات جامعه مدرسين، 1422 ق.
18. تيمى الاصفهاني، اسماعيل بن محمد بن الفضل، دلائل النبوه، رياض طيبه، بى تا.
19. حاكم نيشابورى، حافظ ابى عبدالله، المستدرک على الصحيحين تحقيق: يوسف عبدالرحمان المرعشلي، بيروت، دارالوفاء، بى تا.
20. حلبي، السيره الحلبيه، بيروت، دارالمعرفه، 1400 ق .
21. خثعمى السهيلي، عبدالرحمان بن عبد الله الروض الانف، تحقيق: طه عبد الرؤوف سعد، بيروت، دار الفكر، 1409 ق.
22. دولابى، محمد بن احمد بن حماد، الذريه الطاهره، تحقيق: سيد محمد جواد حسيني جلالى، قم، انتشارات جامعه مدرسين قم 1407 ق.
23. ذهبى شمس الدين محمد بن احمد تاريخ الاسلام، تحقيق: دكتور، عمر عبد السلام ترمزى، بيروت، دارالكتاب العربى، 1409 ق.
24. ذهبى، محمد ابن احمد، سير اعلام النبلاء، تحقيق: شعيب الارنؤوط، بيروت، مؤسسه الرساله، 1413 ق.
25. الطائى، نجاح، ازدواج النبي وبناته، بيروت، دارالهدى لإحياء التراث 1422 ق.
26. طبرانى، سليمان بن احمد، المعجم الكبير، تحقيق: حمدى عبدالمجيد السلفى، بى تا.

27. طبري، محمد بن جرير، تاريخ الامم و الملوك ، بيروت، مؤسسه الاعلمى، 1403 ق.
28. عسقلاني، ابن حجر، الاصابه ، تحقيق شيخ عادل احمد عبدالموجود و شيخ على محمد معوض، بيروت، دارالكتب العلميه، 1415 ق.
29. عسقلاني، احمد بن على بن حجر، تهذيب التهذيب، بيروت، دارالفكر، 1404 ق.
30. عسقلاني، شهاب الدين ابن حجر، فتح البارى، بيروت، دارالمعرفه، بى تا.
31. الكوفى، على بن احمد بن موسى الاستغاثه ، بى جا، بى تا.
32. مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، مؤسسه الوفاء، 1403 ق.
33. محلاتى، ذبيح الله ، رياحين الشريعه ، تهران، دارالكتب الاسلاميه، بى تا.
34. مدنى شيرازى، سيدعلى خان ، الدرجات الرفيعه في طبقات الشيعه ، سيد محمد صادق بحرالعلوم، قم، بصيرنى، 1397 ق.
35. مسعودى، التنبيه و الاشراف ، بيروت، دار صعب، بى تا.
36. مغربى قاضى نعمان بن محمد شرح الاخبار، تحقيق: سيد محمد حسيني جلالى، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین، 1414 ق.
37. موسوى المقرم، عبد الرزاق ، وفاه الزهراء، قم، بصيرتى، بى تا.
38. هيثمى نورالدين على بن ابى بكر، مجمع الزوائد، بيروت، دار الكتب العلميه، 1408 ق.
39. يعقوبى، احمد بن يعقوب، تاريخ يعقوبى، قم، مؤسسه نشر فرهنگ اهل بيت عليهم السلام، بيروت، دارصادر، بى تا

موضوع این پژوهش، نگرش کوتاهی بر گوشه ای از زندگی و شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام است. با مطالعه زندگانی بانوان بزرگ اسلام ملا-حظه می شود که درباره زندگی این بانو در منابع و متون فارسی آن چنان که شایسته و بایسته است - چه در مورد نگرش و شخصیت ایشان و چه نقش حساس ایشان در تاریخ اسلام - کم تر مطالب یافت می شود. لذا ضرورت دارد زندگی نامه بانوی اول و مدافع اسلام بیش تر بررسی گردد. این نوشتار در جهت شناساندن این بزرگ بانوی اسلام تهیه شده و درباره ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام بحث می کند. هم چنین به علاقه حضرت خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می شود که ایشان زنی آگاه به کتب آسمانی و دانشمند بودند لذا بر اساس پیش گویی هایی که در زمان خود شنید منتظر همسر ایده آل بود تا با مردی ازدواج کند که به زودی به عنوان آخرین پیامبر در سرزمین حجاز مبعوث خواهد شد همین طور به مراسم خواستگاری و مسائل قبل و بعد از ازدواج و تهمت های ناروایی می پردازد که در تاریخ به ایشان زده اند همچنین به شیوه شوهرداری، فداکاری ها و محبت های وی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امام علی علیها السلام اشاره می گردد و به اختلاف شدیدی می پردازد که در متون تاریخی در مورد فرزندان ایشان وجود دارد

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، ازدواج پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام

هر گاه سخن از ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام به میان می آید، این سؤال مطرح می شود که آیا خدیجه علیها السلام قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرده بود یا نه؟

مشهور منابع اهل سنت، این است که ایشان قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، دو بار ازدواج کرده اند. (1) این نظر در بعضی از منابع شیعی مثل بحارالانوار و کشف الغمه نیز وجود دارد ولی به نظر می رسد با دلایلی چند می توان به نقل مشهور تشکیک وارد کرد.

الف) بررسی و نقد دلیل تاریخی

بیش تر منابع تاریخی دوره اول، اسلام روایات را از زبیری ها نقل کرده اند که راوی آن ها بیش تر عایشه است. او وقتی به فضایل امام علی علیه السلام و وابستگان آن ها می رسد نفرت خویش را نشان می دهد. لذا هر گاه درباره خدیجه علیها السلام فضایی نقل می شد او برای این که حضرت خدیجه علیها السلام را تخطئه کند و خود را بالا برده ارج و مرتبتی برای خویش دست و پا کند، بارها بیوه بودن خدیجه علیها السلام و ازدواج او با غیر پیامبر صلی الله علیه و آله آن هم دو بار و داشتن فرزندان غیر از حضرت فاطمه علیها السلام از مردانی دیگر را مطرح می کرد.

کسانی مثل ابن اسحاق و ابن هشام به این موضوع اشاره کرده اند. قبل از ابن اسحاق (م 151) ابن شهاب زهری سیره نوشت او شاگرد عروه بن زبیر پسر خواهر عایشه بود و عروه نیز بیش تر از عایشه روایت کرده و او تقریباً شاگرد ممتاز عایشه بوده است. لذا ابن اسحاق، و عروه و دیگران، در نقل اکثر منابع سیری خود مسنداً یا بدون مسند از ابن شهاب نقل کرده اند و این منابع هم مملو از مطالبی است که عایشه را از خدیجه علیها السلام بالاتر نشان می دهند برای

ص: 91

نمونه، ویژگی هایی برای او مطرح نمودند مثل باکره بودن (1) و زیبا بودن (2) و این که عایشه، تنها زن محبوب پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. (3)

ابتدا در منابع نقل شده که ایشان دوبار ازدواج کردند و دارای فرزندان از دو همسر قبلی خود شدند، بعد هم خواستگاران فراوانی از رؤسا و ثروتمندان مکه داشتند ولی او آن ها را رد می کرد تا این که بالاخره تن به ازدواج با یتیم قریش داد با دقت در این مطلب جز آشفتگی چیز دیگری نمی بینیم. آیا می شود زنی ثروتمند که مردانی را به خدمت می گماشته تا در اطراف و اکناف جهان برایش تجارت کنند ابتدا با مردان گمنام ازدواج، نمایند سپس مردان مشهور را رد کند؟ کسانی که مقاصد خاصی در نقل تاریخ دارند نوعاً دچار چنین اشتباهات فاحشی می گردند والا اگر تاریخ درست نقل شود، هرگز دچار لغزش و آشفتگی نیست. از سویی دیگر اقوال ضد و نقیضی دیگری نیز در تاریخ موجود است؛ از جمله:

1. در مناقب ابن شهر آشوب به نقل از سیره صحیح پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است:

احمد بلاذری و ابوالقاسم کوفی هر یک در کتاب خود و مرتضی در شافی و ابو جعفر در تلخیص روایت می کنند که پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی با خدیجه علیها السلام ازدواج می کردند که عذرا (با کره) بود همین مطالب در کتاب الانوار والبدء آمده که رقیه و زینب دختران هاله خواهر خدیجه علیها السلام بودند. (4)

2. گفته اند اول شهید صدر اسلام حارص بن ابی هاله فرزند خدیجه علیها السلام است؛ (5) در حالی که این با روایت صحیح از قتاده که گوید: سمیه مادر عمار اول شهید صدر اسلام بود مخالف است. (6)

3. خدیجه علیها السلام خواهری به نام «هاله» داشت که با مردی از طایفه مخزوم

ص: 92

1- همان، ص 81

2- همان، ص 95

3- همان.

4- جعفر مرتضی عاملی، سیره صحیح پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام، ج 1، ص 151

5- ابن حجر، الاصابه، ج 1، ص 193.

6- استیعاب حاشیه الاصابه، ج 4، ص 331.

ازدواج نمود و دختری به نام «هاله» به دنیا آورد بعد هم این خواهر با مردی از طایفه بنی تمیم ازدواج نمود که به او ابوهند می گفتند و از او فرزندی به دنیا آمد که نامش را «هند» گذاشت. مرد تمیمی از همسر دیگرش صاحب دو فرزند به نام «زینب» و «رقیه» بود. هند بعد از درگذشت مرد تمیمی و همسرش، نزد قوم پدرش رفت و «هاله» خواهر خدیجه علیها السلام و دو دختر آن مرد را نزد خدیجه علیها السلام آورد و خدیجه علیها السلام آن ها را بزرگ کرد. بعد از ازدواج خدیجه با پیامبر صلی الله علیه و آله، هاله خواهر خدیجه علیها السلام از دنیا رفت و آن دو دختر در دامن خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله بزرگ شدند و فرزند خوانده های آنان گردیدند؛ چون عرب معتقدند «ربیع» یا فرزند خوانده دختر انسان است لذا آن دو دختر را به پیامبر صلی الله علیه و آله منصوب کردند همان طور که زید را پسر پیامبر صلی الله علیه و آله الله می دانستند. (1)

4. مقدسی از سعید بن ابی عروه از قتاده آورده اند که اگر گفته: «خدیجه علیها السلام برای رسول خدا دو پسر و چهار دختر به دنیا آورد پسران ابوالقاسم و عبدالله در کودکی از دنیا رفتند و چهار دختر هم در دوران اسلام به دنیا آمدند، چطور پیامبر صلی الله علیه و آله دو تا از دخترانش شامل «رقیه» و «ام کلثوم» را به ازدواج فرزندان ابولهب و بعد به ازدواج با عثمان در آورده اند؟ مگر می شود دخترانش را به ازدواج کافر در آورده باشد؟ بعد هم عثمان که رقیه را گرفت، دوبار او را به حبشه برد در حالی که اولین هجرت به حبشه پنج سال بعد از بعثت است چطور ممکن است رقیه قبل از بعثت با فرزند ابولهب ازدواج نماید، بعد هم از او جدا شود و در زمان اسلام با عثمان ازدواج نماید و از آن طرف هم رقیه بعد از بعثت به دنیا آمده باشد!

این مسائل نشان می دهد رقیه ای که با عثمان ازدواج نموده، غیر از آن رقیه ای است که پیامبر صلی الله علیه و آله داشته که شاید همان دختر «هاله» خواهر خدیجه علیها السلام بوده است. (2)

ص: 93

1- همان، ج 1، ص 154.

2- لذا عثمان همسر ربیع دختران پیامبر صلی الله علیه و آله (جعفر مرتضی عاملی، سیره صحیح پیامبر صلی الله علیه و آله، ج 1، ص 154). و پسران پیامبر صلی الله علیه و آله دختران او نمودند الا فاطمه کسانی که می خواستند در مقابل امام علی علیه السلام برای خود فضیلت بتراشید چنین وانمود می کنند که عثمان ذوالنورین است و دو تا از دختران پیامبر صلی الله علیه و آله را گرفته ولی

درباره زینب هم اقوال تاریخی مشوش است. عمرو بن دینار روایت کرده که حسن بن محمد بن علی علیه السلام به او (عمرو) خبر داد که «ابوالعاص ابن ربیع ابن عبد الغزّاء بن عبد الشمس بن عبد مناف» شوهر دختر خدیجه علیها السلام بوده که او را دست بسته نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می آورند و بعد زینب دختر پیامبر صلی الله علیه و آله او را آزاد می کند.

این که نخست به دختر خدیجه علیها السلام تعبیر کرد اشاره به این دارد که دختر پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده است. هر چند بعد از آن او را با عنوان دختر پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر نمود، شاید هدف او این باشد که چون خدیجه علیها السلام زینب را تربیت کرده واجب حق پدری، گشته والا چرا باید ابتدا او را دختر خدیجه علیها السلام بخواند؟ (1) یا در بعضی از منابع آمده که زینب در سی سالگی پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا آمده و ابوالعاص بن ربیع قبل از بعثت با او ازدواج نموده و دو فرزند به نام «علی» که در کودکی درگذشت و «امامه» را به دنیا آورد که هنگام آردن مادر در ابتدای بعثت او هم ایمان آورده، در حالی که این منطقی نیست. چگونه دختر در ده سالگی ازدواج کند و دختری به دنیا آورد او هم بزرگ شود و در اوایل بعثت همراه مادرش اسلام آورد. مادر ده ساله و دخترش با هم اسلام می آورند؟

مورد بعدی از این دلایل مغشوش سخن ابن بکار است که می گوید:

سه تن از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله (قاسم که بزرگترین فرزند بود و زینب که قبل از اسلام به دنیا آمد و عبدالله) این ها بعد از نبوت به دنیا آمده اند و عبدا... در کودکی از دنیا رفت سپس، ام کلثوم، فاطمه علیها السلام و رقیه بعد از اسلام به دنیا آمدند. (2)

این مسندات تاریخی مشوش است و به قول، بزرگان برای رقابت بر سر برتری امام علی علیه السلام جعل شده است. (3)

امام علی علیه السلام یک دختر را این حرفی باطل است.

ص: 94

1- همان، ج 1، ص 56.

2- هیشمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج 9، ص 217.

3- برخی تاریخ نگاران نسبت های ناروایی به امام علی داده اند مانند آن که با حضرت فاطمه علیها السلام رفتار ناشایستی داشته یا خواسته دختر ابوجهل را هووی فاطمه قرار دهد که با خشم پیامبر صلی الله علیه و آله رویه رو شده است. این گونه برای این خاندان پاک عیب می تراشیدند. همان گونه که برای تولد حضرت علی علیه السلام در، کعبه چنین جعل کردند حکیم بن حزام اولین کسی بوده که در کعبه تولد یافته و تولد امام علی علیه السلام در کعبه را قولی ضعیف می دانند (ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج 1، ص 349)

ب) بهره جستن از بعضی دلایل کلامی و منافی دانستن این مسأله با اصل عصمت

در زیارت هفتم از زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام از قول امام صادق علیه السلام معروف به زیارت وارث می خوانیم:

گواهی می دهم تو نوری بوده ای که در پشت های فرازنده و بلندبالا و در ارحام پاک قرار گرفتی که به پلیدی های دوران جاهلیت نیالوده است. (1)

یا در بخشی از زیارت جامعه می خوانیم:

ارواح شما و نور شما و طینت شما یکی است؛ پاک و پاکیزه؛ و بعضی از شما از بعضی دیگر گرفته شده است. (2)

هم چنین:

شما را از چرک ها پاک کرده و پلیدی را از شما دور گردانیده است. (3)

در خطبه 94 نهج البلاغه از امام علی علیه السلام درباره اصالت خانوادگی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام چنین آمده است:

خداوند پیامبران را در بهترین جایگاه به ودیعه گذاشت و در بهترین مکان ها استقرارشان داد از صلب کریمانه پدران به رحم پاک مادران منتقل فرمود هر گاه یکی از آنان درگذشت دیگری برای پیشبرد دین خدا به پا خاست. تا این که کرامت اعزام نبوت به محمد صلی الله علیه و آله رسید. نهاد وجود او را از بهترین معادن استخراج نمود و نهال وجود او را در اصیل ترین سرزمین ها کاشت...

عترت او از بهترین عترت ها و خاندان او از بهترین خاندان ها و درخت وجودش از بهترین درختان است... ساختمان های بلند آن سر به آسمان

ص: 95

1- (أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا)؛

2- أَنْ أَرْوَا حِكْمَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطَيِّبَتِكُمْ وَاحِدَةً طَابَتْ وَطَهَّرْتُ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ

3- (طَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا)

کشیده که دست هر کسی به میوه آن نمی رسد.

منظور از شاخه ها و میوه اهل بیت علیهم السلام هستند که این جا شاهد مثال ما کلمه «کرائم الاصلاب الی مطهرات الارحام» است. این جا چند تفسیر دارد: قول اول این که منظور از «ارحام المطهرات» یعنی دوری از زنا و به وسیله ازدواج عرفی نسل های آن ها ادامه دارد.

که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرمایند:

خداوند من و حسن و حسین و علی و فاطمه را هفت هزار سال پیش از خلقت آفرید. سپس ما را در صلب آدم قرار داد. سپس آن ها را در صلب های پدران و رحم های مادرانی جای داد که هیچ گاه پلیدی و شرک و زشتی کفر با ما تماس نگرفت. (1)

این جا ارحام مطهره به این معنا نیست که ازدواج آن ها به صورت شرعی و عرفی بوده نه، زنا بلکه منظور این است که این ها از پلیدی دور بوده اند و می دانیم که کفر نجس و پلیدی است و کسی که ازدواج بکند و کافر باشد، هرگز او را مطهر نگوید چون طبق آیه شریفه قرآن (*إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ*) بی شک مشرکان پلید و ناپاک هستند (2) لذا به مادران ائمه علیهم السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله مطهره می گویند؛ زیرا آن ها موحد بوده اند.

طبق روایات می دانیم که عصمت امری موهبتی بوده که خداوند در امامان علیهم السلام قرار داده است و آبا و اجدادشان همگی معصوم و دور از پلیدی جاهلیت - اعم از پلیدی ظاهری و باطنی - بوده اند. همان طور که پدر امامان معصوم منزله از پلیدی بودند چگونه مادر حضرت زهرا علیها السلام می تواند زنی باشد که در دوران بت پرستی و جاهلیت ازدواج کرده و از مردان بت پرست صاحب فرزند شود، بعد با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کند و از او فرزندانی به دنیا بیایند که ام ائمه گردند. در حالی که قائلیم مادران ائمه هم پاک بوده اند چگونه ام المؤمنین مثل زنان ناپاک بوده که از او فاطمه علیها السلام به دنیا آمده است؟

ص: 96

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 15، ص 80

2- سوره توبه، آیه 28.

خدیجه علیها السلام در زمان جاهلیت به طاهره شهرت داشت؛ زیرا زنی پاک و منزّه به شمار می آمد که قبل از بعثت هم او به پاک بودن معروف شده بود. لذا بی شک می توان گفت که حضرت خدیجه علیها السلام زن پاک و منزّه بودند که به ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و مفتخر گشتند. زنی باهوش که با احساسات و خواب هایی که دیده و یا پیشگویی هایی که شنیده بود منتظر آن مرد بزرگ بود که وقتی ایشان را شناخت خود مستقیماً از حضرت خواستگاری کرد. پس طبق احادیث ائمه علیهم السلام نقل شده که هر گاه حدیثی با سخن قرآن مخالف باشد، آن سخن را پاره کنید و به دیوار بزنید

لذا سخنانی را که درباره ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با مردانی غیر از پیامبر صلی الله علیه و آله است، نمی پذیریم؛ چون طبق نقل قرآن و احادیث ائمه علیهم السلام این ها طینت و جوهرشان پاک و منزّه و ارواح شان از یک دیگر و از ارحام مطهره و اصلاّب شامخه است نه از پدر و مادران پلید یا کافر

راز علاقه حضرت خدیجه علیها السلام به حضرت محمد صلی الله علیه و آله

اشاره

یکی از موضوعاتی که باید به بحث و بررسی درباره آن پرداخت عوامل مؤثر در علاقه حضرت خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله است. حضرت خدیجه علیها السلام چطور با داشتن موقعیت اجتماعی و علاقه مندان بسیار به ازدواج، ایشان همه را نادیده گرفتند و به پیامبر صلی الله علیه و آله علاقه مند گردیدند؟ آیا سرچشمه این ازدواج آسمانی بوده یا زمینی؟ الهی و قدسی بوده یا طبیعی و جسمانی؟ کتب سیره و تاریخ نظر اول را تأیید می کند. پاره ای از این گزارش ها عبارتند از:

1. سفر تجارتي میسره با پیامبر صلی الله علیه و آله

وقتی ایشان پیامبر صلی الله علیه و آله را برای سفر تجاری، فرستاد همراه اموال خود غلامش میسره را هم راهی سفر کرد. او که در سفر مواظب اموال حضرت خدیجه علیها السلام و نحوه رفتار تاجران با اموال بود، حرکات پیامبر صلی الله علیه و آله را زیر نظر داشت؛ لذا هنگام

بازگشت از سفر تمام جزئیات را برای حضرت خدیجه علیها السلام تعریف کرد، (1) او گفت:

پیامبر صلی الله علیه و آله از هیچ درخت و سنگی رد نمی شدند مگر این که به ایشان خطاب می کردند: السلام علیک یا رسول الله! وقتی فروشندگان او را به لات و عزی قسم می دادند او می فرمود: «منفورترین چیز نزد من اینان هستند!» هنگامی که ابر بر سر ایشان سایه افکند (2) بحیرا با مشاهده آن، علایم نبوت را به ایشان بشارت داد

وقتی میسره این مطالب را گزارش داد حضرت خدیجه علیها السلام که از سال های قبل مترصد چنین فرصتی بود و خواستگاران زیادی را به علت چنین آرزویی رد کرده بود، بی درنگ دست به کار شد و مقدمات ازدواج را آماده کرد.

2. پیشگویی پسر عموی دانشمند حضرت خدیجه علیها السلام

ورقه بن نوفل پسر عموی حضرت خدیجه علیها السلام یکی از کاهنان قریش بود. او تورات و انجیل را مطالعه می کرد و همیشه می گفت که مردی از قریش در آخرالزمان بر می خیزد و جامعه را اصلاح خواهد کرد و با زنی از قریش که سیده قومش است ازدواج خواهد کرد این حرف همیشه در خاطر حضرت خدیجه علیها السلام بود. (3) لذا از علایم آن مرد آخرالزمانی از پسر عمویش سؤال می کرد؛ بنابراین هنگام ازدواج، نخست از مهر نبوت پرسید و با خردمندی با رسول خدا صلی الله علیه و آله ازدواج کرد. (4)

3. پیشگویی راهب یهودی

در یکی از اعیاد دوران جاهلیت که زنان در مسجد الحرام جمع شده بودند مردی غریب از کنار آن ها گذشت که او را یهودی کاهن یا راهب یهودی می گفتند وقتی او گروهی از زنان را دید که با لباس های رنگارنگ به شادی

ص: 98

1- احمد زینی دحلان، سیره حلبیه، ج 1، ص 140.

2- هر چند اصل این قضیه پذیرفتنی نیست؛ چون ظاهراً بر اساس منابع فقط بحیرا می بیند و از همراهان او هیچ کس ندیده یا نقلی نشنیده است.

3- احمد زینی دحلان، سیره حلبیه، ج 1، ص 140.

4- همان

پرداخته بودند با بانگ رسا آن ها را خطاب قرار داد و گفت!!

ای جماعت زنان قریش!! مردی به زودی از بین شما قریشیان مبعوث خواهد شد که پیامبر صلی الله علیه و آله شما خواهد بود؛ پس هر کس از شما بخواهد می تواند زن او باشد حتماً افتخار همسری او را برای خود کسب کنید.

ناگهان زنان با نگاه به یک دیگر گفتند: «این مرد یهودی چه چیزهای غریبی می گوید می خواهد خدايان ما را مسخره کند! لذا او را هو کرده، با پرتاب سنگ و فحش او را از آن جا دور ساختند. در این میان فقط یک زن سخنان او را جدی گرفت چون حرف های آن مرد با پیشگویی هایی که قبلاً شنیده بود جور در می آمد. خوب به حرف هایش فکر کرد (1) و در انتظار آن بود که این افتخار نصیب او گردد. (2) این شخص کسی نبود جز حضرت خدیجه علیها السلام.

هم چنین روزی یکی از راهبان یهودی نزد حضرت خدیجه علیها السلام نشسته بود و برای ایشان سخن می گفت که در این هنگام مردی از زیر پنجره آن ها رد شد. تا چشمان آن عالم یهودی به آن مرد افتاد از حضرت خدیجه علیها السلام تقاضا نمود او را به حضورش بیاورد هنگامی که آن مرد وارد شد، راهب از نام و تبارش پرسید و از او خواست که لباسش را کنار زده تا علایم نبوت را مشاهده کند. او وقتی تمام نشانه ها را دید گفت: «این همان پیامبر آخرالزمان است من نشانه های او را در تورات خوانده ام! او زنی از قریش را به همسری بر می گزیند که سالار زنان است!» بعد با اشاره به حضرت خدیجه علیها السلام گفت: «خوش به حال زنی که در این راه مقدس با او همراه شود و همسر او گردد!» (3)

ص: 99

1- ابن هشام، سیره؛ احمد زینی دحلان، سیره حلبیه، ج 1، ص 140؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 41.
2- البته علامه جعفر مرتضی عاملی این گونه راهبان یهود و نصارا را تأیید نمی کند و اعتقاد دارد این از جعلیات بنی اسرائیلی است که در تاریخ اسلام وارد نموده اند تا مسلمانان احساس نزدیکی به آن ها بکنند و نفرت شان را کم رنگ کند البته خود، قرآن به موضوع آشنا بودن یهود و نصارا با نشانه های پیامبر آخر الزمان اذعان دارد. (سوره بقره، آیات 174/146؛ سوره انعام آیه 20) کسانی که ما به آن ها کتاب داده ایم می شناسند او را هم چنان که می شناسند فرزندان شان را و همانا گروهی از آن ها پنهان می کنند حق را در حالی که حق را می دادند.

3- ابن سعد، طبقات الکبری، ج 8، ص 12.

4. خواب دیدن حضرت خدیجه علیها السلام

روزی حضرت خدیجه علیها السلام خوابی عجیب دید و برای ورقه بن نوفل چنین بیان کرد: «در خواب دیدم ماه از آسمان فرود آمد و در کنار من افتاد و سپس هفت پاره شد» همو می گوید: «در خواب دیدم خورشید در بالای کعبه چرخید و کم کم پایین آمد و در خانه من فرو نشست».

بار دیگر در عالم رؤیا دید که ماه از آسمان مکه آرام آرام در سرای او فرود آمد. او از این نوع خواب ها شگفت زده می گردید و آن ها را برای تعبیر به پسر عمویش می گفت و ورقه هم بعد از شنیدن این خواب ها همراهی و همسری آخرین پیامبر خدا را به او نوید می داد (1).

اقوال مختلف درباره خواستگاری

اشاره

رابطه تجاری پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام، باعث شد این دو بیش تر هم دیگر را بشناسند. لذا در امر خواستگاری چند قول گفته شده که عبارتند از:

1. خواستگاری پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام

برخی گفته اند که ابتدا پیامبر صلی الله علیه و آله به خواستگاری خدیجه علیها السلام رفتند زن پیشگویی آن جا نشسته بود آن زن تا حضرت را دید گفت: «او نیامده مگر برای خواستگاری!» پیامبر صلی الله علیه و آله هم شرم کردند و منکر سخن زن شدند. ولی بعد وقتی آن زن پیامبر صلی الله علیه و آله را دید گفت: «هیچ زنی شایسته تر از خدیجه نمی توانی پیدا کنی!» لذا پیامبر صلی الله علیه و آله برگشتند و موضوع را به خدیجه علیها السلام گفتند. (2)

2. خواستگاری خود خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله

همان طور که گفته شد وقتی میسره گزارش سفر خود را به خدیجه علیها السلام

ص: 100

1- سید محسن، امین مجالس السنیه، ج 5، ص 6.

2- سهیلی، روض الانف، ج 2، ص 124؛ طبری، سمط الثمین، ص 36.

داد و او از امانت داری و پاکی و عدم بت پرستی حضرت محمد صلی الله علیه و آله سخن، گفت خدیجه علیها السلام خود مستقیم از رسول خدا صلی الله علیه و آله خواستگاری نمود و گفت: «ای پسر عمویم! به سبب خویشاوندیت با من بهترین کس بودن در قوم خود و حسن خلق و امانت داری و راستگویی به تو علاقه مندم».

بنابراین پیامبر صلی الله علیه و آله هم این موضوع را با بنی هاشم در میان گذاشتند و آن ها هم با حمزه برای خواستگاری نزد عموی خدیجه علیها السلام (عمر بن اسد) آمدند و حضرت خدیجه علیها السلام را از او خواستگاری نمودند. (1)

3. خواستگاری خدیجه علیها السلام به واسطه نفیسه دختر منیه

خواهر یعلی بن منیه می گوید:

خدیجه علیها السلام که از بهترین زنان قریش از جهت نسب و ثروتمندترین آن ها از جهت مال و بسیار زیرک و باهوش بود بعد از بازگشت حضرت محمد صلی الله علیه و آله از سفر تجارتهی شام مرا پیش حضرت فرستاد. من به ایشان گفتم: «ای محمد صلی الله علیه و آله چه چیزی مانع ازدواج شماست؟» جواب داد: «دستم خالی است». گفتم: «اگر زنی صاحب مال و جاه و شریف و زیبایی را پیدا کنم قبول می کنید؟» پیامبر صلی الله علیه و آله و جواب دادند: «بلی». من هم به خدیجه علیها السلام خیر دادم و او چگونگی خواستگاری از خویش را به عرض پیامبر صلی الله علیه و آله رسانید. لذا عمرو بن اسد آمد و ازدواج صورت گرفت. (2)

4. خواستگاری خدیجه علیها السلام به واسطه خواهرش هاله

عمار یاسر نقل کرده است:

من با پیامبر صلی الله علیه و آله دوست بودم داشتیم بین صفا و مروه راه می رفتیم که خدیجه علیها السلام و خواهرش هاله را دیدیم هاله به من گفت: «چرا دوست زن نمی گیری. آیا به خدیجه علیها السلام تمایل ندارد؟» گفتم «نمی دانم» و خبر را

ص: 101

1- احمد زینی دحلان، سیره حلبیه، ج 1، ص 138

2- احمد زینی دحلان، سیره حلبیه، ج 1، ص 138

به محمد صلی الله علیه و آله گفتم حضرت هم فرمود: «برو و با آن ها روز خواستگاری را تعیین کن تا ما بیاییم». بعد به خواستگاری او رفتیم؛ دیدیم خدیجه علیها السلام گاوی ذبح کرده و پدرش را لباس فاخری پوشانده و او را مست کرده بود!! (1)

مراسم ازدواج

حضرت محمد صلی الله علیه و آله در خانه ابوطالب بزرگ قریش زندگی می کرد و طبق وصیت عبدالمطلب او سرپرست حضرت بود و حتی با تشویق عمویش با اموال خدیجه علیها السلام به تجارت پرداخت. حال آیا ممکن است پیامبر صلی الله علیه و آله عمو و بزرگ قوم و سرپرست خود را رها کند و عمویش حمزه (2) را که تقریباً هم سن خودش بود برای خواستگاری بزرگ بانوی، قریش فرستاده باشد؟ رسم است که بزرگان فامیل به خواستگاری می روند از این جا معلوم می شود کسانی که با پسرش (امام علی علیه السلام) دشمنی دارند سعی می کنند که حتی کم ترین خوبی هم برای ابوطالب علیه السلام ذکر نشود.

تهمت های ناروا به پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام

1. تنگ دستی پیامبر صلی الله علیه و آله

نقل شده که وقتی خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین سؤال کرد: «ای محمد صلی الله علیه و آله نمی خواهی ازدواج کنی؟» حضرت فرمودند: «با چه کسی؟» خدیجه علیها السلام گفت: «با من» حضرت فرمودند: «من با تو؟ تو کجا و من کجا! توایم (3) قریش و زنی هستی که بزرگان را رد کرده ای و من که یتیم و تنگ دست قریش هستم».

بی شک این حرف ها دور از شأن پیامبر صلی الله علیه و آله است که چنین خویش را زار و حقیر بنماید. همان طور که گفته شد خدیجه علیها السلام به سبب قرابت و اخلاق و رفتار نیکوی پیامبر صلی الله علیه و آله با ایشان ازدواج کرد.

ص: 102

1- همان؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 16

2- ابن هشام، سیره، ج 1، ص 205.

3- طریحی مجمع البحرین، ج 1 و 2، ص 140 مرد چه ازدواج کرده باشد یا نه و زنی که باکره باشد یا بیوه به هر دو مورد ایم گویند و به زنان ایمه، نگویند چون تعداد زنان، ایم نسبت به مردان بیش تر است.

2. دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج

یکی دیگر از مسائل بسیار تأسف بار تهمت های زشتی است که بر صاحت مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله وارد کرده و ایشان را همچون جوانان لاابالی معرفی نموده و ادعا کرده اند که ایشان قبل از ازدواج رابطه هایی با حضرت خدیجه علیها السلام داشته اند این تهمت ها همه از ساحت وجود پیامبر صلی الله علیه و آله به دور است. چگونه امکان دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله از بعثت خودش خبر نداشته ولی قبل از او حضرت خدیجه علیها السلام از این مطلع بوده و به او بگوید: «امیدوارم به زودی به پیامبری مبعوث بشوی؟» و این قصه جز استهزاء پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی دیگری نیست.

3. شراب خوراندن پدر خدیجه علیها السلام

در منابع تاریخی دسته اول آمده که پدر خدیجه علیها السلام (خوید ابن اسد) بیست سال قبل از این ازدواج در جنگ فجار کشته شده است. اما دسیسه بازان گفته اند چون پدرش با این ازدواج مخالف بود، خدیجه علیها السلام حيله کرد و به او شراب نوشانید و بعد لباسی حریر به او پوشاند بعد که پدر به هوش آمد و علت لباس را سؤال کرد، گفت: «تو مرا به ازدواج محمد صلی الله علیه و آله در آورده ای!» (1) پدر انکار کرد و گفت: «من تو را به یتیم ابوطالب بدهم؟!» آیا این گونه در تاریخ دست بردن جز قصد اهانت به پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام چیز دیگری می تواند باشد و چنین بانوی با کرامتی به خاطر عشق به چنین کارهایی دست بزند؟! (2)

4. انگیزه ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام

در آینده در خطبه حضرت خواهیم دید که ایشان عرض می کند «خودم و مالم از آن توست». این را طی سال های زندگی با حضرت نشان داد، طوری که سال ها بعد از مرگش وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از او یاد می کرد اشکش جاری می شد

ص: 103

1- احمد زینی دحلان، سیره حلبیه، ج 1، ص 140.

2- جعفر مرتضی عاملی، سیره صحیح پیامبر، ج 1، ص 154.

و با دیدن دوستان او شاد می گردید. این ها نشان می دهد که اگر پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر مال با خدیجه علیها السلام ازدواج کرده بودند، شاید در طول زندگی یک سری مسائلی پیش می آمد که حداقل مواردی از آن در تاریخ ذکر می شد. آن دو آن قدر عاشق هم بودند که بین خانواده های، قریش به زن و شوهری خوش بخت شهرت داشتند.

هرگز در تاریخ نمونه ای از اختلاف بین آن دو نداریم؛ به همین علت، پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از رحلت حضرت خدیجه علیها السلام و ابوطالب علیه السلام احساس بی یاری و تنهایی می کردند تا خدیجه علیها السلام زنده بود، اگر در بیرون از خانه دچار مشکلی می شدند همسر مهربانش ایشان را دلداری و به او آرامش می داد و پیامبر صلی الله علیه و آله مشکلات را به خاطر محبت های بی دریغ همسرش بر خود هموار می کردند (1)

5. خطبه ابوطالب هنگام ازدواج

وقتی حضرت خدیجه علیها السلام تصمیم به ازدواج گرفت، قاصدی را سوی ورقه بن نوفل یا عمویش عمرو بن اسد فرستاد و گفت: «به او بگو که وقتی حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیش تو آمد مرا به او تزویج کن پس از آن که ابو طالب علیها السلام نزد خدیجه علیها السلام آمد، خدیجه علیها السلام به او گفت: «نزد عمو یا عموزده ام بروید تا مرا به تزویج حضرت محمد در آورد و من در این مورد با او سخن گفته ام». آن ها پیش عموزاده یا عمویش رفتند و ابو طالب، خدیجه علیها السلام را از او خواستگاری نمود (2)

نیز هنگام ازدواج ابوطالب چنین خطبه خواند:

سپاس خدای این خانه همان کسی که ما را از ذریه ابراهیم و اسماعیل قرار داد و ما را در حرم امنی فرود آورد و بر ما برتری داد و به این سرزمین برکت و نعمت بخشید. ما و این برادرزاده را بر تمام مردان قریش برتری داد و قابل قیاس نیست مگر این که وی بهتر از اوست و در میان مردم کسی مانند

ص: 104

1- ابن اثیر، اسد الغابه، ج 5، ص 437

2- احمد زینی دحلان، سیره حلبیه، ج 1، ص 137

او نیست. گرچه از لحاظ مال تهی دست است مال عاریه ای است که پایدار نمی ماند و سایه ای است که زایل می شود او به خدیجه علیها السلام راغب و خدیجه علیها السلام هم به او راغب است و ما آمده ایم با رضایت خدیجه علیها السلام او را از شما خواستگاری کنیم و کابینش بر عهده من است. اگر او بخواهد، پرداخت می کنم و قسم به خدای این خانه که محمد صلی الله علیه و آله دارای اقبالی بزرگ و دینی شایع و فردی بی کم و کاست است و اندیشه ای کامل دارد. (1)

وقتی ابوطالب سکوت نمود ورقه یا عمرو به سخن آمد ولی در سخن گفتن دچار لکنت شد و از ادامه دادن سخن در ماند. در این هنگام خدیجه علیها السلام به سخن درآمد و خطاب به عمویش گفت:

ای عمو! اگرچه در مجلس بر من مقدم هستی ولی از جانم بر من مقدم نیستی. ای محمد صلی الله علیه و آله! من خود را به عقد ازدواج تو درآوردم و مهریه آن را خودم بر عهده گرفتم به عمویت دستور ده تا شتری قربانی کند و جشن عروسی برقرار سازد تو صاحب اختیار همسر و اموال او هستی.

در این هنگام ابوطالب به حاضران گفت:

گواهی دهید که خدیجه علیها السلام ازدواج با محمد صلی الله علیه و آله را پذیرفت و مهریه آن را خودم بر عهده گرفتم.

یکی از حاضران که ظاهراً ابوجهل بود گفت: «عجبا! تاکنون ندیده بودیم که زنی مهریه ازدواج خویش را خودم بر عهده بگیرد!» ابوطالب با حالت خشم برخاست و گفت: «آری، اگر مردانی همانند برادرزاده ام باشد، او را با گران بهاترین چیز و سنگین ترین مهریه بر بایند ولی اگر امثال شما باشد جز با مهریه سنگین با شما ازدواج نخواهد کرد». آن گاه ابوطالب شتری را قربانی کرد و ولیمه عروسی را برقرار نمود بر اساس بعضی از منابع مهریه خدیجه علیها السلام دوازده اوقیه و یا بیست شتر یا پانصد درهم و دینار بوده است. (2)

ص: 105

1- احمد زینی دحلان، سیره حلبیه، ج 1، ص 139

2- کشف الغمه، ج 2، ص 133.

1. محبت به همسر

او همسری مهربان و یاری خردمند برای پیغمبر صل الله علیه و آله بود. آن قدر محبت نثار شوهر می کرد که پس از گذشتن سال ها از مرگش هر وقت نام او را ذکر می کردند، اشک در چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله حلقه می زد هر گاه دوستان خدیجه علیها السلام را می دید احترام می کرد طوری که حسادت زنان دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله در می آمد. (1)

با داشتن ثروت زیاد بر کسی مخصوصاً همسر خود فخر فروشی نمی کرد، بلکه می گفت: «من کنیز تو هستم و اموالم در اختیار توست». او تمام آداب جاهلی را که مخصوص همسران متمکن بود زیر پا گذاشت. ملاک همسر برای او صداقت، نیکی امانت و معنویت بود مال برای او مهم نبود و با حسن انتخاب خود خوش بختی دنیا و آخرت را به دست آورد.

او به راستی بانوی با خرد و شریف و خیر و از نظر شرافت، پرشکوه ترین آن ها بود از نظر مال ثروتمندترین و از نظر زیبایی خوب صورت ترین آن ها بود. (2)

پیامبر صلی الله علیه و آله تا وقتی ابوطالب و خدیجه علیها السلام زنده بودند، بی واهمه توانایی مقابله با کفار مکه را داشتند اما بعد از درگذشت این دو تاب مقاومت را از دست دادند و از مکه هجرت نمودند. ایشان که در خانه یاری هم چون خدیجه علیها السلام و در خارج از خانه ابوطالب را داشتند توانسته بودند بار سنگین رسالت را به دوش بکشند. بعد از دست دادن این دو یار با وفا و صدیق، نتوانستند در مکه به تبلیغ امر رسالت ادامه دهند لذا مدینه را که پایگاه یارانی باوفا بود محل تبلیغ خود قرار دادند

سبک معاشرت خدیجه علیها السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نه بر اساس حقوق متقابل و نه حتی اخلاق والای انسانی بلکه بر اساس عشق و شیفتگی و شعور انسانی بود؛ زیرا خدیجه علیها السلام در اندیشه ثروت معنوی بود و فضایل انسانی را جست جو

ص: 106

1- بخاری، فضایل باب تزویج خدیجه، ج 2، ص 315 حاشیه سندی

2- احمد زینی دحلان، سیره حلبیه، ج 1، ص 137.

می کرد و در شاهراه پاکی گام بر می داشت و در این راه همراه و هم دمی و جوان مرد را از خدا خواسته بود به همین جهت در زندگی مشترک خویش با پیامبر صلی الله علیه و آله همیشه بهترین یاور و مونس پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

علامه مجلسی می نویسد:

خدیجه علیها السلام نخستین زنی بود که به خدا و پیامبرش ایمان آورد و قرآن و برنامه های او را به عنوان وحی خدا پذیرفت و با همه وجود و توان بار گران وزارت و همراهی پیامبر صلی الله علیه و آله را در راه حق و عدالت به دوش کشید و بدین وسیله خداوند متعال بارگران رسالت را با هم اندیشی و همکاری شجاعانه حضرت خدیجه علیها السلام بر پیامبرش آسان ساخت پیامبر صلی الله علیه و آله تا آخرین روزهای زندگی خدیجه علیها السلام او را یاری غم خوار، همکاری چاره ساز و آرام بخش دل خویش می دیدند و هر سخن گزنده و موضع گیری های اهانت آمیز که در راه رساندن پیام خدا از تاریک فکran می شنید و دل نازنینش را از اندوه آکنده می کرد با شریک دغدغه هایش در میان می نهادند و با او درد دل می کردند خداوند به وسیله سخن و تدبیر حکیمانه آن شیر زن درد و اندوه را از دل پیامبرش می زدود؛ زیرا آن شریک بزرگوار هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله را غمگین می دید با زبان و عمل ایشان را به استواری و مقاومت بر می انگیخت و با هم دردی و هم زبانی از فشارها می کاست و با آسان شمردن کار بزرگ هدایت جامعه، چشم اندازهای موفقیت را نزدیک می ساخت. او نخستین کسی بود که به خدا و رسولش ایمان آورد و هر چه را از طرف خداوند آمده بود تصدیق کرد. در اموری که به عهده پیامبر صلی الله علیه و آله بود او را همراهی کرد و خداوند به وسیله خدیجه بار رسالت را بر پیامبرش سبک ساخت (1)

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله در بیرون خانه برای دعوت مردم به اسلام با انواع مشکلات و زخم زبان ها مواجه می گشتند، خدیجه علیها السلام مرهم زخم های

ص: 107

1- «کانت خدیجه اول من آمنت بالله و رسوله و صدقت بماء جاء من الله و وازرته علی امره فحخف الله بذلك عن رسول الله» (مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 10؛ ابن هشام، سیره النبویه، ج 1، ص 259).

2. برترین همسر

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «برترین زنان بهشت خدیجه علیها السلام، فاطمه علیها السلام، مریم و آسیه هستند». (2)

نویسنده ریاحین الشریعه می نویسد:

مقام خدیجه علیها السلام باید از مریم و آسیه برتر باشد؛ به لحاظ آن که ملاک، فضل بذل مال، علم، عبادت معرفت و صبر و شکیبایی حضانت، اولاد تدبیر منزل و خوب شوهرداری نمودن است. این همه خصائص پسندیده که ملاک فضل زنان است؛ آن چنان که در خدیجه علیها السلام جمع شده بود، برای مریم و آسیه فراهم نبوده است. (3)

ابن عباس گوید:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله چهار خط کشیدند؛ آن گاه پرسیدند: «آیا می دانید الله این خط ها چیست؟» گفتیم: «خدا و رسولش دانانترند». فرمود: «بهترین زنان بهشت مریم دختر، عمران، خدیجه علیها السلام دختر خویلد فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و آسیه دختر مزاحم زن فرعون است». (4)

از این سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می توان فهمید که بهترین زنان پیامبر صلی الله علیه و آله از ، پانزده زن خدیجه علیها السلام بود به لحاظ سبقت، ایمان اولین زن نمازگزار بخشش تمام اموال خود به رسول خدا صلی الله علیه و آله و داشتن فرزندانمانند فاطمه علیها السلام. لذا تا وقتی خدیجه علیها السلام زنده بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله آبا زنی دیگر ازدواج نکردند، (5) همیشه به یاد

ص: 108

-
- 1- ابن عبدالبر، الاستیعاب؛ ج 4، ص 381؛ ابن هشام، سیره النبویه، ج 1، ص 259
 - 2- افضل نساء اهل الجنة خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و مریم بنت عمران و آسیه امرأة فرعون (طبری، سمط الثمین ص 48؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 2).
 - 3- محلاتی ریاحین الشریعه، ج 2، ص 203.
 - 4- خیر نساء الجنة مریم بنت عمران و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و آسیه بنت مزاحم امرأة فرعون (ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 2، ص 720 - سیوطی، جامع الصغیر، ج 1، ص 51؛ شیخ صدوق، خصال، ج 1، ص 206).
 - 5- فروع کافی، ج 5، ص 391.

او اشک می ریختند؛ (1) برای دوستان خدیجه علیها السلام هدیه می فرستادند و اگر کسی از دوستان او به دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله می آمد آن ها را احترام می کردند (2) در بهشت به او وعده کاخی از لؤلؤیا در دادند که تو خالی و از سر و صدا در امان است. (3)

به دلیل همین موارد، او برترین همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و در این امر هیچ کسی اختلافی ندارد شیخ الازهر مصر از سید شرف الدین (رحمه الله) سؤال کرد: «علت اعراض شما از حدیث فضیلت ام المؤمنین عایشه چیست؟» علامه با چند دلیل جواب می دهد:

1. روزی که عایشه به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «خداوند بهتر از آن را به تو ارزانی داشته»، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مَا أَبْدَلَنِي اللَّهَ خَيْرًا مِنْهَا؛ خداوند بهتر از او را به من نداد». (4)

2. عایشه خودش اعتراف می کند: «من به هیچ زنی به اندازه خدیجه علیها السلام حسادت نورزیدم». (5) آیا زنی که افضل ام المؤمنات است، چنین صفت رذیله ای (حسادت) دارد؟

3. طبق نظر خود اهل سنت، قیام مقابل خلیفه و امام وقت طغیان محسوب می شود مگر امام علی علیه السلام را مردم زمان خودش نصب و با ایشان بیعت نکرده بودند؟ آیا عایشه جلو امام حاضر قیام نکرد؟ آیا او به خاطر همین، جزء طاغیان محسوب نمی گردد؟ با آن همه دشمنی که با امام علی علیه السلام داشت و با او کینه ورزی می کرد آیا او از خدیجه علیها السلام افضل است؟ خدیجه در همان اوایل، اسلام دست بیعت به حضرت علی علیه السلام داده بود و حال آن که عایشه با امام علی علیه السلام دشمنی داشت.

4. پیامبر صلی الله علیه و آله تا خدیجه علیها السلام زنده بود، ازدواج نکردند و حال آن که بعد از عایشه

ص: 109

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 8؛ قاموس الرجال، ج 10، ص 432

2- همان.

3- طبری، سمط السمین، ص 48

4- سیلاوی، انوار الساطعه، ص 206

5- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 112.

هفت الی هشت زن دیگر اختیار کردند. آیا این احترام گزاردن به عایشه بود؟

3. احترام و تکریم بستگان همسر

1-3- تکریم ابوطالب

وقتی حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله تصمیم به ازدواج گرفتند ایشان به احترام بزرگ خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، به حضرت عرض کرد: «عمویت را نزد عمویم عمرو بن اسد بفرست و به او بگو که وقتی محمد صلی الله علیه و آله پیش تو آمد، مرا به تزویج او در بیاور!» از این جا معلوم می شود که ایشان برای افراد خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و احترام قائل بود و او را برای خواستگاری فراخواند. (1)

2-3- محبت به امام علی علیه السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله بارها از محبت و علاقه فراوان خود به حضرت علی علیه السلام با خدیجه علیها السلام سخن می گفتند، لذا او نیز محبت و علاقه فراوان به امام علی نشان می داد و توسط خدمتکارانش لباس و دیگر ملازمات زندگی برای او می فرستاد تا آن جا که مردم می گفتند: علی علیه السلام محبوب ترین افراد نزد خدیجه علیها السلام است. (2) لذا وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان قحطی مکه برای کمک به گذرانیدن زندگی، عمویش علی علیه السلام را به خانه خود بردند و اداره زندگی و پرورش روح و جسم وی را بر عهده گرفتند، خدیجه علیها السلام هم از او حمایت کرد. او دوستی امام علی علیه السلام را در امتداد محبت خدا و رسولش می دید؛ چون بارها از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده بود که:

هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد مرا دوست داشته است و هر کس مرا دوست بدارد خدا را دوست داشته است. (3)

محبت و مراقبت خدیجه علیها السلام از علی علیه السلام در خانه اش به حدی بود که مردم مکه را به شگفتی واداشت. هنگامی که از نسب و قرابت او با خدیجه علیها السلام سؤال

ص: 110

1- احمد زینی دحلان، سیره حلبیه، ج 1، ص 139

2- مجلسی، بحار الانوار، ج 35، ص 43.

3- (مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ) (متی هندی، کنز العمال، ج 11، ص 622)

می کردند نزدیکان خدیجه علیها السلام می گفتند:

او برادر محمد و دوست دارترین خلق بر او و نور چشم خدیجه علیها السلام و او کسی است که آرامش را برای آن ها می آورد. (1)

علاوه بر این خدیجه علیها السلام به ولایت امام علی علیه السلام و فرزندانش ایمان داشت با این که در آن زمان نسبت به این امر تکلیفی نبود روزی پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه علیها السلام را سوی خود فراخواندند و فرمودند:

جبریل می گوید: «برای اسلام شروطی است: اول، اقرار به یگانگی خداوند؛ دوم: اقرار به رسالت پیامبران؛ سوم: گواهی به معاد و عمل به اصول و مهمات اسلام چهارم: اطاعت اولی الامر و ائمه طاهرين از فرزندان او و برائت از دشمنان آن ها» خدیجه علیها السلام به همه آن ها اقرار کرد. (2)

فرزندان خدیجه علیها السلام

کتاب تاریخی دو پسر و چهار دختر را برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام نام برده اند. ولی برای فرزندان خدیجه علیها السلام، سیر ولادتی خاصی را مشخص نکرده اند. از این جهت اخبار وارده مخدوش است که در ذیل به پاره ای از آن اشاره می کنیم:

1. قدامه بن عامه گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله دو پسر داشتند به نام های قاسم که راه می رفت و فوت کرد و عبدا... که در کودکی درگذشت و چهار دختر به نام های فاطمه علیها السلام، زینب، رقیه و ام کلثوم که در دوره اسلام به دنیا آمدند» (3)
2. زهری گوید: «خدیجه علیها السلام چهار دختر به نام های فاطمه علیها السلام، زینب، ام کلثوم و رقیه و دو پسر به نام های قاسم و طاهر به دنیا آورد. زینب بزرگ ترین دخترانش بود (4)

ص: 111

-
- 1- «هواخو محمد واحب الخلق اليه و قرّة عين الخديجه و من ينزل السكينة عليه» (مسعودی، اثبات الوصیه، ص 144).
 - 2- حر عاملی وسائل الشیعه، ص 281؛ سیلاوی، انوار الساطعه من الغزاء الطاهره، ص 340.
 - 3- مقدسی، البدء و التاريخ ترجمه کتاب او به نام آفرینش و تاریخ جزء دوم (شامل جزء 4 و 5 و 6)؛ ابن عبد البر، الاستيعاب، ج 4، ص 380
 - 4- همان. ص 381.

3. ابن اسحاق گوید: «تمامی فرزندان حضرت محمد صلی الله علیه و اله از خدیجه علیها السلام هستند مگر ابراهیم خدیجه علیها السلام همه آن ها را در زمان جاهلیت به دنیا آورد؛ شامل قاسم طیب و طاهر، زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه علیها السلام همه پسران در جاهلیت فوت کردند و دختران همگی اسلام را درک نمودند. (1) در حالی که در کتاب دیگر صفحه 245 می گوید:

اول زینب بعد رقیه سپس ام کلثوم در آخر فاطمه علیها السلام و بعد از فاطمه علیها السلام دو پسر به دنیا آمدند، اما هر دو در سن شیرخوارگی از دنیا رفتند.

بعد در سطر پایین تر گوید:

اول قاسم بعد عبدا... سپس فاطمه علیها السلام بعد ام کلثوم و سپس زینب علیها السلام و در آخر رقیه

4. واقدی از قول نفیسه دختر منیه گوید: «اول قاسم بعد عبدا... به دنیا آمدند و چون عبدا... در اسلام به دنیا آمد لقب او طیب و طاهر شد. سپس به ترتیب زینب، ام کلثوم و فاطمه علیها السلام به دنیا آمدند و بین هر فرزندی دو سال فاصله بود». (2)

5. مصعب زبیری گوید: «اول قاسم بعد زینب بعد عبدا... که در زمان نبوت به دنیا آمد، بعد از او ام کلثوم رقیه و حضرت فاطمه علیها السلام چشم به جهان گشودند». (3)

از اقوال مختلف این نتایج به دست می آید:

1. حضرت خدیجه دارای دو پسر از پیامبر صلی الله علیه و آله بودند؛

2. دو پسر او فوت کردند؛

3. دختران همگی بزرگ و مسلمان شده بودند؛

4. اختلاف شدیدی بین روایان در ترتیب سنی فرزندان و ترتیب ولادت آنان وجود دارد.

روایاتی نیز مدعی اند که پسران حضرت در زمان اسلام فوت کرده اند؛ از جمله:

1. وقتی قاسم فوت کرد، خدیجه علیها السلام گفت: یا رسول آ... سینه ام پر از شیر شده، اگر او زنده می ماند، دو سالگی او تمام می شد». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر

ص: 112

1- ابن اسحاق، السیر المغازی، ص 82

2- ابن سعد، طبقات الکبری، ج 8، ص 16.

3- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 4، ص 381.

بخواهی صدایش را به تو می رسانم». خدیجه علیها السلام گفت: «من خدا و رسولش را تصدیق می کنم». (1)

2. خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: «ای کاش پسرم عبدا... زنده بود تا دو سال شیرخوارگی او تمام می شد پسرم کجاست؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «در بهشت است». خدیجه علیها السلام گفت: «بدون عمل؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند عمل کنندگان را می شناسد». (2)

3. بعد از فوت پسران کفار پیامبر صلی الله علیه و آله را شماتت می کردند که دیگر اولادی ندارد. لذا سوره کوثر در این باره نازل شد. این نشان می دهد که فرزندانش در دوره اسلام فوت نموده اند.

سن دختران پیامبر صلی الله علیه و آله

بعضی از روی سن ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله سن دختران آن حضرت را ذکر کرده اند. در مورد ازدواج حضرت اقوال مختلفی وجود دارد؛ بعضی 21 سالگی، برخی 25 سالگی و حتی سی سال هم آورده اند. از طرفی در بعضی روایات آمده که زینب، بزرگ ترین فرزند دختر آن ها بوده و بین فرزند حداقل دو سال فاصله زمانی وجود داشته (3) و زینب در سی سالگی پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا آمد (4) و رقیه در 33 سالگی (5) این جا این جا جای سؤال است که چگونه وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله در چهل سالگی به نبوت رسیدند، دخترده ساله ایشان به عقد ابی العاص کافر و دختران هفت ساله و پنج ساله (رقیه و ام کلثوم)، به عقد پسران ابولهب کافر در می آیند؟

وقتی خدیجه علیها السلام اسلام آورد دخترش زینب هم مسلمان شد، ولی شوهر او ربیع بعد از جنگ بدر اسلام را پذیرفت، آیا روا بود که حضرت اجازه بدهد زن

ص: 113

1- سهیلی، روض الانف، ج 1، ص 214 و 215

2- یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 26 و 18

3- ابن سعد، طبقات، ج 8، ص 16.

4- ابن عبدالبر، استیعاب، ج 4، ص 410

5- ابن عبدالبر، استیعاب، ج 4، ص 399.

مسلمان با مرد کافر زندگی کند؟ یا رقیه و ام کلثوم که از زینب کوچک تر بودند، به عقد پسران ابولهب کافر در بیایند؟ آیا اسلام اجازه می داد زن مسلمان به عقد مرد کافر در بیاید؟ در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده بودند «اگر زن، مسلمان شود و شوهر کافر گردد، از هم جدا نشوند، مگر این که شوهر هم مسلمان گردد».

در تاریخ آمده که وقتی سوره مسد نازل شد، ابولهب به پسرانش دستور داد

دختران پیامبر صلی الله علیه و آله را طلاق دهند. این سوره باید بعد از سال سوم بعثت نازل شده باشد زیرا تا سه سال دعوت حضرت علنی نبود و آزار و اذیت نمودن حضرت بعد از دعوت آشکارا به اسلام شروع گردید و سوره مسد در حق آن زن و مردی نازل شد که به پیامبر صلی الله علیه و آله آزار می رساندند. بعد از آن گفته می شود که پسران ابولهب دختران پیامبر صلی الله علیه و آله را طلاق داده اند اگرچه عده ای گفته اند که سوره مسد زمان محاصره شعب ابی طالب نازل شده (1) که بعد از نزول این دو سوره ادعا می شود که دختران پیامبر صلی الله علیه و آله را طلاق داده اند. (2)

از این مناقشات تاریخی چنین استنباط می گردد که پیامبر صلی الله علیه و آله اگر بر فرض دخترانی غیر از فاطمه علیها السلام داشته اند همگی در کودکی از دنیا رفته اند و خدیجه علیها السلام به جز حضرت فاطمه علیها السلام دختر زنده دیگری نداشته اند. همین طور خدیجه پسری به نام قاسم داشته اند که او هم در کودکی در دوره اسلام از دنیا رفته است. (3) اما دختران دیگر احتمال دارد که فرزندان هاله دختر خواهر خدیجه علیها السلام بوده اند. (4)

ص: 114

1- ابن اسحاق، السیر المغازی، ص 156

2- ابن حبیب، المحبر، ص 153

3- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ص 38

4- جعفر مرتضی عاملی، سیره صحیح پیامبر صلی الله علیه و آله بزرگ اسلام، ج 1، ص 156.

1. قرآن کریم.
2. ابن اثیر عزالدین ابن ابی الحسن شیبانی (م 774 ق) اسد الغابه، دار الاحیاء التراث، بیروت.
3. ابن اسحاق، محمد، سیره ابن اسحاق، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم، 1368 ش.
4. ابن حبیب، محمد بن حبیب بن عمر هاشمی، المحبر، بیروت: مکتبه التجاری، 1361 ق.
5. ابن حجر، احمد بن علی بن حجر عسقلانی (م 852-733 ق)، الاصابه فی تمییز الصحابه، چاپ اول، دارالمعرفه، بیروت، 2004 م.
6. ابن سعد کاتب واقدی محمد، طبقات ابن سعد، ترجمه محمود دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، 1376 ش.
7. ابن شهر آشوب، محمد بن علی مازندرانی سروی، مناقب آل ابی طالب، قم، انتشارات علامه بی تا
8. ابن کثیر، اسماعیل، سیره النبویه، بیروت، دارالمعرفه، 1983 م
9. ابن هشام محمد بن عبد الملک، سیره النبویه، بیروت، دارالفکر، 1937 م
10. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، بیروت، دارالاضواء، بی تا.
11. بخاری، محمد بن اسماعیل صحیح بخاری، به حاشیه سندی، دار الصادر بیروت.
12. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه، 1397 ق.
13. ذهبی، شمس الدین محمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرساله، 1993 م.
14. زینی دحلان، احمد، سیره حلبیه، بیروت، انتشارات تراث العربی، بی تا.
15. سهیلی خثعمی، ابوالقاسم عبدالرحمان بن عبدالله ابن احمد، الروض

16. سيلوى، شيخ غالب، انوار الساطعه من الغراء الطاهره، چاپ اول، قم، بی نا، 1421 ق.
17. سیوطی، جلال الدین بن عبد الرحمان بن ابی بکر، جامع الصغیر، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول، 1401 ق.
18. صدوق، شیخ محمد، خصال، ترجمه آیت الله کمره ای، تهران، انتشارات، کتابچی خیابان پامنار بی تا
19. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، 1998 م.
20. طبری؛ مجب الدین طبری ، سمط، الثمین قاهره، مكتبة القیمه، بی تا.
21. طریحی؛ فخرالدین ، مجمع البحرین تحقیق سیداحمد حسینی، چاپ، دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1376 ش.
22. عاملی، جعفر مرتضی، سیره صحیح از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، ترجمه حسن تاج آبادی، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی قم، 1371 ش.
23. عبد البر، یوسف بن عبد الله القرطبي، الاستیعاب ، بیروت، دارالفکر، 1381 ق.
24. کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، بیروت، انتشارات دارالاضواء، 1405 ق.
25. متقی هندی؛ علاء الدین بن علی بن حسام الدین، کنز العمال، بیروت مؤسسه الرضا، 1409 ق.
26. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ سوم، بیروت، مؤسسه الوفاء 1383 ق.
27. محسن امین، محمدامین ، مجالس السنیه ، ترجمه او به نام شرح وصال ، محمدرضا جباران تهران سازمان تبلیغات اسلامی، 1380 ش
28. محلاتی، ذبیح الله ، ریاحین الشریعه ، تهران، دارالکتب الاسلامیه بی تا

29. مسعودی، علی بن حسین بن علی اثبات الوصیه، قم، انتشارات انصاریان، 1417 ق.
30. مقدسی، مطهر بن طاهر، البداء والتاریخ، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران انتشارات آگاه 1374 ش.
31. واقدی، محمد بن عمر بن واقع (م 807 ه . ق) المغازی، انتشارات نشر دانش، اسلامی دارالمعرفه الاسلامیه
32. هیشمی، علی بن بکر (م 807)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1988 م.
33. یعقوبی؛ احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر، بی تا.

*بستگان حضرت خدیجه علیها السلام: فاطمه کرمی (1)

چکیده

حضرت خدیجه علیها السلام در نزد خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت از جایگاه والایی برخوردار بود. و آشنایی با تمام ابعاد زندگی آن بانوی بزرگوار اهمیت ویژه ای دارد اما به برخی از ابعاد زندگی ایشان توجه کمتری شده است؛ برای مثال در مورد بستگان حضرت خدیجه علیها السلام اطلاعات چندانی در منابع متأخر و پژوهش های معاصر وجود ندارد و در حقیقت این بعد از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام (بعد خانوادگی) ناشناخته مانده؛ بنابراین پرداختن به این موضوع ضرورت و اهمیت زیادی دارد. البته دامنه پژوهش حاضر به بررسی بستگان خدیجه علیها السلام به جز فرزندان ایشان محدود است؛ زیرا در مورد فرزندان آن بانوی بزرگوار کار بیش تری صورت گرفته است. پژوهش حاضر با تکیه بر منابع متقدم و کهن انساب، نشان می دهد که منابع بسیار محدودی در مورد بستگان حضرت خدیجه علیها السلام وجود دارد و بیشترین اطلاعات در مورد بستگان ایشان به قرن سوم هجری و در دو کتاب جمهره النسب ابن کلبی (م. 204 ق) و نسب قریش مصعب بن عبدالله زبیری (م 236 ق) مربوط می شود و این دو منبع مأخذ اصلی اطلاعات دیگر منابع بوده است.

این پژوهش ابتدا به بستگان حضرت خدیجه علیها السلام پرداخته، سپس سیر تطور منابع در طول تاریخ را بررسی نموده است. در ادامه چگونگی تأثیر منابع متقدم بر منابع پسین را پی گیری کرده و سپس

ص: 118

شرح حال مختصری از برخی بستگان حضرت خدیجه علیها السلام آمده است در انتها نمودار منابع حاوی اطلاعات بستگان ایشان به ترتیب قدمت ترسیم شده و در نهایت موضع خویشاوندان خدیجه علیها السلام در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله بیان گردیده است.

آشنایی با بستگان نزدیک حضرت خدیجه علیها السلام و هم چنین آگاهی از نحوه برخورد و موضع گیری آن ها در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله از دستاوردهای این پژوهش است.

واژگان کلیدی

خدیجه علیها السلام، بستگان خدیجه علیها السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزندان خویند، فرزندان اسد بنی اسد

مقدمه

حضرت خدیجه علیها السلام نخستین همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مادر حضرت زهرا علیها السلام بود. وی نخستین زنی به شمار می آید که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد و ایشان را تصدیق نمود و همواره پشتیبان حضرت بود و تمام اموال خود را در راه اسلام و حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله خرج کرد و در این راه سختی های زیادی را تحمل نمود. وی در سال دهم بعثت رحلت یافت.

با این که حضرت خدیجه علیها السلام از خاندان بزرگ و مشهور قریش بود در مورد بستگان ایشان اطلاعات چندانی در پژوهش های معاصر وجود ندارد و منابع متقدم و کهن اطلاعات بیش تری در این زمینه دارند؛ هر چند منابعی که در صدد بیان فرزندان خویند و اسد (بستگان حضرت خدیجه علیها السلام) هستند بسیار محدودند به گونه ای که فقط پنج منبع به نام های جمهره النسب ابن کلبی (م. 204 ق)، نسب قریش مصعب بن عبد الله زبیری (م. 236 ق)، انساب الاشراف بلاذری (م 279 ق)، جمهره انساب العرب ابن حزم (م. 456 ق) و امتاع الاسماع مقریزی (م. 845 ق) اطلاعاتی در این زمینه دارند اطلاعاتی در مورد برخی از خواهران و برادران حضرت خدیجه علیها السلام و فرزندان آن ها به صورت پراکنده در

منابع وجود دارد، اما متمرکز و منسجم نیست. برای مثال، نام «زبیر بن عوام»، پسر برادر حضرت خدیجه و یا «امیمه» دختر خواهر حضرت خدیجه در منابع زیادی آمده است.

در این پژوهش و بر اساس منابع کهن، انساب آگاهی هایی در مورد بستگان حضرت خدیجه از جمله خواهران و برادران آن حضرت و عموها و عمه های ایشان گردآوری شده است.

پدر و مادر حضرت خدیجه علیها السلام

پدر حضرت خدیجه علیها السلام، خویلد پسر اسد پسر عبدالعزی پسر قصی بود. (1) خویلد در زمان جاهلیت کشته شد (2) و مادر آن حضرت فاطمه دختر زانده بن اصم بن هرم بن رواحه بن حجر بن عبد بن معیص بود. (3)

الف) بستگان پدری حضرت خدیجه علیها السلام

1. پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری حضرت خدیجه علیها السلام

پدر بزرگ حضرت خدیجه علیها السلام، اسد نام داشت (4) و مادر بزرگ ایشان، زهره دختر عمرو بن حبیره (5) بن رویبه (6) بن هلال از بنی کاهل بن اسد بن خزیمه بود. (7)

ص: 120

1- ابن هشام، سیره النبویه، ج 1، ص 189؛ مصعب بن عبد الله، زبیری نسب قریش، ص 228؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 8، ص 11.

2- ابن هشام، همان، ج 1، ص 189؛ ابن سعد، همان، ج 1، ص 106؛ ابن قتیبہ دینوری، المعاری، ف ص 219

3- زبیری، همان، ص 230؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ف ج 1، ص 396.

4- ابن کلبی، جمهره النسب، ب ص 68.

5- ابن کلبی به جای نام حبیره، حشره و باذری، حشر آورده است. (ابن کلبی، همان، ص 68؛ باذری، همان، ج 9، ص 419)

6- ابن کلبی به جای نام رویبه، ذؤیبه آورده است. (ابن کلبی، همان، ص 68)

7- ابن کلبی، همان، ص 68؛ زبیری، همان، ص 228؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 419

بنی اسد خاندان پدری حضرت خدیجه علیها السلام

بنی اسد یکی از 25 تیره اصلی قریش بودند (1) آنان فرزندان اسد بن عبدالعزی ابن قصی بن کلاب جد چهارم پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می آمدند. بنی اسد با رسول خدا صلی الله علیه و آله و پیوند نسبی دارند؛ زیرا «ام حبیب» دختر اسد، مادر بزرگ مادر پیامبر صلی الله علیه و آله بود. (2)

2. برادران حضرت خدیجه علیها السلام

سه تن از برادران حضرت خدیجه علیها السلام در تمام منابع مذکور به نام های عوام، حزام و نوفل آمده، (3) اما مصعب بن عبدالله زبیری تعداد برادران آن حضرت را چهار نفر می داند و از «عدی» برادر دیگر حضرت خدیجه علیها السلام نام می برد که نسل وی از بین رفته است (4) مقریزی نیز تعداد برادران حضرت خدیجه علیها السلام را چهار تن می داند و از «عمرو» برادر دیگر حضرت یاد می کند که فرزندی نداشته (5) در حالی که «عمرو بن اسد» عموی حضرت خدیجه بوده و نه برادر آن حضرت و در منابع دیگر نام عمرو بن اسد ذکر شده نه عمرو بن خویلد.

بنابراین می توان گفت: حضرت خدیجه علیها السلام چهار برادر به نامهای عدی، عوام، حزام و نوفل. داشتند شاید نیامدن نام «عدی» در منابع، ناشی از نداشتن فرزند برای وی و منقرض شدن نسل او باشد.

3. خواهران حضرت خدیجه علیها السلام

اتفاق نظر در مورد خواهران حضرت خدیجه علیها السلام در منابع وجود ندارد. ابن کلبی نامی از خواهران آن حضرت نیاورده اما مصعب بن عبدالله و ابن حزم، به دو تن

ص: 121

1- علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، 2، ص 269.

2- زبیری، همان، ص 207.

3- ابن کلبی همان ص 70؛ زبیری، همان، ص 229؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 420؛ احمد بن علی مقریزی، امتاع الاسماع، ج 6، ص 194. 195.

4- زبیری، همان، ص 229

5- مقریزی، همان، ج 6، ص 195

از خواهران حضرت به نام های هاله و رقیقه اشاره کرده اند. (1) بلاذری نیز هنگام نام بردن از فرزندان خوینده هیچ اشاره ای به نام دختران او نمی کند؛ ولی در ذیل اسلاف پیامبر صلی الله علیه و آله به نام خواهران آن حضرت به نام های هاله خالده و رقیقه اشاره می کند. (2) مقریزی نیز هنگام ذکر نام فرزندان خوینده، دو خواهر برای حضرت خدیجه نام می برد (3) و هنگام ذکر اسلاف پیامبر صلی الله علیه و آله به سه به سه خواهر آن بانو اشاره می کند. (4)

ابن حجر عسقلانی (م. 852) از «طاهره بنت خوینده» یاد می کند و می گوید که وی خواهر حضرت خدیجه است و آن را به زبیر بن بکار نسبت می دهد. (5) اما ابن عبد البر (م. 462)، ابن اثیر (م. 630) و نویری (م. 733) ذیل بیان نسب حضرت خدیجه علیها السلام می نویسند:

قال الزبير: كانت تدعى في الجاهلية الطاهره؛ «زبیر گفت: در جاهلیت طاهره خوانده می شد». (6)

حتی خود ابن حجر، ذیل شرح حال حضرت خدیجه علیها السلام می گوید:

قال الزبير بن بكار: كانت تدعى قبل البعثة الطاهره . (7)

بنابراین طاهره نام خود حضرت خدیجه بوده نه خواهر ایشان.

4. عموهای حضرت خدیجه علیها السلام

تعداد عموهای حضرت خدیجه علیها السلام نیز در منابع متفاوت ذکر شده است.

ص: 122

-
- 1- زبیری، همان، ص 230. 229؛ ابن حزم، جمهره انساب العرب، ص 120. (البته ابن حزم به جای نام رقیقه، رقیقه می آورد).
 - 2- بلاذری، همان، ج 1، ص 406
 - 3- مقریزی، همان، ج 6، ص 196. 195.
 - 4- همان، ج 6، ص 135.
 - 5- ابن حجر عسقلانی، الإصابه، ج 8، ص 224
 - 6- ابن عبد البر، الاستیعاب، ج 4، ص 1817؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج 6، ص 78؛ احمد بن عبد الوهاب، نویری، نهایه الأرب، ج 18، ص 170.
 - 7- عسقلانی، همان، ج 8، ص 99.

ابن کلبی هنگام ذکر نام فرزندان اسد از چهارده نفر یاد می کند که عبارتند از: نوفل، حبیب، صیفی، حویرث عمرو هاشم مهشم، طالب، طلیب، خالد مطلب، حارث، عبد و عثمان (1). مصعب بن عبد الله، زبیری، تعداد پسران اسد را سیزده نفر می داند و نام عثمان را حذف کرده و به جای نام عبد عبدالله آورده است. (2) بلاذری به نام دوازده نفر اشاره کرده و نام عبدالله و عثمان را ذکر نکرده است. (3) ابن حزم نیز تنها به ذکر نام پنج تن از آن ها به نام های حارث، حویرث، حبیب، مطلب و نوفل اکتفا می کند، (4) مقریزی می گوید: «تعداد عموهای حضرت خدیجه علیها السلام پانزده نفر است»؛ اما از چهارده نفر بیش تر نام نمی برد.

هر چند نسب قریش که کامل تر از جمهره النسب به ذکر انساب پرداخته به ذکر نام سیزده نفر اکتفا کرده و به نام عثمان اشاره نکرده، از آن جایی که جمهره النسب اولین منبع در زمینه ذکر اسامی فرزندان اسد است، به نام عثمان نیز اشاره کرده، به علاوه ابن هشام نیز هنگامی که از اسرای جنگ بدر نام می برد، از عثمان بن اسد نام برده و یکی از فرزندان او را جزء اسرای بدر شمرده است. (5) بنابراین می توان نتیجه گرفت که عثمان نیز جزء فرزندان اسد بوده، بنابراین تعداد عموهای حضرت خدیجه علیها السلام چهارده تن هستند.

5. عمه های حضرت خدیجه علیها السلام

منابع حاوی اطلاعات در مورد عمه های حضرت خدیجه علیها السلام، دو کتاب نسب قریش و امتاع الاسماع است. مصعب بن عبدالله زبیری از دو دختر اسد به نام های ام حبیب و رقیه یاد می کند و از بقیه دختران نام نمی برد و با کلمه

ص: 123

1- ابن کلبی، همان، ص 69

2- همان ص 69 زبیری همان ص 206.

3- بلاذری، همان، ج 9، 420.

4- ابن حزم، همان، ص 117.

5- ابن هشام، همان، ج 2، ص 4.

«نسوه» از آن ها یاد می کند (1) و در مواردی که تعداد دختران حداقل سه نفر باشند، از این کلمه استفاده کرده (2) بنابراین روشن می گردد تعداد عمه های حضرت خدیجه حداقل پنج نفر بوده اند اما مقریزی می گوید: «تعداد آن ها هشت نفر بوده اند».

مقریزی از هشت نفر به نام های ام حبیب، نافضه ام سفیان، ام مطاع، عاتکه بره رقیقه و رقیه به عنوان عمه های حضرت یاد می کند. (3) وی ام حبیب و عاتکه را دو نفر می داند، در حالی که به گفته ابن عساکرام حبیب همان عاتکه دختر اسد بن عبدالعزی است. (4) از سوی دیگر مقریزی ام سفیان را همسر عبد مناف بن کعب بن سعد بن تیم بن مره و مادر خالد بن عبد مناف معرفی کرده (5) در حالی که مادر خالد، سبیه دختر احب است، (6) مقریزی هم چنین رقیقه را یکی از دختران اسد ذکر کرده، در حالی که در منابع دیگر رقیقه دختر خویلد معرفی شده است. (7)

برخی منابع از «ارنب» به عنوان دختر اسد یاد کرده اند، (8) اما نامی از او در کتب انساب برده نشده است بنابراین بی شک دختران اسد حداقل پنج نفر بوده اند.

ب) بستگان مادری حضرت خدیجه علیها السلام

1. پدر بزرگ و مادر بزرگ مادری حضرت خدیجه علیها السلام

پدر بزرگ مادری حضرت خدیجه زائده بن اصم و مادر بزرگ ایشان هاله دختر عبد مناف بود (9)

ص: 124

-
- 1- زبیری، همان، ص 229
 - 2- همان، ص 236
 - 3- مقریزی، همان، ج 6، ص 193. 192.
 - 4- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 3، ص 111.
 - 5- مقریزی، همان، ج 6، ص 193
 - 6- ابن کلبی همان ص 83؛ زبیری، همان، ص 293
 - 7- مقریزی، همان، ج 6، ص 193 .
 - 8- ابن هشام، همان، ج 1، ص 283؛ شمس الدین، ذهبی، تاریخ الاسلام، ج 1، ص 164؛ ابن کثیر، همان، ج 3، ص 153.
 - 9- ابن هشام، همان، ج 1، ص 189؛ ابن سعد، همان، ج 8، ص 11

منابع تاریخی، از میان بستگان مادری حضرت خدیجه علیها السلام تنها به دایی حضرت خدیجه علیها السلام به نام «قیس بن زائده» و پسر دایی ایشان به نام «ابن ام مکتوم» اشاره کرده اند. (1) نام ابن ام مکتوم «عمرو بن قیس بن زائده» بود. وی مؤذن رسول خدا بود (2) و در جنگ قادسیه حضور داشت و پرچم دار بود و به شهادت رسید. (3)

سیر تطور منابع درگذر زمان

بررسی سیر تطور منابع نشان می دهد به مرور و درگذر زمان اطلاعات مندرج در منابع در مورد بستگان حضرت خدیجه علیها السلام - هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی - روند کاهشی داشته به گونه ای که منابع کهن و متقدم، حاوی اطلاعات بیش تر و گسترده تری در این زمینه هستند و بیش ترین منابع مربوط به قرن سوم هجری است.

کهن ترین منبعی که اطلاعات در مورد بستگان حضرت خدیجه علیها السلام را در بر دارد جمهره النسب ابن کلبی است. ابن کلبی از خواهران و عمه های حضرت خدیجه یادی نمی کند و از میان برادران به نام سه تن از ایشان به نام های عوام حزام و نوفل اشاره می کند (4) و بیش ترین آمار را در مورد عموهای آن حضرت ارائه می دهد و از چهارده نفر به عنوان پسران اسد یاد می کند. (5)

نسب قریش دومین منبعی است که بیشترین و گسترده ترین اطلاعات در زمینه خویشاوندان حضرت خدیجه علیها السلام را در بر دارد. وی به نام دو دختر خویلد به نام های رقیقه و هاله اشاره می کند (6) زبیری تنها کسی است که برای آن حضرت علاوه بر عوام، حزام و نوفل از برادری به نام عدی بن خویلد یاد

ص: 125

1- زبیری، همان، ص 434.

2- ابن حزم، همان، ص 171.

3- زبیری، همان، ص 434

4- ابن کلبی، همان، ص 70

5- همان، ص 69

6- زبیری، همان، ص 230

می کند (1) و عموه‌های حضرت خدیجه را سیزده نفر می داند. (2)

انساب الاشراف بلاذری سومین منبع است. وی خواهران و برادران حضرت خدیجه علیها السلام را سه نفر می داند؛ نام خواهران آن حضرت هاله خالده و رقیقه (3) و نام برادران ایشان عوام حزام و نوفل است. (4) بلاذری از عمه‌های حضرت خدیجه کسی را ذکر نکرده و تعداد عموه‌های ایشان را دوازده نفر می داند. (5)

جمهره انسب العرب ابن حزم چهارمین منبع است. وی از دو دختر خویلد به نام‌های رقیقه (6) و هاله (7) و سه پسر به نام‌های عوام حزام و نوفل یاد کرده (8) و نامی از عمه‌های حضرت خدیجه علیها السلام نبرده و از بین عموه‌های آن حضرت، تنها به ذکر نام پنج تن از آن‌ها اکتفا کرده است. (9)

امتاع الاسماع مقریزی پنجمین منبع است. وی به نام سه تن از خواهران حضرت به نام‌های هاله خالده و رقیقه اشاره کرده (10) و برادران ایشان را چهار نفر به نام‌های عوام نوفل عمرو و حزام می داند. (11) وی تعداد عموه‌های ایشان را پانزده نفر آورده اما از چهارده نفر بیش تر نام نبرده و تعداد عمه‌های آن حضرت را هشت نفر دانسته است

تفاوت‌ها و اشکالات مذکور در منابع

ابن کلبی نام یکی از عموه‌های حضرت خدیجه علیها السلام را عبد می داند در حالی که

ص: 126

- 1- همان، ص 229
- 2- همان، ص 207. 206 .
- 3- بلاذری، همان، ج 9، ص 457
- 4- همان، ج 9، ص 420 .
- 5- همان، ج 9، 420
- 6- در منابع دیگر نام رقیقه آمده است.
- 7- ابن حزم، همان، ص 120.
- 8- همان، ص 120.
- 9- همان، ص 117
- 10- مقریزی، همان، ج 6، ص 135
- 11- همان، ج 6، ص 195. 194.

زبیری نام او را عبدالله آورده است؛ البته این احتمال وجود دارد که این اشکال در هنگام نسخه برداری یا چاپ کتاب به وجود آمده باشد. (1)

بلاذری زمانی که از فرزندان اسد (جد حضرت خدیجه) نام می برد در مورد عمرو بن اسد می گوید:

اما عمرو بن اسد فهو زوج خدیجة بنت خویلد رسول الله صلی الله علیه و آله و کان ابن عمها. (2)

در حالی که عمرو بن اسد عموی حضرت خدیجه علیها السلام می باشد نه پسر عموی ایشان.

اشکال دیگر بلاذری در ذکر نام افراد است او به جای نام «م هشم»، مهاشم و به جای نام «ط لیب»، طویلب می آورد. (3) در برخی منابع نام مادر بزرگ آمنه به اشتباه «ام سفیان» ذکر شده در حالی که نام او «ام حبیب» بوده است. (4)

چگونگی تأثیر منابع متقدم در منابع پسین

جمهره النسب اولین منبع اطلاعات در مورد بستگان حضرت خدیجه علیها السلام است. دومین منبع نسب قریش به شمار می آید که اطلاعات وسیع تری نسبت به جمهره النسب دارد. بنابراین جمهره النسب نمی تواند تنها منبع اطلاعات مصعب بن عبد الله بوده باشد. انساب الاشراف سومین منبع است. عنوان مطالب، نحوه چینش و ترتیب آن و آگاهی هایی که در آن وجود دارد، بیان گر این است که جمهره النسب، مأخذ اصلی بلاذری در کسب اطلاعات در این زمینه بوده است. المحبر ابن حبیب بغدادی، دومین منبع مورد استفاده بلاذری است؛ زیرا نام خواهران حضرت خدیجه علیها السلام در کتاب جمهره النسب نیامده ولی در المحبر نام

ص: 127

1- ابن کلبی همان، ص 69؛ زبیری، همان، ص 206.

2- بلاذری، همان، ج 9، ص 465

3- همان، ج 9، 420 - 419 .

4- یعقوب بن سفیان، بسوی المعرفة و التاريخ، ج 3، ص 266؛ ابوبکر، بیهقی، دلائل النبوه، ج 1، ص 183.

سه تن از آن‌ها به نام‌های هاله خالده و رقیقه ذکر شده است. (1) آن‌چه باعث تقویت احتمال اخذ نام آن‌ها از کتاب‌المحبر می‌شود، این است که بلاذری هنگام ذکر نام فرزندان خویند به نام دختران وی اشاره نمی‌کند، ولی ذیل اسلاف رسول خدا صلی الله علیه و آله نام آن‌ها را آورده (2) همان‌گونه که ابن حبیب ذیل عنوان اسلاف رسول خدا صلی الله علیه و آله به نام خواهران اشاره کرده است. دلیل دیگر این که در منابع پیشین مانند نسب قریش، زبیری تنها به نام‌های هاله و رقیقه اشاره شده در حالی که نام خالده برای اولین بار در کتاب‌المحبر آمده است.

جمهره انساب العرب ابن حزم چهارمین منبع است. منبع و مأخذ اصلی اطلاعات وی مشخص نیست؛ زیرا با اطلاعات مندرج در هیچ‌کدام از منابع پیشین همخوانی ندارد همچنین شیوه و سبک او یعنی اختصار در آوردن مطالب بر دشواری این امر افزوده است.

امتاع الاسماع مقریزی پنجمین منبع است وی از تمام منابع پیشین استفاده کرده؛ زیرا در هر منبع مطالب اختصاصی وجود دارد که در دیگر منابع موجود نیست و مقریزی آن‌ها را گرد آورده است. منبع مورد استفاده او درباره خواهران حضرت خدیجه، انساب الاشراف و المحبر است؛ زیرا هم‌خوانی زیادی با این دو منبع هم از لحاظ مطالب و هم از لحاظ نحوه و چینش آن دیده می‌شود. منبع اطلاعات او در مورد عموهای حضرت خدیجه نیز جمهره النسب و نسب قریش و در مورد عمه‌های ایشان نسب قریش است

شرح حال اجمالی از بستگان حضرت خدیجه علیها السلام

الف) برادران حضرت خدیجه علیها السلام

برادران ایشان که فرزند خویند بودند عبارتند از:

1. عدی: نسل عدی منقرض شده است. (3)

ص: 128

1- ابن حبیب بغدادی، المحبر، ص 99، 100.

2- بلاذری، همان، ج 1، ص 406

3- زبیری، همان، ص 231.

2. عوام: وی در جنگ فجار کشته شد. (1) او فرزندان‌ی داشت به نام‌های زبیر عبدالرحمان، سائب، مالک، عبیدالله حارث صفوان، بعکک، یملک، اصرم، اسدالله، بجیر، زینب (همسر حکیم بن حزام) (2) و ام حبیب (3)

- عبدالرحمان در زمان فتح مکه اسلام آورد نامش در جاهلیت عبدالکعبه بود رسول خدا صلی الله علیه و آله او را عبد الرحمان نامیدند و در جنگ یرموک به شهادت رسید. (4) نسل عوام به جز از طریق عبدالرحمان و زبیر منقرض شده است. (5)

- سائب بن عوام، مادرش صفیه دختر عبدالمطلب بود. او در جنگ‌های احد، خندق و جنگ‌های بعد از آن حضور داشته و در جنگ یمامه در سال دوازدهم هجری در زمان حکومت ابوبکر به شهادت رسید و نسلی از او باقی نمانده است (6)

- زبیر بن عوام، مادرش صفیه دختر عبدالمطلب عمه پیامبر صلی الله علیه و آله بود (7) او بعد از ابوبکر اسلام آورد و در حالی که شانزده سال داشت، دو بار به حبشه هجرت کرد (8) زبیر حواری رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و در جنگ بدر حضور داشت و یکی از اصحاب شورا بود. (9) او در جمادی الاول سال سی و شش در جنگ جمل کشته شد. (10)

3. حزام: وی در جنگ فجار الآخر (11) کشته شد. (12) او سه پسر به نام‌های حکیم،

ص: 129

1- دینوری، همان، ص 219؛ مقریزی، همان، ج 6، ص 194.

2- ابن حزم، همان، ص 122. 121

3- زبیری، همان، ص 235.

4- همان؛ ابن عبد، آلبر، همان، ج 2، ص 844

5- زبیری، همان، ص 235

6- ابن سعد، همان، ج 4، ص 89؛ دینوری، همان، ص 220؛ ابن عبد، آلبر، همان، ج 2، ص 575؛ ابن جوزی، المنتظم، ج 4، ص 92.

7- دینوری، همان، ص 219؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 420.

8- ابن سعد، همان، ج 3، ص 75؛ بلاذری، همان، ج 1، ص 202؛ ابن جوزی، همان، ج 5، ص 107.

9- ابن، کلبی همان ص 69؛ دینوری، همان، ص 220.

10- دینوری، همان، ص 220

11- جنگی که بین قریش و همه کنانه و بین هوازن صورت گرفته است.

12- ابن کلبی، همان، ص 70؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 420؛ مقریزی، همان، ج 6، ص 194.

میننه دختر حارث بن جابر بن وهب از قبیله بنی مازن بن منصور مادر عدی، عوام حزام و رقیقه بود. (3)

- حکیم بن حزام: از شخصیت ها و اشراف قریش به شمار می آمد و در جنگ بدر با مشرکان بود و در زمان فتح مکه اسلام آورد (4) و جزء صحابه و راویان بود. (5) دوازده سال قبل از عام الفیل به دنیا آمده (6) و شصت سال در جاهلیت و شصت سال در زمان اسلام زندگی کرد و در صد و بیست سالگی درگذشت. (7) او چهار پسر به نام های هشام خالد یحیی و عبدالله داشت که همه جزء اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، (8) هشام در زمان فتح مکه اسلام آورد (9) و از صحابه فاضل و برجسته بود (10)

- خالد: از مسلمانان پیشگام در اسلام به شمار می آمد که در مکه مسلمان مسلمانان به حبشه به آن سرزمین رفت و در راه قبل از شد و در هجرت دوم این که به حبشه برسد درگذشت (11)

- هاشم بن، حزام فرزندی نداشته است. (12)

فاخته دختر زهیر بن حارث بن اسد بن عبدالعزی مادر حکیم خالد و هاشم بود. (13)

ص: 130

-
- 1- زبیر بن بکار به جای نام، هاشم هشام آورده است. (زبیر بن بکار جمهره نسب قریش، ج 1، ص 253)
 - 2- زبیری، همان، ص 231
 - 3- همان، ص 229؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 420.
 - 4- زبیری، همان، ص 231؛ دینوری، همان، ص 219؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 453.
 - 5- ابن حزم، همان، ص 121
 - 6- ابن جوزی، همان، ج 5، ص 268.
 - 7- زبیری، همان، ص 231؛ ابن حزم، همان، ص 121.
 - 8- زبیری، همان، ص 231؛ دینوری، همان، ص 219؛ ابن عبدالبر، همان، ج 1، ص 362؛ ابن حزم، همان، ص 121.
 - 9- محمد بن جریر، طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج 11، ص 555.
 - 10- ابن عبد، آلبر، همان، ج 4، ص 1538
 - 11- ابن سعد، همان، ج 4، ص 89؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 453؛ ابن عبد البر، همان، ج 2، ص 431. 432.
 - 12- زبیری، همان، ص 231
 - 13- همان؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 453.

4. نوفل: مادرش از قبیله عدی بن خزاعه بود (1) به نوفل شیر قریش می گفتند. (2) علی بن ابی طالب در جنگ بدر او را کشت، (3) اما ابن حزم می گوید: «او را پسر برادرش زبیر بن عوام در جنگ بدر کشت عموم راویان می گویند علی علیه السلام او را کشت. (4) روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله روز جنگ بدر فرمودند: (اللَّهُمَّ اكْفِنَا ابْنَ الْعَدَوِيَّةِ!)، یعنی نوفل نوفل (5)

فرزندی به نام اسود داشت که از پیشگامان مسلمانان در مکه بود. او در هجرت دوم مسلمانان به حبشه همراه آنان هجرت کرد و بعد از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه آمد. (6)

ب) خواهران حضرت خدیجه علیها السلام

خواهران ایشان نیز از فرزندان خویند بودند و عبارتند از:

1. هاله: وی خواهر پدری و مادری حضرت خدیجه بود (7) و مادرش فاطمه دختر زانده بن جندب بود. (8) هاله همسر ربیع (9) و مادر ابوالعاص بود و ابوالعاص همسر زینب دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله (10). برخی منابع گفته اند اسم مادر ابوالعاص هند بوده است (11)

ص: 131

1- بلاذری، همان، ج 9، ص 453؛ ابن حزم، همان، ص 120.

2- دینوری، همان، ص 219؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 453؛ ابن حزم، همان، ص 120؛ ابن عبد البر، همان، ج 4، ص 1791.

3- همان.

4- ابن حزم، همان، ص 120.

5- همان؛ مقریزی، همان، ج 6، ص 194.

6- ابن سعد، همان، ج 4، ص 90؛ زبیر بن بکار، همان، ج 1، ص 406؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 453؛ ابن عبد البر، همان، ج 1، ص 88.

7- زبیری، همان ص 158 بغدادی، همان، ص 99.

8- همان، ص 230؛ مقریزی، همان، ج 6، ص 135.

9- بلاذری، همان، ج 1، ص 406؛ مقریزی، همان، ج 6، ص 135

10- زبیری همان ص 230، بغدادی همان ص 99 ابن حزم، همان، ص 120

11- یحیی بن شرف نووی، تهذیب الاسماء واللغات، ج 2، 249؛ ابن کثیر، همان، ج 6، ص 354.

2. رقیقه: وی خواهر پدری حضرت خدیجه (1) و مادر امیمه دختر عبدالله بن بجاد بن عمیر از بنی تیم بن مره بود (2) امیمه دختر خاله حضرت فاطمه علیها السلام بوده (3) و در دمشق سکونت داشت و دارای خانه و اموال زیادی بود محمد بن منکدر از او روایت نقل کرده است. (4) وی با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت نمود (5) و حدیثی را در مورد بیعت زنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است. (6)

3. خالده: ابن حبیب بغدادی بلاذری و، مقریزی زمانی که از اسلاف پیامبر صلی الله علیه و آله یاد می کنند، از علاج بن ابوسلمه نام برده او را همسر خالده می دانند و تصریح می کنند که خالده خواهر حضرت خدیجه علیها السلام است. (7)

ج) عموهای حضرت خدیجه علیها السلام

عموهای ایشان که همگی فرزند اسد بودند، عبارتند از:

1. نوفل: وی سه فرزند به نام های ورقه عدی و صفوان داشت. (8) او در جنگ فجار کشته شد. (9)

- ورقه بن نوفل پسر عموی خدیجه علیها السلام بود و کتاب های زیادی می خواند. از عبادت بت ها کراهت داشت و به مسیحیت گرایش یافت. (10) او نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله را به خدیجه علیها السلام بشارت داد. (11) حضرت خدیجه در آغاز و پیش از آن که کسی با

ص: 132

-
- 1- مقریزی، همان، ج 6، ص 136.
 - 2- ابن سعد، همان، ج 8، ص 201؛ ابن حزم، همان، ص 120؛ ابن عساکر، همان، ج 69، ص 54؛ جمال الدین 8، مزی، تهیب الکمال، ج 35، ص 130؛ عسقلانی، همان، ج 8، ص 31.
 - 3- ابن اثیر، همان، ج 6، ص 27
 - 4- زبیری، همان، ص 229؛ خلیل بن ایبک، صفدی، الوافی بالوفیات، ج 9، ص 223.
 - 5- علی بن عمرو، دارقطنی، المؤتلف والمختلف، ج 1، ص 194؛ ابن ماکولا، الإكمال، ج 1، ص 205.
 - 6- ابن سعد، همان، ج 8، ص 201؛ زبیری همان ص 229؛ ابن عساکر، همان، ج 69، ص 54
 - 7- بغدادی همان ص 100؛ بلاذری، همان، ج 1، ص 406؛ مقریزی، همان، ج 6، ص 135.
 - 8- بلاذری، همان، ج 9، ص 457؛ ابن حزم، همان، ص 120.
 - 9- ابن کلبی همان ص 69؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 419
 - 10- زبیری، همان ص 207؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 457.
 - 11- مسعودی، همان، ج 1، ص 87.

او ازدواج کند نامزد پسر عمومی خود و رقه بود ولی ازدواج آن دو صورت نگرفت. (1)

- صفوان دختری به نام بسره داشت که جزء مهاجران بود. او از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت نقل کرده و از بیعت کنندگان بوده است.

(2) نسلی برای صفوان به جزاز طرف بسره باقی نمانده است. (3)

- عدی بن نوفل از مهاجران به شمار می رفت و از طرف عمریا عثمان والی حضر موت بود (4)

2. حبیب: وی در جنگ فجار کشته شد (5) تویت فرزند او بود نسل او در مصر سکونت داشتند (6) تویت دختری به نام حواء داشت که

پس از هجرت مسلمان شد و با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت کرد. (7)

3. صیفی: وی بدون این که فرزندی از خود باقی بگذارد درگذشته است (8)

خالده دختر هاشم بن عبد مناف بن قصی مادر نوفل، حبیب، صیفی و رقیه بوده است (9)

4. حویرث: مادر حویرث ریطه دختر حویرث ثقفی بود. (10)

- حویرث فرزندی به نام عثمان داشت که می خواست از طرف قیصر بر قریش حکومت کند اما قریش مانع شدند به همین دلیل عثمان به

شام برگشت و بدون این که فرزندی از خود باقی بگذارد، درگذشت. (11)

ص: 133

1- ابن سعد، همان، ج 8، ص 11.

2- زبیری، همان، ص 209

3- همان.

4- زبیری، همان ص 209؛ ابن حزم، همان، ص 120.

5- ابن کلبی، همان ص 69؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 419

6- ابن حزم، همان، ص 118.

7- بغدادی، همان، ص 408؛ ابن سعد، همان، ج 8، ص 193؛ ابن عبدالبر، همان، ج 4، ص 1815

8- ابن کلبی، همان ص 69؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 419

9- زبیری، همان، ص 207؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 419

10- ابن کلبی، همان ص 69، زبیری همان ص 207؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 419.

11- ابن حزم، همان، ص 118.

- مطلب بن حویرث، دختری به نام «ام عبدالرحمان» داشت. (1)

5. عمرو: وی حضرت خدیجه علیها السلام را به ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله درآورد. (2) او در آن زمان پیرمردی فرتوت بود و از فرزندان اسد در آن زمان کسی غیر از او زنده نمانده بود عمرو خودش فرزندی نداشت (3)

6. هاشم

7. مهشم

نهیة (4) دختر سعید بن سهم مادر عمرو هاشم و مهشم (5) بود. آن ها بدون این که نسلی از خود باقی گذارند درگذشتند (6)

8. طالب

9. طلیب

طالب و طلیب (7) در جنگ فجار کشته شدند و فرزندی نداشتند (8) و مادرشان از قبیله اوس بود (9)

10. خالد مادر خالد ام ولد بود. (10)

11. مطلب: وی دو فرزند به نام های اسود و ابوحبیش داشت (11) کنیه اسود ابو زمعه بود. ابوزمعه یکی از مسخره کنندگان پیامبر صلی الله علیه و آله (12) بود.

- سائب (13) و فاطمه از فرزندان ابو حبیش بودند فاطمه حدیث استحاضه را

ص: 134

1- زیبیری، همان، ص 209

2- ابن سعد، همان، ج 1، ص 106؛ زیبیری همان ص 207؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 465

3- ابن سعد، همان، ج 1، ص 105.

4- بلاذری به جای نام نهیة ناهیه آورده است.

5- بلاذری به جای نام مهشم، مهاشم آورده است.

6- کلبی، همان، ص 69؛ زیبیری، همان، ص 207؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 420.

7- بلاذری به جای نام طلیب، طویلب آورده است.

8- زیبیری، همان، ص 207.

9- ابن کلبی همان ص 69؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 420

10- همان

11- بلاذری، همان، ج 9، ص 457.

12- زبیری، همان، ص 218

13- همان، ص 220

روایت کرده است. (1)

- هبار بن اسود شاعر بود وی زمانی که کافر بود در هجو پیامبر صلی الله علیه و آله شعر می سرود اما زمانی که مسلمان شد همه آن ها را با مدح پیامبر محو کرد (2) و در زمره اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفت. زمعه و عقیل از دیگر فرزندان اسود، در جنگ بدر در حالی که کافر بودند، کشته شدند. (3) زمعه چهار پسر به نام های عبدالله، حارث، یزید و وهب. داشت عبدالله جزء اصحاب بوده و از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت نقل کرده است. حارث در جنگ بدر با پدرش در حالی که کافر بودند، کشته شد و یزید که از مسلمانان پیشگام در اسلام بود در مکه مسلمان شد و در هجرت دوم به حبشه به آن جا هجرت کرد و در جنگ طائف به شهادت رسید. (4)

12. حارث: وی بزرگ ترین فرزند اسد بود. (5) او در جنگ بدر در حالی که کافر بود، کشته شد. (6) حارث سه فرزند به نام های، زهیر، امیه و هاشم داشت. (7)

- امیه بن حارث فرزندی به نام عمر و داشت که از پیشگامان مسلمانان بود. او در مکه مسلمان شد و در هجرت دوم حبشه به آن سرزمین هجرت کرد و همان جا درگذشت و نسلی از او باقی نماند. (8)

- هاشم بن حارث پسری به نام ابوالبختری عاص بن هاشم داشت که در جنگ بدر در حالی که کافر بود کشته شد پسرش اسود در مدت زمان اختلاف بین حضرت علی علیه السلام و معاویه امام جماعت مردم مدینه را بر عهده داشت. (9)

ص: 135

1- ابن حزم، همان، ص 118.

2- همان، ص 119

3- همان، ص 118

4- ابن سعد، همان، ج 4، ص 90؛ ابو عبید قاسم بن سام، النس، ب ص 206؛ زبیری، همان، ص 222؛ ابن حزم، همان، ص 119

5- زبیری، همان، ص 206

6- بلاذری، همان، ج 9، ص 46

7- ابن حزم، همان، ج 1، ص 117

8- ابن سعد، همان، ج 4، ص 90؛ بلاذری، همان، ج 1، ص 202؛ ابن حزم، همان، ج 1، ص 117.

9- زبیری، همان، ص 214؛ ابن حزم، همان، ج 1، ص 117.

- حمید از فرزندان زهیر بن حارث بود. (1) وی فرزندی به نام عبدالله داشت که در جنگ احد به دست حضرت علی علیه السلام کشته شد. (2)

13. عبد الله

14. عثمان

عبدالله (3) و عثمان هم بدون فرزند درگذشتند؛ (4) اما ابن هشام هنگام نام بردن از که اسرای جنگ بدر، حویرث بن عباد بن عثمان بن اسد را جزء اسرای بدر ذکر می کند (5)

بره دختر عوف بن عبید بن عویج بن عدی بن الحارث بن کعب مادر، مطلب، حارث، عبدالله، ام حبیب و نسوه بود. (6)

عمه های حضرت خدیجه علیها السلام

عمه های ایشان که فرزند اسد بودند عبارتند از:

1. ام حبیب: وی مادر بزرگ مادر پیامبر صلی الله علیه و آله بود. (7) او همسر عبدالعزی بن عثمان بن عبد الدار و مادر بره (مادر آمنه) بود. (8)

2. ام المطاع: وی همسر عبد العزی بن عبد شمس و مادر ربیع و ربیع بود. ربیع فرزندی به نام ابوالعاص داشت که همسر زینب دختر پیامبر صلی الله علیه و آله بود. (9) مادر ابوالعاص، هاله دختر خویلد و خواهر حضرت خدیجه بود (10)

3. نافضه: او همسر عدی بن نوفل بن عبد مناف بن قصی و مادر مبارک

ص: 136

1- ابن حزم، همان، ج 1، ص 117.

2- ابن هشام، همان، ج 2، ص 128

3- مصعب بن عبدالله زبیری به جای نام عبد، عبدالله آورده است.

4- ابن کلبی، همان، ص 69

5- ابن هشام، همان، ج 2، ص 4.

6- ابن کلبی همان، ص 69؛ زبیری، همان، ص 207 206؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 420

7- زبیری، همان، ص 207.

8- ابن کلبی همان ص 29؛ زبیری، همان، ص 21 و 251؛ طبری، همان، ج 2، ص 243؛ مقریزی، همان، ج 6، ص 193.

9- مقریزی، همان، ج 6، ص 193.

10- زبیری، همان، ص 157؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 379

(عبدالله) صالح (عبیدالله) و فارعه بود. (1)

4. بره: عائذ بن عبدالله بن عمرو بن مخزوم همسر بره بود. ابوسائب (صیفی) ابورفاعه (امیه) عتیق بن عائذ و زهیر بن عائذ فرزندان وی بودند. (2)

5. رقیه: رقیه مادر بزرگ مادری حکم بن ابی العاص و مادر همسر ابوجهل بود. (3)

موضع بستگان خدیجه علیها السلام در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله

بستگان حضرت خدیجه علیها السلام در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله و واکنش یکسانی نداشتند؛ برخی در زمره پیشگامان و سابقین درآمدند و به سرعت در جبهه پیامبر صلی الله علیه و آله صلی الله علیه و آله قرار گرفتند و به حمایت از آن حضرت پرداختند. عده ای مانند زبیر بن عوام، خالد بن حزام (4)، اسود بن نوفل بن خویلد، عدی بن نوفل بن اسد، (5) یزید بن زمعه بن اسود بن مطلب بن اسد و عمرو بن امیه بن حارث بن اسد جزء مهاجران به حبشه بودند. (6) برخی دیگر مانند عبدالرحمان بن عوام بن خویلد، سائب بن عوام و یزید بن زمعه بن اسود در زمره شهدا قرار گرفتند؛ (7) اما گروهی در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله و در جبهه دشمن قرار داشتند؛ مانند حارث بن اسد، زمعه بن اسود بن مطلب بن اسد، حارث بن زمعه و عقیل بن اسود بن المطلب، ابوالبختری که نام او عاص بن هشام بن حارث بن اسد بود و نوفل بن خویلد، این شش نفر از بنی اسد جزء مشرکانی بودند که در جنگ بدر کشته شدند. (8) سائب بن

ص: 137

-
- 1- زبیری، همان، ص 198؛ مقریزی، همان، ج 6، ص 193 (مصعب بن عبدالله به جای نام نافضه، ناقصه آورده است).
 - 2- ابن کلبی، همان ص 90؛ زبیری، همان 333؛ مقریزی، همان، ج 6، ص 193.
 - 3- زبیری، همان، ص 207 و 312
 - 4- ابن سعد، همان، ج 4، ص 89؛ بلاذری، همان، ج 9، ص 453؛ ابن عبد البر، همان، ج 2، ص 432. 431
 - 5- زبیری، همان ص 209؛ ابن حزم، همان، ص 120.
 - 6- ابن هشام همان، ج 1، ص 324
 - 7- ابن سعد، همان، ج 4، ص 89؛ دینوری، همان، ص 220، زبیری همان ص 235؛ ابن عبد البر، همان، ج 2، ص 575
 - 8- ابن هشام، همان، ج 1، ص 709؛ ابوعبید قاسم بن سلام، همان، ص 206. 205.

ابو حییش بن مطلب بن اسد و حویرث بن عباد بن عثمان بن اسد نیز جزء اسرای جنگ بدر بودند (1) عبدالله بن حمید بن زهیر بن حارث بن اسد هم در جنگ احد کشته شد. (2) اسود بن مطلب بن اسد (ابو زمعه) جزء مسخره کنندگان پیامبر صلی الله علیه و آله بود (3)

برخی از زنان خویشاوند حضرت خدیجه علیها السلام نیز جزء پیش گامان و حامیان پیامبر صلی الله علیه و آله بودند؛ مانند امیمه (خواهرزاده حضرت خدیجه) که جزء بیعت کنندگان و راویان بوده (4) بسر (5) و حواء (از نوادگان عموی حضرت خدیجه) که جزء مهاجران و بیعت کنندگان با پیامبر صلی الله علیه و آله بودند (6)

نمودار منابع حاوی اطلاعات بستگان حضرت خدیجه علیها السلام

در نمودار ذیل منابعی که اطلاعات بستگان حضرت خدیجه علیها السلام را شامل می شود به ترتیب قدمت آمده است:

عکس

ابو حبیث بن مطلب بن اسد و حویرث بن عباد بن عثمان بن اسد نیز جزء اسرای جنگ بدر بودند.^۱ عبدالله بن حمید بن زهیر بن حارث بن اسد هم در جنگ احد کشته شد.^۲ اسود بن مطلب بن اسد (ابوزمعه) جزء مسخره‌کنندگان پیامبر صلی الله علیه و آله بود.^۳

برخی از زنان خویشاوند حضرت خدیجه علیها السلام نیز جزء پیش‌گامان و حامیان پیامبر صلی الله علیه و آله بودند؛ مانند امیمه (خواهرزاده حضرت خدیجه) که جزء بیعت‌کنندگان و راویان بوده؛^۴ بسره^۵ و حولاء (از نوادگان عموی حضرت خدیجه) که جزء مهاجران و بیعت‌کنندگان با پیامبر صلی الله علیه و آله بودند.^۶

نمودار منابع حاوی اطلاعات بستگان حضرت خدیجه علیها السلام

در نمودار ذیل منابعی که اطلاعات بستگان حضرت خدیجه علیها السلام را شامل می‌شود، به ترتیب قدمت آمده است:

نام کتاب	نویسنده	سال وفات	خواهران	برادران	عموها	عمه‌ها
۱. جمهره النسب	ابن کلبی	۲۰۴. م ق		۱. عوام ۲. حزام ۳. نوفل	۱. نوفل ۲. حبیب ۳. صیفی ۴. حویرث ۵. عمرو ۶. هاشم ۷. مهشم ۸. طالب ۹. خالد ۱۰. طلیب ۱۱. مطلب ۱۲. حارث ۱۳. عبد ۱۴. عثمان	

۱. همان، ج ۲، ص ۴. (ابن هشام به جای نام حویرث، حارث و به جای نام عباد، عائذ آورده است. حارث بن عائذ بن عثمان بن اسد)
۲. همان، ج ۲، ص ۱۲۸.
۳. همان، ج ۱، ص ۴۰۹.
۴. ابن سعد، همان، ج ۸، ص ۲۰۱؛ زبیری، همان، ص ۲۲۹؛ ابن عساکر، همان، ج ۶۹، ص ۵۴.
۵. زبیری، همان، ص ۲۰۹.
۶. بغدادی، همان، ص ۴۰۸؛ ابن سعد، همان، ج ۸، ص ۱۹۳؛ ابن عبدالبر، همان، ج ۴، ص ۱۸۱۵.

ص: 138

- 1- همان، ج 2، ص 4. (ابن هشام به جای نام حویرث، حارث و به جای نام عباد، عائذ آورده است. حارث بن عائذ بن عثمان بن اسد)
- 2- همان، ج 2، ص 128.
- 3- همان، ج 1، ص 409.
- 4- ابن سعد، همان، ج 8، ص 201؛ زبیری، همان، ص 229؛ ابن عساکر، همان، ج 69، ص 54.
- 5- زبیری، همان، ص 209.

6- بغدادی، همان، ص 408؛ ابن سعد، همان، ج 8، ص 193؛ ابن عبدالبر، همان، ج 4، ص 1815.

نام کتاب	نویسنده	سال وفات	خواهران	برادران	عموها	عمه‌ها
۲	نسب قریش مصعب بن عبدالله زبیری	۴۰۳ ق ۲۳۶	۱. رقیقه ۲. هاله	۱. عدی ۲. حزام ۳. عوام ۴. نوفل	۱. حارث ۲. مطلب ۳. عبدالله ۴. نوفل ۵. حبیب ۶. صیفی ۷. طالب ۸. طلیب ۹. خالد ۱۰. حویرث ۱۱. هاشم ۱۲. مهشم	۱. حبیب ۲. نسوه <small>علیها السلام</small> رقیه
۳	انساب الاشراف بلاذری	۴۰۳ ق ۲۷۹	۱. هاله ۲. خالد ۳. رقیه	۱. عوام ۲. حزام ۳. نوفل	۱. نوفل ۲. حبیب ۳. صیفی ۴. حویرث ۵. عمرو ۶. هاشم ۷. مهشم ۸. طالب ۹. طویل ۱۰. خالد ۱۱. مطلب ۱۲. حارث	
۴	جمهره انساب العرب ابن حزم	۴۰۳ ق ۴۵۶	۱. هاله ۲. رقیه	۱. عوام ۲. حزام ۳. نوفل	۱. حارث ۲. حویرث ۳. حبیب ۴. مطلب ۵. نوفل	-----
۵	امتاع الاسماع مقریزی	۴۰۳ ق ۸۴۵	۱. هاله ۲. خالد ۳. رقیقه	۱. عوام ۲. نوفل ۳. عمرو ۴. حزام	۱. حارث ۲. مطلب ۳. عبدالله ۴. عثمان ۵. نوفل ۶. حبیب ۷. صیفی ۸. طالب ۹. طلیب ۱۰. خالد ۱۱. حویرث ۱۲. عمرو ۱۳. هاشم ۱۴. مهشم	۱. حبیب ۲. ام المطاع ۳. نافضه ۴. رقیه ۵. بره ۶. ام فیان

نمودار بستگان حضرت خدیجه علیها السلام

ردیف	خواهران	برادران	عموها	عمه‌ها
۱	هاله	عدی	نوفل	ام حبیب
۲	خالده	عوام	حبیب	ام مطاع
۳	رقیقه	حزام	صیفی	نافضه
۴		نوفل	حویرث	بره
۵			عمرو	رقیه
۶			هاشم	
۷			مہشم	
۸			طالب	
۹			طلیب	
۱۰			خالد	
۱۱			مطلب	
۱۲			حارث	
۱۳			عبدالله	
۱۴			عثمان	

منابع محدودی در مورد بستگان حضرت خدیجه علیها السلام وجود دارد که بیش تر آن ها به قرن سوم هجری مربوط می شود و در پژوهش های معاصر، به این بعد از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام توجهی نشده است. منابع متأخر، بیش تر به شرح حال افرادی پرداخته اند که نقش مهمی در اسلام داشته اند؛ مثلاً الاستیعاب، اسدالغابه، الاصابه، المنتظم و دیگر منابع به شرح حال فرزندان برادر حضرت خدیجه مانند حکیم بن حزام خالد بن حزام زبیر بن عوام، سائب بن عوام، عبدالرحمان بن عوام و اسود بن نوفل پرداخته اند؛ اما در همین منابع، شرح حال نسل قبل یعنی برادران حضرت خدیجه دیده نمی شود.

با بررسی منابع می توان نتیجه گرفت حضرت خدیجه از خاندان بزرگ و مشهور قریش بودند چهار برادر به نام های، عدی عوام حزام و نوفل و سه خواهر به نام های هاله خالده و رقیقه داشتند. عمه های آن حضرت بیش از دو نفر بودند و تعداد عموهای ایشان چهارده نفر بود در مورد بستگان مادری حضرت خدیجه اطلاعات زیادی در منابع وجود ندارد و فقط به پسر دایی ایشان به نام «ابن ام مکتوم» اشاره شده است.

واکنش بستگان حضرت خدیجه علیها السلام در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله یکسان نبود؛ برخی در زمره پیشگامان و سابقین درآمدند و به دفاع و حمایت از آن حضرت پرداختند اما عده ای نیز در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله و در جبهه دشمن قرار گرفتند.

1. ابن اثير، اسد الغابه، بيروت، دارالفكر، 1409 ق .
2. ابن جوزي، المنتظم، بيروت، دارالكتب العلميه، 1412 ق.
3. ابن سعد، طبقات الكبرى، بيروت، دارالكتب العلميه، 1410 ق .
4. ابن عبد، ألبر، الاستيعاب، بيروت، دار الجبل، 1412 ق.
5. ابن عساکر، تاريخ مدينه، دمشق، بيروت، دارالفكر، 1415 ق .
6. ابن كثير، البدايه والنهائيه، بيروت، دارالفكر، 1407 ق .
7. ابن كلبى، جمهره النسب، بيروت، عالم الكتب، 1407 ق.
8. ابن ماكولا، الإكمال، بيروت، دارالكتب العلميه، 1411 ق.
9. ابن هشام، السيره النبويه، بيروت، دارالمعرفه، بی تا.
10. ابو عبيد قاسم بن سلام، النسب، بيروت، دارالفكر، بی تا.
11. بسوى، يعقوب بن سفيان، المعرفه و التاريخ، بيروت، مؤسسه الرساله، 1401 ق.
12. بغدادى، ابن حبيب، المحبر، بيروت، دار الآفاق الجديده، بی تا.
13. بلاذرى، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، بيروت، دار الفكر، ق .
14. بيهقى، ابوبكر، دلائل النبوه، بيروت، دار الكتب العلميه، 1405 ق.
15. دارقطني على بن عمرو المؤتلف والمختلف، بيروت، دارالغرب الاسلامي، 1406 ق.
16. دينورى، ابن قتيبه، المعارف، قاهره الهيئه المصريه، 1992 م.
17. ذهبى، شمس الدين، تاريخ الإسلام، بيروت، دارالكتاب العربى، 1412 ق.
18. زبير بن بكار جمهره نسب، قریش، قاهره دارالعروبه 1381 ق.
19. زيبرى، مصعب بن عبدالله، نسب قریش، قاهره دار المعارف بی تا
20. صفدى خليل بن ايبك، الوافي بالوفيات، بيروت، دار إحياء التراث العربى، 1420 ق.

21. طبري، محمد بن جرير، تاريخ الأمم والملوك، بيروت، دارالتراث، 1287 ق.

ص: 142

22. عسقلاني، ابن حجر، الإصابه ، بيروت، دار الكتب العلميه، 1415 ق.
23. مزى، جمال الدين، تهيب الكمال ، بيروت، مؤسسه الرساله، 1400 ق.
24. مسعودى، على بن حسين، مروج الذهب، قم، دار الهجره، 1409 ق.
25. مقرزى، احمد بن على، امتاع الاسماع، بيروت، دارالكتب العلميه، 1420 ق.
26. نووى، يحيى بن شرف، تهذيب الاسماء واللغات ، بيروت، دار الكتب العلميه بى تا
27. نويرى، احمد بن عبد الوهاب ، نهايه الأرب ، قاهره ، دار الكتب و الوثائق القوميه، 1422 ق.

احمد زکی یمانی، وزیر نفت اسبق، عربستان مؤسسه ای به نام «مؤسسه الفرقان للتراث الإسلامی» تأسیس کرده است این مؤسسه، تاکنون منشأ خدمات بسیاری بوده از جمله نشر فهرست نسخه های خطی تعدادی از کتابخانه های افریقا، تدوین و نشر شش جلد رحلی موسوعه مکه المکرمة والمدینه المنوره، و از همه مهم تر تصحیح بسیار دقیق و نشر فهرست ابن ندیم در چهار جلد با فهرست های گوناگون با این که نویسنده آن ابن ندیم شیعه امامی اثنا عشری است. این کتاب به عنوان کتاب سال جهانی جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد. شعبه اصلی مؤسسه فوق لندن است و دو شعبه فرعی هم در جده و قاهره دارد

زکی یمانی عنادی با شیعه ندارد و برخی از عالمان شیعه ایرانی در گروه های پژوهشی مؤسسه وی عضویت دارند؛ از جمله حجت الاسلام جناب آقای سید هادی خسرو شاهی و آقای سید کاظم موسوی بجنوردی، سر ویراستار دائره المعارف بزرگ اسلامی زکی یمانی در ماه رمضان در مسجد الحرام، به یکی از روحانیان ایرانی برخورد و به وسیله وی برخی آثار مؤسسه الفرقان را برای کتابخانه مرحوم آیت الله مرعشی فرستاد. آیت الله زاده ایشان حجت الاسلام آقای سید محمود مرعشی می گفت: «ظاهراً ایشان سید است و مرا به منزلش در جده دعوت نمود و بسیار احترام کرد».

یکی از منشورات خوب مؤسسه کتاب دارالسیده خدیجه بنت خویلد علیها السلام فی مکه المکرمة: دراسة تاریخیة للدار و موقعها و عمارتها است که به قلم خود زکی یمانی

است. با توجه به مخالفت اساسی وهابیت با آثار تاریخی حرمین شریفین و احیاء آن ها اقدام زکی یمانی می تواند نشانه ای از بی اعتنائی به وهابیت باشد. وی در پشت جلد کتاب آن را این چنین معرفی می کند:

بررسی خانه خدیجه علیها السلام بنت خویلد او در مکه مکرمه از لحاظ تاریخی علمی و معماری خانه ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله با همسرش در آن زندگی کردند و فرزندانش در آن به دنیا آمدند و در آن وحی را تلقی کردند و از آن جا به سفر معراج و اسرا رفتند. خانه ای که طبری و دیگران درباره اش گفته اند: «برترین مکان ها در حرم بعد از مسجد الحرام، خانه خانم خدیجه علیها السلام است».

کتاب را یک مقدمه پنج فصل نتایج و خاتمه فهرست ها و جداول تشکیل می دهد عناوین فصل ها از این قرار است:

فصل اول: سرگذشت امّ المؤمنین سیده خدیجه بنت خویلد علیها السلام

فصل دوم: جایگاه خانه سیده خدیجه علیها السلام و خانه های اطراف آن؛

فصل سوم: بنا و تعمیر خانه سید خدیجه علیها السلام در طول تاریخ از دیدگاه روایات تاریخ نگاران؛

فصل چهارم: خانه سیده خدیجه علیها السلام در سفرنامه های مکه؛

فصل پنجم: خانه سیده خدیجه علیها السلام در حفاری ها و خاک برداری های سال 1410 ق.

گروهی ده نفره از مهندسان و کارشناسان زکی یمانی را در این پژوهش یاری داده اند که در صفحه یازده نام شان ذکر شده است.

زکی یمانی در مقدمه به شکل گذرا اشاره می کند که این خانه پر برکت حدود چهارده قرن برپا بود تا این که بعد از سال 1344 قمری آن را از بین بردند - البته جرأت نکرده بگویند وهابیت و آل سعود آن را خراب کردند و اضافه می کند که جهانگرد معروف الدون ریتز (1) در سفرنامه مکه مکرمه به سال 1344، آن را دیده و وصف کرده است.

ص: 145

فصل چهارم و پنجم، شاید جالب ترین فصل کتاب باشد که گزارش سفرنامه های مسلمانان و شرق شناسان به زبان عربی و دیگر زبان هاست اما طبعاً سفرنامه های فارسی و شیعی را بررسی نکرده که خود می تواند موضوع مقاله ای مستقل باشد.

هم چنین مهم ترین حوادث و وقایعی که در این خانه اتفاق افتاده در فصل اول بررسی شده و آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در این خانه حدود بیست و هشت سال زندگی کردند: سیزده سال در مدت بعثت و پانزده سال قبل از آن. (ص 25 - 26).

هم چنین به نقل از کتاب الأماكن المأثورة في مكة المكرمة، آورده است که عده زیادی از علما و تاریخ نویسان از جمله، ازرقی، فاکهی، ابن جوزی، محب الدین طبری، عزالدین ابن جماعه، تقی الدین فاسی، جمال الدین ابن ظهیره، محمد بن علان الصدیقی و صبّاغ، از اهمیت و فضیلت این خانه سخن گفته اند و قاضی عیاض (م 544 ق) در کتابش، الشفا به تعریف حقوق المصطفی صلی الله علیه و آله (ج، 2، ص 621 - 624) گفته است:

من إعظامه و إكباره إعظام جميع أسبابه، وإكرام جميع أمكنته من مكة والمدینة، و معاهده و ما لمسه صلی الله علیه و آله أو عُرِفَ به ... و جديرٌ لمواطنِ عمرت بالوحي و التنزيل، و تردد بها جبريل و ميكائيل، و خرجت منها الملائكة و الروح، و اشتملت تربتها على جسد سيد البشر، و انتشر عنها من دين الله و سنة رسوله ما انتشر، و اول أرض مسَّ جلد المصطفى ترابها، أن تعظم، عرصاتها، و تُتَسَمَّ نفحاتها، و تُقَبَّل ربوعها و جدرانها .

زکی یماندر پایان این فصل می افزاید:

این خانه محاصره کفار و عزم آنان به قتل رسول خدا صلی الله علیه و آله را - هنگامی که آن حضرت تصمیم گرفتند به یشرب هجرت کنند- شاهد بوده است و علی بن ابی طالب علیه السلام در سال سیزدهم بعثت در این خانه به جای رسول خدا صلی الله علیه و آله خوابیدند. (ص 26)

ص: 146

در فصل دوم پس از مباحثی نتیجه می‌گیرد: در روزگاری به این خانه، «مولد السیّده فاطمه علیها السلام» نیز اطلاق شده است و می‌نویسد:

از نصوص تاریخی استفاده می‌شود که خانه حضرت خدیجه علیها السلام در شمال شرق مسجد الحرام بوده و جای آن در حال حاضر در ساحت و فضای باز شرق مسجد مقابل باب السلام فعلی به فاصله دوازده متر از آن است.

سپس می‌افزاید:

من شخصاً با برخی از مسئولان و اهل فن در ماه رمضان 1425 بررسی کردیم و معلوم شد برخلاف ادعای برخی که گفته اند خانه در محدوده دست شویی های بیرون مسجد الحرام [نزدیک باب المروه] بوده، (1) خانه همان جایی است که ما گفتیم؛ یعنی دوازده متری روبه روی باب السلام فعلی. (ص 34 - 35)

در فصل سوم نتیجه‌گیری می‌کند که خانه های مکه قبل از ظهور اسلام تا زمان فتنه عثمان، به احترام کعبه دایره ای شکل بوده است نه مربع و طبعاً خانه حضرت هم در شکل اولیه خود مدور بوده است. (ص 41) او می‌افزاید:

این خانه تا نیمه قرن چهاردهم [یعنی زمانی که وهابیان آن را خراب کردن] بسیار مشهور و آثار آن معلوم بود و به تواتر این شناخت برای اهل مکه نسل بعد نسل و به برکت کتاب های تاریخ و مناسک و سفرنامه وجود داشت و علاوه بر اهمیت آن از دیدگاه اسلام از لحاظ تاریخی و اجتماعی و آثار باستانی نیز مهم به شمار می‌رفت و پادشاهان و حاکمان حجاز، عنایت ویژه ای به آن داشتند. در نیمه دوم سده ششم هجری، ابن جُبیر خانه را وصف نموده و از حجره قبه الوحی و حجره دیگری یاد کرده که محل ولادت حضرت فاطمه علیها السلام بوده است. فاسی نیز در سده نهم گفته: معماری این خانه به شکل مسجد است هر چند به خانه شهرت یافته است. (ص 44 - 45)

ص: 147

1- سال ها پیش مرحوم سید باقر نجفی در نامه ای به پادشاه عربستان اعتراض کرده که چرا جای خانه حضرت خدیجه علیها السلام و محل نزول وحی دست شویی ساخته اند. این نامه در مجله میقات حج چاپ شده است.

نویسنده در این فصل به تفصیل و با دقت اندازه حجره مولد فاطمه علیها السلام و قبه الوحی و نیز مُخْتَباً (1) را با ذراع مشخص کرده و با تصویر و نقشه نشان داده است.

هم چنین گزارش تاریخ نگاران در قرون متمادی از ویژگی های خانه، مانند اسفراینی (م 786) در زبده الاعمال، محب طبری، ابن ظهیره، ابن فهد، صاحب ارج مکی و نویسنده مرآة الحرمین را آورده و جالب است که در دوره هایی، این خانه به اسم «مولد فاطمه» علیها السلام، شهرت داشته است. سند تعمیر و بازسازی آن در سال 603 قمری به امر ناصر عباسی (م 622) بوده که بر لوحی سنگی نقش بسته آمده است:

أمر بعمارة مرید مولد الزهراء البتول فاطمة، سیّدة نساء العالمین، بنت الرسول محمد المصطفی المختار صلی الله علیه و آله و سلم...

پس از این تاریخ در عهد ممالیک در عهد سلطان اشرف و سپس در سال 801 و نیز در عهد عثمانی ها به سال های 931، 1020، 1042، 1122، 1341 - 1343، قمری خانه تعمیر و بازسازی شد [تا این که در سال 1344 به دست وهابیان تخریب گردید]. هیکل که در سال 1354 از محل خانه بازدید کرده، درباره مولد فاطمه علیها السلام گفته است:

فهو اليوم فضاء لا أثر فيه، و لعلّ أولى الأمر في الحجاز يفكرون في تعمیره.

پس از وی محمد لطفی جمعه در سفرنامه اش به سال 1370 گفته است:

ولذا قصدتُ دار خدیجه علیها السلام... فلم یهتَمنی أن أراها قطعة أرض فضاء مادمتُ أرى البقعة نفسها... و یکفنی أن تقول: «هنا عاش محمد و خدیجه و رزقا أولادهما جميعاً. (ص 52 - 58)

ملک عبدالعزیز پادشاه حجاز، در ماه جمادی الأولى سال 1370 زمین خانه حضرت خدیجه علیها السلام را برای ساخت مدرسه ای برای حفظ قرآن و مولد رسول

ص: 148

1- مختباً جایی در خانه بوده که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای در امان ماندن از شر مشرکان، مکه در آن پناه می گرفته اند

خدا صلی الله علیه و اله را برای ساخت کتابخانه ای بزرگ به شیخ عباس قطن شهردار وقت مکه واگذار کرد و به همت وی مدرسه ای ساخته شد به نام «مدرسه السید [کذا] عباس فی دار أم المؤمنین خدیجه علیها السلام» که در سال 1410 قمری در طرح توسعه اطراف مسجد الحرام از سمت شرق تخریب گردید (ص 59 - 60) نویسنده در فصل پنجم به تفصیل به چگونگی این تخریب و آثار یافت شده هنگام خاک برداری محل خانه می پردازد. او در فصل چهارم، به تفصیل به سخن سفرنامه نویسان درباره خانه و تطبیق و مقایسه آن با سخن تاریخ نگاران پرداخته و از این سفرنامه نویسان یاد کرده است:

1. ابن جبیر در اواخر سده ششم سال 579 ق؛
 2. ابن بطوطه در ثلث اول سده هشتم؛
 3. عبدالله بن محمد عیاشی در نیمه سده یازدهم هجری (سال 1059 ق)؛
 4. اولیا چلبی در سال 1082؛
 5. جهانگرد سوئسی برکهارت (Burckhardt) در سال 1229 که حتی نقشه مکه مکرمه و محل خانه را در آن ترسیم کرده است؛
 6. جهانگرد انگلیسی برتون (Burton) در سال 1269؛
 7. ایوب صبری پاشا (م 1308) در اوایل سده چهاردهم؛
 8. جهانگرد هلندی سنوک (Snouk) در سال 1303؛
 9. بتونی در سال 1327؛
 10. ابراهیم رفعت پاشا در اوایل سده چهاردهم؛
 11. ایلدون ریتز در سال 1344؛ وی از میان سفرنامه نویسان، آخرین کسی است که خانه را دیده و درباره آن گزارش کرده است. (ص 64 - 88).
- پس از آن هیکل در سال 1354، ابراهیم محمد حبیب در سال 1356 و محمد لطفی جمعه در سال 1359 قمری محل خانه و خرابه های آن را دیده اند و درباره چگونگی خانه به نقل گزارشگران پیشین مانند بتونی بسنده کرده اند.
- در سال 1410 در طرح توسعه فضای بیرون مسجد الحرام از سمت شرق، در

خاک برداری از محل خانه آثار آن به صورتی واضح کشف گردید و مطابقت آن آثار با گفته های تاریخ نگاران و سفرنامه نویسان به خصوص بتوننی روشن شد. مسئولان حفاری با دقت زیاد از آثار خانه عکس برداری نمودند و سپس برای حفظ و بقای آن به حالت اول آن را با خاک نرم و رمل پر کردند و روی آن را پوشاندند فصل پنجم کتاب در حدود 45 صفحه متضمن شرح این موضوع است.

زکی یمانی در فصل پنجم به تفصیل از حفاری سال 1410 و کشفیات آن همراه با نقشه ها و تصاویر زیبا و فراوان آن سخن گفته است. وی می گوید:

به مجرد این که آگاه شدم که در حین حفاری، آثاری از خانه به دست آمده است، شخصاً از خانه بازدید نمودم و همه امکانات را برای ثبت و ضبط دقیق و ترسیم نقشه های آن آثار بسیج کردم. از گروهی از مهندسان و استادان فن استمداد جستیم و این کار حدود یک ماه از 29 ربیع الآخر 1410 تا 27 جمادی الأول، 1410، به طول انجامید.

وی یافته های خود را در این فصل به دقت با گزارش های تاریخ نویسان و مصادر تاریخی مقایسه کرده و با ترسیم نقشه ها و تصاویر رنگی بسیار زیبا و جذاب از محل خانه حضرت و حفاری ها و بررسی و موشکافی جزئیات خانه مانند ورودی خانه حجره، قبه الوحی، حجره، مُخْتَباً، رواق اول و دوم، صحن ما بین آن ها و محل مرید مولد فاطمه علیها السلام، به این فصل اهمیت خاصی بخشیده است و به عنوان مسک الختام این فصل می گوید:

طی عملیات حفاری و خاک برداری قطعه ای از آسیا یافتیم که گفته اند حضرت فاطمه علیها السلام با آن حبوبات را آسیا می کرده اند.

پایان بخش کتاب نتایج این بررسی به شمار می آید که به طور خلاصه در پنج صفحه (ص 137 - 141) آمده است.

با این همه، کتاب از نقاط ضعف خالی نیست؛ اولاً معاویه در آن تکریم شده یعنی همه جا پس از نام او دعای «رضی الله عنه» دیده می شود. نیز در کل کتاب براساس فهرست اعلام تنها سه بار از [امیرالمؤمنین] علی علیه السلام یاد کرده: یک بار

به مناسبت مکان ولادت آن حضرت، که آن را - برخلاف مشهور - مانند مولد پیامبر صلی الله علیه و آله در شعب بنی هاشم (شعب ابو طالب) ذکر کرده (ص 84) و یک بار به مناسبت خوابیدن حضرت به جای رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن خانه در شب هجرت (ص 29) و بار دیگر که خالی از شیطنت نیست، به مناسبت این که حضرت امیر در این خانه اسلام آورد هم چنان که حضرت خدیجه علیها السلام، ولی با تعبیری که گویا حضرت امیر علیه السلام اولین مردی نبودند که اسلام آوردند. وی می نویسد:

و فيها أسلمت خديجة عليها السلام فهي اول من آمن بدعوته صلى الله عليه وآله إلى الإسلام ، كما أسلم فيها زيد بن حارثة - رضي الله عنه - مولى لخديجة عليها السلام وفيها أسلم على بن أبي طالب عليه السلام الذي تربى في هذه الدار. (25)

هم چنین به رغم این که از ابوسفیان، ابوجهل و ابوبکر نام برده ، هیچ جای کتاب اسمی از حضرت ابو طالب علیه السلام- به شکل مستقل نه علی بن ابی طالب- نیست.

منبع

1. زکی یمان، أحمد، دارالسيدة خديجة بنت خويلد عليها السلام في مكة المكرمة: دراسة تاريخية للدار و موقعها و عمارتها، الطبعة الأولى، لندن، مؤسسة الفرقان للتراث الإسلامي، فرع موسوعة مكة المكرمة و المدينة المنورة، 1434 ق / 2013 م .

با نگاهی به تاریخ حیات زن در دوران های گذشته و بررسی و ارزیابی رویدادهای جوامع گوناگونی که بانوان نقشی را در آن ها عهده دار بوده اند، این نکته آشکار می گردد که هر گاه زنان به سوی پاکی، درون، صفای قلب و تهذیب نفوس گام بردارند و به عوالم معنوی گرایش یابند چنان منزلت و اراده ای به دست می آورند که می توانند در تاریخ هر سرزمینی تحول آفرین باشند.

خدیجه کبری علیها السلام در زمره بانوانی است که در جزیره العرب چون ستاره ای پر فروغ طلوع کرد؛ در سرزمینی آغشته به جاهلیت، شقاوت و ستم که مسیری پر انحطاط را می پیمود و شعله های ایمان و خرد در آن به خاموشی گراییده بود.

خاندانی با اصالت به نام «قریش» در مکه معظمه، روزگار می گذرانیدند. اگرچه در محیط آن روز به دلیل فاصله گرفتن از تعالیم پیامبران از ارزش ها و موازین انسان ساز خبری نبود و دشمنی تبعیض نزاع و انواع خودخواهی و هرزگی فضای تیره ای پدید آورده بود این بانو به دور از همه این آشفتگی ها در مسیر حق جویی و راستی قرار داشت. به دلیل همین شرافت ذاتی و نسبی اولین بانویی بود که شایستگی دریافت پیام توحید را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله به دست آورد و برای اعتلای آیین اسلام فداکاری های ستودنی از خود بروز داد. بانویی جذاب و نورانی که در میان جامعه و مردم بسیار شریف و محترم بود و

در امور خود از هوشمندی درایت و کاردانی بهره داشت.

خداوند متعال بر اثر درست اندیشی، اخلاص و صدق نیت خدیجه این افتخار را به وی داد که تمامی توانایی های فکری و مادی خود را برای رونق دیانت و ترویج فرهنگ اسلامی و دفاع از فضایل و مکارم به کار گیرد و در حساس ترین و سخت ترین، اوضاع در استواری پایه های یکتاپرستی مشارکت نماید در تاریخ پرفراز و نشیب، اسلام کدامین بانو غیر از خدیجه را می توان به جامعه معرفی کرد که با شوقی وصف ناپذیر مهر و ایمانی، استوار بی آن که تردیدی به دل خویش راه دهد و یا ذره ای از باورش به تکریم همیشگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بکاهد، دعوت دین را پذیرا گردد و با آن همه ثروت، تنعم، نازپروردگی و زیستن در رفاه و امکانات فراوان از تمامی دارایی های خود با خشنودی خاطر بگذرد و در هنگامه ای محنت زا در کنار همسر خود بایستد و شریک دشوارترین رنج ها و آزارها باشد؟ بنابراین شایسته است تمام مسلمانان جهان مقامش را تکریم نمایند و خدمات ایثارگرانه اش را ارج نهند.

از نسل با صلابت

او دختر «خویلد» فرزند «اسد بن عبد العزی» فرزند «قصی» فرزند «کلاب» بود. قصی جد چهارم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شمار می آمد. با این وصف، خدیجه با چند واسطه عموزاده پیامبر بود و ریشه خاندانش در قصی با خاندان حضرت ختمی مرتبت متحد می شد؛ از این رو گاهی آنان هم دیگر را پسر عمو و دختر عمو خطاب می کردند. اسد بن عبد العزی جد پدری خدیجه، از شخصیت های برجسته عصر خود بود بیست سال قبل از بعثت عده ای از بزرگان مکه از جمله اسد برای حفظ امنیت مکه و توابع جلسه ای مشورتی تشکیل دادند و هم پیمان گشتند تا به حقوق مظلومان و محرومان رسیدگی کنند و از ستم جفاکاران جلوگیری نمایند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در همان سال های تشکیل این محفل در بیست سالگی به آن پیوستند میثاق مزبور در خانه «عبدالله بن جدعان» منعقد

ص: 153

گردید و پیامبر برای آن احترام شایان توجهی قائل بودند و بعد از بعثت تأکید می فرمودند:

اگر اکنون هم مرا به عضویت در آن پیمان فرا بخوانند می پذیرم، زیرا در پیمانی شرکت کرده ام که نمی خواهم آن را نقض کنم، اگرچه بهای آن شتران سرخ موی حجاز باشد.

عضویت اسد در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله در این، پیمان به منظور دفاع از حقوق ستم دیدگان و بازداری ستمگران از شقاوت و شرارت، مؤید آن است که ایشان از خیرخواهان و خردمندان عصر خود بودند و در حفظ آرامش روانی جامعه می کوشید. (1)

خویند نیز از شجاعت و دلیری بهره‌های وافر داشت و در میان خاندانش به سلحشوری و قهرمانی معروف بود. (2)

نسب خدیجه از ناحیه مادر چنین است دختر «فاطمه» دختر «زائده» فرزند «اصم»، فرزند «رواحه»، ادامه این سلسله به «لوی بن غالب» جد هشتم رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می رسد. از سوی دیگر «هاله»، مادر بزرگ خدیجه علیها السلام دختر «عبد مناف» جد سوم پیامبر بود و از این طریق سلسله نسب خدیجه با سومین جد پیامبر متحد می گردد. (3)

القاب شایسته

خدیجه علیها السلام قبل از ولادت (تولد او در 67 یا 68 سال قبل از هجرت بوده است). در کتاب آسمانی انجیل به عنوان بانوی مبارکه و همدم مریم در بهشت معرفی گردیده بود. (4)

در عصر جاهلیت و در آن فضای آلوده به فساد و انحراف که زن های پاک دامن

ص: 154

1- سیره ابن هشام، ج 1، ص 141 - 142؛ البدایه والنهایه، ج 2، ص 292.

2- الروض الانف، ج 1، ص 213.

3- حاج محمد هاشم خراسانی، منتخب التواریخ، ص 82؛ سیره ابن هشام، ج 1، ص 201.

4- محدث قمی، کحل البصر، ص 70؛ بحار الانوار، ج 21، ص 352.

از نوادر به شمار می رفتند و بسیاری در ضلالت غوطه ور بودند، خدیجه به دلیل قداست و پاکی در تمامی ابعاد اخلاقی و رفتاری، «طاهره» خوانده می شد. (1)

شخصیت خدیجه در همان عصر چنان چشمگیر و محترم و مکرم بود که او را با عنوان «سیده نسوا» (سرور بانوان) مدح و تجلیل می کردند. (2) در دعای ندبه از خدیجه با عنوان «عزرا» یاد شده است. براساس برخی روایات ابوطالب در خطبه عقد ازدواج، خدیجه، وی را کریمه و دارای مقام شامخ معرفی کرد. این لقب نیز از شرافت و مقام عالی این بانو حکایت دارد. (3)

خدیجه با آن که بانوی بانوان قریش و ملکه حجاز بود، نسبت به محرومان و یتیمان و سرپرستی و دستگیری از آنان توجه ویژه داشت. به همین دلیل از عنوان «ام الایتام» (مادر یتیمان) لذت می برد و این لقب را بر سایر القاب ترجیح می داد. به همان میزان که به امور اینان اهتمام می ورزید، به ثروتمندان، سرداران نامی و رؤسای قبایل چندان اعتنایی نداشت. (4)

کنیه های خدیجه عبارتند از: «ام هند»، «ام الزهرا» و «ام المؤمنین». (5)

بر کرانه کمالات

خدیجه علیها السلام در خانواده ای به رشد و شکوفایی رسید که از ریشه دارترین و اصیل ترین خاندان های جزیره العرب به شمار می رفتند. اما شرافت او، صرفاً به اصالت ها و نجابت های این محیط تربیتی خلاصه نمی گردد، بلکه خود، به صفات پسندیده و خلق، نیکو زبانزد همه گردیده بود هر یتیمی که در حیات خود نقطه اتکایی به دست نمی آورد هر پدری که قادر نبود برای فرزندان خود

ص: 155

1- شیخ جعفر حائری، خدیجه بیت خویلد، ص 119

2- ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج 2، ص 207؛ محمد محمدی اشتهاردی، حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، ص 29

3- بحار الانوار، ج 16، ص 69

4- غلام علی رحیمیان، مادر نمونه اسلام، ص 5-6.

5- خدیجه بیت خویلد، ص 56-119

لقمه نانی تهیه کند هر زنی که به دنبال کشته شدن شوهرش بی پناه می ماند و هر محروم و رنج دیده ای که از حمایت های دیگران ناامید می گشت، راهی خانه خدیجه می شد و به سنگر عطوفت و مهربانی و گنج سرشار سخاوتش پناه می برد و به برکت لطف و عنایت او زخم های زندگی را مرهم می نهاد. (1)

آوازه طهارت و سخاوت آن بانوی قریش تا بدان جا رسید که حتی جامعه عرب جاهلی که غرق در تباهی بودند وی «ملیکه العرب» نامیدند گویا خداوند متعال برای سعادت عزت و سر بلندی او هر چه را که این بانو لازم داشت به وی عنایت فرموده بود (2)

بر اساس منابع روایی خدیجه جزء چهار بانوی عالم است که به عنوان برترین زنان روزگاران شناخته شده اند بانوانی که با درایت، فراست، پارسایی و بررسی های درست و سنجیده و رویارویی خردمندانه با موانع و خطرها، از فرصت ها و امکانات و قوایی که در اختیار داشتند در جهت تعالی فکری و اخلاقی و رشد معنوی بهره گرفتند و به فرازین قله های انسانی صعود کردند.

مقام خدیجه در حدی است که فرشتگان مقرب درگاه الهی به این موضوع مباهات می کنند که خدیجه سلام آنان را پذیرد. ابوسعید خدری روایت کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

در شب معراج هنگام بازگشت به زمین از جبرئیل سؤال کردم: «آیا حاجتی داری؟ پاسخ داد: «تقاضایم آن است که از طرف خداوند و من به خدیجه درود بفرستی». موقعی که سلام خدا و فرشته وحی را به او ابلاغ کردم خدیجه گفت: «ان الله هو السلام و منه السلام و الیه السلام و علی جبرئیل السلام؛ به درستی که خداوند خود سلام است و سلام از اوست و به سوی اوست و بر جبرئیل سلام». (3)

بدیهی است علت علاقه رسول اکرم صلی الله علیه و آله به خدیجه صرفاً ارتباط زناشویی

ص: 156

1- محمد تقی کمالی، شکوه زندگی، ص 19.

2- سید محمد صادق موسوی گرمارودی آخرین پیام آور، ج 1، ص 213-212

3- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج 2، ص 133؛ بحار الانوار، ج 16، ص 7.

نمود بلکه این اشتیاق به دلیل کمالات ظاهری و معنوی و خدمات او در جهت ترویج توحید و فضیلت های قرآنی بود.

پارسایی و پایداری

به اتفاق تمام مسلمانان و تاریخ نگاران، حضرت خدیجه علیها السلام اولین بانویی بود که اسلام را پذیرفت. به گفته ابن حجر عسقلانی، از امتیازات خدیجه این بود که همواره مقام پیامبر خاتم را تکریم می کرد و سخنان آن حضرت را اعم از فرموده های قبل و بعد از بعثت تصدیق می نمود (1).

آن بانو نه تنها به تعالیم پیامبر ایمان آورد، بلکه در راه انتشار این انوار از خود فداکاری ها نشان داد ایمان خدیجه پیامبر را به آینده ای درخشان برای دعوت نوید می داد همکاری خدیجه در مجاهدت های رسول اکرم صلی الله علیه و اله، ایشان را برای تحقق یافتن اهداف و آرمان هایش امیدوار می ساخت. البته بدیهی است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که مأموریت الهی، داشتند از پراکندگی جمعیت و افرادی که به ایشان می گردیدند نگران نبودند و مطابق برنامه ای که خداوند برای آن وجود والا مقام پی ریزی، فرمود گام بر می داشتند ولی وجود خدیجه که آن نیز نشانه ای از لطف الهی بود در زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله به دلیل اخلاص و حب و فداکاری و ایثار دارایی اش اهمیت وافری داشت. پیامبر سال های متوالی بعد از رحلت این بانو از یادش غافل نمی گردیدند و در سوگش گریان بودند و خدمات او را در حصول پیروزی ارج می نهادند.

در آن دورانی که همه افراد با پیامبر صلی الله علیه و آله از در مخالفت درآمدند و به اذیتش پرداختند، خدیجه رسالت ایشان را از عمق وجود تأیید کرد و برای حمایت از پیام توحید به استقبال ناملايمات زیادی رفت؛ در حالی که امکانات یک زندگی آرام و آسوده و سرشار از تسهیلات برایش فراهم بود. خدیجه در نیمه دوم زندگی این رنج ها را تحمل کرد و تنگی معیشت برایش مفهومی نداشت، درک

ص: 157

1- الاصابه في تمييز الصحابه، ج 4، ص 275.

محرومیت ها و پذیرش تلخ کامی ها بسیار دشوار تر است.

پیوندی پاک

خدیدجه بانوی نام دار قریش تا آن هنگام که برای اولین بار نام حضرت محمد صلی الله علیه و آله را شنید روزی نبود که از سوی سران قبایل تاجران و نامداران دیگر از او خواستگاری نشود اما او همه دست ها را پس زد؛ گویا گوهر ارجمند خود را برای چنین وجود مبارکی مراقبت و صیانت می کرد. علاقه او به ازدواج با این فرستاده الهی از فضیلت جویی و اشتیاقش به درستی و راستی سرچشمه می گرفت. او با فراستی که در خویش شکوفا ساخته بود، در نهاد حضرت محمد صلی الله علیه و آله چیزی فراتر از انسان های پیرامونش می دید و احساس می کرد او می تواند زنجیرهای ضلالت را از هم بگسلد و به اسارت آدمی در زندان ستم، جهالت و انحراف خاتمه دهد. سرانجام آرزویش تحقق یافت و لیاقت همسری پیامبر را به خود اختصاص داد زیستن بعد از این پیوند پاک نیایش های شویش رفت و آمد در غار حرا اعتکاف در شکاف کوه، شب اول وحی، آن صبح نزول نخستین آیه قرآن و ایمان آوردن به تعالیم پیامبر و نماز خواندن با او، همه برایش کمال آفرین و سعادت بخش بود.

در وصف نبی اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر که به گواه قرآن و سخن راویان و تاریخ نگاران، دقیق، سنجیده و بدون گزافه و کاستی وصف و نقد می کرد در سخنی فرمودند:

به درستی که خداوند از میان بانوان چهار نفر را برگزید (اسوه انسان ها قرار داد) که عبارتند از: «مریم»، «آسیه»، «خدیدجه» و «فاطمه». (1)

روزی همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله برای فراهم آمدن مقدمات ازدواج فاطمه زهرا علیها السلام با حضرت علی علیه السلام، گرد آمدند و خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردند:

ص: 158

«والدین ما به فدایت ای فرستاده الهی! برای صحبت درباره موضوعی اجتماع کرده ایم اما اگر خدیجه در این جا بود چشمش بر آن روشن می گردید».

به گفته «ام سلمه»، تا نام خدیجه بر زبان آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله گریستند و فرمودند:

خدیجه! کجاست زنی هم چون خدیجه؟! در آن هنگام که مردم رسالت مرا تکذیب کردند او مصدق من بود و برای رونق دین خدا با من همکاری نمود؛ با دارایی خویش برای پیشرفت دیانت کمک کرد. خداوند به من فرمان داده است که خدیجه را به داشتن خانه ای در بهشت که رنجی در آن نخواهد بود مژده دهم. (1)

از منظر منظومه منور

حضرت علی علیه السلام در «خطبه قاصعه» فرموده اند:

در آغاز بعثت و طلوع، اسلام هنوز اسلام به خانه ای راه نیافته بود مگر خانه رسول خدا و خدیجه؛ و من سومین نفر بودم (2)

روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمودند: «تو همسری همچون فاطمه و مادر زنی هم چون خدیجه داری» (3)

امام حسن مجتبی علیه السلام که در زیبایی ظاهری در میان بنی هاشم ضرب المثل بود می فرمایند:

در آن هنگامی که خداوند صورت گری می کرد من شبیه ترین افراد به خدیجه کبری بودم. (4)

در دعای ندبه خطاب به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می خوانیم: «کجاست فرزند خدیجه روشن جبین!»

ص: 159

1- همان، ص 131-130.

2- نهج البلاغه، خطبه 192

3- بحار الانوار، ج 40، ص 68

4- همان ج 24، ص 316.

ابوطالب درباره خدیجه علیها السلام فرمود:

همانا خدیجه بانویی کامل بابرکت و زیننده به شمار می آید و ساحت وجودش از هر گونه ننگی به دور است. بانویی با شخصیت و آبرومند است. (1)

ابن حجر عسقلانی می نویسد:

از امتیازات خدیجه آن بود که پیامبر را تکریم می کرد و سخن او را چه قبل و چه بعد از بعثت تصدیق می نمود.

هشام بن محمد گفته است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در کارها با خدیجه علیها السلام مشورت می کردند. او یار صدیقی برای پیامبر بود و حضرت محمد و صلی الله علیه و آله به وی احترام می گذاشتند.

عبد الرحمان بن جوزی گوید:

چون امر نبوت آشکار گردید خدیجه بر گرویدن به پیامبر، از دیگران سبقت گرفت. همه فرزندان پیامبر به جز ابراهیم از خدیجه اند.

حافظ عبدالعزیز جنابذی در کتاب معالم العتره النبوه می نویسد:

«خدیجه از لحاظ، نسب پاک ترین قریش و شریف ترین و ثروتمندترین آنان بود. تمامی افراد قومش سخت بر ازدواج با او اصرار داشتند ولی او خودداری ورزید و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت: «من به شما محبت دارم به دلیل خوش اخلاقی راست گفتاری امانت داری و خویشاوندی و شرف شما در میان قومت».

هم چنین عمر ابو نصر گوید:

به خدیجه دختر خویلد بانوی جلیل القدر عرب شرف نسب، کرامت، گوهر سروری قبیله عزت عشیره و فراوانی مال ختم گردیده است. به همین دلیل نیاز محرومان را تأمین می کرد؛ گرسنه را اطعام می نمود و برهنه را می پوشانید خدیجه در اخلاق و ثروت میان همگنان خویش منحصر به فرد بود.

ص: 160

عمر رضا کحاله نیز می نویسد:

خدیجه در خانه مجد و سروری متولد گردید و با اخلاق پسندیده پرورش یافت و به دوران پیشی و پاک دامنی متصف گردید.

هم چنین علامه سید عبدالحسین شرف الدین می گوید:

خدیجه صدیقه این امت و از حیث ایمان به خداوند متعال و تصدیق وحی و یاری رسول، او نخستین کس است. او مدت بیست و پنج سال شریک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود و با ایثار مال به او نیرو می بخشید و با گفتار و کردار، از ایشان دفاع می کرد و آن چه کافران از عذاب در راه رسالت نصیبتش می کردند به او تسلی می داد. او با علی علیه السلام در غار حرا بود هنگامی که اولین بار وحی نازل شد.

(1)

علامه محمد باقر مجلسی می نویسد:

خدیجه یاور راستین و با اعتبار اسلام بود که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به وسیله حمایت های بی دریغ و کار سازش، در رسیدن به هدف های بلند خود آرامش می یافت. به همین دلیل است که فرشته وحی از سوی خداوند متعال به او درود می فرستد. (2)

از دید زنان نامور

حضرت زینب کبری نواده، خدیجه علیها السلام در یازدهم محرم سال 61 هجری، هنگامی که در کنار پیکرهای شهیدان کربلا آمد، بعد از ذکر پیامبر و حضرت علی علیه السلام، از جده اش خدیجه یاد کرد و فرمود: «بابی خدیجه الکبری؛ پدرم به فدای خدیجه کبری باد!»

(3)

ام سلمه می گوید:

ای رسول خدا به راستی خدیجه همان گونه بلند مرتبه، با اخلاص،

ص: 161

1- زنان بزرگ اسلام، ج 1؛ علی محمد علی دخیل، خدیجه، ص 29-31.

2- بحار الانوار، ج 16، ص 11.

3- همان، ج 45، ص 59.

درست اندیشه و دارای کرداری شایسته بود که شما همواره وصفش می کردید.

دکتر بنت الشاطی می نویسد:

خدیجه اشرف امهات مؤمنین و نزدیک ترین همسران پیامبر به آن حضرت و عزیزترین آنان نزد آن بزرگوار چه در زندگی و چه پس از مرگ است. مدت بیست و پنج سال به تنهایی مورد مهر و احترام رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داشت و هیچ زنی را در این افتخار با او شریک نیست. در سال نخستین اسلام که توأم با رنج و مشقت بود در کنار آن حضرت قرار داشت و به آن وجود گرامی، کمک و همراهی می رساند و دشواری هایی را که آن بزرگوار در راه رسالتش از جانب قریش می دید آسان می کرد. روح پیامبر صلی الله علیه و آله نزد خدیجه بیش از دیگران آرام می گرفت. (1)

از زبان و قلم نویسندگان غیر مسلمان

«کنستانتین ویرژیل گئورگیو» نویسنده رومانیایی می نویسد:

خدیجه برای محمد فقط یک زن، نبود بلکه صمیمی ترین دوست و مشاور او محسوب می گردید. پیامبر او را دوست می داشت و بیست و پنج سال مداوم به خدیجه وفادار ماند. هر موقع که رسول اکرم صلی الله علیه و آله راجع به برنامه های خود با خدیجه صحبت می کرد خدیجه بهترین راه را که به نظر می رسید پیشنهاد می داد و در مواقعی حضرت از دیدگاه های او استفاده می نمود با این که خدیجه بازرگان بود و معمولاً تاجران صرفاً به کسب و کار خود توجه دارند، وقتی پیامبر به رسالتی بزرگ مبعوث شد، به او ایمان آورد و بعد از آن هم تمام اموال خویش را در راه اسلام به مصرف رسانید، به طوری که وقتی از دنیا رفت هیچ ثروتی نداشت. (2)

«بودلی» در کتاب الرسول نوشته است:

فضای اطمینان بخشی را که عقیده و ایمان خدیجه علیها السلام در مراحل اولیه به

ص: 162

1- دکتر بیت الشاطی ترجمه سید رضا صدر، بانوی کربلا، ص 33-32.

2- کنستانتین ویرژیل، گئورگیو محمد صلی الله علیه و آله پیامبری که از نو باید شناخت، ص 117-118.

وجود آورده بود، امروز می توان با یک ششم سکنه عالم برابر دانست. (1)

هم چنین خانم آنه ماری شیمیل آلمانی می نویسد:

وقتی حضرت محمد صلی الله علیه و آله به 25 سالگی رسید، با بانویی ازدواج کرد که شیفته صداقت و درستی او گردیده بود با آن که این زن بزرگ تر از شوهرش، بود پیوندشان توأم با خوش بختی بود هم شیعه و هم سنی او را به عنوان بانویی پاک گهر بسیار ستایش می کنند و او را خدیجه کبری و طاهره مام مؤمنان و عزیزتر از مادر معرفی نموده اند موقعی که پیامبر صلی الله علیه و آله در چهل سالگی مخاطب کلام وحی گردید خدیجه بزرگ ترین حامی اش بود. محمد در سال دهم بعثت همسر باوفای خود خدیجه را از دست داد که در روزگار رنج و آمیخته به ناراحتی و حرمان نیرومندترین پشتیبانش بود. (2)

کارفرمای کارآفرین

در جامعه جاهلی سرزمین، مکه معیارها و امتیازات اجتماعی بر اساس موقعیت طایفه ای نسب و حسب ثروت و خدمه و امکانات تعیین می گردید. افراد برای رسیدن به درجات مزبور به خلاف روی می آوردند و به جان و مال اشخاص تعرض می نمودند و اموال ضعیفان را به زور غارت می کردند در چنین محیط آشفته ای بانویی ثروتمند به نام «خدیجه» زندگی می کرد. این زن به دلیل هوشمندی و فراست دارایی های خود را به شکلی مدیریت و نظارت کرد که اولاً از راه نادرست افزایش نیابد و ثانیاً چنان به کار گرفته شوند که در چرخه اقتصادی جامعه باری از دوش گرفتاران بیکاران و نیازمندان بردارند. خدیجه ثروت خود را که بر اثر فعالیت های اقتصادی سالم به دست آورده بود را کد نگذاشت؛ به گونه ای که هشتاد هزار شتر در قالب کاروان های متعدد اموال تجاری او را به کانون های مهم اقتصادی جهان آن روز- همچون، یمن، مصر، شام، طائف، عراق، بحرین، عمان حبشه فلسطین و نقاط دیگر- حمل و نقل می نمودند. مدیریت و نظارت بر

ص: 163

1- محمد تقی کمالی، شکوه زندگی، ص 16.

2- آنه ماری شیمیل ترجمه حسن لاهوتی، محمد صلی الله علیه و آله رسول خدا، ص 14-16.

این امور و حلقه ارتباط با کارگزاران حساب رسی مرتب از داد و ستد ها و سودهای حاصل از آن نوعی فراست هوشیاری توان مندی فکری و احاطه فوق العاده را می طلبد که خدیجه این اقتدار را به عالی ترین شکل دارا بود

او با این همه دارایی و اموال فراوان نمونه بارزی از زهد به شمار می آمد؛ زیرا به ثروت فراوان خویش دل بستگی نداشت و سرمایه خود را در گره گشایی از دشواری های توده جامعه به کار می انداخت. افرادی که مأمور رسیدگی به امور تجاری اش بودند به عنوان کارگزار حقوق دریافت می کردند و سود و زیان معاملات مربوط به او بود این شیوه قرارداد که بیش تر با مردانی فاقد کار و معمولاً از طبقات فقیر منعقد می گردید، دو ویژگی عاقلانه در برداشت: نخست این که برای دیگران فرصت های شغلی به وجود می آورد و افرادی را که به دلیل فقدان سرمایه توان فعالیت های تجاری، نداشتند با پشتوانه مالی خویش به قوانین و راه و رسم بازرگانی درون مرزی و برون مرزی آشنا می ساخت تا آن ها بتوانند بعدها روی پای خود بایستند و با استقلال اقتصادی به تلاش های خود در این قلمرو ادامه د. دوم با توجه به این که تجارت در عصر جاهلیت کاری شرافتمندانه به شمار می آمد خدیجه با به کارگیری صدها نفر از افرادی که در میان سالی بودند و فعال اقتصادی به شمار می آمدند سعی داشت عادت های زشت درآمدهای حرام و غارتگری را از آنان دور سازد و از این رهگذر زندگی آنان را از آلودگی های گوناگون مصون نگه دارد. هم چنین با فرستادن آنان به سرزمین های یمن، شام و نواحی شرقی افریقا، مقدمات آمادگی آنان را در شناخت فرهنگ، آداب و رسوم و سنت های جوامع دیگر بهتر فراهم سازد.

خدیجه به خاندان عبدالمطلب بسیار علاقه مند بود؛ شرافت و تقوای آنان را می ستود و بسیاری از مردان و زنان «آل عبد مناف» را در کاروان های تجاری به کار واداشته بود. این کوشش و مساعدت دائم او همیشه با نهایت عزت و احترام نسبت به بنی هاشم همراه بود. (1)

ص: 164

1- با استفاده از منابعی چون سیره ابن هشام، ج 1، ص 200 - 199؛ بحارالانوار، ج 16 ص 22.

بدیهی است اداره کردن این کاروان گسترده در سطح منطقه ای وسیع آن هم در جزیره العرب که آغشته به جاهلیت، جور و جفا بود، آن هم با مدیریت یک زن در زمانی که زنان از حقوق اجتماعی محروم بودند و بسیاری از مردان بی رحم دختران بیگناه را زنده به گور می کردند - بیانگر آن است که حضرت خدیجه دارای خلاقیت ویژه و نبوغ ذاتی فوق العاده بوده و شخصیتی برجسته داشته است

خدیجه بر اساس اسناد تاریخی و منابع روایی کنترل های ویژه ای را در مورد وظایف هر یک از کارکنان اعمال می کرد؛ برنامه ها، کارهای انجام شده و نیز محصول تلاش آنان را به صورت دقیق و پیگیر مقایسه و بررسی می کرد و در صورت صلاحدید با اعمال اصلاحاتی از خطا و انحراف هایی که در طرح ها و هدف ها پیش می آمد جلوگیری می نمود ماجرای گماشتن بازرس ویژه ای به نام «میسره» در کاروان تجارتی شام برمنش و رفتار حضرت محمد صلی الله علیه و اله و ملزم گردیدن وی در تهیه گزارش جامع از تلاش های آن حضرت در این سفر بازرگانی، از درایت او حکایت دارد که منابع تاریخی آن را با دقت جالبی ضبط کرده اند.

خدیجه می کوشید در برنامه اقتصادی اش از تجربه ها و دانش های دیگران بهره ببرد و برای برنامه ریزی در امور، تجاری با افراد خیره و صاحب نظر به مشورت می پرداخت. انتخاب وقت سفر نوع کالای مورد نیاز در سرزمین مبدأ و نیز خرید اقلام از کشورهای دیگر میزان محصولات صادراتی و یا وارداتی، ارتباط برقرار کردن کاروان با دیگر کانون های تجاری و چگونگی بازاریابی آنان، با کمک مشاوران کاروان تنظیم و تدبیر می گردید؛ به گونه ای که شگفتی همگان را بر می انگیزخت کاروان بزرگ بازرگانی او همواره در راه بود؛ از یمن به جانب حجاز و از آن سرزمین به سوی شام و دیگر مراکز مهم اقتصادی و مبادلاتی آن این تشکیلات بعد از سفری موفق و سودی سرشار و عادلانه به سوی مقصد باز می گشت.

عمارتی که خدیجه در آن زندگی می کرد از بهترین خانه های مکه به شمار می آمد؛ بنایی دو طبقه با ایوان های کوچک مشرف بر کعبه و بر راه شام سمت چپ درب خانه اش، سنگی بود به بزرگی یک ذراع و یک وجب که بعدها حضرت محمد صلی الله علیه و آله در مقابل تیرهایی که از منزل ابولهب می آمد، بدانجا پناه می بردند (1).

خدیجه در این خانه به آرام و درد دل های بینوایان رسیدگی می کرد و در ماندگان را پناه می داد یتیمی که دیگر نقطه اتکایی برای خود نمی یافت، والدینی که برای تدارک معاش اهل خانواده دچار مشکل می شدند، زنی که بعد از به قتل رسیدن شوهرش پناهگاهی نداشت و هر فرد رنج دیده و محروم، خانه خدیجه را محل امنی برای خود می دید و با امید به امدادگری صاحب خانه از غم و هراس های خود کم می کرد (2). مردم از قبه سبزی که بر بام این منزل احداث گردیده بود و نیز ازدحام قشرهای گوناگون در مسیر آن این منزل را می شناختند خدیجه این خانه و تمامی امکانات و ملزومات آن را بعد از ایمان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در راه اعتلای حق و ترویج معارف قرآنی صرف کرد. چون به خانه حضرت محمد صلی الله علیه و آله، رفت آن وجود مبارک خانه ای در کوچه ای سنگی برایش بنا کرد که به آن کوچه عطرها می گفتند این خانه بدان جهت قداست دارد و مبارک است که حضرت محمد صلی الله علیه و آله هنگام اقامت در مکه، آن را محل سکونت خود برگزیدند. به علاوه این خانه زادگاه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بود.

در رحله بتانویی آمده است:

در صورتی که در خانه یاد شده خوب دقت، نمایی جز سادگی چیزی نخواهی یافت خانه ای که شامل چهار اتاق است. سه اتاق آن اندرونی است که یکی از آن ها برای دختران ایشان و دومی برای پیامبر و همسرش خدیجه و سومی برای عبادت آن حضرت بوده است. اتاق چهارم که در بیرون قرار دارد برای ملاقات با پیامبر و مراجعات مسلمانان در نظر گرفته شده است که این ترتیب بسیار پر جاذبه و ابتکاری است. (3)

ص: 166

1- زین العابدین، رهنما پیامبر، ص 200 - 199؛ شکوه زندگی، ص 20-19.

2- شکوه زندگی ص 26-27

3- محمد عبایی خراسانی و سیدرضا حسینی نسب، گنجینه های ویران، ص 54-53.

خدیجه چنان که در بعد اقتصادی موفق بود و ثروت سرشاری در نهایت خوش نامی و پاکی به دست آورد در انتخاب همسر نیز به توفیقی بزرگ دست یافت. او کسی را به شوهری خود برگزید که اشرف مخلوقات، اعظم ممکنات و مصطفای پیامبران و فرستادگان الهی بود در همان روزهای اولی که این پیمان پاک برقرار گردید به پسر عمویش ورقه بن نوفل گفت: «کلید انبارهایی که اموالم را در آن ها نگه داری می کنم به نزد حبیب محمد صلی الله علیه و آله ببر و از جانب من به او بگو: تمامی این دارایی ها به پیشگاه شما تقدیم می گردد آن چه دارم ملک اوست؛ هر گونه تصرفی می خواهد در آن ها بنماید تا بدین وسیله ساحت مقدسش را تکریم و تعظیم کرده باشم». خود را نیز کنیز پیامبر معرفی کرد. (1)

خدیجه برای رشد فضیلت و گسترش اسلام به جهاد مالی و مقاومت در اوضاع بسیار سخت روی آورد و می توان گفت او مصداقی از این آیه قرآن کریمه است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ، تَوَمَّنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ). (2)

بهترین سند در در عظمت جهاد مالی خدیجه علیها السلام سخن زیبای رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمودند:

(مَا قَامَ وَلَا اسْتَقَامَ دِينِي إِلَّا بِشَيْئَيْنِ)؛ مال خدیجه و سیف علی بن ابی طالب؛ (3)

دین من بر پا نگردید و استقامت نوزید مگر به دو چیز ثروت خدیجه و شمشیر امیر مؤمنان علیه السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان حیات این بانوی فداکار آن چه صلاح می دانستند از

ص: 167

1- محدث قمی، سفینه البحار، ج 2، ص 23

2- سوره صف آیه 10-11.

3- سید محمد کاظم، قزوینی شجره طوبی شهادت، ص 68

دارایی او هزینه می کردند و بعد از رحلتش باقی مانده دارایی اش را فرزندانش به ارث بردند (1)

روزی حلیمه سعدیه (مادر رضاعی پیامبر) در مکه نزد ایشان آمد و از قحطی و خشکسالی شکوه کرد پیامبر این ضایعه را با خدیجه در میان نهادند. او چهل گوسفند و چهل شتر به مادر رضاعی شوهرش بخشید و حلیمه با شادمانی به سوی قبیله خود بازگشت (2)

در ماجرای شعب ابی طالب وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش در محاصره شدید اقتصادی مشرکان قرار گرفتند ثروت خدیجه محاصره شوندگان را از قحطی و گرسنگی نجات داد در این مدت که چهار سال طول کشید، ابوالعاص بن ربیع به وسیله شتر، گندم و خرما حمل می کرد و در وضعی سخت و بسیار دردناک و با وجود تهدیدهای شدید دشمنان خوراکی ها را به مسلمانان می رساند. خدیجه علیها السلام دارایی خود را چنان در این ماجرا مصرف کرد که دیگر از آن ها چیزی نماند و در پایان محاصره گفت:

چیزی جز دو پوست باقی نمانده است که هنگام استراحت یکی را زیر انداز و دیگری را روانداز خود قرار دهیم (3)

علی محمد علی دخیل می نویسد:

محاصره اقتصادی، عظیم ترین خطر دوران رسالت پیامبر بود که اموال خدیجه کلید شکست این حصر اقتصادی است. او مواد خوراکی و مصرفی را به چندین برابر قیمت واقعی اش می خرید و به بنی هاشم و یاران پیامبر می رسانید که با تهدید مشرکان مواجه بودند تا این سال ها با سلامت و رهایی آن عزیزان سپری شد و حيله دشمنان با ناکامی توأم گردید. (4)

ص: 168

1- سید محمد کاظم، قزوینی، فاطمه از ولادت تا شهادت، ص 68

2- بحار الانوار، ج 15، ص 401.

3- ذبیح الله محلاتی ریاحین الشریعه، ج 2، ص 211.

4- علی محمد علی، ترجمه فیروز حریرچی دخیل، خدیجه، ص 16.

*مقایسه و بررسی تاریخی و آماری فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام: مهتاب شورمیج، فاطمه جوربندی ثانی (1) (2)

چکیده

پژوهش حاضر با مراجعه و بررسی 38 کتاب سیره، طبقات، انساب تاریخی و حدیثی بین قرن سوم تا پانزدهم هجری تمام فرزندان ذکر شده برای حضرت خدیجه علیها السلام را که چهار دختر و دو پسر و به روایتی سه تا چهار پسر و چهار دختر هستند به تفکیک متون استخراج کرده و با ذکر منابع بیان نموده است. در ادامه فراوانی هر فرزند در منابع گوناگون مشخص گردیده و سیر تاریخی و آماری فرزندان و مقایسه فراوانی فرزندان در کتاب ها بررسی شده است. در بخش پایانی اطلاعات و آمار جمع بندی و نتیجه گیری شده و نویسنده اهتمام ورزیده که نظر بیان شده با واقعیت مطابقت داشته باشد.

هدف این مقاله مقایسه و بررسی تاریخی و آماری فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و آماری است. از آن جایی که به منظور شناخت فرزندان آن بانوی گرامی نیاز اجمالی به آشنایی با تاریخچه زندگانی آن بزرگوار است. در تحقیق پیش رو در صدد برآمدیم تا اطلاعات مختصری از دوران حیات ایشان را به عنوان مقدمه در اختیار خوانندگان قرار دهیم

ص: 169

1- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، دانشجوی دکتری تاریخ تشیع اثناعشری، دانشگاه ادیان و مذاهب قم،
mahtabshourmeij@yahoo.com

2- دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء علیها السلام، fateme.jourbandi@gmail.com

حضرت خدیجه علیها السلام، فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام، کتاب های انساب و طبقات.

مقدمه

خدیجه دختر اسد بن عبدالعزی ابن قصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لؤی بن غالب بن فهر بن مالک بن نصر بن کنانه و مادرش فاطمه دختر زائده بن الأصم بن هزم بن رواحه بن حجر بن عبد بن معیص بن عامر بن لؤی بن غالب بن فهم بن مالک بود. طبق گفتار اکثر سیره نویسان، حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله را با ابوهاله ازدواج کرد که اسمش هند بن النباش بن زراره بن وقدان از تمیم بود و بعد از فوت، او با ابی هاله عتیق بن عابد بن عبدالله بن عمر بن مخزوم ازدواج نمود (1) گرچه تاریخ نویسانی چون ابن شهر آشوب، از احمد، بلاذری، ابوالقاسم، کوفی شیخ مرتضی انصاری در الشافی و ابوجعفر در التلخیص نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کردند او «عذرا» بود یعنی دست نخورده بوده با کسی ازدواج نکرده بود. (2)

البته در زیارات شیعیان نیز چنین آمده است:

السلام علیک یا بطل المسلمین یا مولای اشهد انک کنت نوراً فی الأضلاب الشامخه و الارحام المطهره لم تنجسک الجاهلیه بانجاسها و لم تلبسک ...

در زیارت امام حسین علیه السلام در عیدهای فطر و قربان می خوانیم:

سلام بر تو ای شجاع مسلمانان! ای مولای من! گواهی می دهم که تو در پشت های بلند مرتبه و در رحم های پاک نوری بودی و دوران جاهلیت

ص: 170

-
- 1- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 8 (فی النساء)، ص 11؛ ابن حزم، جمهره الانساب العرب، ص 143؛ شیخ صدوق، خصال، ص 308؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 2، ص 505؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج اول، ص 206؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج 7، ص 89.
- 2- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ص 206.

با پلیدی هایش تو را آلوده نکرد و از تیرگی های جامه هایش بر اندام تو نپوشانید... (1)

این زیارت، نشان می دهد که حضرت خدیجه علیها السلام نباید قبل از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با کسی ازدواج کرده باشد؛ زیرا حضرت خدیجه علیها السلام مادر حضرت فاطمه علیها السلام و آن بانوی بزرگوار هم مادر امامان شیعیان بودند. حضرت خدیجه علیها السلام در چهل سالگی هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله 25 سال داشتند، در با مهریه دوازده اوقیه که خود ضمانت پرداخت آن را به عهده گرفت به نکاح رسول خدا صلی الله علیه و آله در آمد. آن بانوی بزرگ اولین کسی بود که اسلام آورد و همواره پشتیبان نبی مکرم اسلام بود. (2)

فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام

منظور نگارنده از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در این پژوهش همه آنانی هستند که مادرشان حضرت خدیجه علیها السلام بود از آن جایی که این بانوی بزرگ به گزارش سیره نویسان، قبل از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، با دو نفر دیگر ازدواج کرد و از آن ها هم فرزندان داشت. (3) اهداف نگارنده شامل فرزندان می شود که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند.

فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب سیره

منابع ذکر شده در این قسمت بر اساس کتب سیره است که آمار و تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را در بر دارد و در قالب جدول ذیل و به ترتیب تاریخی تنظیم و چیش شده است:

ص: 171

1- قمی، مفاتیح الجنان، ص 791-790

2- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 8، ص 14-12.

3- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 8 (فی النساء)، ص 11؛ ابن حزم، جمهره الانساب العرب، ص 143.

جدول 1: فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب سیره

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	تیم: کتاب	مهر: نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۱	السیره النبویه	أبی محمد عبد الملک بن هشام المعافری ^۱	عربی	متوفی ۲۱۸ ق	سنی	۷	۱۴۲۴ ق / ۲۰۰۳ م ج ۱، ص ۱۵۵
۲	سیرت رسول الله	قاضی ابرقوه ^۲	فارسی	متوفی ۶۲۳ ق	سنی	۷	۱۳۸۱ ش، ص ۱۶۷-۱۶۸
۳	خلاصه سیرت رسول الله <small>صلی الله علیه و آله</small>	شرف الدین محمد بن عبدالله بن عمر ^۳	فارسی	قرن هفتم قمری	سنی	۷	۱۳۸۲، ص ۲۸-۲۷

۱. ابن هشام از سیره نویسان نیمه اول قرن سوم هجری بود. او که کتاب خود را بر اساس *السیره النبویه* ابن اسحاق نوشت و در مصروفات یافت. کتاب او چهار جلد است؛ جلد اول درباره حضرت خدیجه علیها السلام و فرزندانش مطلب دارد. ابن هشام پسر بزرگ حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله را قاسم نام برده که کنیه پیامبر ابوقاسم است. سپس طیب و طاهر که در جاهلیت مردند. دختران، زینب، رقیه، أم کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام که اسلام را درک کردند و به مدینه مهاجرت نمودند. ابن هشام، از ابن اسحاق نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام سه پسر به نام‌های قاسم، طاهر و طیب داشتند.

۲. کتاب *سیرت رسول الله* صلی الله علیه و آله مشهور به *سیرت النبویه*، روایت عبد الملک بن هشام از زیاد بن عبدالله بکائی از محمد بن اسحاق المظلی است که فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را این‌گونه آورده: «پسران: قاسم، طاهر و طیب و دختران: زینب و رقیه و أم کلثوم و فاطمه، بودند. پسران هر سه در دوران جاهلیت وفات یافتند.»

۳. در این کتاب به «قاسم، طاهر، طیب، رقیه، زینب، أم کلثوم و فاطمه» اشاره رفته که پسران در دوران جاهلیت درگذشتند و دختران اسلام را دریافتند. همه فرزندان از خدیجه بودند غیر از ابراهیم که مادرش ماریه قبطیه بود.

1. ابن هشام از سیره نویسان نیمه اول قرن سوم هجری بود. او که کتاب خود را بر اساس *السیره النبویه* ابن اسحاق نوشت و در مصروفات یافت کتاب او چهار جلد است؛ جلد اول درباره حضرت خدیجه علیها السلام و فرزندانش مطلب دارد. ابن هشام پسر بزرگ حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و آله را قاسم نام برده که کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله و آله ابوقاسم است. سپس طیب و طاهر که در جاهلیت مردند دختران زینب، رقیه، أم کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام که اسلام را درک کردند و به مدینه مهاجرت نمودند ابن

هشام از ابن اسحاق نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام سه پسر به نام های، قاسم، طاهر و طیب داشتند.

2. کتاب سیره رسول الله صلی الله علیه و اله مشهور به سیره النبی روایت عبدالملک بن هشام از زیاد بن عبدالله بکائی از محمد بن اسحاق المطلّبی است که فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را این گونه آورده: «پسران: قاسم، طاهر و طیب و دختران زینب و رقیه و أم کلثوم و فاطمه بودند. پسران هر سه در دوران جاهلیت وفات یافتند.»

3. در این کتاب به «قاسم طاهر، طیّب رقیه زینب أم کلثوم و فاطمه» اشاره رفته که پسران در دوران ، جاهلیت در گذشتند و دختران اسلام را دریافتند همه فرزندان از خدیجه بودند غیر از ابراهیم که مادرش ماریه قبطیه بود.

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۴	السیره النبویه	ابن کثیر ^۱	عربی	قرن ۸ هجری	سنی	۷	۱۴۰۳ هجری / ۱۹۸۳ م ج ۱، ص ۲۶۳- ۲۶۴
۵	السیره الحلبیه	الحلبی الشافعی ^۲	عربی	متوفی ۱۰۴۴ ق	سنی	دو نفر را نام می برد	۱۴۲۲ ق / ۲۰۰۲ م ج ۱، ص ۲۰۴

فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب طبقات

منابع ذکر شده در این قسمت، براساس کتب طبقات صحابه تنظیم گردیده و در قالب جدول ذیل و به ترتیب تاریخی تنظیم و چینش شده است:

۱. إسماعیل بن کثیر، (۷۰۱-۷۴۷ ق)، از ابن اسحاق و ابن هشام نقل کرده که: همه فرزندان رسول الله صلی الله علیه و آله از خدیجه اند غیر از ابراهیم. فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام هفت نفرند و عبارتند از: قاسم که کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله از اوست و بزرگترین آن هاست. طیب و ظاهر، زینب، زُقیه، ام کلثوم و فاطمه. از دختران رقیه بزرگترین آنهاست. دختران اسلام را درک کردند و به مدینه همراه پیامبر صلی الله علیه و آله مهاجرت نمودند. روایت دیگری را ابن کثیر از مصعب بن عبدالله الزبیری و یونس بن بکر نقل کرده که حضرت خدیجه شش فرزند، دو پسر به نامهای قاسم و عبدالله داشته و زبیر بن بکار می گوید که عبدالله همان طیب و ظاهر است که بعد از نبوت به دنیا آمدند. او خبر واحدی را اختیار نکرده، بلکه اقوال را ذکر کرده است.

۲. حلبی وقتی از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام از عتیق بن عابد سخن می گوید، در ادامه چنین می نویسد: «وأمی خدیجه، و اخی قاسم، و اخی فاطمه، ...» و از بقیه فرزندان آن حضرت سخن نگفته است.

فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب طبقات

منابع ذکر شده در این قسمت براساس کتب طبقات صحابه تنظیم گردیده و در قالب جدول ذیل و به ترتیب تاریخی تنظیم و چینش شده است:

1. إسماعیل بن کثیر، (701 - 747 ق)، از ابن اسحاق و ابن هشام نقل کرده که همه فرزندان رسول الله صلی الله علیه و آله از خدیجه اند

غیر از ابراهیم. فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام هفت نفرند و عبارتند از قاسم که کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله از اوست و بزرگ ترین آن هاست. طیب و طاهر، زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه. از دختران رقیه بزرگ ترین آن هاست. دختران اسلام را درک کردند و به مدینه همراه پیامبر صلی الله علیه و آله مهاجرت نمودند. روایت دیگری را ابن کثیر از مصعب بن عبد الله الزبیری و یونس بن بکیر نقل کرده که حضرت خدیجه شش فرزند دو پسر به نام های قاسم و عبدالله داشته و زبیر بن بکار می گوید که عبدالله همان طیب و طاهر است که بعد از نبوت به دنیا آمدند او خبر واحدی را اختیار نکرده بلکه اقوال را ذکر کرده است.

2. حلبی وقتی از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام از عتیق بن عابد سخن می گوید در ادامه چنین می نویسد: «و اُمی خدیجه، و اخی قاسم، و اخی فاطمه...» و از بقیه فرزندان آن حضرت سخن نگفته است.

ص: 173

جدول ۲: فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب طبقات

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۱	الطبقات الکبری	ابن سعد ^۱	عربی	قرن سوم قمری	سنی	۶	۱۴۱۸ قمری / ۱۹۹۷ م ج ۸، ص ۱۳
۲	الاستیعاب	ابن عبدالبر التمری ^۱	عربی	متوفی ۴۶۳ ق	سنی	۶	۱۴۲۳ ق / ۲۰۰۲ م ج ۲، ص ۵۰۵-۵۰۶
۳	اسد الغابه	عزالدین بن الاثیر ابن الحسن علی بن محمد الجزری ^۲	عربی	قرن هفتم قمری	سنی	۶	۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۹ م ج ۷، ص ۹۱-۹۲

۱. کتاب ابن سعد، نُه جلد است، جلد هشتم در مورد زنان صدر اسلام است. او فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام را «قاسم و عبدالله آورده که اسم او طاهر و طیب بود که در اسلام به دنیا آمدند. و دختران را زینب و رقیه، ام کلثوم و فاطمه» نام برده است: «فولدت قاسم و عبدالله، و هو طاهر و الطیب، سَمَّی بَذلك لِأَنَّهُ وُلِدَ فِي الْإِسْلَامِ».

۲. ابی عمر یوسف بن عبد البر التمری القرطبی، در جزء دوم کتاب خود، یک صفحه در مورد فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام بحث می کند. به نظری اجماع اکثر انساب نویسندگان بر این است که خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله چهار دختر داشته اند که اسلام را درک کردند و به مدینه مهاجرت نمودند: زینب، فاطمه، رقیه و ام کلثوم و دو پسر که بزرگترین آن قاسم بود و کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله از اوست. او راه می رفت که فوت کرد. عبدالله که صغیر بود، در مکه درگذشت و به گفته زبیر، عبدالله را طیب و طاهر هم می گفتند. او سه اسم داشت. و بعد از نبوت به دنیا آمد. اما ابن اسحاق طیب و طاهر را دو پسر جدا نام برده است.

۳. ابن اثیر در *سد الغابه* نقل قول هایی را از ابن هشام، ابن شهاب زهری، قتاده، زبیر و علی بن عبدالعزیز جرجانی را آورده است. زهری از پسران، به قاسم و طاهر اشاره کرده و قتاده هم از پسران قاسم و عبدالله را نقل کرده که در کودکی مردند. زبیر و جرجانی هم قاسم و عبدالله را نام برده اند و عبدالله را طیب و طاهر، گفته اند و این درست تر است و دیگران خلط کرده اند. و به نقل از کلی، عبدالله در اسلام به دنیا آمد و همه فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از اسلام به دنیا آمدند. ابن اثیر شش فرزند را نام برده است.

1. کتاب ابن سعد، نُه جلد است جلد هشتم در مورد زنان صدر اسلام است. او فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله علیها السلام را «قاسم و عبدالله آورده که اسم او طاهر و طیب بود که در اسلام به دنیا آمدند. و دختران را زینب و رقیه، ام کلثوم و فاطمه» نام برده است: «فولدت قاسم و عبدالله، و هو طاهر و الطیب، سَمَّی بَذلك لِأَنَّهُ وُلِدَ فِي الْإِسْلَامِ»

2. ابي عمر يوسف بن عبد البر التّمري، القرطبي در جزء دوم كتاب خود، يك صفحه در مورد فرزندان پيامبر صلى الله عليه و آله از خديجه عليها السلام بحث مي كند، به نظر وي اجماع اكثر انساب نويسان بر اين است كه خديجه عليها السلام از پيامبر صلى الله عليه و آله چهار دختر داشته اند كه اسلام را درك كردند و به مدينه مهاجرت نمودند: زينب، فاطمه، رقيه و أم كلثوم و دو پسر كه بزرگ ترين آن قاسم بود و كنيه پيامبر صلى الله عليه و آله از اوست او راه مي رفت كه فوت كرد. عبدالله كه صغير بود، در مكه درگذشت و به گفته زبير عبدالله را طيب و طاهر هم مي گفتند. او سه اسم داشت و بعد از نبوت به دنيا آمد اما ابن اسحاق طيب و طاهر را دو پسر جدا نام برده است

3. ابن اثير در اسد الغابه نقل قول هايي را از ابن هشام، ابن شهاب زهري، قتاده، زبير و علي بن عبدالعزيز جرجاني را آورده است. زهري از پسران به قاسم و طاهر اشاره کرده و قتاده هم از پسران قاسم و عبدالله را نقل کرده که در کودکی .مردند زبير و جرجاني هم قاسم و عبدالله را نام برده اند و عبدالله را طيب و طاهر گفته اند و اين درست تر است و ديگران خلط کرده اند و به نقل از كلبی عبدالله در اسلام به دنيا آمد و همه فرزندان پيامبر صلى الله عليه و آله قبل از اسلام به دنيا آمدند ابن اثير شش فرزند را نام برده است

فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب انساب

منابع ذکر شده در این قسمت بر اساس کتب انساب است که آمار و تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را در بر دارد و در قالب جدول ذیل و به ترتیب تاریخی تنظیم و چیش شده است:

جدول 3: فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب انساب

عکس

مقایسه و بررسی تاریخی و آماری فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام ۱۷۵

فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب انساب

منابع ذکر شده در این قسمت، بر اساس کتب انساب است که آمار و تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را در بر دارد و در قالب جدول ذیل و به ترتیب تاریخی تنظیم و چیش شده است:

جدول ۳: فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب انساب

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۱	انساب العرب	ابن حزم اندلسی ^۱	عربی	متوفی ۴۵۶ ق	سنی	۶	۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۱ م ص ۱۶-۱۷
۲	تهذیب الأنساب	العبیدلی ^۲	عربی	متوفی ۴۳۵ ق	شیعه	۶	۱۳۸۱ ق، ص ۳۱

۱. ابن حزم فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام را به ترتیب پسران قاسم و دیگری که در اسم او اختلاف است و گفته شده طاهر و یا طیب و یا عبدالله و از او امامه و علی متولد شد. علی در کودکی مرد و امامه بعد از درگذشت خواهرش فاطمه، با علی بن ابی طالب ازدواج کرد. رقیه دومین دختر با عثمان ازدواج کرد و عبدالله را برای او آورد و در شش روزگی مرد. و فرزندی از او باقی نماند. ام کلثوم سومین دختر که بعد از مرگ خواهرش رقیه، با عثمان بن عفان ازدواج کرد. فرزندی نداشت و در مدینه درگذشت و فاطمه با علی بن ابی طالب ازدواج کرد و برای او حسن و حسین و محسن را به دنیا آورد. محسن در کوچکی مرد و زینب و ام کلثوم و رقیه -رضی الله عنهم- که در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله فوت کردند و سه ماه و گفته شده شش ماه بعد از حضرت محمد صلی الله علیه و آله فاطمه وفات یافت و سنش از سی و پنج سالگی تجاوز نمی کرد و به روایتی بیست و پنج ساله بود.

۲. ابی الحسن محمد بن ابی جعفر شیخ الشرف العبیدلی در باب ذکر ولد رسول الله صلی الله علیه و آله چنین نوشته است: «قاسم و به کان یکنی، عبدالله طاهر الطیب، فاطمه تزوجها علی بن ابی طالب، زینب تزوجها، ابوالعاص بن الربیع فولدت له علیا و امامه، رقیه تزوجها عثمان بن عفان فولدت له عبدالله دراج، ام کلثوم تزوجها عثمان، امهم خدیجه بنت خویلد».

1. ابن حزم فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام را به ترتیب پسران قاسم و دیگری که در اسم او اختلاف است و گفته شده طاهر و یا طیب و یا عبد الله و از او امامه و علی متولد شد. علی در کودکی مرد و امامه بعد از درگذشت خواهرش، فاطمه با علی بن ابی طالب ازدواج کرد. رقیه دومین دختر با عثمان ازدواج کرد و عبدالله را برای او آورد و در شش روزگی مرد و فرزندی از او باقی نماند ام کلثوم سومین دختر که بعد از مرگ خواهرش رقیه، با عثمان بن عفان ازدواج کرد. فرزندی نداشت و در مدینه درگذشت و فاطمه با علی بن ابی طالب ازدواج کرد و برای او حسن و حسین و محسن را به دنیا آورد. محسن در کوچکی مرد و زینب و أم کلثوم و رقیه - رضی الله عنهم - که در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله فوت کردند و سه ماه و گفته شده شش ماه بعد از حضرت محمد صلی الله علیه و اله و فاطمه وفات یافت و سنش از سی و پنج سالگی تجاوز نمی کرد و به روایتی بیست و پنج ساله بود.

2. ابی الحسن محمد بن ابی جعفر شیخ الشرف العیبدلی در باب ذکر ولد رسول الله صلی الله علیه و آله چنین نوشته است: «قاسم و به کان یکنی، عبدالله طاهر الطیب، فاطمه تزوجها علی بن ابی طالب، زینب تزوجها، أبوالعاص بن الربیع فولدت له علیا و امامه رقیه تزوجها عثمان بن عفان فولدت له عبد الله، دراج، ام کلثوم تزوجها عثمان أمهم خدیجه بنت خویلد»

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۳	المجدی	العمری ^۱	عربی	متوفی ۴۶۶ ق	شیعه	۶	۱۳۸۰ ش/۱۴۲ ق، ص ۱۸۷
۴	الفخری	المروزی الازورقانی ^۲	عربی	متوفی ۶۱۴ ق	شیعه	۶	۱۴۰۹ ق، ص ۸
۵	الانوار	الجزی الکلبی الغزنطی ^۳	عربی	متوفی ۷۵۸ ق	شیعه	۷	۱۴۳۱ ق/۲۰۱۰ م ۱۳۸۸ ش ص ۲۲
۶	تحفه الطالب	الحسینی السمرقندی المدنی ^۴	عربی	متوفی ۹۹۶ ق	شیعه	۶	۱۴۳۲ ق/۲۰۱۱ م ۱۳۸۹ ش ص ۱۸

۱. العمری نسابه چنین گزارش داده است: «قاسم و به یکنی صلوات الله علیه و آله، و طاهر، و الطیب هو عبدالله، و البنات: فاطمه الزهراء سیده نساء العالمین، رقیه، أم کلثوم، زینب».

۲. المرزوی الازورقانی چنین نوشته است: «و أما اولاده صلوات الله علیه: فهم قاسم، زینب، عبدالله الطیب طاهر، أم کلثوم آمنه، فاطمه الزهراء البتول، رقیه، أمهم خدیجه خویلد بن اسد ابن عبد العزی بن قصى و ابراهیم أمه ماریه القبطیه. و لم یعقب منهم العقب الباقی الی الیوم غیر فاطمه عليها السلام».

۳. الغزنطی چنین گزارش داده است: «و أولادها منه عليها السلام: قاسم، و الطیب، و طاهر عبدالله -رضی الله عنهم-، و من البنات: رقیه، و زینب، أم کلثوم، کلهم انقرضوا إلا السیده فاطمه عليها السلام و تزوج غیرها إحدى عشری».

۴. المدنی چنین نوشته است: «و أولاده عليها السلام: قاسم و به کان یکنی، و عبدالله و یقال له: الطیب، و طاهر، و قیل: الطیب غیر طاهر، و رقیه و زینب، و أم کلثوم، و فاطمه الزهراء و مات النبون قبل النبوه أطفالاً و البنات أدركن الاسلام و أسلمن و هاجرون و کل اولاده من خدیجه -رضی الله عنها- ولد و ابکته».

1. العمری نسابه چنین گزارش داده است: «قاسم و به یکنی صلوات الله علیه و آله، و طاهر، و الطیب هو عبد الله و البنات: فاطمه الزهراء سیده نساء العالمین، رقیه، أم کلثوم، زینب».

2. المرزوی الازورقانی چنین نوشته است: «و أما اولاده صلوات الله علیه: فهم قاسم، زینب، عبدالله الطیب طاهر، أم کلثوم، آمنه فاطمه الزهراء البتول، رقیه أمهم خدیجه خویلد بن اسد ابن عبد العزی بن قصى و ابراهیم أمه ماریه القبطیه و لم یعقب منهم العقب الباقی الی الیوم غیر فاطمه علیها السلام».

3. الغرناطي چنين گزارش داده است: «و أولادها منه صلى الله عليه و اله: قاسم، و الطيب، و طاهر عبدالله - رضی الله عنهم، و من البنات: رقيه و زينب أم كلثوم كلهم انقضوا إلا السيدة فاطمه عليها السلام و تزوج غيرها إحدى عشری».

4. المدنی چنين نوشته است: «و أولاده صلى الله عليه و اله: قاسم و به كان يكتنى و عبد الله و يقال له: الطيب، و طاهر، و قيل: الطيب غير طاهر، و رقيه و زينب، و أم كلثوم، و فاطمه الزهرا و مات النبون قبل النبوه أطفالاً و البنات أدركن الاسلام و أسلمن و هاجرون و كل اولاده من خديجه - رضي الله عنها - ولد و ابمكه».

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۷	المعقبون من آل ابی طالب	الرجائی الموسوی ^۱	عربی	معاصر	شیعه	۷	۱۴۲۷ ق/ ۱۳۸۵ ش ج ۱، ص ۳۴

فراوانی و نام منابع مورد استناد در سایر منابع

منابع ذکر شده در این قسمت، بر اساس کتب تاریخی، حدیثی و غیره است که آمار و تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را در بردارد و در قالب جدول ذیل و به ترتیب تاریخی تنظیم و چینش شده است:

جدول ۴: فراوانی و نام منابع مورد استناد در سایر منابع

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۱	تاریخ یعقوبی	یعقوبی ^۱	فارسی	متوفی ۲۹۲ ق	شیعه	۶	۱۳۷۱ ش ج ۱، ص ۳۷۵

۱. «كان الرسول الله صلى الله عليه وآله عده بنين و بنات، أما البنون، فهم: ۱- قاسم و به کان یکنی. ۲. و عبدالله هو الطیب و طاهرو أمهم خدیجه بنت خویلد و أما البنات، فهن: فاطمه تزوجها ابن عتها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و زینب تزوجها أبوالعاص بن الربیع، فولدت له علیاً و أمامه و رقیه، تزوجها عثمان بن عفان فولدت له عبد الله درج، و أم کلثوم تزوجها عثمان و أمهم خدیجه بنت خویلد».

۲. زبان اصلی کتاب عربی است، مترجم آن دکتر محمدابراهیم آیتی است. در این کتاب از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام، قاسم، رقیه، زینب، و ام کلثوم پیش از بعثت و عبدالله که طیب و طاهر هم سواست در اسلام ولادت یافته و فاطمه پس از بعثت متولد شدند.

فراوانی و نام منابع مورد استناد در سایر منابع

منابع ذکر شده در این قسمت بر اساس کتب تاریخی، حدیثی و غیره است که آمار و تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را در بردارد و در قالب جدول ذیل و به ترتیب تاریخی تنظیم و چینش شده است:

جدول 4: فراوانی و نام منابع مورد استناد در سایر منابع

1. «كان الرسول الله صلى الله عليه وسلم عده بنين و بنات، أما البنون، فهم: 1- قاسم و به كان يكنى. 2. و عبدالله هو الطيب 3. و طاهرو أمهم خديجه بنت خويلد و أمّ البنات، فهن: فاطمه تزوجها ابن عمها اميرالمؤمنين علي بن ابي طالب عليها السلام و زينب تزوجها أبوالعاص بن الربيع، فولدت له علياً و أمّاه و رقيه، تزوجها عثمان بن عفّان فولدت له عبد الله درج، و أمّ كلثوم تزوجها عثمان و أمّهنّ خديجه بنت خويلد».

2. زبان اصلی کتاب عربی، است مترجم آن دکتر محمد ابراهیم آیتی است در این کتاب از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام، قاسم رقيه زينب و ام كلثوم پیش از بعثت و عبدالله که طیب و طاهر هم سو است در اسلام ولادت یافته و فاطمه پس از بعثت متولد شدند

ص: 177

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۲	تاریخ طبری	محمد بن جریر طبری ^۱	فارسی	۳۱۰ ق	سنی	۷	۱۳۶۲ ش ج ۳، ص ۸۳۴-۸۳۳
۳	خصال	شیخ صدوق ^۲	فارسی	قرن چهارم	شیعه	۶	بی تا، ص ۳۰۸
۴	دلایل النبوه	بیهقی ^۳	عربی	قرن چهارم	سنی	۶	۱۴۲۳ ق/ ۲۰۰۲ م، ج ۲، ص ۷۰
۵	مجممل التواریخ	نامعلوم ^۴	فارسی	۵۲۰ ق	سنی	۸	۱۳۰۹ ش/ ۱۳۴۹ ق، ۲۶۱-۲۶۲

۱. تاریخ طبری: زبان اصلی کتاب عربی است. در این کتاب آمده: «به جز ابراهیم دیگر فرزندان پیغمبر، زینب، رقیه، ام کلثوم، فاطمه، قاسم و طیب و طاهر از خدیجه بودند و کنیه از قاسم گرفت و او را ابوقاسم گفتند. همه پسران پیغمبر در جاهلیت بمردند و دختران به دوران اسلام رسیدند و مسلمان بودند و با پیغمبر هجرت کردند».

۲. شیخ صدوق در کتاب خود فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام را شش تن می داند: «۱. قاسم، ۲. عبدالله ملقب به طاهر، ۳. ام کلثوم، ۴. رقیه، ۵. زینب، ۶. فاطمه مادر ایشان خدیجه دختر خویلد بود». ۳. از ابن عباس گفته که حضرت خدیجه علیها السلام دو پسر و چهار دختر به دنیا آورد «قاسم، عبدالله، فاطمه، ام کلثوم، زینب، و رقیه»، بیهقی در *دلائل النبوه* نقل قول های متعددی در این زمینه آورده است. ۴. در *مجممل التواریخ* می نویسد: «از خدیجه هشت فرزند، چهار پسر قاسم، طاهر، طیب و عبدالله و چهار دختر زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه».

۱. تاریخ طبری: زبان اصلی کتاب عربی است. در این کتاب آمده: «به جز ابراهیم دیگر فرزندان پیغمبر، زینب، رقیه، ام کلثوم، فاطمه قاسم و طیب و طاهر از خدیجه بودند و کنیه از قاسم گرفت و او را ابوقاسم گفتند همه پسران پیغمبر در جاهلیت بمردند و دختران به دوران اسلام رسیدند و مسلمان بودند و با پیغمبر هجرت کردند».

۲. شیخ صدوق در کتاب خود فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و از خدیجه علیها السلام را شش تن می داند: «۱. قاسم، ۲. عبدالله ملقب به طاهر، ۳. ام کلثوم، ۴. رقیه، ۵. زینب، ۶. فاطمه مادر ایشان خدیجه دختر خویلد بود».

3. از ابن عباس گفته که حضرت خدیجه علیها السلام دو پسر و چهار دختر به دنیا آورد «قاسم، عبدالله، فاطمه ام کلثوم، زینب و رقیه»،
بیهقی در دلائل النبوه نقل قول های متعددی در این زمینه آورده است.

4. در مجمل التواریخ می نویسد: «از خدیجه هشت فرزند چهار پسر قاسم، طاهر، طیب و عبدالله و چهار دختر زینب، رقیه ام کلثوم و
فاطمه».

ص: 178

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۶	المناقب	ابن شهر آشوب ^۱	عربی	۵۸۸ ق	شیعه	۷	۱۴۲۱ ق/ ۱۳۷۹ ش، ج ۱، ص ۲۰۹
۷	تاریخ الائمه	ابن خشاب ^۲	عربی	متوفی ۵۶۷ ق	شیعه	۸	۲۰۱۱ م/ ۱۳۸۹ ش، ص ۷۲-۷۶
۸	صفوه الصفوه	ابن جوزی ^۳	عربی	متوفی ۵۹۷ ق	شافعی	۶	ج ۱، ص ۷۶

۱. المناقب چنین نقل می‌کند: «قاسم، عبدالله و هما: طاهرو الطیب، أربع بنات: زینب، رقیه، ام کلثوم و هی آمنه، فاطمه و هی أم ایها».

۲. ابن خشاب می‌نویسد: «ولد له من خدیجه ابنته قاسم و عبدالله و طاهرو الطیب و زینب و أم کلثوم و رقیه و فاطمه».

۳. ابن جوزی در صفوه الصفوه از عروه و ابوبکر برخی نقل می‌کند: از دختران فاطمه، که پنج سال قبل از بعثت بدنیا آمد، زینب با ابوالعاص بن الربیع ازدواج کرد، رقیه با عثمان بن عفان و ام کلثوم بعد از مرگ رقیه با عثمان بن عفان ازدواج کرد از پسران، قاسم، اولین فرزند پیامبر بود که در دو سالگی مرد. عبدالله (هو طاهرو الطیب) که در اسلام به دنیا آمد. ابن جوزی از عروه نقل می‌کند که خدیجه قاسم، طاهرو عبدالله و مطیب را به دنیا آورد و الی آخر».

۱. المناقب چنین نقل می‌کند: «قاسم عبدالله و هما: طاهرو الطیب أربع بنات: زینب، رقیه، ام کلثوم و هی آمنه فاطمه و هی أم ایها».

۲. ابن خشاب می‌نویسد: ولد له من خدیجه ابنته قاسم و عبدالله و طاهرو الطیب و زینب و أم کلثوم و رقیه و فاطمه».

۳. ابن جوزی در صفوه الصفوه از عروه و ابوبکر برخی نقل می‌کند از دختران، فاطمه که پنج سال قبل از بعثت بدنیا آمد، زینب با ابوالعاص بن الربیع ازدواج کرد، رقیه با عثمان بن عفان و ام کلثوم بعد از مرگ رقیه با عثمان بن عفان ازدواج کرد از پسران، قاسم اولین

فرزند پیامبر بود که در دو سالگی مرد. عبدالله (هو طاهر و الطیب) که در اسلام به دنیا آمد. ابن جوزی از عروه نقل می کند که خدیجه قاسم، طاهر و عبدالله و مطیب را به دنیا آورد و الی آخر».

ص: 179

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۹	شرح حال و فضائل خاندان نبوت <small>علیهم السلام</small>	ابن جوزی ^۱	فارسی	متوفی ق ۶۵۴	شافعی	۸	۱۳۷۹ ش، ص ۴۰۲
۱۰	تاریخ گزیده	مستوفی ^۲	فارسی	ق ۷۳۰	سنی	۷	۱۳۸۱ ش، ص ۱۵۹
۱۱	کاشف الغمه فی تاریخ الائمه <small>علیهم السلام</small>	میرزا محمد بن محمد رضا القمی ^۳	عربی	متوفی ۱۱۲۵ هجری	شیعه	۷	۱۴۱۹ ق ص ۲۷-۲۸

۱. یوسف بن قزاوغلی در تذکره خواص خود به نقل از ابن اسحاق چنین نوشته است: «پیامبر (از خدیجه) پسرانی داشت به نام‌های: قاسم که کنیه حضرت به نام وی بود و در مکه پیش از بعثت در دوسالگی از دنیا رفت، عبدالله و طیب که پیش از بعثت و به قولی یک سال پس از آن از دنیا رفتند و طاهر که پس از ظهور اسلام به دنیا آمد و از این رو او را طاهر گفتند و پس از بعثت نیز از دنیا رفت. بعضی گفته‌اند: طیب و طاهر دو لقبند. ولی قول اول صحیح‌تر است. و از قول ابن سعد آورده که دختران زینب، رقیه، ام‌کلثوم و فاطمه علیهم السلام بودند».

۲. «پیغمبر سه پسر آوردند: قاسم و طیب و طاهر و هو عبدالله. قاسم و طاهر پیش از وحی متولد شدند و چهار دختر زینب و رقیه و ام‌کلثوم و فاطمه در زمان وحی متولد شد».

۳. مشهدی (قی) چنین آورده: «أولاد علیهم السلام: قاسم، زینب، و رقیه قبل المبعث، و الطیب، و طاهر و مطهر و فاطمه بعد المبعث، و الكل من خدیجه».

۱. یوسف بن قزاوغلی در تذکره خواص خود به نقل از ابن اسحاق چنین نوشته است: «پیامبر (از خدیجه) پسرانی داشت به نام‌های قاسم که کنیه حضرت به نام وی بود و در مکه پیش از بعثت در دو سالگی از دنیا رفت عبدالله و طیب که پیش از بعثت و به قولی یک سال پس از آن از دنیا رفتند و طاهر که پس از ظهور اسلام به دنیا آمد و از این رو او را طاهر گفتند و پس از بعثت نیز از دنیا رفت. بعضی گفته‌اند: طیب و طاهر دو لقبند. ولی قول اول صحیح‌تر است و از قول ابن سعد آورده که دختران زینب رقیه ام‌کلثوم و فاطمه علیه السلام بودند».

۲. «پیغمبر سه پسر آوردند: قاسم و طیب و طاهر و هو عبدالله. قاسم و طاهر پیش از وحی متولد شدند و چهار دختر زینب و رقیه و ام

كلثوم و فاطمه در زمان وحی متولد شد».

3. مشهدی (قمی) چنین آورده: «أولاد صلی الله علیه و آله: قاسم، زینب و رقیه قبل المبعث، و الطیب، و طاهر و مطهر و فاطمه بعد المبعث، و الكل من خدیجه»

ص: 180

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۱۲	زندگی دوازده امام <small>علیهم السلام</small>	حسنی ^۱	فارسی	۱۹۱۹ م	شیعه	۶	۱۳۸۹ ش، ج ۱، ص ۵۷
۱۳	اعیان الشیعه	السید محسن الامین ^۲	عربی	معاصر	شیعه	۹	۱۴۲۰ هـ/ ۲۰۰۰ م ج ۱۵
۱۴	تاریخ پیامبر اسلام <small>صلی الله علیه و آله</small>	محمد ابراهیم آیتی ^۳	فارسی	معاصر	شیعه	۶	۱۳۶۹ ش، ص ۷۶-۷۷

۱. اصل کتاب عربی اثر هاشم معروف الحسنی است. ایشان چنین نقل می‌کند: «بانو خدیجه برای پیامبر صلی الله علیه و آله دو فرزند پسر به دنیا آورد: یکی قاسم که کنیه اش از وی گرفته شده بود و دیگری عبدالله ملقب به «طاهر» و «طیب» و گفته شده که طاهر و طیب دو فرزند خدیجه بوده‌اند که در کودکی فوت کرده‌اند. که میان مورخان و محدثان شهرت دارد. همان‌گونه که گفتیم، جز قاسم و عبدالله، پسری نداشته و قاسم تنها حدود دو سال و به روایتی دیگر بیش از دو سال زندگی کرد. در مورد فرزندان دختر آن چه میان مورخان شهرت دارد چهار تن بودند: زینب، رقیه، ام‌کلثوم و حضرت زهرا».

۲. علامه محسن امین در کتاب خود نظرات ابن عبدالبردر استیعاب، کلی و ابن عساکر را نقل کرده می‌گوید: «فتحصل من ذلك أقوال خمسة: ۱. إنه لم يولد لها من النبي صلی الله علیه و آله ذكراً إلا قاسم. ۲. إنها ولدت له قاسم و طاهر. ۳. إنها ولدت قاسم و عبدالله و الثاني يلقب بالطيب و طاهر. ۴. إنها ولدت قاسم و الطيب و طاهر. ۵. إنها ولدت عبدالله ثم زینب فرقیه فقاسم فطاهر فالمطهر فالطيب فالمطيب و لا یبعد كون الطيب و المطيب و طاهر و المطهر ألقاباً فظن البعض أنهما أسماء فعداها من الأسماء».

۳. «مرحوم آیتی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله سه پسر و چهار دختر نام برده که عبارتند از: قاسم، زینب، رقیه، ام‌کلثوم، فاطمه و عبدالله که پس از بعثت و در مکه متولد شد و طاهر لقب داشت و نام مادر آنان خدیجه علیها السلام است و ابراهیم که مادرش ماریه بود.»

۱. اصل کتاب عربی اثر هاشم معروف الحسنی است. ایشان چنین نقل می‌کند: «بانو خدیجه برای پیامبر صلی الله علیه و آله دو فرزند پسر به دنیا آورد: یکی قاسم که کنیه اش از وی گرفته شده بود و دیگری عبدالله ملقب به «طاهر» و «طیب» و گفته شده که طاهر و طیب دو فرزند خدیجه بوده‌اند که در کودکی فوت کرده‌اند. که میان مورخان و محدثان شهرت دارد همان‌گونه که گفتیم جز قاسم و عبدالله پسری نداشته و قاسم تنها حدود دو سال و به روایتی دیگر بیش از دو سال زندگی کرد. در مورد فرزندان دختر آن چه میان مورخان شهرت دارد چهار تن بودند: زینب، رقیه، ام‌کلثوم و حضرت زهرا».

2. علامه محسن امین در کتاب خود نظرات ابن عبدالبر در استیعاب، کلبی و ابن عساکر را نقل کرده می گوید: «فتحصل من ذلك أقوال خمسة: 1. إنه لم يولد لها من النبي صلى الله عليه و اله ذكر ألقاسم . 2. إنها ولدت له قاسم و طاهر 3. إنها ولدت قاسم و عبد الله و الثاني يلتقب بالطيب و طاهر 4. إنها ولدت قاسم و الطيب و طاهر 5. إنها ولدت عبد الله ثم زينب فرقيه فقاسم فطاهر فالمطهر فالطيب فالمطيب و لا يبعد كون الطيب و المطيب و طاهر و المطهر ألقاباً فظن البعض أنهما أسماء فعدهما من الأسماء».

3. «مرحوم آیتی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله سه پسر و چهار دختر نام برده که عبارتند از: قاسم، زینب، رقیه، ام کلثوم، فاطمه و عبدالله که پس از بعثت و در مکه متولد شد و طاهر لقب داشت و نام مادر آنان خدیجه علیها السلام است و ابراهیم که مادرش ماریه بود».

ردیف	نام کتاب	نویسنده	زبان کتاب	قدمت کتاب	مذهب نویسنده	تعداد فرزندان	ارجاع کتاب
۱۵	فروع ابدیت	جعفر سبحانی ^۱	فارسی	معاصر	شیعه	۶	۱۳۵۱ ش، ج ۱، ص ۱۶۷
۱۶	درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام	سید هاشم رسولی محلاتی ^۲	فارسی	معاصر	شیعه	۶	۱۳۷۱، ج ۲، ص ۵۳-۵۴

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب سیره

در این مبحث، تمام نام‌های فرزندان ذکر شده در کتب سیره به ترتیب از بزرگ، پسران و بعد دختران مرتب و فراوانی هر فرزند در کتب سیره نیز بررسی شده است. در پایان نیز به تحلیل و بررسی این موارد پرداخته‌ایم:

۱. آقای سبحانی هم شش فرزند برای حضرت خدیجه علیها السلام نام برده: دو تا پسر که بزرگ‌تر آن‌ها قاسم و سپس عبدالله که به آن‌ها طاهرو طیب می‌گفتند و چهار تایی آنان دختر بودند.
 ۲. آقای رسولی محلاتی شش تن یعنی دو پسر و چهار دختر اسم برده به نام‌های قاسم، زینب، رقیه، ام‌کلثوم، فاطمه علیها السلام و عبدالله که طیب و طاهر لقب داشت.»

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب سیره

در این مبحث تمام نام‌های فرزندان ذکر شده در کتب سیره به ترتیب از بزرگ پسران و بعد دختران مرتب و فراوانی هر فرزند در کتب سیره نیز بررسی شده است در پایان نیز به تحلیل و بررسی این موارد پرداخته‌ایم:

۱. آقای سبحانی هم شش فرزند برای حضرت خدیجه علیها السلام نام برده: دو تا پسر که بزرگ‌تر آن‌ها قاسم و سپس عبدالله که به آن‌ها

طاهر و طیب می گفتند و چهار تایی آنان دختر بودند».

2. آقای رسولی محلاتی شش تن یعنی دو پسر و چهار دختر اسم برده به نام های قاسم، زینب، رقیه ام کلثوم، فاطمه علیها السلام و عبدالله که طیب و طاهر لقب داشت».

ص: 182

جدول 5: تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در منابع سیره

ردیف	فرزندان	السیره النبویه ابن هشام	سیرت رسول الله	خلاصه سیرت رسول الله	السیره النبویه ابن کثیر	السیره الحلیئیه
۱	قاسم	*	*	*	*	*
۲	عبدالله					
۳	طاهر	*	*	*	*	
۴	طیب	*	*	*	*	
۵	زینب	*	*	*	*	
۶	رقیه	*	*	*	*	
۷	ام کلثوم	*	*	*	*	
۸	فاطمه	*	*	*	*	*

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب طبقات

در این مبحث، تمام نام‌های فرزندان ذکر شده در کتب طبقات به ترتیب از بزرگ، پسران و بعد دختران مرتب و فراوانی هر فرزند در کتب طبقات نیز بررسی شده است. در پایان نیز به تحلیل و بررسی این موارد پرداخته ایم:

جدول ۶: تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب طبقات

ردیف	فرزندان	الطبقات الکبری	الاستیعاب	اسد الغابه
۱	قاسم	*	*	*
۲	طاهر			

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب طبقات

در این مبحث تمام نام‌های فرزندان ذکر شده در کتب طبقات به ترتیب از بزرگ پسران و بعد دختران مرتب و فراوانی هر فرزند در کتب طبقات نیز بررسی شده است در پایان نیز به تحلیل و بررسی این موارد پرداخته ایم:

جدول 6: تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب طبقات

ص: 183

ردیف	فرزندان	الطبقات الکبری	الاستیعاب	اسدالغابه
۳	طیب			
۴	عبدالله	*	*	*
۵	زینب	*	*	*
۶	رقیه	*	*	*
۷	ام کلثوم	*	*	*
۸	فاطمه	*	*	*

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب انساب

در این مبحث، تمام نام‌های فرزندان ذکر شده در کتب انساب به ترتیب از بزرگ، پسران و بعد دختران مرتب و فراوانی هر فرزند در کتب انساب نیز بررسی شده است. در پایان نیز به تحلیل و بررسی این موارد پرداخته ایم:

جدول ۷: تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در منابع انساب

ردیف	فرزندان	جمهره الانساب	تهذیب الانساب	المجدی	الفخری	الانوار	تحفه الطالب	المعقبون من آل ابی طالب
۱	قاسم	*	*	*	*	*	*	*
۲	طاهر							*
۳	طیب					*		
۴	عبدالله	*	*	*	*	*	*	*
۵	زینب	*	*	*	*	*	*	*

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در کتب انساب

در این مبحث تمام نام‌های فرزندان ذکر شده در کتب انساب به ترتیب از بزرگ پسران و بعد دختران مرتب و فراوانی هر فرزند در کتب انساب نیز بررسی شده است در پایان نیز به تحلیل و بررسی این موارد پرداخته ایم:

جدول ۷: تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در منابع انساب

ردیف	فرزندان	جمهوره الانساب	تهذیب الانساب	المجدی	الفخری	الانوار	تحفه الطالب	المعقبون من آل ابی طالب
۶	رقیه	*	*	*	*	*	*	*
۷	ام کلثوم	*	*	*	*	*	*	*
۸	فاطمه	*	*	*	*	*	*	*

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در سایر منابع

در این مبحث، تمام نام‌های فرزندان ذکر شده در سایر منابع به ترتیب از بزرگ، پسران و بعد دختران مرتب و فراوانی هر فرزند در سایر منابع نیز بررسی شده است. در پایان نیز به تحلیل و بررسی این موارد پرداخته ایم:

جدول ۸: تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در سایر منابع

	فرزندان	یعقوبی	طبری	خصال	دلائل النبوه	مجمل	المنقب	تاریخ الائمه	صفوه الصفوه	شرح خال و فضائل	تاریخ گزیده	کاشف الغمه	زندگانی دوازده امام	اعیان الشیعه
۱	قاسم	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲	عبدالله	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۳	ظاهر	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۴	طیب	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۵	زینب	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۶	رقیه	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در سایر منابع

در این مبحث تمام نام‌های فرزندان ذکر شده در سایر منابع به ترتیب از بزرگ پسران و بعد دختران مرتب و فراوانی هر فرزند در سایر منابع نیز بررسی شده است. در پایان نیز به تحلیل و بررسی این موارد پرداخته ایم:

جدول ۸: تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در سایر منابع

اعیان الشیعه	زندگانی دوازده امام	کاشف الغمه	تاریخ گزیده	شرح خال و فضائل	صفوه الصفوه	تاریخ الانمه	المناقب	مجمل	دلائل النبوه	خصال	طبری	یعقوبی	فرزندان	
*	*		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	ام کلثوم	۷
*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	فاطمه	۸
*		*											مظهر	۹
*													مطیب	۱۰

ردیف	فرزندان	تاریخ پیامبر اسلام <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	فروع ابدیت
۱	قاسم	*	*
۲	ظاهر		
۳	طیب		
۴	عبدالله	*	*
۵	زینب	*	*
۶	رقیه	*	*
۷	ام کلثوم	*	*
۸	فاطمه	*	*

بررسی قدیم ترین کتب سیره مورد استناد در فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام

در میان منابع موجود سیره، السیره النبویه ابن اسحاق نخستین و قدیم ترین سیره ای است که نام فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در آن ذکر شده است که اکنون موجود نیست؛ ولی السیره النبویه ابن هشام (متوفی 218 ق) برگرفته از السیره النبویه ابن اسحاق است و پس از آن سیره های دیگری وجود دارد که نام فرزندان ایشان را آورده اند. پنج سیره ای که بررسی گردیده در مجموع هفت تن از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را نام برده اند. در تمام سیره ها از سیره ابن اسحاق گرفته تا السیره النبویه حلبی (از سیره نویسان قرن یازدهم هجری)، به ترتیب نام های فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را این گونه گزارش داده اند:

القاسم، طیّب، طاهر، زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه. پس معلوم می شود که سیره ها در نقل اسامی فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام اختلافی ندارند و یک خبر واحد را گزارش داده اند اما فقط ابن کثیر علاوه بر نقل نظر ابن اسحاق و ابن هشام، دو نقل قول آورده یکی از مصعب بن عبدالله الزبیری مبنی بر دو پسر، قاسم و عبدالله و قول دوم از زبیر بن بکّار که می گوید عبدالله همان طیب و طاهر است؛ اما سیره نویسان در گزارش خود نامی از عبدالله نبرده اند که در عصر بعثت متولد شده است.

بررسی قدیم ترین کتب طبقات مورد استناد در فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام

در میان سه کتاب طبقاتی که از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام نام برده اند، آمار و نام فرزندان ثابت و تعداد آن ها شش نفر است و نام های شان عبارتند از: «قاسم و عبدالله که اسم او طاهر و طیّب بوده چون در اسلام به دنیا آمده است. از دختران زینب، رقیه، ام کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام». ابن عبد آلبر نقل قول های متعددی آورده از جمله نقل زبیر که عبدالله همان طیب و طاهر است. ابن اثیر هم همین قول را از جرجانی آورده و صحیح می داند. در واقع طبقات ابن سعد منشأ خبر اسد الغابه و استیعاب است که هر سه حرف واحدی دارند. در کتاب های

طبقات، تعداد فرزندان شش نفر و نام عبدالله آمده، ولی در سیره ها نام هفت فرزند، و طیب و طاهر آمده و نام عبدالله نیامده است.

بررسی قدیم ترین کتب انساب مورد استناد در فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام ای در میان هفت کتاب مورد استناد انساب در این پژوهش که از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام نام برده اند آمار فرزندان و حتی نام شان ثابت و تعداد آن ها شش نفر است که عبارتند از: «قاسم عبدالله زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه علیها السلام». به جز علامه جلیل القدر سید مهدی رجایی موسوی از عالمان علم انساب معاصر در کتاب المعقبون من آل ابی طالب به «الطاهر» اشاره کرده و غرناطی از علمای علم انساب قرن هشتم هجری در کتاب الانوار، «الطیب» را در شمار فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام آورده و تعداد فرزندان را هفت تن نام برده اند.

بررسی قدیم ترین کتب مورد استناد در سایر منابع از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام

اشاره

در میان شانزده کتاب مورد استناد در این مبحث، از منابع و مآخذی که از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام نام برده اند آمار فرزندان و حتی نام پسران متغیر است، ولی در نام دختران اختلافی نیست تاریخ یعقوبی از قدیم ترین کتب است که به شش فرزند به نام های، قاسم رقیه زینب، ام کلثوم و عبدالله که همان طیب و طاهر است و حضرت فاطمه علیها السلام اشاره می کند. شیخ صدوق، بیهقی، ابن جوزی هاشم معروف، الحسنی، دکتر آیتی، آیت الله سبحانی و آقای رسولی محلاتی از این دسته اند.

دسته دوم متاریخ نگاران و نویسندگانی هستند که از هفت تا هشت تن از فرزندان یاد کرده اند، که سه تا چهار تن از آنان پسرند. نام پسران عبارتند از:، قاسم طاهر، طیب و عبدالله که نویسنده مجمل التواریخ ابن خشاب، ابن جوزی در شرح حال و فضائل خاندان نبوت علیه السلام و نویسنده تاریخ گزیده از این دسته اند.

دسته سوم تاریخ نگارانی چون طبری هستند که از عبدالله نام نبرده اند،

بلکه به قاسم و طیب و طاهر اشاره کرده اند. سید محسن امین نه تن از فرزندان را آورده و از پسران به، قاسم طاهر عبدالله طیب و مطهر اشاره کرده است. مشهدی قمی از پسران، قاسم طیب و طاهر و مطهر را نام می برد. همگونی در دسته اول نسبت به دسته دوم و سوم. بهتر است

ارتباط درون گروهی نمودارها

منابع مورد بررسی در این بخش به چهار دسته تقسیم شدند:

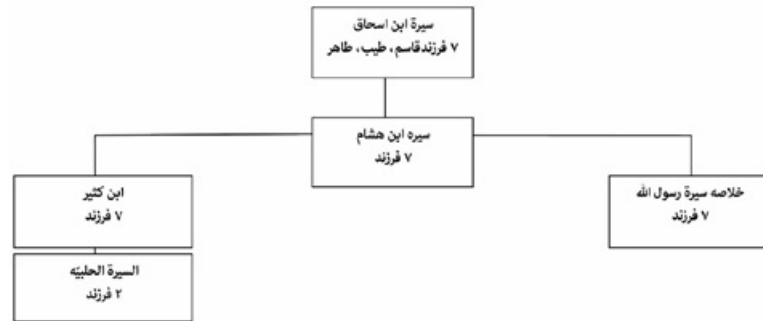
1. کتب سیره نمودار (1) فرزندان مشترک و سرشاخه اصلی آن در صفحه ذیل ترسیم شده است.

عکس

بلکه به قاسم و طیب و طاهر اشاره کرده‌اند. سید محسن امین نه تن از فرزندان را آورده و از پسران به قاسم، طاهر، عبدالله، طیب و مطهر اشاره کرده است. مشهدی قمی از پسران، قاسم، طیب و طاهر و مطهر را نام می‌برد. همگونی در دسته اول نسبت به دسته دوم و سوم بهتراست.

ارتباط درون‌گروهی نمودارها

منابع مورد بررسی در این بخش به چهار دسته تقسیم شدند:
 ۱. کتب سیره: نمودار (۱) فرزندان مشترک و سرشاخه اصلی آن در صفحه ذیل ترسیم شده است.



۲. کتب طبقات: نمودار (۲) فرزندان مشترک و سرشاخه اصلی آن در صفحه ذیل ترسیم شده است:

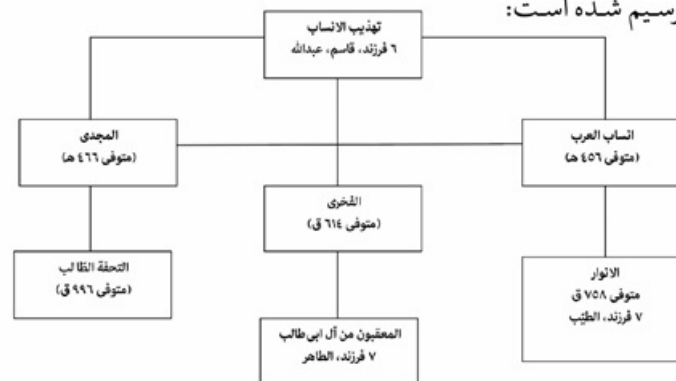


۲. کتب طبقات: نمودار (۲) فرزندان مشترک و سرشاخه اصلی آن در صفحه ذیل ترسیم شده است:

3. کتب انساب: نمودار (3) فرزندان مشترک و سرشاخه اصلی آن در صفحه ذیل ترسیم شده است:

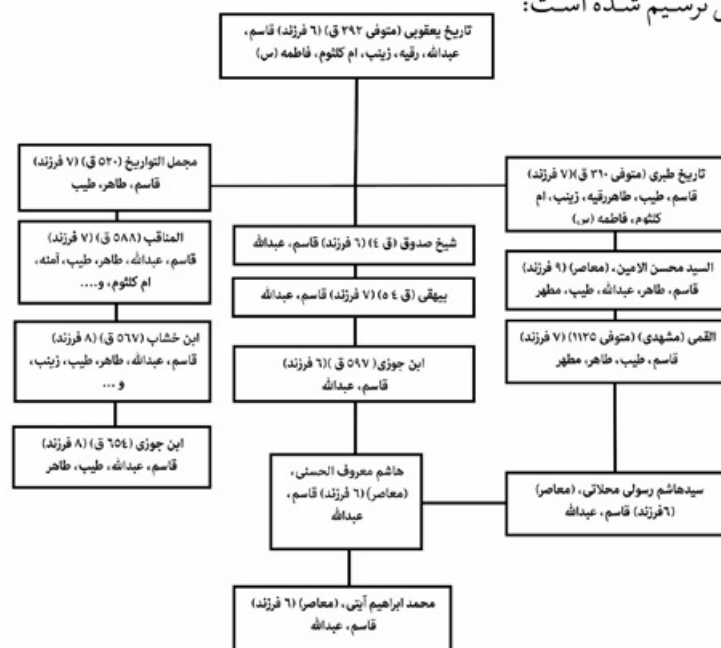
۳. کتب انساب: نمودار (۳) فرزندان مشترک و سرشاخه اصلی آن در صفحه

ذیل ترسیم شده است:



۴. سایر منابع: نمودار (۴) فرزندان مشترک و سرشاخه اصلی آن در صفحه

ذیل ترسیم شده است:



4. سایر منابع: نمودار (4) فرزندان مشترک و سر شاخه اصلی آن در صفحه ذیل ترسیم شده است:

جدول (9) فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام و فراوانی هر فرزند بر اساس کتب سیره

در این مبحث همه فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام به ترتیب نام های پسران و دختران مرتب شده و فراوانی هر فرزند بر اساس کتب سیره تنظیم و چینش شده است:

عکس

مقایسه و بررسی تاریخی و آماری فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام ۱۹۱

جدول (۹) فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام و فراوانی هر فرزند بر اساس کتب سیره
در این مبحث، همه فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام به ترتیب نام های پسران و دختران مرتب شده و فراوانی هر فرزند بر اساس کتب سیره تنظیم و چینش شده است:

ردیف	نام فرزندان	میزان فراوانی در سیره
۱	طاهر	۴
۲	طیب	۴
۳	عبدالله	--
۴	قاسم	۵
۵	ام کلثوم	۴
۶	رقیه	۴
۷	زینب	۴
۸	فاطمه	۵

جدول (۱۰): فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام و فراوانی هر فرزند بر اساس کتب طبقات
در این مبحث، همه فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام به ترتیب نام های پسران و دختران مرتب گردیده و فراوانی هر فرزند بر اساس کتب طبقات تنظیم و چینش شده است:

ردیف	نام فرزندان	میزان فراوانی در کتب طبقات
۱	طاهر	همان عبدالله است
۲	طیب	همان عبدالله است

جدول (10): فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام و فراوانی هر فرزند بر اساس کتب طبقات

در این مبحث ، همه فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام به ترتیب نام های پسران و نام های دختران مرتب گردیده و فراوانی هر فرزند بر اساس کتب طبقات تنظیم و چیش شده است:

ص: 191

ردیف	نام فرزندان	میزان فراوانی در کتب طبقات
۳	عبدالله	۳
۴	قاسم	۳
۵	ام کلثوم (دختران)	۳
۶	رقیه	۳
۷	زینب	۳
۸	فاطمه	۳

جدول (۱۱): فرزندان حضرت خدیجه رضی الله عنها و فراوانی هر فرزند براساس کتب انساب در این مبحث، همه فرزندان حضرت خدیجه رضی الله عنها به ترتیب نام های پسران و دختران مرتب گردیده و فراوانی هر فرزند براساس کتب انساب تنظیم و چینش شده است:

ردیف	نام فرزندان	میزان فراوانی در کتب انساب
۱	طاهر	شش مرتبه آمده که همان عبدالله است و یک مرتبه به عنوان نام به کار برده شده است.
۲	طیب	شش مرتبه آمده که همان عبدالله است. یک مرتبه به عنوان نام آمده است.
۳	عبدالله	۷
۴	عبدالعزی	۱ مرتبه، همان عبدالله است.
۵	قاسم	۷

جدول (۱۱): فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام و فراوانی هر فرزند بر اساس کتب انساب

در این مبحث همه فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام به ترتیب نام های پسران و دختران مرتب گردیده و فراوانی هر فرزند بر اساس کتب انساب تنظیم و چینش شده است:

مقایسه و بررسی تاریخی و آماری فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام ۱۹۳

ردیف	نام فرزندان	میزان فراوانی در کتب انساب
۶	ام‌کلثوم (دختران)	۷
۷	رقیه	۷
۸	زینب	۷
۹	فاطمه	۷

جدول (۱۲): فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام و فراوانی هر فرزند بر اساس سایر منابع در این قسمت، همه نام‌های حضرت خدیجه علیها السلام به ترتیب نام‌های پسران و دختران مرتب شده و فراوانی هر فرزند در تمامی منابع مذکور آمده است:

ردیف	نام فرزندان	میزان فراوانی در سایر کتب
۱	قاسم	۱۴
۲	عبدالله	۱۲
۳	ظاهر	۷
۴	طیب	۸
۵	مظهر	۲
۶	مطیب	۱
۷	رقیه	۱۵
۸	زینب	۱۵
۹	ام‌کلثوم	۱۵
۱۰	فاطمه	۱۵

جدول (۱۲): فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام و فراوانی هر فرزند بر اساس سایر منابع

در این قسمت همه نام‌های حضرت خدیجه علیها السلام به ترتیب نام‌های پسران و دختران مرتب شده و فراوانی هر فرزند در تمامی منابع مذکور آمده است:

جدول (13): مقایسه فراوانی فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام بر اساس منابع مورد استناد در این پژوهش

در این قسمت میزان فراوانی القاب امام نهم در منابع انساب را با میزان فراوانی القاب امام نهم در سایر کتب با هم مقایسه می‌کنیم و به میزان اختلاف وارده در دو دسته می‌پردازیم.

جدول مقایسه فراوانی

عکس

جدول (۱۳): مقایسه فراوانی فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام بر اساس منابع مورد استناد در این پژوهش در این قسمت، میزان فراوانی القاب امام نهم در منابع انساب را با میزان فراوانی القاب امام نهم در سایر کتب با هم مقایسه می‌کنیم و به میزان اختلاف وارده در دو دسته می‌پردازیم.

جدول مقایسه فراوانی

ردیف	نام فرزندان	میزان فراوانی در سیره	میزان فراوانی در طبقات	میزان فراوانی در انساب	میزان فراوانی در سایر منابع	میزان اختلاف فراوانی
۱	قاسم	۵	۳	۷	۱۵	--
۲	عبدالله	-	۳	۷	۱۳	۳ در سیره، ۲ در سایر منابع
۳	طاهر	۴	-	۱	۸	۳ در طبقات، ۶ در انساب، ۷ در سایر منابع
۴	طیب	۴	-	۱	۹	۳ در طبقات، ۶ در انساب، ۶ در سایر منابع
۵	مطهر	-	-	-	۲	۳ در طبقات، ۶ در انساب، ۱۱ در سایر منابع
۶	مطیب	-	-	-	۱	۵ در سیره، ۳ در طبقات، ۷ در انساب، ۱۵ در سایر منابع

ردیف	نام فرزندان	میزان فراوانی در سیره	میزان فراوانی در طبقات	میزان فراوانی در انساب	میزان فراوانی در سایر منابع	میزان اختلاف فراوانی
۷	رقیه	۴	۳	۷	۱۵	۱ در سیره.
۸	زینب	۴	۳	۷	۱۵	۱ در سیره.
۹	ام‌کلثوم	۴	۳	۷	۱۳	۲ در سایر منابع
۱۰	فاطمه	۵	۳	۷	۱۵	--

۱۰ فرزند (مجموع کتب)	۷ فرزند (کتب سیره)	۶ فرزند (کتب طبقات)	۸ - ۷ فرزند (کتب انساب)	۹ - ۶ فرزند (در سایر منابع)
----------------------	--------------------	---------------------	-------------------------	-----------------------------

تجزیه و تحلیل

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در ۳۸ کتاب بررسی شده در این پژوهش که در پنج کتاب سیره، هفت تن به نام‌های قاسم، طیب، طاهر هستند که دو نفر اخیر در جاهلیت مردند و دختران زینب، رقیه، ام‌کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام هستند. تعداد فرزندان آن حضرت در سه کتاب طبقات مورد استناد در این پژوهش، شش تن به نام‌های قاسم، عبدالله که اسم او «طاهر و طیب» بوده، چون در اسلام به دنیا آمد و دختران زینب، رقیه، ام‌کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام ذکر

تجزیه و تحلیل

تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در 38 کتاب بررسی شده در این پژوهش که در پنج کتاب سیره هفت تن به نام‌های، قاسم طیب طاهر هستند که دو نفر اخیر در جاهلیت مردند و دختران زینب، رقیه، ام‌کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام هستند. تعداد فرزندان آن حضرت در سه کتاب طبقات مورد استناد در این پژوهش شش تن به نام‌های، قاسم عبدالله که اسم او «طاهر و طیب» بوده، چون در اسلام به دنیا آمد و دختران زینب، رقیه ام‌کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام ذکر

شده است تعداد فرزندان در کتب انساب مورد استناد در این تحقیق هفت تن به نام های، قاسم عبدالله یا طیب و طاهر هستند که در کودکی مردند. دختران، زینب، رقیه، ام کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام هستند تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در سایر منابع اعم از تاریخی حدیثی و غیره به اختلاف بین هفت الی نه تن گزارش شده که در میان اسامی آنان به ترتیب از پسران، قاسم عبدالله طیب طاهر مطهر و مطیب و از دختران زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه گزارش شده است. در این مقاله اهداف و نتایج پژوهش بعد از تعیین فراوانی و مقایسه آماری آن ها این گونه استنتاج گردید:

1. مشهورترین آمار و نام های فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام در مورد دختران همان شش تن «زینب، رقیه، ام کلثوم و حضرت فاطمه» می باشند که در تمام دسته بندی های منابع مورد استناد در این پژوهش مشترک و متفق القولند.

2. مشهورترین آمار و نامهای پسران حضرت خدیجه علیها السلام در تمام دسته بندی های منابع مورد استناد در این پژوهش از قرن سوم هجری تا به امروز چهار پسرند:

اول، قاسم که در تمام منابع بدون استثنا گزارش شده است.

دوم، عبدالله؛

سوم: طاهر؛

چهارم: طیب که در بیشتر کتاب ها آمده است.

مطهر که دو مورد یکی در کتاب کاشف الغمه قمی مشهدی قرن دوازدهم قمری آمده و دومی سید محسن امین در اعیان الشیعه آورده و بعد آن را لقب دانسته است.

مطیب نام دیگری است که سید محسن امین در اعیان نقل کرده و بعد آن را لقب دانسته است.

3. بررسی منابع مختلف تا قرن پانزدهم هجری نشان می دهد که سر منشأ منابع برای اسامی قاسم و عبدالله از کتاب طبقات است که اولین آن طبقات

ص: 196

الکبری اثر ابن سعد (قرن سوم هجری) و بعد استیعاب ابن عبدالبر و اسد الغابه ابن اثیر است. ابن سعد در طبقات، نخستین فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله را قاسم آورده که در مکه پیش از بعثت متولد شد و کنیه آن حضرت هم به نام اوست قاسم هنگام مرگ دوساله بود. بعد به ترتیب فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه علیها السلام را زینب، رقیه، فاطمه ام کلثوم و عبدالله نام می برد. به گزارش ابن سعد، عبد الله بعد از بعثت به دنیا آمد و به همین دلیل به «طیب» و «طاهر» ملقب شد. عبدالله و قاسم هر دو در مکه از دنیا رفتند؛ به همین علت، عاص بن وائل سهمی گفت: نسل او قطع و بی عقب شد و خداوند متعال این آیه را نازل فرمود: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» (1).

بیهقی چندین قول از جمله از ابن عباس و ابن هشام آورده است. قولی را که از ابن هشام گزارش می دهد تعداد فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را هفت تن و پسران را «قاسم طاهر و طیب آورده و نام عبدالله را نیاورده است. او می گوید:

هنگامی که خدا جان قاسم را گرفت عمرو بن عاص گفت: «به درستی صبح شد و محمد از این پسرش ابتر گردید». پس خدا بر نبی اش سوره کوثر را فرستاد که ما عوض قاسم کوثر را نصیب شما کردیم: (2) «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ عَوْضًا يَا مُحَمَّدُ مِنْ نَصِيْبِكَ بِالْقَاسِمِ «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ...» (3)

به نظر بیهقی دچار خلط مبحث شده است. پیش تر از وی ابن سعد گزارش داده بود که این آیه بعد از مرگ دومین پسر پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی عبدالله نازل شده است نه قاسم نیشابوری واحدی متوقی (468 ق) هم علت شأن نزول سوره. کوثر را از ابن عباس روایت کرده که عاص بن وائل بر پیامبر صلی الله علیه و آله عبور می کرد و می گفت: «خدا تو را ابتر کرده است». پس خدای تعالی فرستاد: (إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ). (4)

ص: 197

1- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1، ص 106؛ سوره کوثر، آیه 3

2- بیهقی، دلایل الانبوه، ج 2، ص 70

3- سوره کوثر آیات 1 و 2

4- واحدی نیشابوری، اسباب النزول، ص 399.

4. بررسی منابع مختلف تا قرن پانزدهم، قمری نشان می دهد که منشأ منابع برای اسامی، قاسم طیب و طاهر از همان قرن سوم قمری در کتب سیره از جمله سیره ابن اسحاق و بعد سیره ابن هشام است.

5. بررسی منابع مختلف تا قرن پانزدهم، قمری نشان می دهد که کتاب های انساب در اسامی، قاسم عبد الله زینب، رقیه ام کلثوم و فاطمه مشترک و متفق القولند، ولی در یک مورد غرناطی از طیب و موسوی رجایی از طاهر نام برده اند.

6. یکی دیگر از نتایج به دست آمده در منابع مختلف تا قرن پانزدهم قمری این است که منابع تاریخی چون طبری از گزارش ابن هشام مبنی بر نام های قاسم طیب و طاهر از فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام نقل کرده اند. در پی آن، کتاب های دیگر نیز کم و بیش از تاریخ طبری آورده اند و بدین ترتیب آن ها هم نظر ابن هشام را از طریق طبری مبنی بر اسامی، قاسم طیب و طاهر به عنوان فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام گزارش کرده اند.

7. در پایان منابع مورد استناد این پژوهش را به سه دسته می توان تقسیم کرد:

دسته اول، منابعی که پسران حضرت خدیجه علیها السلام را قاسم و عبدالله آورده اند. مانند نویسندگان طبقات، انساب و تاریخ یعقوبی، هاشم معروف الحسنی، دکتر آیتی، جعفر سبحانی رسولی محلاتی، نهلا غروی و علامه محسن امین در کتاب خود طی یک جمع بندی از قاسم و عبدالله نام برده اند که به طیب و طاهر ملقب است. هم چنین از طیب، مطیب طاهر و مطهر نام برده که القابند و به گمان بعضی آن ها اسمائند پس آن ها را در شمار اسامی فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله نوشته اند. در واقع از دیدگاه علامه، امین پسران پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه علیها السلام قاسم و عبدالله بودند و بقیه القاب هستند.

دسته دوم منابعی که پسران را، قاسم طاهر و طیب دانسته اند؛ چون ابن اسحاق، ابن هشام و ابن کثیر.

دسته سوم، منابعی که شمار پسران دسته اول و دوم را با هم اختلاط کرده اند و نام پسران را قاسم، عبدالله، طاهر و طیب دانسته اند؛ مانند نویسندگان های مجمل التواریخ، تاریخ گزیده و تاریخ الاثمه، ابن جوزی در صفوه الصفوه از عروه بن زبیر نقل می کند که پسران خدیجه قاسم طاهر عبدالله و مطیب بوده اند و یوسف ابن قزاوغلی در تذکره خواص از ابن اسحاق، و نویسندگان کشف الغمه هم از ابن هشام نقل کرده است.

نتیجه

سیر اختلاف نظر در کتب سیره طبقات، انساب تاریخ و حدیث دو دلیل اول دارد:

اول، به دلیل داشتن تعصبات اعتقادی بدون پالایش و بررسی نام های فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام، به ذکر اکثر القاب یاد شده در نقل قول های گوناگون و گذشته پرداخته اند بیش تر مصادر سیره ها و تواریخ عمومی در مورد تاریخ صدر اسلام از دو قول یکی از مصعب بن عبدالله الزبیری مبنی بر دو پسر، قاسم و عبدالله و قول دوم از زبیر بن بگاری آورده اند که می گوید عبدالله همان طیب و طاهر است. اما سیره نویسان در گزارش خود نامی از عبدالله نیاورده اند که در عصر بعثت متولد شده و طیب و طاهر همو بوده است؛ بلکه طیب و طاهر را دو پسر جدا نام برده اند و بدین ترتیب در خبر و نقل روایات خلط شده است.

دسته دوم، برخی از نویسندگان به منابع گذشته توجه نداشته و بر اساس سلايق فکری و اعتقادی خویش القاب افزوده اند.

در پایان این پژوهش می توان نتیجه گرفت که حضرت خدیجه علیها السلام دارای دو پسر به نام های قاسم (بزرگ تر) و عبد الله بوده است. قاسم که پیامبر صلی الله علیه و آله مکنی به او بودند. و قبل از بعثت در مکه متولد شد و فوت کرد. پسر دوم که عبدالله است و چون در عصر بعثت و اسلام در مکه متولد شد به طاهر و طیب و مطهر و القاب دیگری ملقب گشت که تاریخ نگاران در اعصار بعدی به او داده اند.

با مرگ ایشان در عصر بعثت، مشرکان به واسطه بد طینتی، نبی مکرم صلی الله علیه و سلم را بلا عقب می دانستند و برای تحقیر و آزار و تمسخر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مشرکان به سرکردگی عاص بن وائل (بنا بر گزارش ابن سعد در الطبقات، بیهقی در دلایل النبوه، واحدی نیشابوری از علمای سنی شافعی قرن چهارم در اسباب نزول، خود پیامبر صلی الله علیه و آله را ابتر می نامیدند، لذا خداوند سوره کوثر را در شأن آن حضرت نازل فرمود به روایت اکثر منابع مورد استناد در پژوهش آخرین فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از عبد الله حضرت فاطمه علیها السلام بودند که در سال پنجم بعثت به دنیا آمدند و در واقع ایشان «خیر کثیر» بودند که با مرگ عبدالله (دومین پسر حضرت خدیجه) خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله عطا فرمود. به گزارش این منابع، همه فرزندان قبل از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله فوت کردند و آن حضرت فرزندان یا اعقابی از خود به جا نگذاشتند به جز حضرت فاطمه علیها السلام که در واقع نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از این بانوی بزرگوار ادامه یافته است.

1. ابن اثير عزّالدين أبي الحسن علي بن محمد الجزري، (متوفى 630 هـ)، اسدالغابه في معرفه الصّحابه، الجزء السابع (كتاب النساء)، بيروت: دار الحياء التراث العربي، 1417 ق.
2. ابن جوزي، للامام العالم الدين أبي الفرج (510 - 597 هجرى)، صفه الصفوه، المجلد الأول، الجزء الاول، ضبطها و كتب هوامشها ابراهيم رمضان و سعيد اللحسام بيروت: منشورات محمد على بيضون، دار الكتب العلميه، 1423 ق.
3. ابن جوزي، يوسف بن قزاوغلي، تذكر خواص بذكر خصائص الائمة، شرح وفضايل خاندان، نبوت ترجمه محمدرضا عطايي مشهد: شركت به نشر آستان قدس، 1379 ق.
4. ابن حزم اندليسي (384 - 456 هـ) لابي محمد بن احمد بن سعيد جمهره أنساب العرب، راجع نسخه و ضبط أعلامها لجنة من العلماء بإشراف الناشر بيروت: دار الكتب العلميه منشورات محمد على بيضون، 1421 ق .
5. ابن خشاب بغدادى، عبد الله بن احمد، تاريخ الائمة و وفياتهم، محقق: د. ثامر كاظم الخفاجي، قم: الناشر مكتبه سماحه آيت الله العظمى المرعشي النجفي، الخزانة العالميه للمخطوطات الاسلاميه، 1432 ق.
6. ابن سعد، لمحمد بن سعد بن منيع الهاشمي البصري المعروف بابن سعد، (متوفى 218 ق) الطبقات الكبرى، الجزء الاول و الجزء الثاني السيده الشريفه بيروت دارالكتب، المطبعه منشورات محمد على بيضون، 1418 ق.
7. ابن شهر آشوب مازندراني، أبي جعفر محمد بن علي (متوفى 588 هـ)، مناقب آل أبي طالب، جزء اول تحقيق و فهرست: يوسف البقاعي، ذوى

8. ابن عنبه جمال الدين احمد، الفصول الفخريه، به اهتمام سيد جلال الدين محدث، ارموى تهران: علمى وفرهنكى، 1363 ش.
9. ابن عنبه عمده النساين جمال الدين احمدبن على الحسينى عمده الطالب فى انساب آل ابى طالب، تحقيق سيد مهدى رجاى قم: مكتبه سماحته آيت الله العظمى المرعشى النجفى، الخزانة العالميه للمخطوطات الاسلاميه 1425 ق.
10. ابن فندق، ابى الحسن على بن ابى القاسم بن زيد البيهقى، لباب الانساب و الالقاب و الاعقاب ، الجزء الاول، مع مقدمه ... المرعشى النجفى. تحقيق سيد مهدى رجاى، قم: مكتبه آيه العظمى المرعشى النجفى، الخزانة العالميه للمخطوطات الاسلاميه، 1410 ق.
11. ابن كثير، للامام أبى الفداء إسماعيل (701-747 ق)، السيره النبويه ، الجزء الاول، تحقيق مصطفى عبد الواحد، بيروت: دارالمعرفه ، 1403 ق .
12. ابن منظور الافريقى المصرى لامام العلامه ابى الفضل جمال الدين محمد بن مكرم ، لسان العرب، المجلد الخامس، بيروت - لبنان: دار صادر، 1997 م
13. ابن هشام المعافرى ، أبى محمد عبدالملك، (المتوفى بمصر سنه 218 هجرى)، السيرة النبويه، المجلد الأول، تحقيق و تعليق سعيد محمد اللحام، بيروت: دارالفكر، 1424 ق.
14. امين سيد محسن ، أعيان الشيعة ، المجلد العاشر، حققه و أخرجہ و علق عليه حسن الأمين، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات ، 1420ق.
15. آيتى، دكتور محمد ابراهيم، تاريخ پیامبر صلى الله عليه و آله اسلام ، تهران، سمت، 1369 ش
16. بيهقى، ابى بكر أحمد بن الحسين (384 - 458 ق)، دلائل النبوه و معرفه أحوال صاحب الشريعه ، المجلد الثانى، بيروت، لبنان، دارلكتب العلميه

17. الجزى الكلبي الغرناطي، أبي عبد الله محمد بن محمد بن احمد بن محمد بن عبد الله (متوفى 693 ق)، الأنوار في نسب آل النبي المختار محقق سيد مهدي رجائي قم: مكتبه سماحته آيت الله العظمى المرعشى النجفي، الخزانة العاليه المحفوظات الاسلاميه مركز الدراسات الاسلاميه الانساب، 1431 ق.

18. حسنى سمرقندى مدنى، سيد حسين بن عبدالله حسيني، تحفه الطالب بمعرفه من ينسب الى عبد الله و ابى طالب، تحقيق: سيد مهدي رجائي، قم: مكتبه سماحته آيت الله العظمى المرعشى النجفي الخزانة العالميه للمخطوطات الاسلاميه 1432 ق.

19. حسنى، هاشم معروف (1999)، زندگى دوازده امام، جلد اول، ترجمه محمد مقدس تهران، اميركبير 1370 ش.

20. حلي الشافعي ابي الفرج نورالدين على بن ابراهيم بن احمد، (المتوفى 1044)، السيره الحلبيه و هو الكتاب المسمى، إنسان العيون في سيره الامين و المأمون، الجزء الاول، ضبط و صححه عبدالله محمد الخليلي، بيروت دار الكتب العلميه، 1422 ق.

21. حنبل، امام احمد (241 - 164 ق)، المسند، الجزء الاول منقحه و مصححه و صنع فهارسه صدقى محمد جميل العطار، بيروت، دارالفكر، 1414 ق .

22. رجائى موسى سيد مهدي المعقبون آل ابى طالب، أعقاب الإمام الحسين عليه السلام الجزء الاول، قم: مؤسسه عاشوراء، 1427 ق.

23. سبحانى، جعفر، فروغ ابدیت، جلد اول، قم، دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم 1351 ش.

24. شرف الدين محمد بن عبدالله بن عمر (از علمای قرن هفتم هجرى)، خلاصه سيرت رسول الله صلى الله عليه و آله، با مقدمه و به تصحيح اصغر مهدي و

25. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابويه خصال، مترجم: مدرس، گیلانی، تهران جاویدان، بی تا.
26. طبری، محمد بن جریر، (متوفی 310 ق)، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم، پاینده تهران: اساطیر، 1362 ش.
27. العبيد لی التّسابه، أبی الحسن محمد بن أبی جعفر شیخ الشرف، تهذیب الانساب و نهايه الأعقاب، تحقیق: شیخ محمد کاظم محمودی، قم: مکتبه آیت الله العظمی مرعشی التّجفی العامّه، 1413 ق.
28. العمري، نجم الدين ابی الحسن علی بن محمد بن علی بن محمد العلوی، المجدي في انساب الطالبین، مع مقدمه المرعشی النجفی تحقیق احمد مهدوی دامغانی اشرف محمود مرعشی قم: مکتب آیت الله العظمی المرعشی التّجفی 1422 ق.
29. غروی، نائینی نهلا (1331)، محدثات شیعه، تهران، دانشگاه تربیت مدرس 1375 ش.
30. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، بخط شیرازی، بی جا، بی نا، بی تا.
31. قمی مشهدی میرزا محمد بن محمدرضا، (متوفی 1125 ق) کاشف الغمه في تاریخ الائمه، تحقیق: قسم الکلام و الفلسفه، مشهد: 1419 ق.
32. المروزی الازورقانی، التّسابه السید عزیز الدین ابی طالب اسماعیل بن الحسین بن محمد بن الحسین بن احمد الفخری في انساب الطالبین تحقیق: سید مهدي رجایی قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی العامّه، 1409 ق.
33. مستوفی، حمدالله (متوفی 730 ق)، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین، نوایی تهران: امیرکبیر، 1381 ش.
34. التّمري القرطبي، للإمام العالم أبی عمر يوسف ابن عبدالله (المتوفی 463 ق)، الاستيعاب في أسماء الأصحاب، الجزء الاول و الجزء الثاني

35. واحدی نیشابوری، الإمام الشیخ أبی الحسن علی بن احمد، (المتوفی 468 ق)، اسباب النزول، بیروت: دار الکتب العربی، دراسه و تحقیق الدكتور السید الجمیلی، 1419 ق.

36. وشنوی، شیخ محمد قوام، معاصر حیاہ النبی صلی اللہ علیہ وآلہ و سیرتہ، ج 1، إشراف: رضا استادی قم: دار الأسوہ للطباعه و النشر، 1416 ق.

37. ہمدانی، رفیع الدین اسحق بن محمد (قاضی ابرقوہ) (ترجمہ و انشاء) سیرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ مشہور بہ سیرہ النبی نصف اول با مقدمہ و تصحیح اصغر مہدوی تہران: خوارزمی، 1361 ش.

38. یعقوبی، احمد بن اسحاق (ابن واضح یعقوبی)، تاریخ یعقوبی، جلد اول، ترجمہ محمد ابراہیم آیتی تہران: علمی و فرہنگی، 1371 ش.

بررسی و تحلیل سن حضرت خدیجه علیها السلام در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله (با تأکید بر منابع متقدم تاریخی): نعمت الله صفری فروشانی، داوود کاظم پور

اشاره

*بررسی و تحلیل سن حضرت خدیجه علیها السلام در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله (با تأکید بر منابع متقدم تاریخی): نعمت الله صفری فروشانی، داوود کاظم پور (1) (2)

چکیده

پژوهشگران و شرق شناسان درباره سن حضرت خدیجه حین ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، از گذشته تاکنون اظهار نظر کرده اند. مشهور این است که ایشان موقع ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله چهل سال داشته اند. واکاوی های متعددی درباره این شهرت صورت گرفته و از زاویه های مختلفی درباره آن نقد شده است. نوشتار حاضر با رویکرد تاریخی و با استناد به منابع کهن تاریخی، به نقد دیدگاه مشهور پرداخته و آن را رد کرده است

واژگان کلیدی

حضرت محمد صلی الله علیه و آله، سن حضرت خدیجه علیها السلام، رویکرد تاریخی، رسوم حجاز، سن یائسگی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله

مقدمه

درباره زیست نامه حضرت خدیجه علیها السلام، خصوصاً زمان قبل از ازدواج او با رسول خدا صلی الله علیه و آله و اطلاعات زیادی موجود نیست اگرچه اطلاعات مربوط به زمان بعد از ازدواج هم نسبت به برخی از همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و کم تر است. پرسش های متعددی درباره زندگی ام المؤمنین خدیجه علیها السلام مطرح شده که

ص: 206

1- عضو هیات علمی جامعه المصطفی العالمیه.

2- دانش پژوه دکتری تاریخ اهل بیت علیهم السلام جامعه المصطفی العالمیه

مهم ترین آن میزان سن ایشان موقع ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله است. این نوشتار کوشیده تا به این پرسش پاسخ دهد.

رویکرد تاریخی و تعریف منابع متقدم

رویکرد شناسی از مقوله های جدید در دنیای علم و پژوهش به شمار می آید که عمدتاً از دنیای غرب وارد شده است. این بحث در میان دانشمندان علوم انسانی به شدت مطرح شده ولی در بین تاریخ نگاران، هنوز جایگاه خود را پیدا نکرده است. رویکرد شناسی در بین تاریخ نگاران اسلامی از این جهت مهم است که با تاریخ مقدس سرو کار دارند و دارای رویکردهای مختلف هستند. رویکرد شناسی ارتباط مستقیم با نتایج کارهای تاریخی دارد.

مؤلفه هایی در رویکرد شناسی مطرح است به عبارت دیگر، هر رویکردی، مؤلفه هایی دارد؛ از جمله: اهداف مبانی روش و منابعی که محقق به کمک آن ها به پژوهش تاریخی می پردازد. با شناخت مؤلفه های یادشده می توان رویکرد او را شناسایی کرد. مثلاً اگر هدف وی کشف باشد، یعنی در مقام کشف واقعیت برآمده و با روش تاریخی (بدون پیش فرض و عدم فرضیه محوری) و با تکیه بر منابعی که نویسندگان آن متخصص به شمار می آیند و فاقد گرایش های، قومی قبیله ای مذهبی و منطقه ای، باشند در این صورت گفته می شود رویکرد تاریخی است؛ البته مبانی کلامی محقق هرگز نادیده گرفته نمی شود.

تعریف منابع متقدم

منظور از منابع متقدم (یا دسته اول) منابع اصلی هستند. این منابع حکم سرچشمه را دارند و معدن آن چیزی هستند که ما به دنبال آن هستیم. واژه ای که غربی ها درباره منابع دسته اول به کار می برند، اصطلاح است. این عبارت یعنی سرچشمه (1)

ص: 207

1- احمد پاکتچی، روش تحقیق، ص 51.

طبیعی است که منبع متقدم نسبت به هر حادثه ای زمان خاص خود را دارد مثلاً اگر کسی بخواهد درباره حمله چنگیز به ایران تحقیق کند، برای او کتاب تاریخ جهان گشای جوینی منبع متقدم است. در موضوع تحقیق ما، منابع تاریخی نزدیک به عصر قبل از بعثت و صدر اسلام دست اول هستند. البته برای کشف دقیق سن حضرت خدیجه در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله منابع تا قرن چهارم هجری بررسی شده اند.

سن ازدواج در عرب جاهلی و صدر اسلام

در میان منابعی که به تاریخ قبل از اسلام در شبه جزیره عربستان پرداخته اند، نمی توان کتاب یا پژوهشی یافت که مستقیماً به موضوع سن ازدواج خصوصاً در دختران پرداخته باشد اما با بررسی موردی ازدواج های آن عصر به نتایجی می توان دست یافت که برای این پژوهش مفید است:

اولاً دختران عرب وقتی به سن بلوغ می رسیدند، ازدواج می کردند. عدم ازدواج آن ها در سنین بلوغ برای آنان و خانواده خوشایند نبود. این موضوع با اوضاع اقتصادی آن روز حجاز سازگار بود که عموم مردم با مشکلات مالی دست و پنجه نرم می کردند؛ زیرا با رفتن دختر به خانه بخت هزینه های نگه داری او از عهده پدر ساقط می شد. از سوی دیگر گرفتن مهریه توسط ولی او کمک شایانی به بهبود وضع اقتصادی و معیشتی خانواده می کرد. در بسیاری از اوقات اگرچه خانواده ای مشکلات مالی هم نداشت دختران در سنین پایین، ازدواج می کردند. این ازدواج زودهنگام آثاری از جمله پیوند با سایر قبایل برای کم شدن دشمنی ها عدم ورود و تمایل دوشیزگان به ورطه های فساد و تباهی و... داشت. از این رو، می توان با اطمینان گفت که سن ازدواج در عرب برای دختران غالباً نه سال بود حسن ابراهیم حسن با بررسی موارد ازدواج از گونه های مختلف از قبایل متعدد عرب چنین نتیجه می گیرد:

حتى كان من النادر ان يري الانسان بنتا بالغه قد ادرکت سن الزواج او

به ندرت اتفاق می افتاد که دختری به سن بلوغ برسد یا بیوه جوانی در عرب باشد و ازدواج نکرده باشد.

خصوصاً اگر پدر دختر از شخصیت های مطرح عرب بوده و یا خود آن زن بیوه، صاحب مال و شرافت به شمار می رفت، در این موارد، ازدواج دختران و زنان در سنین پایین موافق فرهنگ اجتماعی عرب بود.

اصل دیگری که بر سن ازدواج در مورد زنان عرب حاکم بود اذن پدر در نکاح زوجه است. «ولی» باید به وصلت دختر اذن می داد اما این اذن برای دختران باکره و زنان بیوه جوان بود. زنان بیوه مسن برای ازدواج مجدد به اذن ولی نیازی نداشتند. ابن حبیب فهرستی از زنانی نام برده که در عصر جاهلی و صدر اسلام، به سبب داشتن شرافت مالی و اجتماعی اختیار ازدواج شان با خودشان بوده است. (2) برخی پژوهشگران معاصر با بررسی موارد متعدد در تاریخ جاهلی به این موضوع اذعان کرده اند. (3) «ولی» در ازدواج دختران باکره و زنان جوان، سلطه و اختیار کامل داشت و لذا مرد و زن برای ازدواج با یک دیگر می بایست به هر نحوی رضایت او را جلب می کردند. (4) شواهدی بر این ادعا، در منابع متقدم تاریخی یافت می شود. بر اساس آن می توان نتیجه گرفت که اگر زنی در چهل سالگی درصدد ازدواج مجدد بود، به اذن ولی خود نیازی نداشت. برای مثال ابن سعد، مواردی را آورده که زنان بعد از ازدواج های اولیه برای ازدواج مجدد نیازی به اذن ولی نمی دیدند و حتی به ولی خویش گوشزد می کردند که بدون هماهنگی آنان پاسخ مثبت به خواستگاران ندهند برای نمونه هند دختر عتبه (مادر معاویه و همسر ابوسفیان) به پدرش که از شخصیت های ثروتمند با نفوذ قریش بود گفت:

من زنی هستم که مالک امر خویش شده ام؛ پس مرا به ازدواج هیچ مردی

ص: 209

1- حسن ابراهیم حسن ، تاریخ اسلام، ج 1، ص 65

2- محمد بن حبیب ، المحبر، ص 398

3- ابراهیم فوزی ، احکام الاسرة في الجاهلیت والاسلام، ص 45

4- ترمذینی ، الزواج عند العرب في الجاهلیة والاسلام، ص 65.

در نمی آوری تا او را به من معرفی کنی و در صورت رضایت به ازدواج با او اقدام خواهم کرد (1)

هند قبل از ازدواج با، ابوسفیان دو بار ازدواج کرده بود. یک بار با حفص بن مغیره مخزومی و یک بار هم با فاکر بن مغیره که به دست بنو کنانه کشته شد. (2) هند وضع مالی خوبی داشت و اشراف زاده و ثروتمند بود. (3) از این گزارش و امثال آن بر می آید که زنان بیوه با سن بالا برای عقد خود را نیازمند رضایت ولی نمی دانستند. البته این منافاتی با حضور ولی در مراسم خواستگاری و عقد آنان نداشت. بنابراین آن چه برخی منابع از حضور پدر یا عموی خدیجه و نیازمندی شدید ایشان برای موافقت با ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده اند، (4) با پایین بودن سن خدیجه می سازد و یک زن چهل ساله که تاجر است و مردان زیادی برای او کار می کنند نیاز ندارد پدر یا عموی خویش را بیهوش و مدهوش سازد تا به امر ازدواجش راضی بشوند. توضیح این که برخی منابع گفته اند که خدیجه پدر خویش خویلد را بیهوش و مست کرد تا بعد از هوشیاری، به این وصلت رضایت دهد. (5) البته به اعتقاد ابن سعد، خویلد در جنگ فجار قبل از واقعه خواستگاری پیامبر از خدیجه کشته شد (6) و خدیجه عموی خویش را مست و خواب کرد تا مانعی برای ازدواجش نباشد!! (7)

سن یائسگی در زنان

*سن یائسگی در زنان (8)

بر اساس برخی روایات، زنان در پنجاه سالگی یائسه می شوند و توانایی وضع

ص: 210

- 1- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 8، ص 235
- 2- بلاذری، انساب الاشراف، ج 5، ص 13.
- 3- ابن اثیر، اسد الغابه، ج 7، ص 293.
- 4- بیهقی، دلائل النبوه، ج 2 ص 69.
- 5- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1 ص 190.
- 6- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1 ص 132.
- 7- ابن حبیب، المحبر، ص 78
- 8- مطالب این بخش از مقاله آقای سید ضیا مرتضوی منتشر شده در نشریه فقه ش 18 با اندکی تصرف گرفته شده است.

حمل را از دست می دهند. مرحوم کلینی با سندی صحیح از امام صادق علیه السلام نین نقل می کند:

حدّ الّتی قد یُست من المحیض خمسون سنه؛ (1)

زن در پنجاه سالگی از دیدن خون حیض ناامید می شود و قادر به زایمان نیست

در این روایت راویانی چون فضل بن شاذان، صفوان بن یحیی و عبدالرحمان بن حجاج وجود دارند که در منابع رجالی شیعه ثقه هستند. عبدالرحمان در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام می پرسد: «چه زنانی بدون عده و بلافاصله بعد از طلاق می توانند ازدواج کنند؟» آن حضرت سه دسته از زنان را واجد این ویژگی بر می شمارند که از جمله آنان زنی است که از حیض ناامید شده است. راوی می پرسد: «حد یائسه چقدر است؟» امام می فرماید: «وقتی پنجاه سال او تمام شود». (2)

این روایت نیز سندی صحیح دارد و در سه کتاب از چهار کتاب اصلی شیعه آمده است که برخی اعتبار کلی این کتب را پذیرفته اند (3) و برخی دیگر تمام روایان این کتب اربعه را معتبر و انتساب همه روایات آن ها را به معصومان قطعی دانسته اند (4) نظر رایج در میان عالمان شیعی این است که آن دسته از روایات کتب اربعه حجّتند که از نظر سند واجد شرایط اعتبارند (5) سند روایت مذکور صحیح است؛ پس اگر در پذیرش روایات حداقلی کتب اربعه هم باشیم و فقط روایات موثق السند را حجت بدانیم روایت محل بحث ما حجت است. در سند این روایت، به افرادی بر می خوریم که همگی ثقه هستند؛ مثل عبدالرحمان بن حجاج کوفی که نجاشی، (6) طوسی (7) و دیگران او را توثیق کرده اند. صفوان بن یحیی بجلی، کوفی دیگر راوی در این سلسله است. او شاگرد عبدالرحمان و از

ص: 211

1- کلینی، الکافی، ج 3، ص 107.

2- کلینی، همان، ج 6، ص 85

3- شیخ انصاری، فرائد الاصول، ج 1، ص 239.

4- حر عاملی، الوسائل، ج 18، ص 52.

5- خویی، معجم رجال الحدیث، ج 7، ص 97-87.

6- نجاشی، رجال، ص 165

7- طوسی، رجال، ص 353.

اصحاب اجماع بود (1) (کسانی که علمای امامیه به روایاتی که از ایشان به طریق صحیح نقل شده بدون تردید اعتماد می کنند). نجاشی با الفاظی مثل ثقه و عین (2) از او یاد می کند شیخ طوسی او را موثق ترین اهل زمان خویش می داند (3) ابن ابی نجران دیگر راوی این حدیث است که او نیز مورد اطمینان علما بود. (4)

سهل بن زیاد آخرین راوی در این روایت است. دو نوع نظر رجالی درباره او وجود دارد عده ای مثل شیخ طوسی او را توثیق (5) و برخی دیگر مثل نجاشی او را تضعیف می کنند. (6) علت تضعیف او غلو بود و به همین جهت از قم اخراج شد. اگر روایت مورد نظر ما مدلول غالبانه داشت از او نمی پذیرفتیم، ولی روایت صرفاً فقهی است که شخص غالی (به فرض اثبات اتهامش) از نقل آن بهره غالبانه نمی برد و اصولاً اگر شخصی روایتی نقل کرد و آن روایت ارتباطی با عقاید راوی نداشت می توان از او پذیرفت. در این جا هم اگر سهل روایتی در مقام و منزلت ائمه علیهم السلام نقل کرده بود، نمی توانستیم بپذیریم چون غالی بوده است؛ ولی در این روایت از سن یائسگی زن سؤال شده و امام علیه السلام هم پاسخ داده اند و ربطی به غلو ندارد. ضمن این که ادعای غلو در او را احمد بن محمد بن عیسی اشعری مطرح کرده و او را به اتهام غلو از قم بیرون رانده اند. دیگران اتهام غلو را برای او مطرح کرده اند. کشی درباره او می گوید: «به صرف اتهام به غلو از قم اخراج شد و غلو او ثابت نشده است». (7) جالب است بدانیم احمد بن محمد، اشخاصی مثل محمد بن خالد برقی را نیز از قم به اتهام غلو بیرون کرد ولی بعداً پشیمان شد. (8) اصلی ترین دلیل تضعیف، او رفتار احمد با وی است. در حالی که وضعیت احمد که به سرعت

ص: 212

- 1- کشی، رجال، ص 502 .
- 2- نجاشی، رجال، ص 197.
- 3- طوسی، الفهرست، ص 241.
- 4- قاموس الرجال، ج 2، ص 86
- 5- طوسی، رجال، ص 387
- 6- نجاشی، رجال، ص 185
- 7- کشی، رجال، ص 512 .
- 8- ابن غضائری، رجال، ص 39 .

از راویان سرزنش و نکوهش می کرد برای اهل دانش رجال روشن است و به همین جهت اعتنایی به تضعیف های او نمی شود (1).

سند و متن در این روایت هیچ مشکلی ندارند همان طور که مشاهده می شود سن زن برای یائسگی پنجاه سال است و فرقی بین قریشی و غیر قریشی بودن زن نیست. اگر بین این دو فرق بود، حتماً امام علیه السلام اشاره می کردند و یا عبد الرحمان و صفوان که هر دو در محیط کوفه رشد کرده و اهل پرسیدن و اشکال کردن بوده اند، حتماً از امام علیه السلام می پرسیدند که آیا بین زن قریشی و غیر قریشی فرقی است یا نیست؟ از این که امام علیه السلام نفرموده اند و عبد الرحمان هم سؤال نکرده به دست می آید که تفاوتی بین قریشی و غیر قریشی، حداقل در آن زمان نبوده است. علاوه بر این دو روایت روایات دیگری هم داریم که تصریح کرده اند که زن در پنجاه سالگی یائسه می شود (2) در این روایات نیز اطلاق وجود دارد و فرقی بین زنان در این حکم نیست.

در مقابل این روایات روایتی مرسل در اصول کافی آمده که بین زنان قریشی و غیر قریشی تفاوت قائل شده است:

إذا بلغت المرأة خمسين سنة لم تر حمرة الا ان تكون امراه من قریش. (3)

این روایت اگرچه مرسل است و توان مقابله با روایات گذشته را ندارد، چون در سلسله سند آن محمد بن ابی عمیر (از اصحاب اجماع) وجود دارد فقها به آن اعتماد کرده اند در این روایت اگر چه زنان قریشی استثنا شده اند، مشخص نشده که زنان قریشی در چند سالگی یائسه می شوند و هیچ اشاره ای به شصت سالگی ندارد.

شیخ مفید درباره سن شصت برای یائسگی زنان قریشی می گوید:

وقد رویان القریشیه من النساء و النبیطیه تریان الدم الی ستین سنة، فان

ص: 213

1- بحر العلوم، فواید الرجالیه، ج 3 ص 23

2- مثلاً کلینی، الکافی، ج 3، ص 107؛ طوسی، تهذیب، ج 11، ص 397.

3- کلینی، همان، ج 3، ص 107.

شیخ مفید علاوه بر این که روایت را بدون سند نقل کرده از کیفیت نقل روایت خصوصاً با وجود عبارت، «ان ثبت ذلك» ضعف روایت آشکار می شود. از عبارت، «وقد روی»، نیز چنین بر می آید که شیخ مفید به روایت قبلی، مرسله ابن ابی عمیر، اعتماد نکرده است. این بی اعتمادی در کلام برخی دیگر از دانشمندان شیعی هم به چشم می خورد؛ مثلاً مجلسی اول در سن یائسگی در زنان قریشی می گوید:

اکثر علماء ذکر کرده اند که روایتی داریم ولی آن را ندیده ایم.

سید شمس الدین عاملی برای این ادعا نصی نیافته و می گوید:

شیخ مفید و کسانی که از او پیروی کرده اند آن را آورده اند ولی اعتراف دارند که ظاهراً نصی درباره آن وجود ندارد. (2)

درباره سن یائسگی زنان قریشی می توان گفت که این موضوع شهرت فتوایی دارد آن هم در بین متأخران و این شهرت در بین قدما نبوده است. (3) از مجموعه آن چه ذکر شد می توان دریافت که روایات ارشاد به این مطالب دارند که غالباً یائسگی در پنجاه سالگی اتفاق می افتد. (4) البته روایات در مقام بیان نشانه یا بیان حدودی سن یائسگی هستند. با توجه به این مباحث، بعید است که حضرت خدیجه در سن شصت سالگی صاحب فرزند شده باشند. در صفحات بعدی خواهیم دید برخی تاریخ نگاران که سن ایشان هنگام ازدواج با پیامبر را چهل سالگی می دانند به تولد دو فرزند (عبد الله و فاطمه) برای ایشان بعد از پنجاه سالگی او اشاره دارند و این موضوع با توجه به سن یائسگی زنان نمی سازد و به ناچار سن ایشان حتماً کم تر از چهل سال باید باشد.

ص: 214

1- مجلسی، لوامع صاحبقرایی، ج 1، ص 636

2- سید شمس الدین عاملی، مدارک، الاحکام، ج 1، ص 322

3- حائری یزدی، الوسیله، ص 56

4- بانو مجتهد زهره صفاتی، احکام بانوان، ص 24.

واکوی امکان ازدواج برای پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از بعثت

مقدمه دیگری که باید به آن پردازیم این است که در مکه نیز زنانی صاحب نام و علاقه مند به پیامبر صلی الله علیه و آله وجود داشتند که خواستار ازدواج با حضرت بودند هرگز چنین نیست که قبل از بعثت در مکه امکان ازدواج برای پیامبر صلی الله علیه و آله فراهم نبوده و به سبب فقر شدید مالی و غیره مجبور شده با زن بزرگ تر از خود ازدواج کند. اصولاً ازدواج با زن بزرگ تر از خود برای مرد، مورد سؤال و انکار قرار می گیرد و غالباً این نوع ازدواج ها برای مردانی است که امکان هیچ گونه ازدواجی با همسران دل خواه شان را نداشته باشند. از این رو، کاملاً طبیعی است که شخصیتی مثل پیامبر صلی الله علیه و آله با آن نسب و قبیله مطرح و معروف و صاحب جلال، از نوع این مردان نبوده اند. کفار قریش در مبارزه با رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، از هیچ گونه آزار جسمی و روحی ایشان دریغ نمی ورزیدند و او را دیوانه، ساحر، ابر و... می نامیدند (1) ولی در هیچ منبع تاریخی نیامده که به پیامبر زخم زبان بزنند و او را سرزنش کنند که تو همان فقیر بی بضاعتی بودی که با یک زن بزرگ تر از خودت (عجوزه) ازدواج کردی!

تاریخ گواهی می دهد زنانی بوده اند که نسب و جایگاه عالی در قریش داشتند و به ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله متمایل بودند؛ از جمله:

1. فاخته دختر ابی طالب (ام هانی)

خواهر امام علی علیه السلام و از زنان صاحب شرف در مکه بود گفته شده اولین چاه آبی که در مکه حفر کردند در خانه او بود و این مسأله در میان عرب اهمیت زیادی داشت. (2)

در فتح مکه کسانی چون حارث بن هشام و زهیر بن ابی امیه در خانه او امان گرفته بودند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنان را نبخشیدند. (3) این که این اشخاص در منزل

ص: 215

1- ابن هشام، السیرة النبویه، ج 1، ص 270

2- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج 4، ص 87.

3- ابن سعد، طبقات، ج 2، ص 110.

ام هانی رفتند (در حالی که خون آن ها هدر بود) از شخصیت والای او در بین مردم حجاز نشان دارد. او در زمان جاهلیت به عقد هبیره بن ابی وهب مخزومی در آمد. بنی مخزوم از قبایل معروف مکه بودند که یکی از درب های مسجدالحرام به نام آن هاست (1) ابوطالب به سبب مناسبات خانوادگی و قبیله‌گی که در عرب جاهلی بین قبایل رقیب مرسوم بود مجبور به پذیرش خواستگاری هبیره شد. (2) از دشمنی های افرادی از این قبیله مثل ابوجهل خالد بن ولید و ولید بن مغیره با پیامبر صلی الله علیه و آله که به سبب رقابت و حسادت قبیله‌گی با بنی هاشم بود، به خوبی روشن می شود که چرا ابوطالب با آنان پیمان بست و قصد فامیلی با آنان را داشت. امهانی از دوشیزگانی بود که دل‌بستگی خاصی به پیامبر صلی الله علیه و آله داشت (3) و وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله در فتح مکه از او خواستگاری کردند، در پاسخ گفت:

من در زمان جاهلیت شیفته شما بودم و شما را از همه کس بیش تر دوست می داشتم اکنون که زمان اسلام رسیده چگونه شما را دوست نداشته باشم. ولی من صاحب فرزندان هستم که نگه داری شان مانع شوهرداری من می شود. (4)

از این گزارش بر می آید که حتی زمان قبل از بعثت، دخترانی بوده اند که تمایل به ازدواج با پیامبر داشته اند.

2. غزیه

پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از ازدواج با سوده از عایشه خواستگاری کردند و در مکه با زنی به نام غزیه دختر دودان بن عوف آشنا شدند. او علاقه مند ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله بود. ابن حیب درباره او می نویسد:

غزیه قبلاً همسر ابوالعکر بن سمی بن الحارث الازدی بود و برای او فرزندی

ص: 216

1- ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج 6، ص 163.

2- ابن سعد، همان، ج 8، ص 120.

3- بلاذری، انساب الاشراف، ج 1، ص 242

4- ابن حیب، المحبر، ص 98.

به نام شریک آورد که به همین علت او را ام شریک می خواندند. در زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه بودند بین زن های مکه می رفتند و آن ها را به اسلام دعوت می کردند. کفار قریش وقتی این وضعیت را دیدند تصمیم گرفتند او را از مکه اخراج کنند؛ لذا حضرت را سوار بر شتر بدون جهاز نموده، به همراه تعدادی مرد ایشان را به بیابان های اطراف مکه تبعید کردند. سپس ایشان بدون آب و غذا را ساختند غزیه به صورت معجزه آسایی از این مخمصه نجات یافت و خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله رسانید و خویش را به آن حضرت هبه کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله با او ازدواج کردند، ولی بعد از مدت کوتاهی به سبب بالا بودن سنش او را طلاق دادند (1).

از این گزارش نکاتی به دست می آید مبنی بر این که هیچ دلیلی وجود نداشته که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با زنی بزرگ تر از خودش ازدواج کرده باشد. این نکات عبارتند از:

الف) غزیه پیر نبوده بلکه فقط برای ازدواج مسن بود؛ زیرا قبلاً شوهر داشت و او هم فوت کرد و از او هم یک بچه بیش تر نداشت.

ب) او تا پای جان برای پیامبر صلی الله علیه و آله و دین خدا جان فشانی کرد، آن هم در سه سال پایانی حضور پیامبر در مکه که روزهای سختی بر آن حضرت بود.

با این همه پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر کبر سن از ادامه زندگی با او منصرف شدند؛ البته به او عنایت و لطف داشتند. نکته جالب آن است که تمام همسران پیامبر صلی الله علیه و آله غیر از سوده (آن هم بر اساس یک احتمال) از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کوچک تر بودند. با بررسی سن همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، معلوم می شود که آن حضرت با زن بزرگ تر از خودش ازدواج نکردند و این همان رسم رایج در آن زمان بوده است تنها موردی که در ازدواج های پیامبر صلی الله علیه و آله خلاف رسم فوق به نظر می رسد ازدواج با سوده بوده که برای روشن شدن قضیه ابتدا اصل قصه ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با سوده را می آوریم و بعد نکاتی را یادآور می شویم:

خوله دختر حکیم همسر عثمان بن مظعون بعد از وفات حضرت خدیجه

ص: 217

1- همان، ص 82.

خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و به ایشان پیشنهاد داد که ازدواج کند. پیامبر صلی الله علیه و آله از او پرسیدند: «آیا شخص خاصی را سراغ داری؟» پاسخ داد: «هم دوشیزه برای شما در نظر دارم و هم بیوه؛ دوشیزه عایشه دختر ابوبکر و بیوه سوده دختر زمعه است». خوله بعد از گرفتن رضایت به منزل سوده رفت و موضوع را با پدر او در میان گذاشت، زمعه ضمن این که پیامبر را کفو کریم خواند، با این وصلت موافقت کرد. (1)

اگر کسی ادعا کند که پیامبر صلی الله علیه و آله با سوده در پیری ازدواج کرده اند، در پاسخ باید گفت: اولاً ازدواج با سوده ازدواج اصلی پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده است. سوده بعد از مرگ همسرش بی پناه و بی سرپرست بوده و رسول خدا صلی الله علیه و آله هم به تازگی خدیجه را از دست داده بودند و برای نگهداری فرزندان و سامان دادن به امور منزل با او ازدواج کردند گواه بر این مطلب این است که همزمان از عایشه (که هنگام عروسی با پیامبر صلی الله علیه و آله در سال اول هجری نه ساله بود) خواستگاری کردند. (2)

ثانیاً سوده در سال 54 هجری از دنیا رفته و هیچ کس او را از معمرین و عجوزه ها ذکر نکرده است. معلوم می شود حداکثر سن او موقع ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله سی سال (3) و از ایشان کوچک تر بوده است؛ ضمن این که پیامبر صلی الله علیه و آله هنوز در مکه بودند و شوکت و اقتدار حضور در مدینه را نداشتند و از همسر قبلی شان شش فرزند داشتند با این توصیفات نمی توان پذیرفت که در عنفوان جوانی با زنی چهل ساله ازدواج کرده باشند.

نکته مهم دیگر این که در میان همسران پیامبر صلی الله علیه و آله فقط سن عایشه و خدیجه مطرح شده و درباره دیگران بحث جدی صورت نگرفته است. از گزارش های فراوان در منابع تاریخی و روایی چنین به دست می آید که عایشه حساسیت خاصی به خدیجه داشت تا جایی که از او چنین نقل کرده اند:

ماغرت علی امراه ما غرت علی خدیجه مما کنت اسمع من ذکر رسول الله

ص: 218

1- بیهقی، دلائل النبوه، ج 8، ص 41، ابن سعد، طبقات الکبری، ج 8، ص 26.

2- مسعودی، مروج الذهب، ج 1، ص 655

3- دانشنامه آزاد سوده

به هیچ یک از زنان به اندازه خدیجه حساس نبودم خصوصاً وقتی پیامبر از او یاد می کرد

در جای دیگر می گوید:

كان رسول الله اذ ذكر خديجه لم يكذ يسام من ثناء عليها و استغفار لها فذكرها يوما فحتملنتي الغيره فقلت لقد عوضك الله من كبره السن...؛ (2) وقتی پیامبر از خدیجه یاد می کرد همواره برای او استغفار و دعا می نمود. روزی از ثنای پیامبر صلی الله علیه و آله بر او ناراحت شدم و گفتم: خدا در ازای آن پیرزن، یک جوان به شما عطا کرده است.

بر همین اساس عده ای سعی در تقدم عایشه بر خدیجه و عده ای نیز بالعکس عمل کرده اند؛ مثلاً ابن کثیر بعد از نقل روایت ذیل از عایشه، نتیجه می گیرد که او بهتر از خدیجه بوده است:

ما تذكر من عجوز من عجائز قریش حمرا الشدقین هلکت فی الدهر ابدلک الله خیرا منها

سپس ادامه می دهد: «این روایت سند خوبی دارد و به اعتقاد من عایشه از خدیجه بهتر است». (3)

دقت در این گزارش دو نکته را روشن می سازد: اولاً کسی قبل از عایشه نسبت عجوز به حضرت خدیجه نداده و از زمان عایشه به بعد مسأله سالمندی خدیجه مطرح گردیده است. همان طور که در مباحث آینده روشن خواهد شد، منسوبان به عایشه و مخالفان امام علی علیه السلام به این موضوع دامن زده اند. نکته ظریف تر و جالب تری که در این متن و دیگر گزارش های شبیه آن به دست می آید، آن است که عایشه می گوید: «خدیجه در حالی مرد که عجوز بود» این نقل دلالت التزامی دارد به این که خدیجه موقع ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و آله پیر نبوده است.

ص: 219

1- ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج 3، ص 238

2- همان.

3- همان، ص 185.

بر اساس گزارش های تاریخی ازدواج با زن مسن در میان اعراب جاری نبوده است؛ برای مثال، وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از ام سلمه خواستگاری کردند، با این که او زن شایسته ای در عرب بود امتناع ورزید و گفت: «من شایستگی همسری شما را ندارم زیرا سن من زیاد است». (1) در حالی که ام سلمه سابقه درخشانی در یاری پیامبر صلی الله علیه و آله داشت: شوهر اولش بر اثر جراحت در جنگ احد شهید شد و خودش نیز در غزوه ها و سریه ها کنار پیامبر صلی الله علیه و آله بود. (2) پس از نظر علاقه به پیامبر و خدمت به اسلام در میان زنان پیامبر صلی الله علیه و آله دارای رتبه والایی است. (3) اگر چه از تاریخ ولادت او اطلاعی در دست نیست؛ به گفته تاریخ نگاران در سال 62 قمری از دنیا رفته است. (4) ابن سعد از قول پسر عموی ام سلمه آورده که او در هنگام وفات 84 سال داشته است. (5) اگر سال ازدواج او با پیامبر را سال چهارم هجری بگیریم، (6) می توان نتیجه گرفت که او موقع ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله فقط هیجده سال داشته و سنش کم تر از پیامبر بوده ولی با این حال سن خود را برای ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله بالا می داند. این گزارش ها و امثال آن، ما را به فرهنگ حاکم بر سنت اجتماعی عرب رهنمون می سازد البته با یکی دو مورد نمی توانیم به فرهنگ اجتماعی آن عصر دست یابیم ولی از آن ها می توان نتیجه گرفت که بعید است پیامبر با زنی ازدواج کرده باشند که پانزده سال از خودش بزرگ تر بود.

فرزندان خدا پیامبر صلی الله علیه و آله

اشاره

همه فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه و ماریه قبطیه هستند. پیامبر از ماریه فقط یک فرزند به نام ابراهیم داشتند که در دوران کودکی از دنیا رفت. (7) بقیه

ص: 220

- 1- آب حبيب، همان، ص 84.
- 2- واقدي، المغازی، ج 2، ص 467.
- 3- صدوق، خصال، ج 2، ص 419
- 4- ذهبي، سيره اعلام النبلا، ج 2، ص 21
- 5- ابن سعد، همان، ج 8، ص 96
- 6- ذهبي، همان، ج 2، ص 419
- 7- ابن حبيب، المحبر، ص 98.

فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه بودند و این موضوع مورد اتفاق تاریخ نگاران است. اما پژوهشگران درباره دو موضوع اختلاف دارند:

اول این که برخی گفته اند پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه دارای هفت فرزند بودند به نام های، قاسم طاهر طیب زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه علیها السلام که قاسم، طیب و طاهر در جاهلیت از دنیا رفتند ولی دختران ایشان اسلام را درک کردند و با پیامبر به مدینه هجرت نمودند (1) برخی دیگر گفته اند که تعداد فرزندان خدیجه و پیامبر صلی الله علیه و آله شش تن بودند: دو پسر و چهار دختر. پسران قاسم و عبدالله نام داشتند. عبدالله چون در اسلام به دنیا آمده به او طیب و طاهر لقب دادند. (2) عبدالله دو ماهه بوده که از دنیا رفته و حضرت خدیجه علیها السلام موقع وفات او 56 سال و بنابر قول درست تر پنجاه سال داشته اند. (3) نکته قابل تأمل و بعید در این گزارش این است که یک زن از چهل تا 51 سالگی بتواند شش یا هفت فرزند به دنیا بیاورد و حداقل یکی از آن ها بعد از پنجاه سالگی او باشد.

دومین اختلاف در فرزندان حضرت خدیجه سال تولد حضرت زهرا علیها السلام است که قریب به اتفاق اهل تسنن آن را پنج سال قبل از بعثت می دانند، (4) ولی علمای شیعه و برخی از اهل تسنن آن را پنج سال بعد از بعثت دانسته اند؛ مثل مرحوم کلینی که طی روایتی صحیح السنند از قول امام سجاد علیه السلام چنین آورده است:

سعید بن مسیب می گوید از امام سجاد سؤال کردم: «چه زمانی پیامبر صلی الله علیه و آله، و فاطمه علیها السلام را به عقد امام علی علیه السلام در آورد؟ امام پاسخ دادند: «در مدینه وقتی که فاطمه نه سال داشت». (5)

از این روایت و امثال آن سال پنجم بعثت برای تولد حضرت زهرا علیها السلام ثابت می شود. در منابع دیگری هم بدان اشاره شده است. (6) یکی از پژوهشگران معاصر

ص: 221

1- مسعودی مروج الذهب، ج 1، ص 202

2- بیهقی، دلائل النبوه، ج 2، ص 70

3- بیهقی، همان، ج 2، ص 71

4- الدیار بکری، تاریخ الخمیس، ج 1، ص 277.

5- کلینی، کافی، ج 8، ص 340

6- الدیار بکری، تاریخ الخمیس، ج 1، ص 278.

تمام اقوال درباره سال تولد حضرت زهرا علیها السلام را جمع آوری کرده و سال پنجم بعثت را برگزیده است (1) لذا ازدواج ایشان با امام علی علیه السلام در هیجده یا نوزده سالگی اتفاق افتاده و این امر بعید به نظر می رسد زیرا نمی توان قبول کرد که حضرت فاطمه علیها السلام تا نوزده سالگی مجرد بمانند با توجه به موقعیت والای ایشان از جهت نسب و تعدد خواستگاران او و نیز رسم عرب که معمولاً دختران را در سن پایین شوهر می دادند می توان به راحتی ضعف قول مذکور را به دست آورد. اگر تولد حضرت زهرا علیها السلام را در سال پنجم بعثت بگیریم در این صورت سن حضرت خدیجه (بنابر قول چهل سالگی موقع ازدواج با پیامبر) شصت سال می شود و این کاملاً بعید و غیر معقول است که زن در شصت سالگی بتواند بچه ای به دنیا بیاورد و در بحث های گذشته، ضعف سن شصت برای یائسگی مشخص شد.

بعد از ذکر این مقدمات، سخن تاریخ نویسان تا قرن چهارم هجری درباره سن حضرت خدیجه علیها السلام موقع ازدواج با پیامبر را می آوریم و احیاناً نقدهای روش مند تاریخی نیز درباره نظر ایشان خواهیم داشت.

1. سیره ابن هشام (م 213 ق)

ابن هشام درباره ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه می گوید:

فلما بلغ رسول الله صلى الله عليه و اله خمسا و عشرين سنة تزوج خديجة بنت خويلد بن اسد بن عبدالعزى بن قصى بن كلاب بن مره فيما حدثني غير واحد من اهل العلم عن ابي عمرو المدنى (2)

وی این مطلب را از قول خودش نقل می کند لذا با عبارت «قال ابن هشام» شروع می نماید و در ادامه از قول ابن اسحاق می گوید:

و كانت خديجة بنت خويلد امراه تاجره ذات شرف و مال تستاجر الرجال فيما لها و تضاربهم اياها بشيء تجعله لهم، فلما بلغها عن رسول الله صلى الله عليه و اله من صدق حديثه و عظم امانته و كرم اخلاقه بعثت اليه فعرضت عليه عن

ص: 222

1- انصاری، الموسوعة الكبرى، ج 4، ص 121

2- ابن هشام، السيرة النبويه، ج 1، ص 198.

یخرج فی مال لها الی الشام تاجراً... فلما اخبرها میسرہ بما اخبرها به بعثت الی رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ فقالت له فیما یزعمون: یابن عمانی قدر غبت فیک... و کانت خدیجہ یومئذ اوسط نساء قریش نسبا و اعظمهن شرفا و اکثرهن مالا کل قومها کان حریصا علی ذلك منها لو یقدر علیہ . فلما قالت ذلك لرسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ ذکر ذلك لاعمامہ فخرج معہ حمزہ بن عبدالمطلب، حتی دخل علی خویلد بن اسد فخطبها الیہ فتزوجها. (1)

ابن اسحاق از تاریخ نگارانی است که درباره اش گفته اند که برای تکمیل گزارش خود از هر شاهدهی بهره می گرفت. (2) این ویژگی در گزارش فوق درباره او کاملاً مشهود است؛ زیرا از ذکر هیچ زاویه ای در ازدواج پیامبر و خدیجہ دریغ نکرده ولی سن حضرت خدیجہ را نیاورده است. این دو معنا دارد یا او این موضوع را از قلم انداخته و یا خبر مربوط به سن حضرت خدیجہ را ندیده است. هر دو احتمال باطل است؛ زیرا نقل انبوه حواشی پیرامون یک حادثه از ویژگی های اوست. (3) پس نمی توان پذیرفت که به سن حضرت خدیجہ دست نیافته و یا آن را نیاورده باشد. بنابراین احتمال سوم این است که حتماً خبر چهل سالگی خدیجہ را دیده و چون آن را نپسندیده نیاورده است. جالب است که ابن هشام سن حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ را ذکر کرده ولی به سن حضرت خدیجہ علیها السلام اشاره نکرده؛ لذا معلوم می شود او هم اعتقادی به چهل سالگی نداشته است.

2. محمد بن سعد (230 ق)

ابن سعد درباره سن حضرت خدیجہ می گوید:

اخبرنا محمد بن عمر اخبرنا مغیره بن عبدالرحمان الاسدي عن اہله قالوا: سالنا حکیم بن حزام ایہما کان اسن رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ او خدیجہ؟ فقال: کانت خدیجہ علیها السلام اسن منه بخمس عشرة سنة... (4)

ص: 223

1- ابن هشام، همان، ج 1 ص 199-201.

2- رسول جعفریان تاریخ سیاسی اسلام، ج 1 ص 44

3- برکلمان، تاریخ الادب العربی، ج 3، ص 11.

4- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 8 ص 15.

این روایت نشان می دهد که مبدع چهل سالگی برای خدیجه علیها السلام در زمان ازدواج با پیامبر قول حکیم بن حزام است که در سطور بعدی درباره شخصیت و تقابل او با خاندان پیامبر بحث خواهیم کرد نکته ظریف در روایت آن است که از حکیم پرسیده می شود: «کدام یک از آن دو بزرگ تر هستند؟» این سؤال بدان معناست که فاصله سنی میان آن دو زیاد نبوده که این گونه سؤال می کند؛ و گرنه اگر اختلاف سنی پانزده سال بود هرگز معنا نداشت پرسند که کدام بزرگ ترند، اصولاً وقتی می پرسیم کدام یک بزرگ ترند که تفاوت سنی آن ها کم باشد و این را عرف تأیید می کند.

در جای دیگر می گوید:

اخبرنا هشام بن محمد بن السائب عن ابيه عن ابي صالح عن ابن عباس قال: كانت خديجه يوم تزوجها رسول الله صلى الله عليه وآله ابنة ثمان وعشرين سنة... (1)

با دقت در این دو روایت به نکته ای بر می خوریم که چهل سالگی خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله را کاملاً تضعیف می کند. حکیم بن حزام همان است که مسأله تولدش در کعبه را مصعب بن زبیر مطرح نمود. (2) این موضوع را برخی از عالمان اهل سنت و همه علمای شیعه رد کرده اند، زیرا برای تحت تأثیر قرار دادن تولد امام علی علیه السلام در کعبه و به جهت رقابت و دشمنی آل زبیر با علویان ساخته شده است. (3) وقتی بدانیم که حکیم بن حزام در خلافت امام علی علیه السلام با اکره با حضرت بیعت کرد و عثمانی متصلبی بود (4) به خوبی روشن می شود که در رقابت و حسادت عایشه نسبت به خدیجه به نفع عایشه و در دشمنی با آل علی علیه السلام نقش بازی می کرد. لذا در این میدان رقابت به نفع عایشه، سن خدیجه را بالا ذکر می کند تا عجزه بودن او را اثبات کند که عایشه مطرح ساخته بود. از

ص: 224

1- زرکلی، الاعلام، ج 2، ص 269

2- حاکم، المستدرک، ج 2، ص 550

3- عقاد، عبقرية الامام علی، ج 7 ص 42

4- ابن سعد، الطبقات الصغیر، ج 1 ص 135

سوی دیگر، او دانشمند نبود و شغل تجارت داشت (1) و قول او در مقایسه با قول یک نسب شناس یا یک مفسر و تاریخ نگار اعتبار و وزنی ندارد.

از سوی دیگر در روایت دوم ابن سعد دو شخصیت علمی وجود دارند: یکی هشام بن محمد و دیگری ابن عباس درباره هشام باید بدانیم که علما و تاریخ نگاران زیادی به علم و فضل او اعتراف دارند و او را عالم ترین فرد به علم انساب و اخبار جاهلیت و ایام العرب می دانند (2) ذهبی درباره او می گوید: «کان راسا فی الانساب» (3) ابن عباس هم بیشتر یک شخصیت علمی بود تا یک فرد سیاسی و وابسته به مذهب و جناح خاص که زندگی او این موضوع را تایید می کند. او امیرالحاج در دستگاه خلافت عثمان بود (4) و در حکومت امام علی علیه السلام نیز نقش فعال داشت (5) در دوران خلفای هم عصرش نیز دارای موضع معتدلی بود. روایات بی شماری از او در منابع شیعه و سنی نقل شده که آن ها را با پرسش از صحابه ثبت کرده است و هر دو فرقه به اعتبار علمی او معترف هستند. حال باید پرسید: اگر امر دایر شود بین پذیرفتن حرف یک عالم و متخصص در اخبار جاهلیت و نسب شناس مثل هشام بن محمد و یک تاجر که اتفاقاً در میدان رقابت بین علوی و زبیری بازی می کند حرف کدام یک از آن دو پذیرفته می شود؟ بی شک تخصص و جایگاه علمی غلبه می یابد و این یعنی موافقت با روش در مطالعات تاریخی وقتی با یک گزارش تاریخی و یا یک منبع تاریخی برخورد می کنیم، نخست به جایگاه علمی نویسنده یا گزارش دهنده به دقت توجه می شود بعد به تخصص او توجه می کنیم که آیا در حوزه ای که حرف زده، تخصص لازم را دارد یا خیر؟ و سرانجام گرایش و تمایل او بررسی می گردد. و این گرایش ممکن است، دینی مذهبی، قومی قبیله ای و منطقه ای باشد. طی

ص: 225

- 1- همان، ج 4 ص 65.
- 2- یاقوت حموی، معجم الادباء، ج 5 ص 596.
- 3- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 6 ص 248.
- 4- اسد الغابه، ج 3 ص 109.
- 5- همان، ج 3 ص 188.

این مراحل در مطالعات تاریخی ضروری است و روشمند بودن در تاریخ آن را اقتضا می کند با این توضیحات پذیرش نظر هشام و ابن عباس ضروری و رد نظر حکیم بن حزام آسان تر خواهد بود.

دلیل دیگری که قول حکیم را رد می کند این است که ابن سعد در اخبار مربوط به مغازی و جنگ ها قول واقدی را می آورد و می پذیرد و در نسب ها و اخبار مربوط به افراد و اطلاعات فردی، آنان به هشام بن محمد سائب کلبی : می. کند. مثلاً وقتی اختلاف موجود درباره زمان شهادت سائب بن مظعون را می آورد این سؤال را مطرح می کند که آیا در بدر کشته شده یا در احد؟ سپس به قول محمد بن هشام اعتماد می کند و او را از شهدای بدر محسوب می دارد (1) و زمان شهادت او را سال دوم هجری ذکر می کند چون وی در مباحث اطلاعات مربوط به اخبار جاهلیت و تاریخ عرب خصوصاً اطلاعات فردی به قول هشام اعتماد می کرده دلیلی ندارد که در این جا هم که بحث به گزارش های زمان جاهلیت و اطلاعات فردی اشخاص مربوط است از موضع خود عدول کند.

3. بلاذری (279 ق)

بلاذری تأکید می کند که خدیجه به پیامبر پیغام داد که «به همراه عموهایت برای خواستگاری من نزد عمویم عمر و رفته مرا از او خواستگاری کنید. من او را راضی خواهم کرد». ابوطالب او را از عمویش خواستگاری نمود و خدیجه با صدق دوازده اوقیه (هر اوقیه معادل چهل درهم) به عقد رسول خدا درآمد. (2) او در ادامه، موضوع سن حضرت خدیجه را مطرح می سازد و احتمالات مختلف را می آورد:

و تزوج رسول الله صلی الله علیه و آله خدیجه و هو ابن خمس و عشرون سنه و هی اربعین سنه و ذلك الثبت عند العلماء و يقال تزوجها و هی ابنة ثمان و عشرين سنة و حدثني الوليد بن صالح ، ثنا الواقدي عن المنذر بن عبد الله عن موسى بن عقبه قال قال حکیم بن حزام تزوج رسول الله عمته خدیجه و

ص: 226

1- ابن سعد، طبقات، ج 3 ص 402

2- بلاذری، انساب الاشراف، ج 1 ص 106-107.

وی در این جا درباره سن حضرت خدیجه با تردید رویه رو شده، لذا وقتی چهل سالگی را ذکر می کند و می گوید که این نزد علما ثابت است، بلافاصله با کلمه «یقال»، به اختلاف موجود در مسأله می پردازد. البته «یقال» اشعار به ضعف قول مقابل است. اصولاً در انساب الاشراف، وقتی موضوعی اختلافی باشد، از اظهار نظر صریح خودداری می شود مثلاً درباره جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه هنگام رفتن پیامبر صلی الله علیه و آله برای صلح حدیبیه، بین تاریخ نویسان اختلاف است که ابن ام مکتوم بوده یا ابورهم بلاذری در بیان ماجرا به این اختلاف اشاره و اقوال متفاوت را ذکر می کند. (2) از این موارد در انساب الاشراف به وفور دیده می شود. علت این امر هم این است که بلاذری، با روش تاریخی و نه حدیثی به نوشتن کتاب پرداخته است. تاریخ نویسان در روش تاریخی، گزارش های متعدد را می بیند نقد متن می کند و نه صرفاً نقد سند، آن وقت به تبیین حادثه می پردازد از سوی دیگر، وقتی از تعبیر «یقال» استفاده می کند این بدان معنا نیست که این، قول مطلقاً ضعیف است، بلکه به منزله اشکال و نقضی است که بلاذری به حرف مشهور می زند؛ زیرا از منابع متعدد و راویان متفاوت در اظهار نظر خویش بهره برده است؛ از جمله:

1. محمد بن مسلم شهاب زهری (124 ق)؛

2. عوانة بن حکیم (147 ق)؛

3. ابو مخنف (157 ق)؛

4. هشام بن محمد بن سائب کلبی (204 ق)؛

5. محمد بن عمرو واقدی (207 ق)؛

6. هیثم بن عدی (208 ق)؛

7. علی بن محمد مدائنی (225 ق).

ص: 227

1- همان، ص 108

2- همان، ج 1، ص 441.

همان طور که از این اسامی بر می آید گرایش ها و تخصص های مختلف در افراد یاد شده وجود دارد ممکن نیست بلاذری در نقل هایش به آنان اعتماد نکند و اختلاف آرا بین ایشان را نادیده بگیرد. اصولاً برای شخصیتی مثل بلاذری که در محیط عراق و خصوصاً کوفه نمو علمی داشته (1) و کاملاً پرسش مدارانه رفتار می کند به راحتی حرفی را نمی پذیرد و تسلیم قولی نمی شود. شاید به همین علت در نقل حوادث سال دهم بعثت وقتی به فوت ابوطالب و خدیجه اشاره می کند، سن ابوطالب را موقع مرگ بیان می نماید (بضع و ثمانون سنه)؛ ولی از ذکر سن حضرت خدیجه خودداری می کند (2) این می تواند قرینه ای باشد که چهل سالگی خدیجه را نپذیرفته است. اصولاً بلاذری در گزارش تاریخی، مورد اختلاف به اظهار اختلاف می پردازد؛ مثلاً درباره زمان حضور مسلمانان در مدینه و هجرت آنان از مکه می گوید:

فیقال انه کان بین اولهم و آخرهم اکثر من سنه. (3)

«یقال» در این عبارت به معنای ضعف قول نیست بلکه بر اختلافی بودن قضیه دلالت می کند و با مراجعه به منابع تاریخی می بینیم که موضوع اختلافی است، و گر نه در جاهایی که به اطمینان رسیده با قاطعیت سخن گفته است؛ مثلاً در قضیه هجرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به یثرب و همراهی ابوبکر با او به نکته جالبی اشاره می کند که نشان از دقت او در امر تاریخ نگاری است. وی می گوید:

موقعی که ابوبکر قصد هجرت نمود با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مشورت کرد پیامبر صلی الله علیه و آله از او خواستند که فعلاً موضوع را مخفی نگه دارد و او چهار ماه به مرکبش برگ سمور خوراند. (4)

این که بلاذری زمان چهار ماه را آورده و نوع علوفه اشاره کرده، از دقت او حکایت می کند که موضوع با همه جزئیات آن برای وی محرز شده است. وقتی

ص: 228

1- ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج 2 ص 269

2- بلاذری، همان، ج 1، ص 273.

3- همان، ص 303.

4- همان، ص 306.

این نکات را کنار اشکالاتی مثل عدم سرزنش قریش از پیامبر صلی الله علیه و آله برای ازدواج با خدیجه چهل ساله و امکان ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با دوشیزگان در مکه حتی در سه سال پایانی حضور حضرت در آن شهر (سال های 10 تا 13 بعثت) قرار می دهیم، نتیجه می گیریم که بلاذری در سن خدیجه موقع ازدواج، دچار تردید است. ایراد اساسی تر به قول اول (چهل سالگی) این است که وی می گوید: «این قول نزد علما ثابت است». اولاً در صفحات گذشته دیدیم که موضوع چهل سالگی حضرت خدیجه در بین علما کاملاً اختلافی است. ثانیاً بلاذری بر اساس روایت حکیم بن حزام می گوید که علما گفته اند سن حضرت خدیجه در موقع ازدواج چهل سال بوده است. منشأ قول چهل سالگی روایتی از حکیم است که طی، آن سال تولد خدیجه پانزده سال قبل از عام الفیل ذکر شده است.

4. یعقوبی (284 ق)

یعقوبی درباره سن ازدواج خدیجه علیها السلام چنین می گوید:

تزوج رسول الله صلی الله علیه و آله خدیجه بنت خویلد و له خمس و عشرون سنه و قیل: تزوجها و له ثلاثون سنه، و ولدت له قبلان یبعث القاسم و رقیه و زینب و ام کلثوم و بعد ما بعث عبدالله و فاطمه (1)

وی در این گزارش به سن حضرت خدیجه اشاره نکرده و فقط اختلاف موجود در سن پیامبر صلی الله علیه و آله را بازگو نموده اما در بیان وفات حضرت خدیجه به سن او اشاره کرده است:

و توفیت خدیجه بنت خویلد فی شهر رمضان قبل الهجرة بثلاث سنین و لها خمس و ستون سنة.... (2)

با این عبارت اخیر، مشخص میشود که خدیجه هنگام ازدواج چهل ساله بوده است در نقد نظر یعقوبی به چند نکته اشاره می شود:

ص: 229

1- یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 20.

2- همان، ص 35.

اولاً گزارش های وی بدون سند ذکر شده و مشخص نیست از چه منابعی استفاده کرده چون مقدمه جلد اول تاریخ یعقوبی به دست ما نرسیده است. در روش مطالعات تاریخ باید دید که کتاب از چه منابعی استفاده کرده، بعد دید مطالب آن منابع در منابع دیگر تاریخی آمده یا خیر کتاب یعقوبی، سند ندارد؛ پس امکان نقد سندی برای گزارش های او ممکن نیست

ثانیاً وقتی امکان نقد سندی برای کتابی وجود نداشت به نقد متنی می رسیم.

با حفظ مقدمه فوق دو اشکال اساسی به یعقوبی درباره سن حضرت خدیجه در زمان ازدواج وارد است:

1. وی به استخدام رسول خدا صلی الله علیه و آله برای خدیجه علیها السلام در سفرهای تجاری اعتقاد ندارد و آن طور که از کلامش بر می آید پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام رغبت داشته است. (1) اگر می گفت پیامبر صلی الله علیه و آله فقر مالی داشته و در کار کردن برای خدیجه توانسته علاقه او را جلب کنند شاید بتوان قول چهل سالگی را پذیرفت، ولی بر اساس مبنای یعقوبی، چه ضرورتی داشت که نوه عبدالمطلب که صاحب ارج و قرب والایی در مکه و در میان قریش بود (2) و امکان ازدواج با دختران و دوشیزگان عرب را داشت و حتی برخی زنان خود را به آن حضرت هبه می کردند. (3) با زنی ازدواج کند که حداقل ده سال از خودش بزرگ تر بود (اگر قول سی سالگی پیامبر در حین ازدواج را بپذیریم یعقوبی آورده که در منابع دیگر نیست و خلاف مشهور است).

2. یعقوبی آورده که دو تن از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله (عبدالله و فاطمه) بعد از بعثت به دنیا آمدند. (4) این قول درباره تولد حضرت زهرا علیها السلام که موافق با قول علمای شیعه است. (5) با سن بالای حضرت خدیجه علیها السلام موقع تولد حضرت زهرا علیها السلام نمی سازد؛ زیرا زایمان زن در سن حدود شصت سالگی بعید و غیرعادی

ص: 230

1- همان، ص 20

2- همان، ص 19

3- همان، ص 84.

4- همان، ص 20.

5- طبری، اعلام الوری، ج 1 ص 290 .

است. (1) این که می‌گوییم خدیجه در حدود شصت سالگی، فاطمه علیها السلام را به دنیا آورد، چون خود یعقوبی در وفات خدیجه گزارش کرده که حضرت فاطمه علیها السلام در مرگ مادرش گریه می‌کردند و از رسول خدا می‌پرسیدند: «مادرم کجاست؟» و رسول خدا صلی الله علیه و آله دخترش را دل‌داری می‌دادند (2) از این گزارش تاریخی بر می‌آید که حضرت زهرا علیها السلام در حین وفات مادرش حداقل سه یا چهار سال داشته‌اند.

5. محمد بن جریر طبری (310 ق)

طبری درباره ازدواج خدیجه با پیامبر صلی الله علیه و آله ابتدا به چهل سالگی خدیجه تصریح می‌کند:

نکح رسول الله خدیجه و هو ابن خمس و عشرون سنة و خدیجه یومئذ ابنة اربعین سنة. (3)

در جای دیگر، به اختلاف نظر در ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام اشاره نموده می‌گوید در این باره اختلاف اقوالی نیز وجود دارد. (4)

چند نکته در این اظهار نظر جلب توجه می‌کند:

اول این که قول به چهل سال را بدون ذکر سند آورده که البته در روش تاریخی اکتفا به سند در ارزیابی‌ها کافی نیست (5) بلکه به نظر می‌رسد نقد متنی بر نقد سندی مقدم است و اولویت دارد خود طبری در گزارش‌های فراوانی که در کتابش آورده به ذکر سند پرداخته است و اگر مواردی مثل سن حضرت خدیجه را بدون سند آورده خلاف روش خویش رفتار کرده است.

دوم، برخی گفته‌اند ویژگی دیگر طبری آن است که در نقل روایی، نقل‌های مختلفی را از یک حادثه می‌آورد این شیوه فرصت لازم را در اختیار محقق قرار

ص: 231

1- شهید صدر الفتائی الواضحه، ج 1 ص 138.

2- یعقوبی، همان، ج 2، ص 35.

3- طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج 1، ص 521.

4- همان، ص 523.

5- رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، ج 1 ص 126.

می دهد تا دیدگاه های معارض را درباره یک حادثه به دست آورد و با توجه به روش های علمی درباره آن ها به تحقیق پردازد. (1) بر اساس نکته اخیر، این که طبری اختلاف اقوال را در مورد سن حضرت خدیجه می آورد، در واقع راه را برای قضاوت محقق باز می کند بر اساس گزارش، او می توان قول دوم را تقویت کرد. توضیح این که طبری در رد این مطلب که خدیجه پدرش را مدهوش ساخته تا با نارضایتی او در ازدواج خللی ایجاد نشود، می گوید:

در آن زمان پدر او مرده بود و خدیجه به اذن عمویش به عقد پیامبر صلی الله علیه و آله در آمد و عمویش را خوابانید تا بدون مزاحمتی به عقد پیامبر صلی الله علیه و آله در آید. وقتی عمویش بیدار شد در مقابل کار انجام شده قرار گرفت. (2)

اگر این گزارش را بپذیریم باید گفت که ممکن نیست زن چهل ساله ای که صاحب مال و مکتب فراوان و نیز بیوه است برای ازدواج نیاز به اجازه عمویش داشته باشد. این گزارش با کم سن بودن خدیجه سازگارتر است.

6. مسعودی (346 ق)

مسعودی سن پیامبر صلی الله علیه و آله را در حین ازدواج با خدیجه 26 سال می داند و درباره سن خدیجه علیها السلام، به اقوال مختلف اشاره می کند:

و في سنة ست و عشرين كان تزويجه بخديجه بنت خويلد و هي يومئذ بنت اربعين و قيل في سنها غير هذا. (3)

در این گزارش به سن حضرت خدیجه علیها السلام اطمینان ندارد درباره مسعودی باید بدانیم که او علاوه بر علم، تاریخ به علت مسافرت های فراوان یک جامعه شناس و فرهنگ شناس هم بود (4) لذا در گزارش های تاریخی، بستر شناسی هم می کند به همین جهت برخی تاریخ نگاران می گویند: کتاب مروج الذهب

ص: 232

1- همان، ص 125

2- طبری، همان، ج 1، ص 523.

3- مسعودی مروج الذهب، ج 2، ص 294

4- جعفریان، همان، ج 1 ص 135.

تنها بر اخبار تاریخی مشتمل نیست بلکه بسیاری از مسائل فرهنگی و... نیز در آن منعکس شده است. (1) از سوی دیگر، گفته اند که منابع مورد استفاده او در مروج الذهب فراوان بوده است و او مهم ترین کتب تاریخی موجود زمانش را دیده است. (2) پس حتماً چهل سالگی خدیجه اخبار معارضی داشته که مسعودی به آن تکیه نکرده است

نتیجه

از بررسی منابع تاریخی تا پایان قرن چهارم هجری، با کمک روش تاریخی، درباره سن حضرت خدیجه علیها السلام در موقع ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله نتایج ذیل به دست می آید:

1. چهل سالگی ایشان حین ازدواج، کاملاً مورد اختلاف و تردید، تاریخ نگاران مقدم است به طوری که هیچ یک از آنان با قطعیت، متعرض به آن نشده اند.

2. روایات و گزارش های چهل سالگی دارای اشکالات متعدد سندی و متنی است که هرگز نمی توان به آن اعتنا کرد از جمله این اشکالات، می توان به مواردی مثل مخالفت با فرهنگ و رسوم ازدواج در عرب قبل از بعثت، عدم امکان تولد هفت الی هشت فرزند توسط یک زن چهل ساله آن هم تولد برخی از آنان در سن یائسگی، عدم ازدواج مردان با زنان بزرگ تر از خود در حالی که امکان ازدواج با دوشیزگان برای آن ها فراهم باشد.

3. به نظر می رسد موضوع عجوزه بودن حضرت خدیجه به عنوان ابزاری برای تخریب شخصیت ایشان و افراد منسوب با ایشان از جمله امام علی علیه السلام در منازعات قومی - قبیله ای و جناحی در دست قرار گرفته است.

4. سن حضرت خدیجه علیها السلام در موقع ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله 26 و نهایتاً 28 سال بوده و نسب شناسانی مثل هشام بن محمد کلبی به آن اقرار کرده اند.

ص: 233

1- همان، ص 139

2- همان، ص 138.

قرآن مجيد.

1. ابن اثير، عزالدين ابوالحسن علي بن الكرم الشيباني، الكامل في التاريخ، بيروت، داراحياء التراث العربي، 1994م.
2. ابن اثير، عزالدين ابى الحسن على بن محمد الجزري، اسدالغابة في معرفة الصحابه، بيروت، دارالفكر، 1989م.
3. حبيب ابى جعفر محمد بن حبيب، المحبر، تصحيح دكتور ايلزه ليختن شتير، بيروت دارالافاق الجديده بي تا
4. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على الاصابة في تمييز الصحابه، تحقيق الشيخ عادل احمد عبدالموجود، بيروت، دارالكتب العلميه، 1995 م.
5. ابن خياط، خليفه بن خياط بصرى تاريخ خليفه، بيروت، دار الكتب العلميه، 1387 هـ.
6. ابن سعد، محمد بن سعد الكاتب، الطبقات الصغير، تونس، دارالغرب الاسلامى، 2009 م.
7. ابن سعد، محمد بن سعد الكاتب، الطبقات الكبرى، بيروت، دارصادر 1377 هـ
8. ابن عبدالبر، ابو عمر يوسف بن عبد الله، الاستيعاب في معرفة الاصحاب، بيروت، دارالجيل، 1992 م
9. ابن عساکر، الحافظ، تاريخ مدينه دمشق، تحقيق سكينه السهاى، سوريه، دارالفكر، بي تا.
10. ابن كثير، ابوالفداء اسماعيل بن كثير، البدايه والنهايه، بيروت، دار احياء التراث العربي بي تا
11. ابن هشام عبدالملك بن هشام، السيرة النبويه، تحقيق مصطفى السقا بيروت، داراحيا، التراث 1936 م
12. اربلى، ابوالحسن على بن عيسى، كشف الغمه في معرفة ال ائمه عليهم السلام

تصحیح سید ابراهیم عیانجی قم، کتابفروشی اسلامیہ، 1364 ش.

13. امین، سید محسن، اعیان الشیعة، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، 1406 ق.
14. انصاری، اسماعیل، الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء، قم، دلیل ما، 1428 ق.
15. بیہقی، ابوبکر احمد بن الحسن البیہقی، دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة، تحقیق دکتور عبدالمعطی قلعبجی، بیروت، 1985 م.
16. ترماتینی، الزواج عند العرب في جاهلية والاسلام، دمشق، بی تا.
17. حافظ احمد بن عبد الله، ذخائر العقبي مصر، مكتبة الدين حسام الدين، 1356 هـ.
18. حسن ابراهيم حسن، تاريخ الاسلام، السياسي والديني والشقافي، قاهره، چاپ هفتم، 1994 م.
19. الديار بكرى حسين بن محمد بن الحسن، تاريخ الخميس في احوال انفس نفيس، بيروت، دار صادر، بی تا.
20. ذهبی، شمس الدين محمد بن احمد بن عثمان، تاريخ الاسلام و وفیات المشاهير و الاعلام تحقیق دکتور محمد عبد الاسلام تدمری، بیروت، دار الكتاب العربي، 1994 م.
21. صدر سید محمد باقر، الفتاری الواضحه چاپ سوم، بیروت، دارالکتاب 1977 م.
22. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، تاج الموالید فی موالید ال ائمه علیهم السلام و وفیاتهم، مکتبہ بصیرتی، بی تا.
23. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک، قاهره، مطبعة الاستقامة، 1939 م.
24. عقاد، عباس محمود عبقرية الامام على عليه السلام، بیروت، 1967 هـ.
25. فوزی ابراهیم، احکام الاسرة في الجاهلية و الاسلام، بیروت، دار الکلمه،

26. كليني، الكافي، تصحيح علي ابر غفاري، تهران، 1391 هـ.
27. مجلسي، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الاثمه الاطهار، بيروت، مؤسسه الوفاء، 1403 ق
28. مسعودي، ابوالحسن علي بن الحسين، مروج الذهب و معادن الجواهر، قم، دار الهجرة، 1409ق.
29. مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، مسار الشيعة في مختصر تواريخ الشريعة، قم، كنگره بزرگداشت، 1413ق.
30. مقدسي، احمد هلال المطهر، بيروت، دار صادر، 1988م.
31. يعقوبي، احمد بن اسحاق بغدادى، تاريخ يعقوبى، بيروت 1960م.
32. يوسفى غروى، محمد هادى، موسوعة التاريخ الاسلامى، قم مجمع الفكر الاسلامى، 1417ق.

سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: حسین تهرانی

موضوع سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از جمله مسائلی است که صاحب نظران درباره آن اختلاف نظر داشته اند و هر یک با استشهاد به دلایل روایی و تاریخی برای اثبات یا نفی آن تلاش کرده اند. در این مقاله، دیدگاه های اندیشه وران نقد و بررسی گردیده و قول صحیح در این باره تبیین شده است.

در منابع مختلف درباره سن رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام ازدواج چهار قول ذکر شده که عبارتند از: 21، 23، 25 و سی سال که در میان آن ها، قول 25 سال مشهور است. در واقع پانزده سال قبل از بعثت و روایات متعدد این قول را تأیید می کند؛ از جمله:

... زوّج بها و هو ابن خمس و عشرين سنه ، قبل أن یبعثه الله نبیاً بخمس عشرة سنة؛ (1)

پیامبر صلی الله علیه و آله ، با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کردند و 25 سال داشتند و هنوز پانزده سال مانده بود تا به پیامبری برسند.

در مورد سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام پیوندش با والاترین جوان روزگاران دیدگاه ها یکسان نیست و تاریخ نگاران سن ایشان را بین 25 تا 46 سال بیان نموده اند؛ به شرح ذیل:

الف) 25 سال که بیهقی آن را درست دانسته است وی براین قول صحه

ص: 237

1- أبوالفداء اسماعیل بن عمرو ابن کثیر الدمشقی ، البدایه و النهایه ، ج 2، ص 295؛ نورالدین علی بن ابراهیم الحلبي، السیره الحلبيه ، ج 1، ص 227.

می گذارد و می گوید:

... ثم بلغت خديجة خمسا وستين سنة، ويقال خمسين سنة و هو أصح؛ (1)

می گویند که حضرت خدیجه علیها السلام، در 65 یا پنجاه سالگی وفات یافت در حالی که پنجاه سالگی درست تر است.

بنابراین اگر حضرت خدیجه علیها السلام پانزده سال قبل از بعثت (2) با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرده که بیهقی نیز آن را تأیید می کند یعنی هنگام ازدواج 25 سال داشته (3) و سال وفات ایشان هم سال دهم بعثت است در میان معاصران نیز برخی از علما تصریح کرده اند که حضرت خدیجه علیها السلام در زمان بعثت، بانویی چهل ساله بوده. اند حال با توجه به این که در زمان بعثت 15 سال از ازدواج ایشان گذشته، پس هنگام ازدواج، 25 سال داشته اند.

(ب) 28 سال که بیش تر آن را ترجیح می دهند. ابن عماد حنبلی، به نقل از صحیح بخاری می نویسد:

و تزوج خديجة و هو ابن خمس و عشرين سنة، و هي بنت اربعين على الصحيح فيهما؛

پیامبر صلی الله علیه و آله، با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کردند و 25 سال داشتند و حضرت خدیجه علیها السلام، به احتمال قوی دختری چهل ساله بودند.

سپس در رد این نظریه می گوید:

ورجح كثيرون أن ها ابنة ثمان و عشرين و...؛ (4)

ص: 238

1- ابوبکر احمد بیهقی، دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه، ج 2، ص 71؛ ابوالفداء اسماعیل ابن کثیر، السیره النبویه صلی الله علیه و آله، ج 1، ص 264؛ همو، البدایه و النهایه، ج 2، ص 294.

2- ابوبکر احمد بیهقی، دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه، ج 2، ص 72: ... زوّج بها و هو ابن خمس و عشرين سنة، قبل أن یبعثه الله نبیا بخمس عشره سنه؛ پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام در 25 سالگی ازدواج کردند و هنوز پانزده سال مانده بود تا به پیامبری رسند. «سید جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الأعظم صلی الله علیه و آله، ج 2، ص 110 و 116.

3- ابوالحسن بلاذری، انساب الأشراف، ص 98؛ شمس الدین محمد بن احمد الذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 111؛ نورالدین علی بن ابراهیم الحلبي، سیره الحلبيه في سیره الأئمة و المأمون، ج 1، ص 140؛ ابن عساکر، مختصر تاریخ مدینه دمشق، ج 2، ص 275.

4- شهاب الدین ابوالفلاح عبد الحی ابن العماد الحنبلی دمشقی، شذرات الذهب في أخبار من ذهب، ج 1، ص 134، در رویدادهای سال یازده قمری؛ ابن اثیر، جامع الأصول، ج 5، ص 183 و 184؛ سید جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج 2، ص 116.

در حالی که بسیاری از تاریخ نگاران (1) این دیدگاه را ترجیح داده اند که حضرت خدیجه علیها السلام به هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، دوشیزه ای 28 ساله بوده است.

بلاذری نیز ضمن بحث در این مورد می نویسد:

... تزوّجها و هو ابن ثلاث و عشرين سنة و هی ابنة ثمان و عشرين سنة؛ (2)

پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام ازدواج با حضرت خدیجه علیها السلام، جوانی 23 ساله حضرت خدیجه علیها السلام، دختری 28 ساله بوده اند.

ابن عساکر، به نقل از ابن عباس می گوید:

كانت خدیجه علیها السلام يوم تزوّجها رسول الله [صلی الله علیه و اله] ابنة ثمان و عشرين سنة و مهرها اثنتی عشرة أوقیة و كذلك كانت مهور نسائه؛ (3)

روزی که حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرد، دختری 28 ساله بودند و مهریه آن، بزرگوار دوازده اوقیه [نود مثقال مکی] بود که با مهریه دیگر زنان برابری می کرد

ابن کثیر می نویسد:

حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ارتحال، پنجاه ساله بود که 25 سال آن را در خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را سپری کرده بود. (4)

کلبی، از شیعیان امیر مؤمنان علی علیه السلام به نقل از ابن عباس می گوید:

انّ النّبی [صلی الله علیه و آله] تزوّجها بنت ثمان و عشرين سنة؛ (5)

پیامبر صلی الله علیه و آله، با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کردند و او دختری 28 ساله بود.

ص: 239

1- ابن عماد حنبلی (متوفی در قرن 11ق) در کتاب خود به معرفی 45 نفر از تاریخ نویسان سال اول تا هزارم هجری پرداخته و ضمن بیان حوادث مهم و وفیات و تراجم اعلام کوشیده بی طرفی خویش را حفظ کند اما گاه به نقد و تحلیل منابع فراوانی می پردازد که در نگارش بر آن ها تکیه داشته است.

2- ابوالحسن بلاذری، انساب الأشراف، ج 1، ص 98.

3- ابوالقاسم بن حسن ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 3، ص 193.

4- ابوالفداء اسماعیل بن عمرو ابن کثیر الدمشقی، البدایه و النهایه، ج 2، ص 359.

5- شمس الدین محمد بن احمد الذهبي، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 111.

حاکم نیشابوری قول 28 سال را به نقل از ابن اسحاق روایت می کند:

و كان لها يوم تزوجها ثمان وعشرون سنة؛ (1)

روزی که حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کرد، 28 ساله بود.

وی به طور واضح سن حضرت خدیجه علیها السلام را روشن نساخته اما آن جا که از هشام بن عروه نقل می کند که گفت:

توقیت خدیجه بنت خویلد رضي الله عنها وهي ابنة خمس وستين سنة؛

حضرت خدیجه علیها السلام، در 65 سالگی وفات یافته است.

می گوید:

هذا قول شاذ فإن الذي عندي أن ها لم تبلغ ستين سنة؛

این سخن نادر و شاذی است و به نظر من ایشان به 60 سالگی نرسیدند.

بنابراین ایشان بر آنند که سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج، کم تر از سی سال بوده است.

ابن عباس نقل می کند:

أنه تزوجها صلى الله عليه وآله وهي ابنة ثمانين وعشرين سنة و مهرها اثنتي عشرة أوقية و كذلك كانت مهر نساءه؛ (2)

روزی که حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرد، دختری 28 ساله بود و مهریه آن بزرگوار دوازده اوقیه [نود مثقال مکی] بود که با مهریه دیگر زنان برابری می کرد

ابن حماد می گوید:

بلغني أن رسول الله صلى الله عليه وآله تزوج خديجة على اثنتي عشرة أوقية ذهباً وهي يومئذ ابنة ثمانين وعشرين سنة؛ (3)

به من خبر دادند که پیامبر صلی الله علیه و آله، با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کردند و مهریه اش دوازده اوقیه طلا و حضرت خدیجه علیها السلام، 28 ساله بود.

ص: 240

1- حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 182.

2- محمّد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج 16، ص 10.

3- همان، ج 16، ص 12.

نویری، قول به 28 سال را پذیرفته و در مورد چهل سال می گوید: «قیل»؛ یعنی از نظر وی سند مشخص و معلومی برای قول چهل ساله بودن حضرت خدیجه علیها السلام وجود ندارد:

فتزوجها [صلی الله علیه و آله] و هو ابن خمس و عشرين سنة و شهرين و عشرة أيام، و خدیجه یومئذ بنت ثمان و عشرين سنة، قیل: بنت أربعين سنة؛ (1)

پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کردند و 25 سال و دو ماه و ده روز داشتند و حضرت خدیجه علیها السلام 28 ساله بود و گفته اند که چهل سال داشت.

ابن سعد با اسناد خود به نقل از ابن عباس می گوید:

أخبرنا هشام بن محمد بن السائب عن أبيه عن أبي صالح عن ابن عباس: قال كانت خدیجه یوم تزوجها رسول الله [صلی الله علیه و آله] ابنة ثمان و عشرين سنة و مهرها اثنتی عشرة أوقیة؛ (2)

ابن عباس گفت: روزی که حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرد، دختری 28 ساله بودند و مهریه اش دوازده اوقیه [نود مثقال مکی] بود.

پس بی شک سن مبارک حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، کم تر از سی سال بوده و تاریخ نگارانی که بیش تر از سی سال را مطرح نموده اند، دلیلی برای قول خود ذکر نکرده اند. مطلب دیگر این که با توجه به فرزندان که حضرت خدیجه علیها السلام بعد از ازدواج به دنیا آورده، با چهل ساله بودن ایشان مناسبتی نداشته و نمی تواند مطابقتی با واقع داشته باشد! از طرفی، وجود خواستگاران زیاد و استتکاف از پذیرش آنان (3) خود مطلبی است که وضعیت

ص: 241

1- شهاب الدین احمد التویری، نهاییه الارب فی فنون الأدب، ج 16، ص 98.

2- ابو عبدالله محمد ابن سعد (کاتب واقدی)، الطبقات الکبری، ج 8، ص 13؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیهم السلام، ج 1، ص 510 و 513؛ وقال ابن حماد بلغني أن رسول الله تزوج خدیجه علی اثنتی عشره أوقیه ذهباً و هي یومئذ ابنة ثمانی و عشرين سنة؛ ابن حماد گفت: خبرم کردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله با مهریه دوازده اوقیه طلا با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کرد و حضرت خدیجه علیها السلام، 28 سال داشتند.

3- محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج 16، ص 22 و 23.

سنی مناسبی را برای یک زن آشکار می کند وضعیت سنی مناسب، یکی از جاذبه های طبیعی زن است که از کثرت خواستگاران حکایت می کند؛ زیرا همه کسانی که اخباری نقل کرده اند و روایاتی از آنان برجای مانده - از شیعه و اهل سنت - اجماع دارند مردی از اشراف قریش و رؤسای آنان نمانده بود که به خواستگاری حضرت خدیجه علیها السلام نرود و یا درصدد آن بر نیاید؛ از جمله عقبه بن ابی معیط؛ صلت بن ابی یهاب، ابوجهل بن هشام و ابوسفیان حضرت خدیجه علیها السلام از پذیرش استتکاف می نمود تا جایی که وقتی به همسری رسول خدا صلی الله علیه و آله در آمد، زنان قریش بر او خشم گرفتند و از او کناره گیری کردند و گفتند:

بزرگان و اشراف، قریش از تو خواستگاری کردند و به همسری هیچ یک در نیامدی و به همسری حضرت محمد - یتیم ابوطالب که مردی فقیر است و مالی ندارد - در آمدی!

حال چرا لازم است این همه اختلاف درباره سن این بانوی بزرگ هنگام ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله مطرح شود؟ آیا این تعمدی و بر اساس سیاست پنهان بوده است؟ آیا می خواهند انتخاب شایسته حضرت خدیجه علیها السلام را زیر سؤال ببرند که اگر بانویی به بالای سن چهل برسد، تن به ازدواج با هر شرایطی خواهد داد و انتخاب حضرت محمد امین صلی الله علیه و آله برای ایشان در این سن فضیلت نبوده است؟ آیا هدف کاستن مقام و منزلت و ارزش پیامبر صلی الله علیه و آله بوده که به ازدواج با بیوه چهل ساله ای تن داده اند تا به مال و ثروت او دست یابند؟

لازم است گفته شود این دسیسه ای از طرف دشمنان اسلام یهود و پیروان بنی امیه به منظور کاستن شخصیت و عظمت حضرت خدیجه علیها السلام بوده است.

حضرت خدیجه علیها السلام، به غیر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با کسی ازدواج نکرد

عده ای بر آنند که حضرت خدیجه علیها السلام، هنگام مفتخر شدن به همسری پیامبر صلی الله علیه و آله، بانویی بودند که چیزی حدود چهار دهه زندگی شایسته و مترقی داشته و هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صاحب فرزند بوده است! این دیدگاه، سست و ناشی از اشتباه تاریخ نگاران و یا به هر دلیل دیگر است! گفته شده که پیامبر صلی الله علیه و آله، با دوشیزه ای جز عایشه ازدواج نکرده و درباره حضرت خدیجه علیها السلام می گویند که قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله، با دو نفر دیگر ازدواج کرد و از آنان فرزندان نیز داشت و آن دو عتیق بن عائذ بن عبدالله مخزومی و ابوهاله تمیمی بوده اند.

این ادعا مخدوش و از ساخته های دشمنان است. سید مرتضی در الشافی و شیخ طوسی در تلخیص الشافی همین دیدگاه را آورده و چنین تصریح کرده اند:

حضرت خدیجه علیها السلام به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، دوشیزه بود. (1)

بلاذری نیز در این باره می نویسد:

پیامبر صلی الله علیه و آله به هنگام ازدواج با حضرت خدیجه علیها السلام، جوانی 23 ساله و حضرت خدیجه علیها السلام دوشیزه ای 28 ساله بودند. (2)

علامه مجلسی در این باره می نویسد:

آن چه این نکته را تأیید و به آن تأکید می کند، این است که حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله، دوشیزه بود و رقیه و زینب، دختران او نبودند بلکه دختران خواهرش هاله بودند و تحت سرپرستی و مدیریت و مراقبت او قرار گرفتند؛ این تأکیدی در دو کتاب البدع و نیز

ص: 243

-
- 1- بحار الأنوار، ج 22، ص 199؛ محمد باقر مجلسی، حیوه القلوب، ج 2، ص 595؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، ج 1، ص 138؛ عبدالله مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج 3، ص 77؛ ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه فی احوال النساء الشیعه، ج 2، ص 269؛ الصحیح من سیره النبی الأعظم ج 2، ص 123.
 - 2- أنساب الأشراف، ج 1، ص 98.

ابن حمّاد حنبلی دانشمند معروف اهل سنت در این باره می نویسد:

بسیاری از تاریخ نگاران این دیدگاه را ترجیح داده اند که حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، 28 ساله بوده است. (3)

ابن شهر آشوب، حدیث نگار نامدار شیعه در این باره می نویسد:

ان النبي قد تزوّج خدیجه و هی عذراء؛ (4)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در حالی با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کردند که او دوشیزه بود. واقدی می گوید:

و كانت خدیجه علیها السلام و هی بکر...؛ (5)

حضرت خدیجه علیها السلام (به هنگام ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله)، باکره بوده است.

عمادالدین، طبری در این باره می نویسد:

در کتب تاریخ آمده، حضرت خدیجه علیها السلام باکره بود که به عقد رسول خدا صلی الله علیه و آله درآمد و رؤسای عرب و اشراف از او خواستگاری نمودند و او هیچ کدام را اجابت نکرد! حال چگونه او به ابی هند که از لام بنی تمیم بود پاسخ مثبت داده است؟! (6)

اسماعیل بن محمد بن فضل اصفهانی در این باره می نویسد:

لَمَّا بَلَغَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَمْسًا وَعَشْرِينَ سَنَةً وَ لَيْسَ لَهُ بِمَكَّةَ إِسْمٌ إِلَّا الْأَمِينُ.

ص: 244

1- الأنوار، از تألیفات ابو الحسن البکری، و «البدع» همان کتاب «الإستغاثه في بدع الثلاثه» است که از تألیفات ابوالقاسم کوفی (م 352

ه- ق) بوده؛ عالم امامیه ای که نسبش از طریق امام حسین علیه السلام به امام امیر مؤمنان علی علیه السلام می رسد.

2- نك: مناقب آل ابی طالب علیه السلام، ج 1، ص 160؛ بحار الأنوار، ج 22، ص 191.

3- شذرات الذهب، ج 1، ص 14.

4- سیّد جعفر مرتضی، بنات النبی أم ربائنه، ص 75 - 124.

5- شمس الدین ابو المظفر ابن جوزی، تذکره الخواص، ص 271؛ حسین بن حمدان الخصیبي، الهدایه الکبری، ص 45؛ اصفهانی،

دلایل النبوه، ص 178؛ شیرازی، امّهات المؤمنین، ص 90.

6- عماد الدین، طبری کامل بهائی، ج 1، ص 268

لَمَّا تَكَامَلَتْ فِيهِ خِصَالُ الْخَيْرِ، قَالَ لَهُ أَبُو طَالِبٍ: يَا بَنَ أَخِي! خَدِيجَةُ تَبَعَتْ رِجَالًا مِنْ قَوْمِكَ فِي عَيْبَرَانِهَا، فَيَتَجَرَّوْنَ... وَكَانَتْ خَدِيجَةُ امْرَأَةً بَاكِرَةً، ذَاتَ شَرَفٍ وَ مَالٍ كَثِيرٍ؛ (1)

هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به 25 سالگی رسیدند، تمامی اهالی مکه، آن حضرت را به نام امین می شناختند زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله به کمال رسیدند و تمامی خصلت های خوب و پسندیده در آن حضرت جمع شد، حضرت ابوطالب علیه السلام ازدواج با حضرت خدیجه علیها السلام را پیشنهاد داد و خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد "پسر برادرم! حضرت خدیجه علیها السلام عده ای از اقوام و مردان قبیله ات را برای تجارت می فرستد..." حضرت خدیجه علیها السلام، در آن زمان باکره و از جایگاه شریف و ثروت زیادی برخوردار بود.

به نظر می رسد ادعای مسن بودن حضرت خدیجه علیها السلام، از دروغ های هشام بن عروه باشد! وی معتقد بود که حضرت خدیجه علیها السلام، هنگام رحلت (سال دهم بعثت) 65 سال داشته اند.

حاکم نیشابوری این مطلب را از هشام نقل کرده و این قول را شاذ دانسته می نویسد

به نظر من سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام رحلت، کمتر از شصت سال بوده است. (2)

در کتاب تاریخ سیستان آمده است:

حضرت خدیجه بنت خویلد علیها السلام، اندر زمان حضرت رسول صلی الله علیه واله، بکر و با خرد و کمال و جمال بود. (3)

در روایت دیگری آمده است:

ص: 245

1- دلایل النبوه، ج 1، ص 178، ح 227.

2- «عن هشام بن عروه: توفيت خديجة وهي ابنة خمس وستين سنة. هذا قول شاذ، فان الآذی عندی أنّها لم تبلغ ستين سنة» (حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 201)

3- نویسنده گمنام تحقیق ملک الشعراى بهار، تاریخ سیستان، ص 52.

حضرت خدیجه علیها السلام، خواهری به اسم هاله داشت که با مردی مخزومی ازدواج کرد و از او دختری متولد شد. بعد از مرگ همسرش، مردی از تمیم که او را ابوهند می نامیدند و دو فرزند به نام های رقیه و زینب از همسر اولش - که مُرده بود - داشت با هاله خواهر حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کرد و دارای فرزندی به نام هند شد. بعد از مردن مرد تمیمی هند به طایفه پدرش ملحق شد و هاله با فرزندان دیگرش باقی ماند و حضرت خدیجه علیها السلام آنان را نزد خود گردآورد؛ بعد از ازدواج ایشان با پیامبر صلی الله علیه و آله، بچه ها در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام، باقی ماندند و عرب می پندارد که اگر کسی را بزرگ کنی فرزند توست (1) و به همین سبب به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داده شدند. (2)

احمد بن ابی یعقوب، در تاریخ یعقوبی و شیخ ذبیح الله محلاتی، در ریاحین الشریعه در این باره می نویسند:

حضرت خدیجه علیها السلام، خواهری به نام هاله داشت که همسرش از دنیا رفت و دو فرزندش را بی سرپرست نهاد! آن حضرت که دارای ثروتی بسیار و درایت

ص: 246

1- از سنت های جاهلیت این بود که هر گاه شخص یتیمی را تحت تکفل قرار می گرفت، او را به آن شخص منتسب می دانستند هم چون زید بن حارثه. زید از بزرگانی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را آزاد ساختند و فرزند خویش خواندند. از آن زمان او را زید بن محمد صلی الله علیه و سلم می گفتند. زید در دوران کودکی همراه مادرش سعدیه، دختر ثعلبه بن عبد عامر به دیدن بستگانش رفت. طایفه «بنی قین» به بستگان مادرش حمله کردند و آنان را غارت نمودند. زید نیز جزو اسیران بود او را به بازار مکه آوردند و در معرض فروش قرار دادند. حکیم بن حزام او را برای حضرت خدیجه علیها السلام خرید و آن حضرت نیز او را به رسول خدا صلی الله علیه و آله بخشید. پدر زید و عمویش کعب خبردار شدند و به مکه نزد ابوطالب علیه السلام آمده و گفتند: «فرزند ما نزد برادرزاده شماس است، به او بگویند یا او را بفروشد و یا آزادش کند!» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من او را آزاد گذاشتم اگر خواسته باشد، بیاید!» آنان خوشحال شدند، هنگامی که زید را احضار نمودند حضرت به زید فرمود: «آنان را می شناسی؟» گفت «آری! پدر و عموی من هستند!» فرمود: «مرا هم می شناسی اگر می خواهی با آنان برو و اگر مایلی پیش من باش!» زید گفت: «با ایشان نمی روم و هیچ کس را بر شما ترجیح نمی دهم؛ شما جای پدر و عمویم هستید!» حارثه ناراحت شد و گفت: «مردم شاهد باشید که زید فرزند من نیست!» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که چنین دیدند او را کنار حجر اسماعیل علیه السلام در «مسجد الحرام» برده فرمودند: «مردم گواه باشید که، زید فرزند من است! بدین جهت به عنوان زید بن محمد صلی الله علیه و آله مشهور شد. (سوره احزاب، آیه 38)

2- الصحیح من سیره النبی الأعظم صلی الله علیه و اله، ج 2، ص 125 و 126؛ تنقیح المقال، ج 3، ص 77؛ شوشتری، قاموس الرجال، ج 10، ص 431

و هوش و عاطفه ای سرشار، بود سرپرستی خواهر و خواهرزاده های خود را به عهده گرفت و پس از امضای پیمان زندگی مشترک با پیامبر صلی الله علیه و آله خواهرزاده ها هم چنان مورد مهر و محبت و در قلمرو سرپرستی و مراقبت مادرانه و آموزگار آن هاش بودند؛ به همین جهت برخی از مردم آنان را دختران حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله می پنداشتند، نه هاله! (1)

محمد دُخیل، در این باره می نویسد:

زینب و رقیه خلاف پندار برخی از تاریخ نگاران و آورندگان حدیث، دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و همسرش حضرت خدیجه علیها السلام، نبودند بلکه خواهرزاده های حضرت خدیجه علیها السلام و فرزندان هاله بودند؛ اما به جهت گمنامی هاله و شهرت جهانی حضرت خدیجه علیها السلام، به ایشان نسبت داده شده اند. (2)

علامه خبیر ابوالقاسم علی بن احمد بن موسی بن الإمام جواد علیه السلام، مشهور به ابوالقاسم کوفی (م 352 ق)، می گوید:

رقیه و زینب (همسران عثمان) دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام نیستند و این شبهه ای است که مردم عوام به دلیل عدم معرفت و فهم شان در مورد انساب ایجاد کردند. (3)

سپس به بررسی نسب رقیه و زینب می پردازد برخی محققان و اندیشه وران پژوهش های گسترده، تحلیلی مستند و جالبی در مورد دختران پیامبر صلی الله علیه و آله نموده اند و نظر آنان در این باره چنین است:

پژوهش گسترده ای که در مورد دختران ارجمند پیامبر صلی الله علیه و آله انجام شده، می توان چنین دریافت که ازدواج رقیه و ام کلثوم با پسران ابولهب و هم چنین جدایی از آنان به سبب تاریک اندیشی و یک دندگی شوهران شان

ص: 247

-
- 1- احمد بن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 38؛ ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه فی احوال النساء الشیعه، ج 2، ص 268.
 - 2- محمد دخیل، خدیجه علیها السلام، 11.
 - 3- ابوالقاسم علی بن احمد الکوفی الإستغاثه فی بدع الثلاثه، ج 1، ص 11 و 64: «زینب و رقیه به خاطر گمنامی هاله و علو درجه حضرت خدیجه علیها السلام، به آن حضرت نسبت داده شده اند»

در دشمنی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سپس ازدواج عثمان با آن دو یکی پس از دیگری واقعیت ندارد (1)

پس در واقع سه دختر با نام زینب، رقیه و کلثوم فرزندان هاله، خواهر حضرت خدیجه علیها السلام بوده اند و درست این است که بگوییم حضرت خدیجه علیها السلام (بنت خویلد) خواهری با نام هاله داشته که با مردی از بنی مخزوم ازدواج کرد. هاله از این مرد فرزندان آورد و وقتی همسرش از دنیا رفت پریشان شد! چون خواهرش، حضرت خدیجه علیها السلام ثروتمند بود خواهر و فرزندان را تحت کفالت خود قرار داد و پس از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله فرزندان در حجر ایشان ماندند و به آن حضرت منسوب گردیدند (2)

از این رو برخی پژوهشگران معتقدند که جز حضرت فاطمه علیها السلام بقیه، دختران خواهرزاده های حضرت خدیجه علیها السلام بودند که سال ها تحت سرپرستی خاله خود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار گرفتند. (3) اجماع عام و خاص راویان اخبار بر آن است که همه اشراف سادات و ثروتمندان، قریش از طاهره قریش خواستگاری کردند و آهنگ ازدواج با او را داشتند، ولی او امتناع و مخالفت می کرد. هنگامی که با حضرت محمد امین صلی الله علیه و آله ازدواج نمود زنان قریش بر او خشم گرفتند و او را ترک کردند و گفتند:

اشراف و بزرگان قریش از تو خواستگاری کردند ولی تو با هیچ کدام ازدواج

ص: 248

1- مناقب آل ابی طالب علیه السلام، ج 1، ص 160؛ بحار الأنوار، ج 22، ص 191

2- ریاحین الشریعه، ج 2، ص 269؛ سید محمد حسین حسینی همدانی انوار درخشان، ج 7، ص 414 «ربیه پیامبر صلی الله علیه و آله و خواهرزاده حضرت خدیجه علیها السلام بوده اند.» (سید امیر محمد قزوینی، آلوسی و التشیع، فصل 11 پاورقی ص 231) قیل إن رقیه و أم کلثوم کانتا ابنتی هاله أخت خدیجه رضی الله عنها من ذلك یقوی القول إنهما لیستا بناته، و قال جماعه آخرون کانتا ربیبته من جحش؛ گفته اند که رقیه و ام کلثوم، دختران هاله بودند و هاله خواهر حضرت خدیجه علیها السلام بود. از این رو، چنین می نماید که آن دو دختر از آن حضرت خدیجه علیها السلام نیستند. برخی نیز گفته اند که آن دو دختر، فرزندان جحش بوده اند.

3- أعلام النساء المؤمنات، ص 317 و 318؛ ذبیح الله محلاتی ریاحین الشریعه فی أحوال النساء الشیعه، ج 2، ص 269.

نگردی و با حضرت محمد صلی الله علیه و آله، یتیم ابوطالب - که فقیر است و مالی ندارد - ازدواج کردی! (1)

با این اوصاف، کسی که اهل دانش و بصیرت، باشد چگونه می تواند بپذیرد حضرت خدیجه علیها السلام با اعرابی از قبیله بنی تمیم ازدواج کرده و از ازدواج با سروران قریش، خودداری نموده باشد و چطور سروران قریش که از ایشان خواستگاری کردند و حضرت خدیجه علیها السلام آنان را رد کرد او را به عیب و عار متهم نساختند که چرا با وجود این همه خواستگار با یک اعرابی ازدواج کرده است؟! آیا می توان پذیرفت که حضرت خدیجه علیها السلام در ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از ناحیه قریش ملامت نگردیده، اما در ازدواج با یک اعرابی هیچ سرزنشی نشده باشد؟!

پس با توجه به آن چه نقل نمودیم شایعه ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با دو تن دیگر و پیش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تحریف عمدی تاریخی برای طرح عایشه به عنوان تنها دختری است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با او ازدواج کردند؛ چنان که طرح دامادی عثمان و ملقب کردن او به «ذوالنورین»، منحصرأً برای تراشیدن رقیب سیاسی در برابر مولای متقیان امیرمؤمنان علی علیه السلام است.

مؤید این مطلب روایتی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمودند:

یا علی! أُوتِيتَ ثَلَاثًا لَمْ يُؤْتَهُنَّ أَحَدٌ وَلَا أَنَا؛ أُوتِيتَ صِهْرًا مِثْلِي، وَلَمْ أُوتِ أَنَا مِثْلِي... (2)

ای علی! در زندگی سه امتیاز و ویژگی به تو ارزانی گردید که به هیچ کس دیگر از مردم حتی به من ارزانی نشد: به تو افتخار دامادی من داده شد، در حالی که من پدر همسری بسان تو ندارم! به تو همتا و همسری، مانند دخت فرزانه ام (حضرت فاطمه علیها السلام) عنایت شد در حالی که به من همتا و همدمی بسان تو ارزانی نگردید! به تو بدون واسطه پسرانی ارجمند و تاریخ ساز مانند حضرت حسن و حسین علیه السلام عنایت گردید اما به من

ص: 249

1- الصحيح من سیره النبی الأعظم صلی الله علیه و آله، ج 2، ص 123؛ علی ابوالقاسم کوفی، الإستغاثه فی بدع الثلاثه ج 1، ص 70.

2- احقاق الحق وازهاق الباطل، ج 5، ص 74؛ عبد الله شافعی، مناقب، ص 50

عنایت نشد؛ اما شما از من هستید و من از شما.

این روایت می فهماند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، دختری جز حضرت فاطمه علیها السلام و دامادی جز امام علی علیه السلام نداشته اند.

دشمنان چون تحمل این همه فضایل و مناقب را برای حضرت خدیجه علیها السلام نداشتند و از طرف دیگر می خواستند عایشه را مقابل آن حضرت، ، عَلم نمایند، به دو کار اقدام نمودند:

1. فضایل حضرت خدیجه علیها السلام را انکار و از کتب خود حذف کردند.

2. با جعل روایت و تحریف تاریخ آن حضرت را به گونه ای معرفی نمودند که عایشه بتواند مقابل ایشان قد عَلم کرده سرفرازی کند. این شگرد آنان بود و از قبل نیز برای جا انداختن خلافت خلفای سه گانه توجیه انتساب آنان به رسول خدا صلی الله علیه و آله با عنوان «خلیفه الرسول صلی الله علیه و اله» و نزد مردم و بستن دهان عوام برابر اشتباهات و اعمال خلاف دین و شرع به جعل روایات و حکایات تاریخی دست زدند و به واسطه آن، رسول اکرم صلی الله علیه و سلم را - نعوذ بالله - به عنوان مسلمانی بی قید و بند و متمایل به لهو و لعب معرفی کردند تا اگر فردی به خلفا خرده گرفت که هر روز حکمی از احکام الهی را عوض می نمایند و یا حکم تازه ای جعل می کنند و یا دستور به قتل بی گناهان می دهند و یا منافقان طرد شده - در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله - را نزد خود راه داده به آنان منصب و مقام می دهند و در عوض، یاران واقعی ایشان را طرد و تبعید کرده و یا دستور قتل آنان را صادر می کنند؛ در ، جواب پیامبری را معرفی می سازند که به مراتب از خلفایش پر اشتباه تر و به دنیا متمایل تر است؛ پیامبری که نه تنها مصداق «ما ينطق عن الهوی» نیست، بلکه پیوسته در تصمیم گیری ها اشتباه می کند و برای موضع گیری ها و برخوردهای خود برابر افراد اعتباری قائل نیست و دائم می گوید: «من فردی مانند شما هستم که ممکن است در جذب و یا طرد افراد و قضاوت درباره آنان اشتباه کرده باشم!» آنان این گونه پیامبری را به پیروان خودشان معرفی کرده اند، اما حاشا و کلا! اگر آیات قرآن و روایات وارده از ائمه اطهار علیهم السلام- در تبیین مقام و

شخصیت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نبود و برای شناخت آن حضرت فقط به تعاریف دشمنان درجه یک ایشان یعنی کفار قریش و یهودیان ساکن در مدینه و مسیحیان نجران و دیگر دشمنان اکتفا می شد، در شناخت عظمت وجودی ایشان و مبرا بودن ساحت مقدس شان از بافته های منافقان کافی بود.

پس ملاحظه می کنید که این روش یعنی پایین آوردن مقام بزرگان دین در انظار مردم برای رسیدن به اهداف پلیدی که در دستور کار خود داشتند، شگرد آنان بود؛ شگردی که به واسطه آن فقط خدا می داند چقدر مردم را از وصول به، حقیقت دور و سمت آنان جذب نمود.

نسبت چهل ساله بودن حضرت خدیجه علیها السلام، هنگام ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله و هم چنین بیوه بودن ایشان نیز از نتایج همین شگرد منافقان است. اما این تهمت با واقعیت زندگی حضرت خدیجه علیها السلام فاصله بسیاری دارد؛ زیرا این نسبت با عقاید حقه ناسازگاری و منافات دارد و از لحاظ تاریخی نیز فاقد وجاهت و اعتبار کافی است که در ادامه به تفصیل این دو می پردازیم:

ناسازگاری بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام، با مبانی اعتقادی تشیع

یکی از ضروریات اعتقادی مذهب حقه جعفری عصمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان است. معنای اولیه ای که از این کلمه در ذهن انسان وارد می شود دوری از گناه و اشتباه و فکر آن است. این معنایی درست و مطابق با موازین اعتقادی است، در برگیرنده تمام مفهوم آن نیست. کامل ترین معنای، عصمت در قرآن مجید و در آیه تطهیر (1) وارد شده است. خداوند در این آیه اهل بیت علیهم السلام را از هر گونه پلیدی مبرا گردانیده و دارای مقام تطهیر دائم معرفی فرموده است.

عصمت از گناه، فکر آن و اشتباه در برگیرنده یک قسمت از معنای آیه تطهیر است، اما این آیه، نوعی دیگر از عصمت را نیز متوجه این بزرگواران می کند.

ص: 251

1- (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) (سوره احزاب، آیه 33).

اغلب در بیان معنای عصمت غفلت می شود، یعنی دوری از هر گونه ناپاکی. این ناپاکی دارای مصادیق بسیاری است؛ یکی از آن مصادیق، آلودگی آبا و اجداد معصومان علیهم السلام به انجاس زمان جاهلیت است و در این آیه به طور کلی این مسأله نفی شده است. مؤید ما بر اثبات این مطلب، عباراتی است که در اغلب زیارت نامه های وارده از معصومان علیهم السلام آمده که فرموده اند:

(كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ، وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُجَسِّكِ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا)؛ (1)

شما نوری در صلب های مردان بلند مرتبه و در رحم های زنان پاک بودید که جاهلیت شما را با آلودگی های خود نیالود

حال اگر کسی معتقد باشد که یکی از اجداد پدری یا مادری این بزرگواران، عاری از طهارت و آلوده به انجاس جاهلیت است در مسیر انکار این اصل ضروری دین قرار گرفته از دایره دین خارج می گردد. حال با این مقدمه دیگر وجه ناسازگاری بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام با مبانی اعتقادی تشیع، آشکار می شود؛ زیرا بنابر آن چه در کتب تاریخی تحریف شده در مورد ایشان آمده آن حضرت قبل از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، با دو نفر کافر بت پرست به نام های عتیق بن عائد مخزومی و ابوهاله ازدواج نموده و از آنان صاحب اولاد شده بودند. این درست خلاف مبانی اعتقادی شیعه است ازدواج آن حضرت با دو کافر بت پرست ایشان را از دایره طهارت خارج و قابلیت مادری برای حضرت زهرا علیها السلام و ائمه هدی علیهم السلام را از وی سلب می کند؛ زیرا معصومان علیهم السلام، از مصادیق «آیه تطهیر» هستند و باید از هر گونه ناپاکی مبرا باشند؛ یکی از آن ناپاکی ها غرقه شدن پدران و مادران ایشان به آلودگی های جاهلیت است.

حضرت خدیجه علیها السلام، موحد و تابع شریعت حضرت عیسی علیه السلام بوده اند. طبق شریعت های توحیدی، ازدواج موحد با کافر مشرک حرام است و اگر چنین

ص: 252

ازدواجی خلاف دستور دین صورت گیرد باطل محسوب می شود. با این حساب ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با عتیق و ابوهاله از لحاظ دینی حرام است و در صورت وقوع آن، ازدواجی غیر شرعی محسوب شده و این خود، با طهارت منافات دارد.

حال در این جا افرادی که با توجه به تاریخ تحریف شده، ازدواج های حضرت خدیجه علیها السلام با عتیق و ابوهاله را تأیید می کنند مقابل دو قضیه متناقض قرار می گیرند:

1. ادعای تاریخی مبنی بر ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با دو کافر که با قبول آن، باید معتقد به خروج ایشان از طهارت و عدم قابلیت برای مادری معصومان علیهم السلام باشند، حال آن که حضرت خدیجه علیها السلام، در واقع ما در این بزرگواران بوده اند.

2. اصل اعتقادی عصمت برای معصومان علیهم السلام که به واسطه آن باید به پاکی پدران و مادران ایشان معتقد باشند بنابراین با قبول قضیه اول اصل اعتقادی عصمت که از ضروریات دین است زیر پا گذارده می شود و با قبول اصل عصمت، مسأله تاریخی ازدواج ایشان با دو کافر بت پرست محال می گردد. آن چه در این دو مسأله متناقض برای ما روشن است: این که ازدواج ایشان با دو کافر بت پرست، مسأله ای تاریخی است که به خودی خود، دارای هیچ گونه اعتبار و حجیت شرعی نیست؛ یعنی نه در کتاب خداوند و نه در سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام، برای آن مویدی یافت نمی شود که به واسطه آن، دارای اعتبار و حجیت شود؛ به ویژه این که تاریخ صدر اسلام، مملو از تحریف است؛ با توجه به این مطلب دیگر هیچ وجه عقلایی برای اتکا به آن تاریخ تحریف شده یافت نمی شود.

دوم این که طهارت آبا و اجداد معصومان علیهم السلام، اصل ضروری دین است که اعتقاد به آن واجب و اعتقاد نداشتن به آن موجب خروج از دین می گردد. پس با این حساب در مواجهه با این دو قضیه و موارد مشابه آن، آن چه پذیرفته می شود، اصل اعتقادی است و آن چه طرد می گردد مسائل تاریخی متناقض با

آن است و این - نصب العین قرار دادن اصول اعتقادی در هنگام مطالعه و تحقیق تاریخ صدر اسلام - تنها راه فهم تحریفات تاریخ و فرار از انحرافات عقیدتی است. زیرا هدف دشمنان دین در مسأله تحریف تاریخ، جز منحرف کردن مخاطبان آن از اصول عقیدتی و دور نگه داشتن آنان از حقیقت زندگی اولیای دین نبوده است.

عدم اعتبار بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام از نظر تاریخ

بنابر آن چه گذشت اعتقاد به ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با دو نفر کافر بت پرست، با اصول اعتقادی شیعه مغایرت دارد و هیچ تردیدی در بطلان آن نباید داشت اما نکته جالبی که لازم است در این جا به آن اشاره نمود منابع اولیه ای است که به این نکته پرداخته اند. این مطالب، برگشت به اهل سنت دارد و به طور حتم می توان گفت که در هیچ یک از کتب روایی و تاریخی شیعه رد پایی از این ادعا یافت نمی شود و این خود جای تأمل بسیاری دارد. اگر شخصی به کتب تاریخی و روایی اهل سنت اندک مراجعه ای داشته باشد متوجه می شود که این کتاب ها دارای موارد متضاد و متناقض بسیاری هستند که اعتبار آن ها نه فقط از طریق شیعه، بلکه از طرف علمای اهل سنت نیز مورد خدشه است. برای مثال در بین کتب روایی اهل سنت، صحاح شش گانه از اعتبار خاصی برخوردار است و در بین این کتب صحیح بخاری بیشتر اعتبار دارد، طوری که اگر ادعا شود، اهل سنت بعد از قرآن به هیچ کتابی به اندازه صحیح بخاری توجه ندارند ادعای گزافی نیست؛ با این حال کتب زیادی در تنقیح احادیث صحیح بخاری نوشته شده که به بسیاری از احادیث، آن خدشه وارد کرده اند؛ زیرا احادیث ساختگی و نیز نقل های تاریخی تحریف شده فراوانی در این کتاب وجود دارد که تعصب و دشمنی با اهل بیت علیهم السلام را می توان از مهم ترین ادله جعل و ورود این احادیث و نقل های تاریخی به این کتاب دانست.

حال با اوضاع وخیمی که کتب روایی و تاریخی اهل سنت دارد، نقل این

مسأله آن هم فقط از طریق اهل سنت قابل تأمل است؛ زیرا بانیان انحراف و غاصبان خلافت برای اثبات موضع خود در بین مردم، به جعل و تحریف تاریخ دین دست زدند که نتیجه آن را امروز می توان در کتب روایی و تاریخی بقایای، آنان یعنی اهل سنت مشاهده نمود.

ممکن است این اشکال مطرح شود که این مسأله، در بعضی کتب روایی و تاریخی شیعه نیز وارد شده که در جواب می گوئیم:

اولاً نقل های وارده در کتب روایی و تاریخی شیعه در این باره نیز به علت برگشت به منابع اهل سنت فاقد وجاهت و اعتبار است.

ثانیاً بزرگان علمای شیعه مانند سید مرتضی، شیخ طوسی، ابوالقاسم کوفی، ابن شهر آشوب، علامه مامقانی و... در کتب خود، زیر بار این مسأله نرفته اند و به «عذراء» بودن حضرت خدیجه علیها السلام تأکید کرده اند علامه مجلسی نیز در کتاب شریف بحار الأنوار با ذکر روایتی سن ازدواج ایشان را 28 سال بیان کرده است. (1)

در نتیجه باید گفت: نقش عایشه در تخریب شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام و نیز با توجه به تصریح تاریخ نگاران به این که ایشان هنگام ازدواج دختری بکر بودند، هر محققى را وادار می کند که به موضوع ازدواج های حضرت خدیجه علیها السلام با دیده تردید بنگرید. با اندکی تدبیر هم به 28 ساله بودن ایشان هنگام ازدواج هم به نخستین ازدواج ایشان و هم به داشتن تنها یک فرزند آن هم دختری بافضیلت یعنی حضرت زهرا علیها السلام می توان پی برد. از این رو، حضرت ابوطالب علیه السلام در خطبه عقد ازدواج ایشان فرمود:

برادرزاده ام از دختر شما که بانویی با فضیلت مشهور به عفت و سخاوت و دوشیزه ای بلند جایگاه هستید خواستگاری می کند. (2)

مرحوم آیت الله نمازی شاهرودی می نویسد:

ص: 255

1- بحار الأنوار، ج 16، ص 12.

2- همان، ج 22، ص 216.

إن زینب و رقیة کانتا ربیبته من جحش و أمهما زینب؛ (1)

زینب و رقیة دختران جحش بودند و مادرشان زینب بود

حضرت خدیجه علیها السلام سرپرستی این دو را به عهده داشت. بدین ترتیب، یکی دیگر از فضایل این بانوی بزرگ آشکار می گردد که ایشان علی رغم مجرد بودن و مشکلاتی که در امر تعلیم و تربیت وجود داشته سرپرستی فرزندان خواهر خویش را نیز پذیرفته است.

ناقلان ازدواج های دروغین حضرت خدیجه علیها السلام

اشاره

راویان ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام پیش از پیامبر صلی الله علیه و آله، سه نفر هستند:

1. هشام بن محمد بن سائب کلبی

علمای علم رجال قائلند به این که وی مبتلا به مرضی شد و همه چیز را فراموش کرد (2) حال با وجود این، فراموشی چگونه می توان به گفته او در این باره اطمینان نمود؟!

2. زبیر بن بکار

محمد بن اسحاق، خراسانی درباره وی می گوید:

از علی بن محمد نوفلی شنیدم که بین قبر و منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله که باغی از باغ های بهشت است، مردی از «بنی هاشم»، زبیر بن بکار را درباره موضوعی قسم داد! زبیر قسم دروغ خورد؛ بلافاصله به مرض برص مبتلا شد.

پدر زبیر بر امام رضا علیه السلام درباره چیزی ستم کرد! حضرت، او را نفرین نمودند؛ بلافاصله از قصر سقوط کرد و گردنش کوبیده شد پدر بکار (عبدالله)، نیز سابقه خوبی نداشت. او عهدنامه بین هارون الرشید و یحیی بن عبدالله بن حسن را پاره کرد و به هارون گفت که یحیی را بکشد؛ زیرا دیگر امان نامه ای وجود ندارد.

ص: 256

1- مستدرک سفینه البحار علی نمازی شاهرودی، ج 2، ص 396

2- ابوالعباس احمد النجاشی کوفی اسدی، رجال، ص 434

یحیی به هارون گفت:

این مرد دیروز با برادرم در قیام علیه تو شرکت داشت و حتی اشعاری را در این زمینه سرود!

عبدالله، منکر شد! یحیی او را قسم داد! عبدالله قسم دروغ خورد و حاشا کرد و بعد از سه روز مُرد! چندین مرتبه او را دفن کردند ولی قبر او را نپذیرفت! (1)

زبیر بن بگار در مکه قاضی بود و در سال 265 قمری و در 84 سالگی از دنیا رفت. وی کتابی درباره انساب قریش نیز نگاشته است. او را در روایتی مذمت کرده اند، همان طور که پدر و جدش نیز مذمت شده اند. (2)

شیخ محمد تقی شوشتری درباره قاموس الرجال وی می نویسد:

زبیر بن بگار هذا معلوم حاله وعدائه لأهل البيت عليهم السلام و كان يعرف بالوضع والكذب حتى عند العامة؛ (3)

حال زبیر بن بگار معلوم است که از دشمنان اهل بیت علیهم السلام بوده، به دروغ گویی و جعل احادیث، نزد علمای عامه معروف است. شیخ مفید نیز درباره وی می گوید:

اعتمادی به گفته های زبیر بن بگار نیست؛ زیرا در آن چه نقل کرده به دشمنی با حضرت علی علیه السلام متهم است. (4)

3. قتاده بن دعامة

ابوحزمه ثمالی نقل می کند:

در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودم که مردی وارد شد و گفت: «آیا اباجعفر محمد بن علی علیه السلام را می شناسی؟ گفتم: «آری! چه حاجت داری؟!» گفت: «چهل مسأله دارم می خواهم از او بپرسم...» حرفش تمام

ص: 257

1- محمد بن علی الاردبیلی الغروی الحائری، جامع الرواه، ج 1، ص 125

2- شیخ موسی زنجانی، الجامع فی الرجال، ص 786؛ شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 2، باب 48، ص 226.

3- قاموس الرجال، ج 4، ص 408

4- عباس قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار، ج 1، ص 542.

نشده بود که امام باقر علیه السلام وارد شدند؛ اطراف ایشان را عده ای از خراسانی ها و غیره گرفته بودند و از مناسک حج می پرسیدند. چیزی نگذشت که حضرت نشستند و از او پرسیدند: «کیستی؟» گفت: «قتاده بن دعامه بصری». حضرت پرسیدند: «تو فقیه اهل «بصره» هستی؟» جواب داد: «آری» حضرت فرمودند: «وای بر تو! خدا انسان را خلق کرد و بر آنان حجت قرار داد و آنان پایه های استوار زمین و قائمین به علم خدایند. خداوند آنان را پیش از ایجاد خلق برگزید و انوارشان در طرف راست عرش خدا قرار دارد». پس مدتی ساکت ماندند! قتاده گفت: «به خدا قسم! نزد فقهای زیادی نشسته ام، حتی نزد ابن عباس؛ آن چنان که اکنون قلبم به تپش و لرزه در آمد، نزد آنان چنین حالتی نیافتم!» حضرت فرمودند: «وای بر تو! آیا می دانی این جا کجاست؟» «فی بیوت اذن الله أن ترفع و يذكر فيها اسمه، یسبح له فيها بالغدو والآصال، رجال لا تلهيهم تجارة و لا بیع عن ذکر الله وإقام الصلاة وإيتاء الزكاة فانت ثم ونحن اولئك»؛ (این چراغ پر فروغ) در خانه هایی قرار دارد که خداوند اجازه داده دیوارهای آن را بالا برند تا از دست رس شیاطین و هوس بازان در امان باشند؛ خانه هایی که نام خدا در آن ها برده می شود و صبح و شام در آن جا تسبیح گویند؛ مردانی که تجارت و معامله، آنان را از یاد خدا برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی نماید! تو در چنین مکانی هستی و ما از آن جا هستیم...» (1)

ابن حجر عسقلانی از اسماعیل قاضی نقل می کند که وی در احکام القرآن گفته است:

از علی بن مدائنی شنیدم که می گفت: آن چه او (قتاده بن دعامه) نقل می کند ضعیف است (2)

حنظلة بن ابی سفیان نیز می گوید:

طاووس یمانی از قتاده فرار می کرد و حاضر به ملاقات با او نبود، چون او را

ص: 258

1- شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداه، ج 3، ص 42.

2- ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج 8، ص 356

شمس الدین ذهبی در این باره می نویسد:

قتاده بن دعامة الدوسی، مدلس (2) و فریب کار است و می گفتند عقیده قَدْرِيّه (3) دارد. (4)

باکره بودن مادران ائمه اطهار علیهم السلام

اشاره

از احادیثی که درباره مادران با فضیلت ائمه علیهم السلام وارد شده به دست می آید که برخی از آنان کنیز بوده اند، اما تا زمانی که به همسری امام علیه السلام در آمده اند، دست هیچ انسانی به آنان نرسیده است. این مطلب، گویای این حقیقت است که اراده پروردگار درباره آنان تعلق گرفته که به صورتی پاک، نزد همسر خودشان رسند و ظرفی که نور مقدس امام علیه السلام در آن قرار می گیرد؛ از هر پلیدی و آلودگی منزّه باشد.

اکنون به زندگی نامه چند تن از مادران ائمه علیهم السلام اشاره می شود، تا تأییدی بر مدعای ما درباره حضرت خدیجه علیها السلام باشد:

ص: 259

1- همان، ج 8، ص 353.

2- «مدلس» به کسی گفته می شود که حدیث ضعیف روایت می کند. (الرائد، ذیل کلمه «مدلس»)

3- طبق اخبار و روایات به کسانی که به «جبر» قائل می باشند، «قَدْرِيّه» گفته می شود اما مطابق بعضی از روایات دیگر مراد از «قدریه» معتقدان به تقویض هستند. (عباس قمی، سفینه البحار، ذیل کلمه «قدر») «قال النبي صلى الله عليه وآله: القَدْرِيه مجوس هذه الأُمَّه»؛ قدریه مجوس ابن امت هستند» در روایت دیگر فرمود: القَدْرِيّه خصماء الله في القدر؛ قَدْرِيّه، دشمنان خدا درباره مقدرات الهی هستند. (عبدالکریم شهرستانی، الملل و النحل، ج 1، ص 43) سید بن طاووس نقل می کند که جماعتی از علمای اسلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده اند: لعنه القَدْرِيّه علی لسان سبعین نبیا، قیل و من القَدْرِيّه یا رسول الله؟ فقال: قوم یزعمون الله سبحانه قدر علیهم المعاصی و عذبها علیها؛ هفتاد پیامبر قَدْرِيّه را نفرین کرده اند گفته شد: ای رسول خدا! قَدْرِيّه چه کسانی هستند؟ فرمود: جماعتی هستند که می پندارند خداوند بر آنان گناه و معصیت را تقدیر نموده و با این حال آنان را بر این گناه عذاب می نماید.»

4- شمس الدین ذهبی، میزان الاعتدال، ج 3، ص 385

1. مادر گرامی امام زین العابدین علیه السلام

جابر به نقل از امام باقر علیه السلام بیان می دارد:

وقتی دختر یزدگرد (آخرین پادشاه ساسانی) را به مدینه و نزد عمر آوردند، مردم مدینه گرد او جمع شدند؛ عمر تصمیم گرفت که او را بفرشد! امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند: «دختر پادشاهان را نباید فروخت، اگر چه کافر باشند. ولی او را مخیر کن تا از مسلمانان مردی را به عنوان شوهر برگزیند. سپس او را به ازدواج آن مرد در بیاور و مهریه اش را از بیت المال ده!» عمر گفت: «انجام دهید!» شهربانو آمد و دست بر شانه امام حسین علیه السلام گذاشت. امیر مؤمنان علی علیه السلام به فارسی فرمود: چه نام داری؟ گفت: «جهان شاه!» امیر مؤمنان علی علیه السلام به امام حسین علیه السلام فرمودند: او را نگهداری کن و به او احسان نما؛ زیرا فرزندی به دنیا می آورد که بهترین اهل زمان بعد از تو باشد و او مادر اوصیا و ذریه طیبه است». پس از مدتی امام زین العابدین علیه السلام را به دنیا آورد و به روایتی در مرض نفاس از دنیا رفت.

علت این که، شهربانو امام حسین علیه السلام را اختیار کرد این است که پیش از اسارت به دست لشکر اسلام در عالم رؤیا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دید و به دست ایشان مسلمان شد. خودش در این باره می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که به خانه ما آمدند، در حالی که امام حسین علیه السلام همراه او بود به دست ایشان مسلمان شدم و مرا به ازدواج او در آوردند! شب بعد حضرت فاطمه علیها السلام را در خواب دیدم که به من فرمودند: «به همین زودی مسلمانان غلبه می کنند و به وصال فرزندم حسین علیه السلام خواهی رسید در حالی که صحیح و سالم بوده و از جانب مسلمانان، هیچ بدی به تو نخواهد رسید». تا به حال که به مدینه رسیدم دست هیچ انسانی به من نرسیده است. (1)

2. مادر گرامی امام موسی بن جعفر علیه السلام

وقتی حمیده بربریه مادر گرامی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را نزد امام

ص: 260

باقر علیه السلام آوردند، حضرت فرمودند: «نام تو چیست؟» جواب داد: «حمیده». حضرت فرمودند: «حمیده فی الدنیا و محمودة فی الآخرة؛ «یعنی ستوده در دنیا و آخرت». سپس سپس حضرت پرسیدند: «باکره هستی یا بیوه؟» جواب داد: «باکره هستم!» حضرت فرمودند: «برده فروشان کنیزی را به دست نمی آورند مگر این که او را فاسد می کنند!» جواب داد: «آری! اما هر گاه مولای من قصد مرا می کرد، مردی که سر و محاسن او سفید بود می آمد و سیلی محکمی به او می زد تا از جای خود حرکت می کرد و این موضوع چند بار تکرار شد». (1)

معلی بن خنیس به نقل از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

حمیده از هر آلودگی پاک است مانند طلای گداخته شده که ناخالصی آن را گرفته باشند همواره ملائکه از او محافظت می کردند تا این که وی را به من رساندند. اگر کرامتی از ناحیه خداست بر من و حجت بعد از من موسی بن جعفر علیه السلام است. (2)

3. مادر گرامی امام رضا علیه السلام

هشام بن احمد می گوید:

ابوالحسن اول (حضرت موسی بن جعفر علیه السلام) به من فرمودند: «می دانی از اهل مغرب کسی آمده است؟» (منظور حضرت، برده فروشان بود) گفتم: «نه!» فرمود: «چرا! مردی سرخ روی، آمده با من بیا!» با حضرت رفتیم تا آن مرد را ملاقات کردیم؛ مردی از اهل مغرب بود و کنیزهایی به همراه داشت. حضرت فرمود: «کنیزها را ببینم!» مغربی نه کنیز را نشان داد. حضرت آنان را نپسندیدند و کنیز دیگری خواستند! گفتم: «ندارم! تنها کنیزی مریض نزد من هست» و از فروش او سرپیچی کرد به اتفاق حضرت برگشتیم فردای آن روز حضرت به من فرمودند: «برو و همان کنیز را خریداری کن!» رفتم و آن کنیز را خریدم مرد مغربی به من گفت: «آن آقایی که دیروز در خدمت

ص: 261

1- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج 1، ص 476؛ اثبات الوصیه، ص 185.

2- حاج علی فضل بیرجندی، حضرت خدیجه علیها السلام مظلومه تاریخ، ص 65

او بودی، چه کسی است؟» گفتم: «مردی از بنی هاشم» گفت: «بیش تر توضیح بده!» گفتم: «بیش از این نمی دانم!» گفت: «ویژگی های این کنیز را بر تو می گویم. من او را از دورترین نقطه مغرب خریدم». زنی از اهل کتاب او را دید و گفت: «چرا این کنیز با تو است؟» گفتم: «برای خودم خریده ام» گفت: «سزاوار نیست که این کنیز نزد تو و امثال تو باشد، بلکه شایسته است که نزد بهترین خلق روی زمین باشد که پس از مدت کوتاهی از او فرزندی به دنیا آید که شرق و غرب عالم مقابل او گردن نهند». پس از مدتی، امام رضا علیه السلام از این مادر به دنیا آمدند. (1)

علی بن میثم از پدرش نقل کرده:

وقتی مادر حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام، مادر گرامی امام رضا علیه السلام را خرید، حمیده گفت: «در عالم خواب رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که فرمود: حضرت نجمه علیها السلام را به فرزندت حضرت موسی علیه السلام هبه کن؛ زیرا به همین زودی بهترین اهل زمین از او به دنیا خواهد آمد». سپس او را به فرزندم حضرت موسی علیه السلام هبه کردم وقتی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام از او به دنیا آمدند نامش طاهره گذاشته شد. (2)

پدر علی بن میثم از مادرش نقل کرده:

وقتی حضرت حمیده علیها السلام، حضرت نجمه علیها السلام را خرید او باکره بود. (3)

زیارات وارده هم مؤید این مسأله است.

صفوان جمال بیان می دارد که امام صادق علیه السلام فرمود:

چون به در حائر حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام رسیدی، بایست و بگو: - الله أكبر کبیرا و الحمد لله کثیراً - وقتی کنار قبر مبارک رسیدی بگو: - السّلام علیک یا وارث آدم صفوة الله - تا این جملات - یا مولای یا ابا عبدالله، أشهد أنك نوراً فی الأصلاب الشّامخه، و الأرحام المطّهره، لم تتجسک

ص: 262

1- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ص 14.

2- همان

3- همان

الجاهلیة بأنجاسها و لم تلبسك من مدلهّمات ثیابها؛ «گواهی می دهم که شما در صلب های (پشت های) فرزنده و رحم های پاک و برازنده بودید؛ به پلیدی های دوران جاهلیت آلوده نگشتید و از جامه های درهم و برهم آن نپوشیدید». (1)

صفوان بیان می دارد که امام صادق علیه السلام فرمودند:

در روز اربعین و وقتی آفتاب بلند شده، حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را با این عبارات زیارت کن: السّلام علی ولی الله و حبیبه، السّلام علی خلیل الله و نجیبه... أشهد أنك كنت نوراً في الأضلاب الشّامخة و الأرحام المّطهرة...؛ «گواهی می دهم که شما در صلب های (پشت های) فرزنده و رحم های پاک و طاهره بودید...». (2)

پیامبر صلی الله علیه و آله نیز فرمودند:

(لَمْ يَزَلْ يَنْقُلُنِي اللَّهُ مِنْ أَصْلَابِ الظّاهِرِينَ إِلَى أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ حَتَّى أَخْرَجَنِي فِي عَالَمِكُمْ هَذَا لَمْ يَدَنْسَنِي بِدَنَسِ الْجَاهِلِيَّةِ)؛ (3)

«همواره خداوند مرا از صلب پدران پاک به رحم های مادران پاک منتقل می ساخت تا زمان شما و هرگز مرا به آلودگی های دوران جاهلیت آلوده نساخت».

بیان عایشه درباره حضرت خدیجه علیها السلام

شعبی از مسروق و او به نقل از عایشه بیان می دارد:

رسول خدا صلی الله علیه و آله از خانه خارج نمی شد مگر این که نام حضرت خدیجه علیها السلام را به نیکی یاد می نمود! روزی نام او را بر زبان جاری کردند و از او تجلیل فرمودند. به غیرتم برخورد! گفتم: «او فقط پیرزنی بود! خدا بهتر از او به شما داده است!» رسول خدا صلی الله علیه و آله آن چنان خشمگین شدند، که موهای جلو سرشان به حرکت درآمد! (بعد از فرو نشاندن غضب) فرمودند:

ص: 263

- 1- عبّاس قهّی، مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام
- 2- محمّد باقر مجلسی، زاد المعاد زیارت امام حسین علیه السلام
- 3- لأبي الفضل بن الحسن طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج 7، ص 207.

در حقیقت نظر عایشه از بیان این مطلب سرزنش و به سخره گرفتن حضرت خدیجه علیها السلام بوده است. او نهایت دشمنی را با بیان کلمه «پیرزن» به ظهور می رساند. حال اگر حضرت خدیجه علیها السلام پیش از پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرده بود، آیا بیوه بودن او برای سرزنش و مسخره کردن سزاوارتر نبود؟!

کیفیت انعقاد نطفه حضرت فاطمه علیها السلام

مرحوم مجلسی روایتی را در این باره نقل می کند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله با گروهی از افراد همچون حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام حضرت حمزه علیه السلام؛ عمار یاسر عباس، منذر بن ضحاح، ابوبکر و عمر در ابطح نشسته بودند. جبرئیل امین نازل شد و گفت: «پروردگار عالم تو را سلام می رساند و می فرماید: "لازم است تا چهل شبانه روز از حضرت خدیجه علیها السلام جدا شوی!" این دستور کمی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله دشوار آمد، زیرا نسبت به حضرت خدیجه علیها السلام، محبت فراوان داشتند! پس چهل شبانه روز را به عبادت سپری کردند و روزها روزه گرفتند. پیامبر صلی الله علیه و آله، عمار یاسر را نزد حضرت خدیجه علیها السلام فرستادند و فرمودند: «به حضرت خدیجه علیها السلام بگو: دستور پروردگار است و گمان مبر که جدایی من به واسطه پدید آمدن کدورتی از توست! به راستی پروردگار عالم روزی چندین مرتبه به تو بر فرشتگان مقرب خود مباحثات می کند من اکنون در خانه حضرت فاطمه بنت اسد علیها السلام هستم!» (2)

حضرت خدیجه علیها السلام می گوید: «روزی چندین مرتبه از دوری پیامبر صلی الله علیه و آله، مرا حزن و اندوه می گرفت!» چون چهل شبانه روز گذشت، جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: «ای رسول خدا! پروردگارت سلام می رساند و می فرماید: "برای تحیت و تحفه خدا مهیا باش!"» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «تحیت و تحفه خدا

ص: 264

1- ابن اثیر، أسد الغابه، ج 5، ص 438

2- بحار الأنوار، ج 16، ص 79.

چیست؟ جبرئیل علیه السلام گفت: «یا رسول الله! پروردگار امر کرده که امشب افطار شما از این غذا باشد!» حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام گفت: «چون پیامبر صلی الله علیه و آله در شب های گذشته قصد افطار داشتند، می فرمودند: در خانه باش و هر کس مایل است بیاید و با من افطار کند!» اما چون شب چهلم فرا رسید فرمودند: «این غذا بر غیر من حرام است؛ پس در خانه نشستم و کسی را به خانه راه ندادم».

رسول خدا صلی الله علیه و آله، سر پوش را از طَبَق برداشتند خوشه ای از رطب و خوشه ای از انگور دیدند پس از آن ها تناول کردند و از آب بهشتی که همراه آن ها بود آشامیدند. سپس جبرئیل علیه السلام آب ریخت و میکائیل علیه السلام دست مبارکش را شست. سپس اضافه غذا به آسمان رفت. رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستادند تا نماز بخوانند. جبرئیل علیه السلام گفت: «از نماز (مستحبی) صرف نظر نما و نزد حضرت خدیجه علیها السلام برو؛ زیرا اراده خداوند تعلق گرفته که امشب از صلب تو، فرزند پاکی خلق نماید».

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله، به خانه حضرت خدیجه علیها السلام رفتند. حضرت خدیجه علیها السلام می گوید: «همه شب درهای خانه را بسته پرده های اتاق را، آویخته چراغ را خاموش می کردم و تنها می خوابیدم». چون شب چهلم فرا رسید، بین خواب و بیداری بودم که در خانه زده شد. گفتم: کیست کوبنده در؟ صدای مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله را شنیدم که با شیرینی گفتار همراه بود: «خدیجه! در خانه را باز کن!» با خوش حالی، حرکت کردم و در خانه را باز نمودم. هر گاه پیامبر صلی الله علیه و آله داخل خانه می شدند، آب می طلبیدند و وضو می گرفتند، سپس دو رکعت نماز می خواندند و در پی آن داخل فراش خودشان می شدند اما آن شب چنین نکردند بلکه بازوی مرا گرفتند و داخل بستر شدند به آن خدایی که آسمان را برافراشت و از زمین آب جاری، نمود پیامبر صلی الله علیه و آله از من جدا نشدند مگر این که حمل حضرت فاطمه علیها السلام را در خود حس کردم!» (1)

حال این سؤال مطرح می شود که چطور ممکن است، نطفه برترین زنان

ص: 265

عالم که با این تشریفات ویژه منعقد شده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم از طرف خداوند مأموریت می یابند، چهل شبانه روز از حضرت خدیجه علیها السلام فاصله گیرند و روزها را روزه گرفته شب ها به عبادت پردازند و در شب چهلم هم با طعام بهشتی افطار کنند؛ اکنون این نطفه در رحم بانویی قرار گیرد که باکره نبوده و دو نفر کافر که از پست ترین طوایف عرب بودند پیش از این با آن حضرت ازدواج نموده باشند؟!!

سؤال دیگر این که بزرگان قریش و عرب برای خواستگاری حضرت خدیجه علیها السلام مراجعه کردند و او حاضر به ازدواج با آنان نشد؛ حال چگونه ممکن است که حاضر به ازدواج با دو نفر از پست ترین قبایل عرب، یعنی بنی تمیم (1) شده باشد و سپس نطفه حضرت فاطمه علیها السلام در چنین رحمی قرار گیرد و نشو و نما کند؟!!

ص: 266

1- اهل سَیْر و ارباب تواریخ آورده اند که «بنی تمیم» مسکین و فقیر و اخمل و اجهل بطون عرب و اسقط در جاهلیت بودند ایشان را قدر و جاهی نبود دغفل نشابه می گوید: «در ایشان (بنی تمیم) هرگز سیدی مشهور و تاجری معروف و جوادی مذکور نبود». ابوالعباس می گوید: «حجر بن جوین به پدرش گفت: جمله "قبایل عرب را هجو کردی جز بنی تمیم را؟ سبب چه بود که ایشان را هجو نکردی؟" گفت: "پسرم! برای آنان حسبی نیافتم که او را ضایع و نه خانه ای که آن را منهدم و خراب کنم!" (عماد الدین، کامل بهائی، ج 2، ص 34).

خدیجه بنت خویلد متولد دهم ماه رمضان سال دهم بعثت از بانوان تأثیرگذار و جریان ساز در تاریخ صدر اسلام است. حمایت مادی و معنوی از رسول خدا صلی الله علیه و آله دامن پر مهر مادرانه وی در پرورش اول بانوی اسلام حضرت فاطمه صدیقه علیها السلام که زمینه ساز ظهور یازده حجت الهی شد همگی دال بر ضرورت تکریم و تجلیل از شخصیت والای این بانوی بزرگوار است. لذا به نظر می رسد تحدید و تبیین آثار منتسب به ایشان موجب نکوداشت و ثبات نام و خاطره این بانوی فداکار در اذهان خواهد شد.

بر این پایه در این مختصر اشاره ای گذرا و کوتاه به باز شناسایی موقعیت منزل و مقبره این بانوی فداکار خواهد شد که سالیان متمادی مزار حاجیان، بود اما با افسوس، فراوان امروزه به بهانه مبارزه با شرک، اثری از آن ها باقی نیست. تحقق این امر ما را بر آن داشت تا با مراجعه گذرا به سفرنامه های نگاشته شده در زمان بقای اماکن منتسب به حضرت خدیجه علیها السلام، تصویری اجمالی از آن ها ترسیم نماییم از این رو از سفرنامه های حاجیان در عهد قاجار سود جسته ایم. (1)

واژگان کلیدی

پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام، حضرت خدیجه علیها السلام، سفرنامه، مقبره اتاق بقعه.

ص: 267

سفرنامه هایی که به این موضوع اشاره کرده اند عبارتند از:

1. تذکره الطریق فی مصائب حجاج بیت الله العتیق از حافظ محمد عبدالحسین کرناکی هندی در 1230 قمری

«وقت عصر بعد رفتن به حرم به مولود [کذا، ظ: مولد] النبی و به مولود حضرت سیده نساء العالمین و به خانه حضرت خدیجه الکبری و به خانه حضرت امیر صلی الله علیه و آله رفته، زیارت کرده نماز مغرب به حرم کرده به خانه آمدم». (1)

2. سفرنامه مکه از میرزا علی اعتماد السلطنه در 1260 قمری

«مقام ابراهیم و جبرائیل و حجر اسماعیل علیه السلام فخر کائنات صلی الله علیه و آله و خدیجه الکبری و فاطمه زهرا علیها السلام نیز از مقامات جلیله این بلده معظمه [مکه مکرمه] است». (2)

3. هدایة، الحجاج از محمد رضا ابن عبدالجلیل حسینی طباطبایی تبریزی در 1296 قمری

«امکنه شریفه به غیر مسجد الحرام و صفا و مروه که ذکر آن ها مستغنی از بیان است در مکه بسیار است که زیارت آن ها مستحب است . اول چهارم خانه خدیجه کبری است که مهبط وحی نیز بوده». (3)

4. دلیل الأنام فی سبیل زیارة بیت الله الحرام والقدس الشریف و مدینه السلام، از سلطان مراد حسام السلطنه فرزند عباس میرزا در 1297 قمری

«شنبه شانزدهم به زیارت مولود [کذا] خانه حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشرف شده... مولد حضرت فاطمه علیها السلام نیز در همان محله در خانه خدیجه کبری است. خانه کوچکی است؛ بیوتات آن در سمت یمین آن واقع است. به دهلیز بیوتات که داخل می شوند در سمت ایسر دهلیز اتاق کوچک گودی است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در وقت نزول وحی در آن جا می نشستند، محرابی هم دارد

ص: 268

1- همان، ج 1، ص 444.

2- همان، ص 745

3- همان، ج 3، ص 708

که می گویند حضرت جبرئیل در آن جا نزول می نمود و در ابتدای اتاق نیز جایی است که محل وضوی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بوده و در سمت ایمن، دهلیز اتاقی است مستطیل که مولد حضرت فاطمه علیها السلام است. ضریح کوچک دارد و آسیای حضرت فاطمه هم در آن اتاق است؛ آسیای کوچکی است. اتاق حضرت هم محاذی در دهلیز واقع است. اتاق مربعی است محراب دارد با آن کوچکی فضا و بیوتات چنان روحانیتی از آن خانه نمودار است که گویا یکی از غرفات جنان است» (1)

5. سفرنامه مکه از نویسنده ای ناشناخته در 1299 قمری

«روز چهارشنبه نوزدهم: مکه ... رفتیم خانه حضرت رسول صلی الله علیه و آله، نزدیک خانه شریف است. صحن خانه تقریباً سه، زرعاً [کذا ظ: زرع] در چهار زرع است و چهار اتاق دارد... اتاق دست راست است و اتاق روبه رو اتاقی هست منزل حضرت رسول و حضرت خدیجه است» (2)

6. حج نامه منظوم از سرایندهای ناشناخته در عهد ناصرالدین شاه قاجار (3)

«زیارت منزل حضرت خدیجه علیها السلام»

از آن جا برفتیم با یاوران *** سرایی که بودی خدیجه در آن

نهاده چو در هشت آن خانه پا *** نشسته همه خادمان جا به جا

از آن جا سه پله برفتیم زیر *** حیاطی بسی دلکش و دلپذیر

ز مرمر همه فرش گشته زمین *** در آن جا اتاقی چو خلد برین

میانش یکی قبه ای همچو ماه *** تولد گه جای خیرالنسا

همه پرده مخمل آویخته *** به زر سرو و گل اندرو دوخته

ص: 269

1- همان، ج 4، ص 129-130

2- همان، ص 778

3- این بیت از حج نامه منظوم استفاده شده: «جهان جمله گردد به آیین ما *** بده فتح برناصر دین ما».

به حسرت نشستیم در آن جا همه *** که این جا بشستند تن فاطمه

در این خانه حواریسید از بهشت *** دگر مریم پاک نیکو سرشت

به دامن نهادند تن انورش *** نمودند لباس بهشتی برش

از آن جا برفتیم اتاق دگر *** خدیجه نشستی و خیر البشر

اتاق دگر بود آن جا عیان *** در خشنده چون انجم آسمان

چو رفتیم در آن بیت عنبر سرشت *** همه محو گشتیم از بوی مشک

بگفتند این جای آن سرور است *** عبادتگه خاص پیغمبر است

یکی شیر آبی به دیوار او *** از آن جا گرفتی پیمبر وضو

دگر حوض پاکیزه در زیر شیر *** در آن جا نشستی بشیر نذیر

همی بوسه کردیم آن خانه ها *** بسی گریه کردیم چو دیوانه ها

از آن جا نهادیم رو در حرم *** طواف همان خانه محترم

کشیدیم ز دل ناله الفراق *** برفتیم بر برفتیم بر دل نهادیم داغ (1)

7. سفرنامه مکه از ملا ابراهیم کازرونی در 1315 قمری

«روز جمعه چهاردهم... در این روز مسرت افروز در خانه حضرت خدیجه .رفتیم این خانه نیز از اول درب دالان چند پله می خورد. بعد از پایین آمدن از پله ها و داخل در فضا ایوانی رو به قبله مشاهده شد در این ایوان ، سه اتاق دیده شد هر سه مقفل به خادم گفتیم: "یا شیخ فکّ الباب" گفت: "لا أفکّ حتی تعطيني لحرمة الرسول" گفتیم: "فکّ عطیتک بعد" دری که در طرف راست بود گشود. بعد از تقییل عتبه علیه داخل شدیم. در آن ضریحی است و در داخل ضریح گودی بود از سنگ مثل اجانه و آن محل تولد حضرت صدیقه کبری فاطمه زهر است و در پشت ضریح متصل به دیوار محل دستاس حضرت زهرا است و سنگ بزرگی مدور در آن موضع است... از طرف دست چپ روبه روی این اتاق ، اتاق دیگر بود. در آن را نیز گشود و این اتاق معبد و محل عبادت حضرت خاتم انبیا بوده است. در طرف راست این اتاق چیزی از تخته ساخته اند و در کف

ص: 270

و ته آن یک پارچه سنگ سفید صافی است و سرپوشی نیز داشت؛ جو یا شدم. خادم گفت: "این محل وضوی حضرت رسول صلی الله علیه و آله است. و در طرف چپ، اتاق، محرابی است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در آن نماز می کردند... در آخر ایوان مذکور که میانه دو اتاق مذکورین، باشد اتاق دیگر بود بعد از گشودن در آن داخل شدیم خادم گفت که این منزل حضرت خدیجه است و دو محراب در طرف راست و چپ در واقع بود". (1)

8. سفرنامه، مکه از ایاز خان قشقایی در 1341 قمری

ورود به کعبه- بیست و نهم ذی قعدة الحرام... ظهر وضو ساخته با جناب حاج و چند نفر حاجی همراه رفته در خانه تولد حضرت رسول مولی الله علیه و آله و معجری بود که می گفتند محل مولود [کذا] آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله می باشد و در همان بقعه مبارکه طرف دیگر دو باب زره دار خوش طرح و خوش ترکیب بود، می گفتند که این خانه خانه ملکی علیا جنابه و لمخدره خدیجه علیها السلام بود و عروسی و شب زفاف حضرت رسول صلی الله علیه و آله در همان خانه شده و محراب سبز هم بود زیارت کرده و زیارت نامه خوانده». (2)

(ب) مقبره حضرت خدیجه

سفرنامه هایی که به این موضوع اشاره کرده اند، عبارتند از:

1. تحفه الحرمین از محمد رحیم الدین قادری در 1204 قمری

«در مکه دو ملکه جهانند *** نامش گویم که آن کیانند

ام قاسم خدیجه کبری *** خوابید به جنت المعلا...». (3)

2. تذکره الطریق فی مصائب حجّاج بیت الله العتیق، از مرحوم حافظ محمد هندی در 1230 قمری

«شانزدهم ذی حجه روز پنج شنبه: ... عصر به حرم رفته، نماز و طواف کرده

ص: 271

1- همان، ج 6، ص 261-262.

2- همان، ص 412

3- همان، ج 1، ص 199.

به جنت المعلى رفتیم. زیارت حضرت خدیجه الکبری». (1)

3. هدایة السبیل و کفایة الدلیل، از فرهاد میرزا معتمدالدوله در 1292 قمری

«از مکه معظمه که بیرون می آید هنوز بیوتات مکه تمام نشده؛ در طرف چپ مقبره حجون - به تقدیم الحاء علی الجیم - است که در آن جا قبر حضرت خدیجه علیها السلام و سایر اجداد رسول صلی الله علیه و آله است». (2)

4. هدایة الحجاج، از محمدرضا بن عبدالجلیل حسینی طباطبایی تبریزی در 1296 قمری

«قبرستان مکه متصل به کوه در شعب النور در سمت شمال آبادی واقع شده در انتهای این قبرستان مقبره حجون - به تقدیم الحاء علی الجیم - است که قبور آبا و اجداد حضرت ختمی مآب صلی الله علیه و آله در آن جا هست. . . پنج تن از اجداد و عشیره آن حضرت در این موضع مدفون است عبد مناف، عبدالمطلب، جناب ابوطالب والد حضرت ولایت مآب آمنه بنت وهب والده حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) جناب خدیجه زوجه مکرم شان». (3)

5. دلیل الأنام فی سبیل زیاره بیت الله الحرام و القدس الشریف و مدینة السلام، از سلطان مراد حسام السلطنه فرزند عباس میرزا در 1297 قمری

«جمعه پانزدهم، عزیمت زیارت شعب ابی طالب نمودم. قبور آن بزرگواران در مقبره حجون واقعد و حجون در اواخر آبادی، شهر مکه، در طرف ایسر واقع شده. است قبرستان وسیعی است؛ حضرت ابی طالب و عبدالمطلب و عبد مناف و حضرت آمنه بنت وهب مادر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و خدیجه کبری زوجه حضرت رسول صلی الله علیه و آله در این قبرستان مدفونند حضرت ابی طالب و عبدالمطلب و عبد مناف در یک محوطه هستند و در آن محوطه دو بقعه است؛ در بقعه اول در سمت، ایمن عبدالمطلب و عبد مناف مدفونند و هر یک ضریح علی حده [کذا، ظ: علی حده (بدون تشدید) دارند و بقعه دیگر ابی طالب است که ضریح

ص: 272

1- همان، ص 451.

2- همان، ج 3، ص 279

3- همان، ص 696

مخصوص دارد. حضرت آمنه و حضرت خدیجه علیها السلام نیز در قرب آن محوطه هر یک بقعه و ضریح علی حدّه [کذا] دارند». (1)

6. منازل قمریه در سوانح سفریه، از علی حسین بن خیرات در 1298 قمری

«و به تاریخ شانزدهم ذی الحجه روز جمعه وقت عصر باری زیارت قبور به مقام جنت معلی که بیرون شهر مکه معظمه مقصد و جایی بزرگ است و برکه و اشجار سبز دارد... رفتیم. اول به زیارت قبر حضرت خدیجه - رضی الله عنها - مشرف شدیم. بر قبر آن معظمه حظیره چوبی و بالای آن شبکه آهنی درست کرده اند. تکلفات ظاهریه از فروش و آلات شیشه و نقوش آن جا زیاد است مقابل قبر حضرت خدیجه قبر محمد یکی از فرزندان جناب امام زین العابدین علیه السلام است». (2)

7. سفرنامه مکه معظمه، از میرزا عبدالحسین خان افشار رومی در 1299 قمری

«جمعه چهاردهم ذی حجه الحرام: صبح از خواب بیدار شده... عزم زیارت حضرت ابوطالب علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام نمودیم... از خانه های شریف گذشته دست چپ وارد قبرستان جنت المعلات شدیم. حضرت عبدالمطلب و حضرت ابوطالب و آمنه را زیارت کردیم... از آن جا به مقبره خدیجه علیها السلام وارد شده زیارتی به عمل آوردم». (3)

8. سفرنامه مکه از نویسنده ای ناشناخته در 1299 قمری

«روز جمعه هفتم: مکه معظمه - ... بعد از دم قبرستان ابوطالب گذشتیم. خیلی بزرگ است و قبر ابوطالب و خدیجه و عبدالمطلب آن جاست». (4)

هم چنین در گزارش دیگری می نویسد:

«روز جمعه چهاردهم: مکه - صبح برخاستم... به قبرستان قریش رفتیم، زیارت خدیجه و آمنه و عبدالمطلب و ابی طالب و عبد مناف. بقعه خدیجه بهتر

ص: 273

1- همان، ج 4، ص 128 - 129.

2- همان، ج 2، ص 705 وی همچنین از بارگاه حضرت خدیجه علیها السلام در موضع دیگری از سفرنامه اش خبر می دهد (نک: ج 2، ص 717)

3- همان، ج 4، ص 580-581.

4- همان، ص 765.

از همه بود و صندوق خوبی داشت و بقعه آمنه بهتر از سایرین بود و این دوجا را سنی [ها] هم زیارت می آیند». (1)

9. تحفة الحرمين و سعادة الدارين از محمد معصوم نایب الصدر شیرازی در 1305 قمری

«اول آفتاب به عزم زیارت قبور اجداد حضرت ختمی مرتبت و جناب ابوطالب علیه السلام رفتیم به سمت حجون که اسم کوه و دره ای می باشد و از طرف منی که بروند به سمت دست چپ راه است و از صفا تا حجون، ثلث فرسخ است... بقعه متبرکه علیا حضرت خدیجه علیها السلام و بقعه مکرمه آمنه، مادر جناب رسول صلی الله علیه و آله، قدری به فاصله روبه روی یک دیگر واقع شده، زیارت شد. روپوش ضریح این دو مخدره بسیار ممتاز است ولی روپوش ضرایح آن بزرگواران پارچه بی قیمتی بود». (2)

10. سفرنامه مکه و عتبات، از میرزا عبدالحمید محمود بن عبدالکریم سقزی مجدی در 1305 قمری

چهارشنبه چهارده ذی حجه: به حرم رفته طواف الافاضه و سعی را به عمل آورده و حلق کرده از احرام بیرون آمدیم... حضرت آمنه و حضرت خدیجة الکبری علیها السلام و سایر صلحا را که در جنت المعلی [معلات] هستند زیارت نمودیم». (3)

11. سفرنامه، مکه از محمد رضا ظهیر الملک در 1306 قمری

«پنج شنبه هیجدهم: امشب که جمعه و شب عید غدیر است، رفتیم به زیارت مقابر که در بیرون شهر و جنب راهی است که به منی و عرفات می رود؛ چندان فاصله ای با شهر ندارد عبد مناف و عبدالمطلب در یک بقعه بودند ابوطالب، خدیجه آمنه بنت وهب هر کدام در یک بقعه علی حده بودند». (4)

ص: 274

1- همان، ص 775

2- همان، ج 5، ص 425-426.

3- همان، ص 591-592

4- همان، ص 678

12. سفرنامه مکه، شام، مصر و عراق، از سید فخرالدین جزائری در 1330 قمری

«... صبح ها گاهی حرم مطهر مشرف و گاهی مقبره حضرت ابوطالب و عبد مناف و آمنه و خدیجه علیها السلام المشرف می شدیم که در کنار شهر واقع شده و هر کدام بقعه مخصوص دارند و مخصوصاً بقعه حضرت خدیجه، خیلی مزین و کاشی کاری ظریف قشنگی دارد».

(1)

12. سفرنامه حج از سید احمد هدایتی در 1338 قمری

«امروز دوشنبه پانزدهم ذی الحجه مطابق هشتم سنبله ... طرف عصر رفتیم به حج چون که به قبرستان ابی طالب مشهورتر است و تا شهر یک میدان فاصله است. اول حضرت عبد مناف و حضرت عبدالمطلب را که در یک بقعه مدفونند و هر یک صندوق علی حدّه [کذا] دارند زیارت کردیم و بعد به زیارت حضرت آمنه و حضرت خدیجه که در بقعه جداگانه مدفونند رفتیم. واقعاً کاشی های دو بقعه اخیر قابل توجه و تماشا بود و چشم را از خوبی و ظرافت خیره می کرد. هم چنین در اطراف بقاع مزبوره سنگ قبرهای مرمر خیلی عالی و قشنگ و قیمتی موجود بود».

(2)

13. سفرنامه مکه، از محمد حسین منشی زاده در 1339 قمری

«به زیارت مدفن حضرت عبدالمطلب و ابوطالب و خدیجه و آمنه رفتیم. سوای مدفن حضرت عبدالمطلب و عبد مناف که در یک بقعه و دو ضریح بودند، سایرین بقعه جداگانه داشتند. اطراف بقاع بعضی خطوط و اسماء و قطعات قابل تماشا داشت».

(3)

منبع

جعفریان، رسول، سفرنامه های حج قاجار (پنججاه سفرنامه)، 8 جلد، چاپ، اول، تهران، نشر علم، 1389 ش.

ص: 275

1- همان، ج 8، ص 207.

2- همان، ص 667-668

3- همان، ص 40

*کتاب‌شناسی حضرت خدیجه علیها السلام: آسیب‌ها و راه‌کارها: مهدیه چیت‌سازا، احمد عابدی (1) (2)

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، آسیب‌شناسی و بررسی وضعیت کتاب‌شناسی‌های موجود در حوزه موضوعی حضرت خدیجه علیها السلام، و ارائه کتاب‌شناسی موضوعی مطابق با الگوها و استانداردهای استنادی موجود است. روش پژوهش کتابخانه‌ای است و برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات کتاب‌شناسی‌های موجود در این حوزه موضوعی و تمام منابع فارسی موجود با موضوع «حضرت خدیجه علیها السلام» اعم از کتاب‌ها و مقالات ادواری‌ها بررسی گردید برای این منظور کلیدواژه‌های «حضرت خدیجه»، «خدیجه بنت خویلد»، «خدیجه کبری»، «خدیجه» و «ام المؤمنین» در پایگاه‌های اطلاعاتی مگ ایران، (3) ایرانداک، (4) نورمگز، (5) پایگاه اطلاعاتی جهاد دانشگاهی، (6) پرتال جامع علوم انسانی (7) و کتابخانه ملی ایران (8) و موتورهای جستجوی علمی گوگل اسکالر (9) و

ص: 276

1- کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه خوارزمی تهران

2- دانشجوی کارشناسی ارشد علم سنجی دانشگاه تهران

3- www.magiran.com

4- irandoc.ac.ir

5- www.noormags.com

6- www.sid.ir

7- www.ensani.ir

8- www.nlai.ir

9- www.scholar.google.com

علم نت (1) جستجو شد جامعه مورد بررسی تنها منابع فارسی زبانی است که اطلاعات آن ها تا سال 1395 از طریق وبگاه های اشاره شده قابل بازیابی و دست رسی است. نتایج بررسی نشان می دهد کتاب شناسی های موجود در حوزه موضوعی «حضرت خدیجه علیها السلام» فاقد به روز رسانی منظم تفکیک قالب، آثار الگوی استاندارد شیوه نامه نگارشی، نظم الفبایی (عنوان، موضوع یا نویسنده) و یا نظم زمانی (سال انتشار به صورت صعودی یا نزولی) و جامعیت است. اطلاعات کتاب شناسی پیش رو مسائل و موانع اشاره شده را مرتفع نموده که شامل 248 اثر است: 98 مورد از آن کتاب فارسی و 150 مورد مقالات موجود در ادواری ها هستند.

واژگان کلیدی

کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام، کتاب نامه حضرت خدیجه علیها السلام، مقاله نامه حضرت خدیجه علیها السلام، خدیجه کبری علیها السلام، ام المؤمنین خدیجه علیها السلام، خدیجه بنت خویلد.

مقدمه

آشنایی با منابع اصلی و هسته در یک حوزه موضوعی و استفاده از آن در پیشینه تحقیق از جمله ملزومات هر پژوهش علمی است؛ به قدری که در عصر حاضر هیچ پژوهشگری بی نیاز از آن نیست.

این مهم در عصر انفجار اطلاعات و با وجود حجم وسیعی از منابع و مکتوبات علمی و هم چنین تعدد و پراکندگی نویسندگان با دشواری هایی برای پژوهشگران روبه رو است. حل این مسأله، پژوهشگران را به این سمت سوق می دهد که از منابع ردیف دوم (2) از جمله «کتاب شناسی ها» و «مقاله نامه ها» بیش تر استفاده کنند.

ص: 277

1- www.elmnet.ir

2- منابع دسته دوم یا منابع ردیف دوم عبارتند از منابعی که به جای پاسخ گویی مستقیم به سؤال، مراجعه کننده را به منابع نوشتاری دیداری و شنیداری در آن موضوع ارجاع می دهند. (نورالله مرادی مرجع شناسی: شناخت خدمات و کتاب های مرجع تهران: فرهنگ معاصر (1376).

تعاریف مختلفی از واژه «کتاب‌شناسی» در منابع آمده است از جمله:

1. «کتاب‌شناسی یا کتاب‌نامه عبارت است از فهرست کتاب‌ها و دیگر مواد خواندنی. به فهرستی که معمولاً در آخر کتاب به عنوان منابع و مأخذ می‌گذارند». کتاب‌نامه می‌گویند». (1)

2. «کتاب‌شناسی سیاهه منابع یا مدارک در زمینه موضوعی خاص، درباره افراد و غیره بررسی کتاب‌ها به عنوان اشیای مادی، مطالعه نظام یافته مشخصه‌ها و ویژگی‌های مادی و متنی کتاب‌ها و سایر موارد خاص مربوط به انتقال فنون و متون چاپ و نشر». (2)

3. «کتاب‌شناسی، سیاهه و یا فهرستی نظام‌مند از مواد گونه‌گون اطلاعاتی چون کتاب، مجله روزنامه به صورت CD و یا در اینترنت است که مراجعه‌کننده یا کاربر برای به دست آوردن بخشی از اطلاعات مورد نیاز خود بدان مراجعه می‌کند». (3)

4. «کتاب‌شناسی، فهرستی سازمان‌یافته از منابع ردیف اول یا دیگر منابع مربوط به موضوع‌ها یا شخص مفروض. است کتاب‌شناسی عبارت است از سیاهه‌ای از نام و مشخصات مواد کتابی که به روش خاصی از جمله الفبای نام پدیدآور یا زمان و موضوع تنظیم شده است. کتاب‌شناسی می‌تواند جامع یا گزیده باشد و گاهی ممکن است با توضیحات ارائه شود. کتاب‌شناسی می‌تواند به عنوان بخشی از یک اثر بزرگ‌تر یا به عنوان اثری جداگانه منتشر شود. هدف اساسی یک کتاب‌شناسی کمک به استفاده‌کننده در تشخیص وجود یا شناسایی یک کتاب یا هر ماده دیگر است که ممکن است مورد توجه شخص باشد. وظیفه اصلی کتاب‌شناسی ثبت پیشینه‌های دانش بشری است». (4)

لویی‌س جاکوب دو سنت چارلز (5) اصطلاح «کتاب‌شناسی» را نخستین بار در

ص: 278

1- پوری سلطانی و فروردین راستین؛ «دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی».

2- کینان، استل، «فرهنگ فشرده کتابداری و اطلاع‌رسانی». ترجمه و تدوین فاطمه اسدی گرگانی

3- مهردادخت، وزیرپور، کشمیری مرجع‌شناسی عمومی لاتین.

4- زاهد بیگدلی، مرجع‌شناسی عمومی لاتین. تهران: سمت

5- Louis Jacob Desaintcharlas.

کتابی با عنوان بیبلیوگرافیا به کار برد و در قرن هجدهم رایج شد. این عبارت از دو کلمه یونانی «بیبلیون» به معنای کتاب و «گرافین» به معنای نوشتن است؛ بنابراین کتاب شناسی از نظر ریشه شناسی لغت یعنی نوشتن کتاب. (1) فرهنگستان سابق ایران هم واژه کتاب شناسی را معادل «Bibliography» شناخته است. (2)

بیان مسأله

بی تردید یکی از آسیب های بزرگ در حوزه پژوهش، ناآگاهی از پیشینه پژوهش های انجام شده در هر حوزه موضوعی است که به انجام دادن کارهای تکراری و ناقص می انجامد. از جمله راه حل های موجود می تواند آشنایی با آثار و منابع تدوین شده در زمینه موضوعی تحقیق مورد نظر باشد که به محقق کمک می کند از پژوهش های تکراری به دور باشد و با بینشی وسیع و منابع کافی و غنی، در مسیر پژوهش رویه جلو گام بردارد. در وضعیت کنونی و با وجود گستردگی، تنوع و حجم وسیع کتاب ها «کتاب شناسی»، امکان دسترسی آسان به بازار نشر را فراهم می کند هر پژوهشی اگر بخواهد در مسیر حل مسأله، رفع ابهام و حتی خلق نوآوری گام بردارد بی شک باید وام دار آثار پیشینیان باشد. بنابراین شناخت اولیه آثار و منابع موجود در هر حوزه موضوعی در قالب کتاب شناسی کمک شایانی به پژوهشگران می کند تا با منابع حوزه موضوعی خود بیش تر آشنا شوند و سیر پژوهشی خود را طی کنند.

اهمیت پژوهش

الف) هدف اصلی

هدف از پژوهش حاضر، آسیب شناسی و بررسی وضعیت کتاب شناسی های موجود در حوزه موضوعی حضرت خدیجه علیها السلام، و ارائه کتاب شناسی موضوعی (منابع

ص: 279

1- کریشین، کومار، ترجمه زاهد بیگدلی، خدمات مرجع، ج 1.

2- حسین مسرت، کتاب شناسی رشیدالدین میبیدی.

ب) هدف فرعی

1. تعیین تعداد منابع فارسی با موضوع حضرت خدیجه علیها السلام تا سال 1395 (زمان نگارش مقاله)؛
2. تعیین تعداد کتاب های فارسی با موضوع حضرت خدیجه علیها السلام تا سال 1395 (زمان نگارش مقاله)؛
3. تعداد مقالات موجود در ادواری های فارسی با موضوع حضرت خدیجه علیها السلام تا سال 1395 (زمان نگارش مقاله).

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر کتابخانه ای است و برای گردآوری داده ها و اطلاعات تمام منابع فارسی موجود (چاپی و الکترونیک) با موضوع «حضرت خدیجه علیها السلام» اعم از کتاب ها و مقالات ادواری ها (1) بررسی شدند برای این منظور کلید واژه های «حضرت خدیجه»، «خدیجه بنت خویلد»، «خدیجه کبری»، «خدیجه» و «ام المؤمنین»، (2) در پایگاه های اطلاعاتی مگ ایران، (3) ایران داک، (4) نورمگز، (5) پایگاه اطلاعاتی جهاد دانشگاهی، (6) پرتال جامع علوم انسانی (7) و کتابخانه ملی ایران (8)

ص: 280

-
- 1- ادواری ها موادی هستند که انتشار آن ها از یک زمان خاص شروع شده است و با یک فاصله زمانی مشخص تا یک زمان نامشخص ادامه خواهد یافت مجله ها نشریه های تخصصی و روزنامه ها به دسته ادواری ها متعلق هستند
 - 2- با توجه به حساسیت موتورهای جستجو در بازیابی نتایج این کلیدواژه با دو املاي «ام المؤمنین» (با فاصله بین دو کلمه) و «ام المؤمنین» (با نیم فاصله) جست جو گردید که نتایج بازیابی شده متفاوت بود.

www.magiran.com -3

irandoc.ac.ir -4

www.noormags.com -5

www.sid.ir -6

www.ensani.ir -7

www.nlai.ir -8

و موتورهای جستجوی علمی گوگل اسکالر (1) و علم نت (2) جست جو گردید. هم چنین کتاب شناسی های موجود با موضوع حضرت خدیجه علیها السلام نیز که پیش از این منتشر شده از دیگر منابع مورد بررسی است.

پیشینه پژوهش

پیش از این کتاب شناسی های مختلفی در فضای وب به صورت اینترنتی با موضوع حضرت خدیجه علیها السلام منتشر شده است که با یک جستجوی ساده با کلیدواژه «کتاب شناسی حضرت خدیجه» می توان به این منابع دست یافت. از جمله کتاب شناسی های موضوعی حضرت خدیجه می توان به این موارد اشاره کرد:

1. مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان 1391. کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

این کتاب شناسی در سال 1391 منتشر شده است. از نظر پوشش زمانی آخرین به روزرسانی آن مربوط به این سال و مجموع منابع فارسی موجود در آن 126 اثر است. عدم تفکیک قالب منابع (کتاب، مقاله و...)، از مهم ترین مشکلات این کتاب نامه است به همین دلیل چنین استنباط می شود که همه آثار موجود در این کتاب شناسی در قالب کتاب، است در حالی که طی بررسی های انجام شده قالب آثار موجود در این کتاب شناسی کتاب، مقاله نشریات علمی، مقاله نشریات تخصصی و مقاله روزنامه هایی که بعضاً تک صفحه ای هستند. هم چنین به لحاظ نوع نگارش و تنظیم ساختار، کتاب شناسی از الگویی استاندارد پیروی نکرده فاقد الگوی استاندارد شیوه نامه نگارشی فاقد هر گونه نظم الفبایی (عنوان، موضوع یا نویسنده) و یا نظم زمانی (سال انتشار به صورت صعودی یا نزولی) است و صرفاً یک برداشت کلی از ساختار فهرست نویسی شده منابع موجود در کتابخانه ملی ایران به چشم می خورد.

ص: 281

1- www.scholar.google.com

2- www.elmnet.ir

2. فتحی، ریحانه. 1394. کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام. منتشر شده در وب سایت سازمان تبلیغات اسلامی به آدرس: <http://www.ido.ir/pages/?id=268908/> با بررسی های صورت گرفته کتاب شناسی حاضر به لحاظ، زمانی به روزرسانی نشده است. هم چنین به لحاظ ساختاری، فاقد تفکیک قالب آثار، فاقد الگوی استاندارد شیوه نامه نگارشی و فاقد هر گونه نظم الفبایی (عنوان، موضوع یا نویسنده) و یا نظم زمانی (سال انتشار به صورت صعودی یا نزولی) است.

3. طباطبایی، فائزه سادات. کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام. منتشر شده در وب سایت بینا نیوز به آدرس <http://www.binanews.ir/news5832.html> با توجه به بررسی های انجام شده در این کتاب شناسی، مشخص شد که نوع آثار مورد بررسی فقط کتاب های فارسی است. هم چنین نظم آن الفبایی عنوان کتاب بوده و بازه زمانی مورد نظر نیز در دو دهه اخیر (دهه 80 و 90) است. همچنین به لحاظ ساختار نگارشی اصول و قواعد فهرست نویسی رعایت شده، اما مشکل موجود در این کتاب شناسی عدم جامعیت و به روزرسانی آن است.

از دیگر کتاب شناسی های موجود در فضای وب می توان به موارد ذیل اشاره کرد که از جمله مشکلات این کتاب شناسی ها عدم به روزرسانی تفکیک قالب آثار الگوی استاندارد شیوه نامه نگارشی نظم الفبایی (عنوان، موضوع یا نویسنده) و یا نظم زمانی (سال انتشار به صورت صعودی یا نزولی) و عدم جامعیت آن هاست.

4. کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام منتشر شده در وب سایت جامع فرهنگی - مذهبی شهید آوینی به آدرس / [http://www.aviny.com/Occasion KetabShenasi.aspx/AV/ahlebeit/bastegan/khadijeh](http://www.aviny.com/Occasion%20KetabShenasi.aspx/AV/ahlebeit/bastegan/khadijeh)

5. کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام منتشر شده در وب سایت دانش نامه زن مسلمان بخش ویژه نامه حضرت خدیجه به آدرس <http://muslimapedia.com>

6. کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام منتشر شده در وب سایت تبیان در تاریخ 1392/04/27 به آدرس: - <http://www.tebyan.net/newindex.aspx>

pid=934articleID=819436? یک مورد کتاب فارسی نیز با مشخصات کتاب شناختی زیر در سال 1391 منتشر شده که با توجه به سال انتشار آن فاقد آخرین به روزرسانی ها در حوزه موضوعی حضرت خدیجه علیها السلام است.

7. الادینی، شیرین و سیده مرضیه شفاپور 1391 کتاب شناسی موضوعی حضرت خدیجه علیها السلام الله (توصیفی - تحلیلی)؛ به سفارش امور بانوان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ناظر فوزیه ناصر قرایی تهران: شیرزاد

یافته ها و نتایج

با توجه به بررسی های صورت گرفته اثری وجود ندارد که به صورت جامع، مطابق با آخرین به روزرسانی ها اطلاعات منابع فارسی با موضوع «حضرت خدیجه علیها السلام» را در بر بگیرد. از این رو، کتاب شناسی پیش رو با موضوع حضرت خدیجه علیها السلام منابع فارسی زبان را در دو قالب اثر «کتاب فارسی» و «مقالات فارسی ادواری ها» (شامل مقاله نشریات علمی نشریات تخصصی و مقالات روزنامه ها) شامل می شود. این کتاب شناسی، با نظم الفبایی «نام خانوادگی نویسنده» منظم شده، به لحاظ زمانی تا سال 1395 به روزرسانی گردیده و برای ساختار نوشتاری آن از شیوه استناددهی (APA 1) استفاده شده است. تعداد کل منابع فارسی موجود با موضوع حضرت خدیجه علیها السلام، تا زمان نگارش مقاله، 248 مورد است که از این تعداد 98 اثر در قالب کتاب فارسی و 150 اثر در قالب مقالات ادواری ها (119 مقاله نشریات، (74 مقاله با ذکر نویسنده؛ 45 مقاله بدون ذکر نویسنده)؛ 31 مقاله روزنامه (22 مقاله با ذکر نویسنده؛ 9 مقاله بدون ذکر نویسنده) است.

کتاب های فارسی

1. ابوالمعاطی مصطفی 1395. 051 قصه از زندگی ام المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام مترجم: جهانگیر تیموری خواف: به دان

ص: 283

2. اسماعیل تبار احمد و محمد حسین مهوری 1393. صحایات پیامبر صلی الله علیه و آله. تهران: فرهنگ سبز.
3. الادینی، شیرین، و سیده مرضیه شفاپور. 1391. کتاب شناسی موضوعی حضرت خدیجه علیها السلام، (توصیفی - تحلیلی)؛ به سفارش امور بانوان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ناظر: فوزیه ناصر قرایی تهران: شیرزاد
4. انصاریان حسین 1388. نگاهی به مقام حضرت خدیجه علیها السلام قم: دارالعرفان
5. انیسی، فریبا 1386 مین محمد زندگی نامه حضرت خدیجه کبری علیها السلام؛ به سفارش اداره کل امور بانوان شهرداری تهران. تهران: بروج
6. ایزدی امیر. 1388. ستاره های فروزان: مدح و مرثیه چهارده معصوم علیهم السلام و ام المؤمنین خدیجه الغرا علیها السلام. قم: رسالت.
7. آخوندی، محمد . 1385. نمونه زن ها. تهران: جوان امروز
8. بشارتی، علی محمد. 1392. شایسته ترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله : تحلیل زندگی حضرت خدیجه علیها السلام . تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
9. بهروش آزاده. 1395. حضرت خدیجه «همسر فداکار پیامبر». مشهد: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب، 5931.
10. بهروش ، آزاده، 1390. حضرت خدیجه «همسر فداکار پیامبر». مشهد: آیین تربیت: سنبله
11. پارسا، فاطمه . 1388. ابوطالب و خدیجه. تهران: شبرنگ
12. پاک نیا، تبریزی عبدالکریم. 1390. آموزه هایی از حضرت زهرا علیها السلام برای خانواده های جوان: به همراه درس هایی از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام. قم: فرهنگ اهل بیت علیهم السلام.
13. پور حسینی، سید علی. 1390. گذشت و صبر: حضرت خدیجه و حضرت زینب علیها السلام. مشهد: ضریح آفتاب .
14. تابش، مقداد. 1394. ملیکه بطحاء: سلوک محمدی ام المؤمنین خدیجه

کبری علیها السلام. قم: بنیاد فقه و معارف اهل بیت علیهم السلام.

15. تهرانی، حسین. 1394. حامية الرسول صلى الله عليه و اله: فضائل و مناقب ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام. قم: طوبای محبت.

16. تهرانی، حسین. 1393. خصایص ام المؤمنین خدیجه الکبری علیها السلام: ویژگی های حضرت خدیجه کبری علیها السلام شامل 061 ویژگی. قم: طوبای محبت.

17. جانفدا، هادی. 1395. خدیجه کبری علیها السلام: سوگواره شعر. تهران: شاعران اهل بیت علیهم السلام.

18. جلال زاده میدی سید محمد حسین 1394. ام المؤمنین خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت. قم: انتشارات مشهور

19. جلیل زاده الهام. 1393. خدیجه کبری علیها السلام صحابه پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله. تهران: هفت اختر اندیشه

20. حاتم پوری، محمد رضا. 1390. حکایت عاشقی. تهران: زعیم.

21. حائری قحطانی، محمد. 1391. خواستگاری ماه از آفتاب. قم: دارالطب.

22. حسنی، هاشم معروف، بی تا. زندگی نامه خدیجه کبری و فاطمه زهرا علیها السلام تهران: بی نا

23. حسینی هرندی، سید محمد حسین 1392 پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت خدیجه علیها السلام و ابوطالب علیه السلام. قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی

24. خدامیان آرانی مهدی 1392. بانوی چشمه زندگی خدیجه علیها السلام (همسر پیامبر اسلام) قم: وثوق.

25. داوری، محمود 1384 حضرت خدیجه کبری علیها السلام همسر پیامبر. اصفهان: نور اسلام

26. دخیل، علی محمد علی. 1363. زنان بزرگ اسلام. مترجم: فیروز حریرچی (جلدهای 1، 2، 3 و 4). تهران: امیرکبیر.

27. دخیل، علی محمد علی. 1363. زنان بزرگ اسلام. مترجم: صادق آئینه وند (جلدهای 2، 5 و 6). تهران: امیرکبیر

28. دخیل، علی محمد علی. 1391. طاهره قریش: نگاهی محققانه به زندگانی ام المؤمنین بانو خدیجه کبری علیها السلام، همسر وفادار رسول خدا. مترجم: اکرم السادات هاشمی نژاد؛ ویراستار: محمد علی لسانی. تهران: پارسیا: نوآور.
29. دخیل، علی محمد علی. 1361. حضرت خدیجه علیها السلام. ترجمه فیروز حریرچی تهران: امیرکبیر
30. دخیل، علی محمد علی. بی تا حضرت خدیجه علیها السلام. ترجمه فیروز حریرچی تهران: بی نا
31. درفشی، مینا، خدیجه مهدوی مقدم، و اکرم کلاته. 1388. مأخذ شناسی توصیفی زندگی حضرت خدیجه علیها السلام؛ کاری از واحد پژوهش مدرسه علمیه حضرت خدیجه علیها السلام. قم: حوزه علمیه قم مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران مرکز نشر هاجر
32. درفشی، مینا، خدیجه مهدوی، و اکرم کلاته. 1388. هنگامه وصل: سروده های منتسب به حضرت خدیجه علیها السلام در مدح رسول خدا صلی الله علیه و آله؛ کاری از واحد پژوهش مدرسه حضرت خدیجه علیها السلام. مترجم امید مجد. مصحح محمد علی آذرشب. تهران: کتاب نیستان
33. دهنادی، محمد صادق، 1387. یادگاران روزهای سرخ: یادنامه ای از زندگی راحلان رمضان حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه علیها السلام. تهران: مؤسسه نشر شهر.
34. رضایی سرشت مریم. 1387 فعالیت های مردمی در سیره نبوی. تهران: ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده
35. رضایی، اسماعیل، مریم نجفی و حجت الله نجفی. 1391 آرام جان پیامبر پیرامون حضرت خدیجه علیها السلام. تهران: کاتبان وحی.
36. رهگذر، رضا. 1394 ازدواج با خدیجه. تهران: قدیانی، کتاب های بنفشه
37. رهگذر، رضا. 1380. خورشیدی در خانه خدیجه (داستان جوانی پیامبر صلی الله علیه و آله. تهران: پیام آزادی.
38. زارع، محبوبه 1385. کاروانی با سیزده کجاوه: تجلی گاه سیزده گانه مادران

عروج: آمنه، خدیجه، فاطمه بنت اسد، زهرا، شهربانو... . قم: بوستان کتاب انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

39. زواریان، زهرا. 1395. قصه های دخترانه: فرازهایی از زندگی سه بانوی صدر اسلام. تهران: قدیانی کتاب های بنفشه

40. زواریان، زهرا. 1394. عروس و کاروانش: فرازی از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام تهران: قدیانی

41. سلیمانی، روشن. 1392. نگار محمد: حضرت علیها السلام. قم: مؤسسه بوستان کتاب.

42. سیلاوی، غالب. 1393. انوار درخشان ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام. مترجم عباس حاجیانی، قم: موعود اسلام

43. شریعتی، عفت، سکینه مهدیان پور، سهیلا کیاسی، منیر حسینی، و فوزیه ناصر قرایی. 1391. آثار جشنواره فرهنگی - بصیرتی بانوی فضیلت، حامی رسالت حضرت خدیجه علیها السلام. تهران: شیرزاد

44. شیرازی، رضا. 1375. تورا می خواهم: داستان زندگی حضرت خدیجه علیها السلام تهران: پیام نور

45. شیرازی، رضا. 1391. تورا می خواهم: داستان زندگی حضرت خدیجه علیها السلام تهران: مؤسسه انجمن قلم ایران

46. شیرازی، رضا، 1387. به نام زنده حضرت خدیجه علیها السلام. کتاب همشهری؛ 77 تهران همشهری

47. شیرازی، رضا 1387. مونس رسول. کتاب همشهری؛ 77. تهران: همشهری

48. صادقی اردستانی، احمد 1385. حضرت محمد صلی الله علیه و اله و خدیجه علیها السلام. قم: فجر قرآن کریم.

49. طالبی مازندرانی، صادق. 1392. شاهزاده قریش. قم: بهار دل ها.

50. طاهری، حسین علی. 1384. بزرگداشت حضرت خدیجه علیها السلام و تفسیر

51. طهماز عبدالحمید محمود. 1392. حضرت ام المؤمنین خدیجه طاهره الگویی وارسته برای بانوان. مترجم: عبد الجلیل براهوی زاهدی. مشهد: نسیم حجاز.
52. عبادی فرد، عزیز. 1385. خدیجه کبری علیها السلام همسر گرامی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سراب: عزیز عبادی فرد
53. عرب عبدالرضا. 1387. تصویر خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله در دائره المعارف اسلام. قم: انتشارات شیعه شناسی
54. علی بخشی، عبد الله. 1391. خدیجه علیها السلام برترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله. قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر.
55. عماد زاده، حسین 1381. زندگانی حضرت فاطمه الزهرا علیها السلام و خدیجه کبری علیها السلام تهران: اسلام
56. عمید زاده، هادی 1392. تاریخ زندگانی ام المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام. تهران: انتشارات منیر
57. فضل بیرجندی، علی. 1391. حضرت خدیجه علیها السلام مظلومه تاریخ. مشهد: منتظران ظهور
58. فضل، بیرجندی، علی 1388. حضرت خدیجه علیها السلام مظلومه تاریخ. ویراستار: حسن فضل مشهد: محقق.
59. قاسمی، ابراهیم و رضا فلاح. 1391. مروارید حجاز. قم: علامه بهبهانی.
60. قیدی حمید. 1391. الهی ترین ازدواج (حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام) با تأکید بر نقش حمایت گری حضرت خدیجه علیها السلام. تهران: میراث اهل قلم
61. کرمی فریدنی علی. 1382. فروغ آسمان حجاز: خدیجه علیها السلام. قم: حاذق.
62. کرمی فریدنی، علی. 1383. فروغ آسمان حجاز: خدیجه علیها السلام. قم: نسیم انتظار.
63. کرمی فریدنی، علی. 1385. فروغ آسمان حجاز: خدیجه علیها السلام. قم: نسیم انتظار.

64. کرمی فریدنی علی. 1390. نیم‌نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام قم: نسیم انتظار
65. کرمی فریدونی، علی. 1385. نگاهی نو به زندگی درخشان خدیجه علیها السلام. قم: نسیم انتظار
66. کرمی، علی. 1383. جلوه‌هایی از فروغ آسمان حجاز حضرت خدیجه علیها السلام. قم: دلیل ما.
67. کمالی نیا، محمد تقی. بی تا شکوه زندگی سیر و تأملی در زندگانی سراسر شور و حماسه «خدیجه کبری» تهران: امید
68. کمالی نیا، محمد تقی. 1381. خدیجه علیها السلام شکوه زندگی. قم: نور السجاد.
69. گروه تألیف و تحقیق دارالصادقین. 1390. خدیجه علیها السلام بانوی مکه. تهران: دارالصادقین.
70. گروهی از نویسندگان، تهیه شده در مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما. 1385. همسر آفتاب. قم: کتاب طه.
71. ماجراجو، محسن مصطفی صمدیان. 1392. داستان مادران امت، خدیجه و فاطمه بنت اسد علیها السلام. ویراستار فاطمه حبیبی. قم: اصباح.
72. شنیدایی، پور محسن 1394. داستان مادران، امت، خدیجه علیها السلام و فاطمه بنت اسد علیها السلام. مشهد: دیانت؛ قم: اصباح.
73. محدثی، جواد 1390 بانوی حجاز: آشنایی با شخصیت حضرت خدیجه کبری علیها السلام. قم: معروف.
74. محمدزاده، مرضیه. 1393. زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و زنان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه سازمان چاپ و انتشارات.
75. محمدزاده، مرضیه. 1395. زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و زنان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. تهران: امیرکبیر
76. محمدی اشتهااردی، محمد. 1377. حضرت خدیجه علیها السلام اسطوره ایثار و مقاومت تهران: مؤسسه انتشارات نبوی

77. محمدی اشتهااردی، محمد. 1392. حضرت خدیجه علیها السلام اسطوره ایثار و مقاومت تهران: مؤسسه انتشارات نبوی
78. مخابری، زهرا. 1389. بررسی زندگی و شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام (ام الکوثر). تهران: چوک آشیان
79. مرادی نسب، حسین. 1389. خدیجه علیها السلام: همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله تهران: مشعر
80. مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان. 1391. کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان
81. مکتب دار، زینب. 1384. خدیجه علیها السلام مادر اسلام. قم: بخشایش.
82. مهاجرانی، سید محمد. 1395. خدیجه علیها السلام مادر فاطمه علیها السلام. تهران: مدرسه.
83. مهدی پور علی اکبر. 1287. سرچشمه کوثر: ام المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام. قم: سیمای آفتاب
84. مهدی پور، علی اکبر. 1385. سرچشمه کوثر: ام المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام. کرج: راه و داد.
85. موسوی، سید احمد. 1373. خدیجه کبری علیها السلام. تهران: دانشنامه مکتب اهل بیت علیهم السلام
86. میانجی، محمد، بی تا. نگاهی به ویژگی های رفتاری اولین بانوی مسلمان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. بی جا بی تا.
87. نصیرزاده، قاسم. 1391. سرچشمه کوثر ولایت: نگاهی گذرا به زندگانی سراسر ایثار و ایمان حضرت خدیجه علیها السلام. تهران: سیب سبز
88. نصیری، بدرالدین بی تا. زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام و زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام با حضرت محمد صلی الله علیه و اله. تهران: بینا.
89. نصیری، بدرالدین 1385. زندگانی حضرت محمد صلی الله علیه و آله با زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام و زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام تهران: اردیبهشت.
90. نظری مؤمن آبادی رفسنجانی، علی. 1391. بزرگ بانوی اسلام: سیری در زندگی

برترین حامی پیامبر حضرت خدیجه کبری علیها السلام . اصفهان: کانون پژوهش.

91. نیک پیام محمد علی. 1394. زندگی نامه خاتم النبیین حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اجدادش و حضرت خدیجه کبری علیها السلام. گرگان: انتشارات نوروزی.

92. هادی منش، ابوالفضل. 1393. تصویرگر احسان سلیمانی. حضرت خدیجه علیها السلام مادر حضرت فاطمه علیها السلام. قم: حدیث نینوا.

93. هاشمی نژاد، اکرم السادات. 1388. سرور زنان جهان امّ المؤمنین خدیجه کبری تهران: نوآور

94. هیئت تحریریه مؤسسه در راه حق. 1358. نخستین ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه و آله. قم: مؤسسه در راه حق.

95. وحیدی صدر، مهدی. 1385. سایه محبت بانو خدیجه دختر خویلد. تهران: مجمع جهانی اهل بیت، معاونت امور فرهنگی

96. وطن دوست سینا 1395. ضیافت الهی (بهمراه مختصری از زندگینامه حضرت خدیجه علیها السلام و امام حسن مجتبی علیه السلام). قم: صالحان.

97. یمانی، محمد عبده. 1389. ام المؤمنین خدیجه بنت خویلد بانویی در قلب مصطفی صلی الله علیه و آله. مترجم محمد ابراهیمی شیراز: ایلاف

98. یوسفی، دینا. 1387. بانوی مکه. سبزوار: امید مهر.

مقالات فارسی

1. ابوسلیمان عبدالوهاب ابراهیم و سید مرتضی حسینی فاضل. پاییز 1388. خانه حضرت خدیجه علیها السلام بهترین مکان مکه پس از مسجد الحرام. میقات حج 69: ص 121-136.

2. استویانف، لودمیل. خرداد 1382. خدیجه. ادبیات داستانی 69: ص 50-55.

3. اسفندیار، سرور. شهریور 1386. وفات حضرت خدیجه علیها السلام. ماهنامه گلبرگ 90: ص 103

4. اعتمادی، منصوره بهار 1387. خدیجه علیها السلام یگانه انتخاب پیامبر صلی الله علیه و آله تا

زمان وفات دو فصلنامه بانوان شیعه 15: ص 137-164

5. اعتمادی، منصوره. پاییز و زمستان 1386. مناسبات اقتصادی و روابط شغلی حضرت خدیجه با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. دو فصلنامه بانوان شیعه 13 و 14: ص 173-200.

6. افراسیابی، غلامرضا. بهار 1383. بنیان کعبه. آینه میراث 24: ص 7-17

7. اکبرزاده امیر. مهر 1384. وفات حضرت خدیجه: هجرت نا به هنگام. فصلنامه اشارات ایام 77: ص 120.

8. امامی، علی. مهر و آبان 1383. فضائل حضرت خدیجه علیها السلام. ماهنامه مبلغان 59: ص 16-22

9. امامی، علی مهر و آبان 1384. مقام حضرت خدیجه در پیشگاه خدا و رسول اکرم. ماهنامه مبلغان 71: ص 89-99.

10. آهنگر، محمد جواد. اسفند 1386. ازدواج پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام. ماهنامه گلبرگ 96: ص 97.

11. بادی نزهت. آبان 1382. وفات حضرت خدیجه علیها السلام: چشم هایت را به فاطمه علیها السلام ببخش!. فصلنامه اشارات ایام 66: ص 54

12. بدرالدین، محمد کاظم. مهر 1384. وفات حضرت خدیجه: پرواز روح عفیف. فصلنامه اشارات ایام 77: ص 111.

13. پاک نیا، عبدالکریم. تیر و مرداد 1393. حضرت خدیجه علیها السلام، الگوی عفت و پاک دامنی ماهنامه مبلغان 179: ص 13

14. پاک نیا، عبدالکریم. 1385. هفت نکته قرآنی در سیره اولین زن مسلمان حضرت خدیجه طاهره علیها السلام. کوثر، علوم اسلامی، ص 20.

15. پاک نیا، عبدالکریم. آذر 1381. نگاهی به آموزه های تربیتی در زندگی حضرت خدیجه علیها السلام. ماهنامه مبلغان 35: ص 37 تا 48

16. پناهی، عباس. 1394. نقش مدیریتی حضرت خدیجه علیها السلام در توسعه دین اسلام. ماهنامه صف 89.

ص: 292

17. پنجی، خدیجه. مهر 1384. وفات حضرت خدیجه: بانوی خردمند حجاز. فصلنامه اشارات ایام 77: ص 118
18. تاجدینی، فرهاد. اردیبهشت 1366. فرازهایی از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام. تربیت 8: ص 34 - 35
19. جزایری، سید محمد علی. 1388. شمه ای از فضایل خدیجه علیها السلام. منتشر شده در سایت . <http://www.sibtayn.com>
- 20.
20. جوادی آملی، عبدالله. 1391. حضرت خدیجه علیها السلام، بانوی نمونه اسلام. ماهنامه راه قرآن 41
21. حجتی کرمانی علی. آبان 1367. مرگ ابوطالب و خدیجه. درس هایی از مکتب اسلام 7: ص 25 - 29.
22. حر، سید حسین بهار 1385. هفت نکته قرآنی در سیره اولین زن مسلمان حضرت خدیجه طاهره علیها السلام. فصلنامه قرآنی کوثر 20: ص 24-30.
23. حسینی، سید جواد. شهریور 138. پیوند آگاهانه و معنوی خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله ماهنامه پاسدار اسلام 333: ص 23 - 25.
24. حسینی، سید جواد. مرداد و شهریور 1389. خدیجه علیها السلام اسوه فضیلت. ماهنامه مبلغان 131: ص 70-81
25. حسینی، سید جواد. شهریور 1387. کجا مثل خدیجه می توان یافت. ماهنامه پاسدار اسلام 321: 14-17.
26. حمیدزاده، اکبر بهار 1384. نقش طاهره قریش خدیجه در زندگی و پیروزی حضرت محمد. فصلنامه یاد 75: ص 87 - 100.
27. خیراتی، اعظم. 1392. حقیقت زن بودن با بررسی زندگی و منش حضرت خدیجه علیها السلام. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>
28. داودی، رضا. مرداد 1391. خدیجه گوهری که در مکه درخشید. ماهنامه پیام زن 245 ص 36.
29. دژم محمد جواد. مهر 1384. وفات حضرت خدیجه: پیش از پرواز. فصلنامه

30. رسولی محلاتی. سال چهارم. سن رسول خدا صلی الله علیه و آله و خدیجه در هنگام ازدواج. ماهنامه پاسدار اسلام 48
31. رسولی محلاتی. سال پنجم: تا خدیجه زنده بود رسول خدا صلی الله علیه و آله زن دیگری اختیار نکرد. ماهنامه پاسدار اسلام 49
32. رسولی محلاتی. سال هشتم. وفات ابوطالب و خدیجه. ماهنامه پاسدار اسلام 92.
33. رشیدپور، مجید. آبان 1373. خانواده خوشبخت. پیوند 181: ص 46-42.
34. رضایی، حمیده. مهر 1384. وفات حضرت خدیجه: خدا حافظ، خدیجه. فصلنامه اشارات ایام 77: ص 114
35. زارع، محبوبه. اسفند 1386. ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام. اولین جرقه عشق. فصلنامه اشارات ایام 106: ص 115.
36. زارع محبوبه، رزیتا نعمتی، محمد کاظم بدرالدین، روح الله حبیبیان، سودابه، مهیجی بهزاد پودات محمد علی، کعبی، سعیده خلیل نژاد شهریور 1386. وفات حضرت خدیجه کبری علیها السلام: تجارت، بهانه بود/ خدیجه حامی رسالت/ اندوه پیامبر/ اندوه و اشک آخرین فرستاده.... فصلنامه اشارات ایام 100: ص 105 - 113
37. سبحانی تبریزی، جعفر آذر 1339. تجزیه و تحلیل در تاریخ اسلام/ خدیجه ملکه اسلام/ درس هایی از مکتب اسلام، 11: ص 16-21.
38. سعادت شایسته، علی. آبان 1382. وفات حضرت خدیجه علیها السلام: بانوی مکه. فصلنامه اشارات ایام 66: ص 57
39. شایسته خو. 1392. خدیجه در خانه پیامبر؛ زن و تعالی خانواده. فصلنامه شمیم نرجس 25.
40. صبوری، سمیه. آذر 1380. فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام. گلستان قرآن 95: 29 - 30

41. صفراآبادی، فراهانی، معصومه. مرداد و شهریور 1389. فرشته مهر: به مناسبت دهم ماه رمضان، سالروز رحلت حضرت خدیجه علیها السلام. پیام زن 221 - 222: 50 - 53
42. صمدی علی اکبر. بهمن 1376. پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام ادب و عاطفه. پیام زن 71: 12 - 15.
43. طاهری، سید محمود. مهر 1384. وفات حضرت خدیجه: عام الحزن. فصلنامه اشارات ایام 77: ص 115
44. طبسی، محمد محسن دی 1378. حضرت خدیجه علیها السلام. مادر امت. ماهنامه فرهنگ کوثر 34: ص 52 - 55.
45. عابدی، محمد دی 1379. حضرت خدیجه، اولین شیعه علی علیه السلام: به مناسبت دهم، رمضان سال روز وفات حضرت خدیجه مبلغان 11: ص 8 - 18.
46. عابدی، محمد. فروردین 1376. ... و کجاست مثل خدیجه. ماهنامه فرهنگ کوثر 1: ص 24 - 31.
47. عادل حسینی، سید جعفر. 1394. نقش حضرت خدیجه علیها السلام در گسترش اسلام منتشر شده در سایت <http://www.adeli-af.com>
48. علوی طالقانی، علاء الدین. 19 آبان 1323. خدیجه یا همسر محمد صلی اللخه علیه و آله. آیین اسلام 34: ص 4
49. فولادی، فضل الله. مرداد 1390. خدیجه؛ همسری فداکار و مشاوری امین. درس هایی از مکتب اسلام 603: 58 - 69
50. قاسمی، علیرضا. آذر 1380. خدیجه طاهره، به روایتی دیگر. گلستان قرآن 95: ص 31 - 32.
51. کامرانی، اکرم. آبان 1382. وفات حضرت خدیجه علیها السلام: تمامت خوبی و بردباری. فصلنامه اشارات ایام 66: ص 55.
52. کرمی، علی. بهار 1386. نقش خدیجه علیها السلام در پیشرفت اسلام و انسان.

53. کرمی، علی. زمستان 1385. ویژگی نو اندیشی و نوگرایی خدیجه علیها السلام. فصلنامه فرهنگ جهاد 46: ص 144
54. کنانی، تقوا و معصومه گل گلی. مرداد و شهریور 1387. خدیجه علیها السلام بانوی خوبی ها: فضایل معنوی حضرت خدیجه کبری (به مناسبت هفتم رمضان). آفاق مهر: ص 68-71
55. کامرانی اکرم. وفات حضرت خدیجه علیها السلام: تمامت خوبی و بردباری. ماهنامه مبلغان 59
56. کرمی، علی. 1386. نقش خدیجه علیها السلام در پیشرفت اسلام و انسان (قسمت سوم) فرهنگ جهاد علوم اسلامی 47
57. کرمی، علی. 1385. ویژگی نو اندیشی و نوگرایی خدیجه علیها السلام (2) فرهنگ جهاد 46
58. گلی، زواره غلامرضا. رمضان 1433. بگی از فضایل حضرت خدیجه کبری علیها السلام. ماهنامه مبلغان 155: ص 37-58.
59. گلی زواره، غلامرضا. مرداد 1391. خدیجه بانوی کارآفرین. ماهنامه پیام زن 245: ص 42.
60. لقمانی، احمد فروردین 1380. شخصیت شناسی فاطمه علیها السلام. پیام زن 109: ص 42-47.
61. لک زایی بهادری، خدارحم 1390. بزرگ بانوی تاریخ اسلام و مادر مؤمنان حضرت خدیجه طاهره. فصلنامه ندای اسلام 46
62. محدثی، جواد. تابستان 1387. خدیجه کبری علیها السلام نخستین زن مسلمان. معارف اسلامی 72: ص 78-82
63. محقق (م. آتش)، جواد آذر 1358. خدیجه ای همه خوبی. پیام اسلام 6: ص 232 - 235.
64. محیطی اردکانی احمد. آذر 1378. اولین بانوی اسلام (به

- مناسبت دهم ماه مبارک رمضان سالروز رحلت حضرت خدیجه). فصلنامه فرهنگ کوثر 33: ص 58 - 60 .
65. مهدی نژاد، امید. آبان 1382. وفات حضرت خدیجه علیها السلام: دریای سخاوت. فصلنامه اشارات ایام 66: ص 53
66. مهدی پور، علی اکبر. شهریور و مهر 1387. صدف کوثر. ماهنامه مبلغان 107: ص 35 - 50
67. موسوی، سید علی اصغر. مهر 1384. وفات حضرت خدیجه: بانوی سخاوت عشق. فصلنامه اشارات ایام 77: ص 117
68. میانجی، محمد. رمضان 1422. نگاهی به ویژگی های رفتاری اولین بانوی مسلمان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. ماهنامه مبلغان 23: 39 - 49
69. میرزایی، محمد سعید. آبان 1382. وفات حضرت خدیجه علیها السلام: تا آخرین نفس. فصلنامه اشارات ایام 66: ص 54
70. ناصری، فهیمه. 1387. همسر رسالت/ به مناسبت سالروز وفات حضرت خدیجه کبری علیها السلام. ماهنامه زائر 6 .
71. نصیری، عبدالله. 1375/09/21. به مناسبت سالروز وفات حضرت خدیجه علیها السلام حامی بزرگ اسلام ایران: ص 10.
72. هاشمی پور، اکرم سادات. تیر 1393. خدیجه! شب پرواز می رسد. ماهنامه پیام زن 4 (268): ص 33 .
73. هاشمی نژاد، اکرم سادات . 1389. اولین بانوی آینه ها. شمیم یاس 89 .
74. هراتیان علی. پاییز 1385. خدیجه علیها السلام بزرگ بانوی جهان. فصلنامه بهورز 68: ص 40.
75. نویسنده نامشخص. الگوی زن مسلمان؛ خدیجه در آینه زار توحید / حضرت خدیجه کبری علیها السلام ماهنامه طوبی 34
76. نویسنده نامشخص. آیا حضرت خدیجه علیها السلام قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله با فرد دیگری ازدواج کرده بود؟ منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>.

77. نویسنده نامشخص. بر کرانه فضائل خدیجه علیها السلام . ماهنامه نسیم وحی 31.

78. نویسنده نامشخص. آذر 1376. به پیشگاه مادر والا، ام المومنین حضرت خدیجه علیها السلام . تحول اداری 17: ص 3-4 .

79. نویسنده نامشخص. 1394. بی تابی فاطمه علیها السلام در وفات مادر و بشارت پیامبر صلی الله علیه و آله به وی. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>.

80. نویسنده نامشخص. 1388. پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام ادب و عاطفه

81. نویسنده نامشخص. آذر 1380. تأثیر حضرت خدیجه علیها السلام بر زندگی سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله گلستان قرآن 95: ص 19-21.

82. نویسنده نامشخص. تیر 1393. حضرت خدیجه علیها السلام ، الگویی در ایثار اقتصادی. ماهنامه اندیشه و راهبرد 9: ص 80.

83. نویسنده نامشخص. حضرت خدیجه علیها السلام در قرآن. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>.

84. نویسنده نامشخص حضرت خدیجه علیها السلام مادر ام اییها

85. نویسنده نامشخص. حضرت خدیجه، رحمتی از رحمت واسعه خدا بر پیامبر بود. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>

86. نویسنده نامشخص خدیجه علیها السلام از اسلام آوردن تا وفات. ماهنامه گنجینه 72.

87. نویسنده نامشخص. مهر 1385. خدیجه بانوی بزرگ کرامت. ماهنامه اندیشه دانشجو 82: ص 9.

88. نویسنده نامشخص. خدیجه قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله

89. نویسنده نامشخص. تیر 1393. خدیجه، یاور راستین پیامبر صلی الله علیه و آله. ماهنامه سرباز 213: ص 32 .

90. نویسنده نامشخص. تابستان 1390. خدیجه؛ همسر نبوت و مادر عصمت. ماهنامه گنجینه مجمع 52-54: ص 44.

91. نویسنده نامشخص. در سوگ مادرم خدیجه. ماهنامه دیدار آشنا 118.

92. نویسنده نامشخص. 1393. در وصف حضرت خدیجه کبری علیها السلام . منتشر

93. نویسنده نامشخص. آبان 1364. درس هایی از تاریخ تحلیلی ازدواج با خدیجه. پاسدار اسلام 47: ص 26 - 30.

94. نویسنده نامشخص. 1394. دوشیزه حجاز حضرت خدیجه کبری علیها السلام ام المؤمنین. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>

95. نویسنده نامشخص. زندگانی حضرت خدیجه کبری علیها السلام

96. نویسنده نامشخص. 1389. سال روز وفات حضرت خدیجه علیها السلام. ماهنامه گلبرگ 121

97. نویسنده نامشخص. خرداد 1386. شمیم یار/ ازدواج امین قریش با خدیجه / قرآن و زندگی شاد و هدفمند/ پیام آور نینوا ... ماهنامه پیام زن 183: ص 97-117

98. نویسنده نامشخص. عهد حضرت خدیجه علیها السلام در هنگام وفات با اسماء در مورد شب عروسی فاطمه علیها السلام منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>

99. نویسنده نامشخص. 1388. فضائل خدیجه علیها السلام.

100. نویسنده نامشخص. آذر 1380 فضیلت خدیجه علیها السلام در گفتار بزرگان. دو هفته نامه گلستان قرآن 95: ص 33-35

101. نویسنده نامشخص. 1393. فضیلت خدیجه علیها السلام در گفتار بزرگان. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>

102. نویسنده نامشخص. گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در فراق خدیجه پس از سال ها. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>

103. نویسنده نامشخص. نیمه اول آبان 1383. گزارش بزرگداشت حضرت خدیجه علیها السلام در بخش بانوان. دو هفته نامه گلستان قرآن 187: ص 38.

104. نویسنده نامشخص. آبان 1381. معارف: خدیجه علیها السلام و خانه ای در بهشت. ماهنامه شاهد جوان 330: ص 7.

105. نویسنده نامشخص. نام پر افتخار خدیجه. ماهنامه پرسمان 115.

106. نویسنده نامشخص. 1388. نسب او خدیجه علیها السلام

107. نویسنده نامشخص. 1390. نقش حضرت خدیجه علیها السلام در پیشبرد و توسعه اسلام کلیدی بود. ماهنامه گنجینه مجمع 52-

54

108. نویسنده نامشخص. نقش طاهره قریش خدیجه در زندگی و پیروزی حضرت محمد صلی الله علیه و اله.

109. نویسنده نامشخص. آذر 1380 نگاه اول/ منزلت حضرت علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام. دو هفته نامه گلستان قرآن 95:

ص 2

110. نویسنده نامشخص. 1385. نگاهی نوبه زندگی یار و مشاور پیامبر خدیجه علیها السلام. فرهنگ جهاد 43-44

111. نویسنده نامشخص. هم سفر خورشید. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>

112. نویسنده نامشخص. 1393. وصیت های حضرت خدیجه علیها السلام. منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>

113. نویسنده نامشخص. 1389. وفات حضرت خدیجه. فصلنامه اشارات ایام 135

114. نویسنده نامشخص. آبان 1383. وفات حضرت خدیجه علیها السلام - (83/8/4 - دهم رمضان) ماهنامه گلبرگ 56 ص 20.

115. نویسنده نامشخص. آبان 1383. وفات حضرت خدیجه علیها السلام - (83/8/4 - دهم رمضان) ماهنامه گلبرگ 56 : ص 106

116. نویسنده نامشخص. 1388. وفات حضرت خدیجه علیها السلام بهترین زنان/ خدیجه در آینه معراج پیامبر/ بانوی دو جهان/

همسری که پیامبر شد/ زن ثروتمند/ ثروت با برکت/ خدیجه علیها السلام از نگاه پیامبر. ماهنامه قاصدک 47.

117. نویسنده نامشخص. 1394. وفات حضرت خدیجه علیها السلام. فصلنامه اشارات ایام 159.

ص: 300

118. نویسنده نامشخص. مهر 1385. وفات حضرت خدیجه علیها السلام. ماهنامه قاصدک 22: ص 44

119. نویسنده نامشخص ویژگی های رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله منتشر شده در سایت <http://www.sibtayn.com>

مقالات روزنامه ها

1. اقبالیان، ابوالقاسم. 1384/07/21 مناقب و فضایل حضرت خدیجه علیها السلام. مردم سالاری: ص 5.

2. آزاد مهرداد. 1374/11/11. خدیجه شریک مصائب پیامبر صلی الله علیه و آله کیهان: ص 14.

3. بختیاری اکبر. 1382/08/15. مادر بی همتای عشق. جام جم: ص 9.

4. ترکاشوند علی. 1386/05/22. خدیجه علیها السلام بانوی شفیق محمد صلی الله علیه و آله. حمایت: ص 6.

5. توانا، صدیقه. 1378/09/28. هم نشین آفتاب کیهان: ص 6

6. جعفری، مهدی. 1379/09/16. خدیجه همسر و یاور پیامبر. جام جم: ص 8

7. حر، سید حسین. 1385/07/06. غم های پیامبر در دل بانوی بهشت: به انگیزه دهم رمضان سالروز وفات حضرت خدیجه علیها السلام. دیدار جام جم: ص 10.

8. خادمیان نوش آبادی، حسین. 1388/06/09. حضرت خدیجه، بانوی کاخ بندگی و سخاوت: امروز سالروز وفات بانوی منحصر به فرد اسلام، والده ماجده و بزرگوار... ایران: ص 14

9. خسروانی، عباس. 1384/07/23. خدیجه علیها السلام اولین صدیقه اسلام، گفتگو با: حجت الاسلام و المسلمین دکتر داوود مختاری. رسالت: ص 7.

10. خوش عمل، عباس. 1380/09/05. نخستین بانوی رستگار اسلام جام

جم: ص 8.

11. سلیمانی، نجیبه . 1385/06/02 . غمگسار پیامبر: به مناسبت 29 رجب سالروز وفات حضرت خدیجه علیها السلام. دیدار جام جم: ص 18: 13.

12. سیاح سینا ایران. 1386/06/31. غمخوار پیامبر صلی الله علیه و آله: به مناسبت وفات حضرت خدیجه علیها السلام . همشهری: ص 21.

13. صاحبی مفرد، تقی. 1379/09/17. القاب و فضایل حضرت خدیجه (علیها السلام) کیهان: ص 6.

14. قنبرپور، مصطفی. 1377/10/09. بانوی فداکار اسلام. ابرار: ص 2.

15. قنوات، عبد الرحیم. 1373/09/24. انتخاب علی علیه السلام و جهت گیری اجتماعی اسلام همشهری: ص 11.

16. گیلانی حامد. 1384/07/21 بخشی از موفقیت های پیامبر صلی الله علیه و آله مرهون خدمات خدیجه علیها السلام است. قدس: ص 14.

17. محمدی اشتهااردی محمد 1384/07/21. حضرت خدیجه علیها السلام الگویی تکرار ناپذیر قدس: ص 14

18. محمودی، عباس علی 1383/08/03. خورشید همیشه درخشان اسلام حضرت خدیجه کبری. جام جم: ص 8.

19. محیطی اردکانی، احمد. 1386/06/31. اولین بانوی اسلام: به مناسبت سالروز رحلت حضرت خدیجه علیها السلام . ضمیمه اطلاعات: ص 2.

20. ناصری فرد، منوچهر 1384/07/23. خدیجه همسر بی بدیل پیامبر جمهوری اسلامی: ص 3

21. ناصری، فرد منوچهر. 1384/08/11. ام المؤمنین جهان اسلام شرق ص 18

22. نساجی زواره اسماعیل 1381/08/23. یار مهربان رسول الله صلی الله علیه و آله. کیهان: ص 6

23. نویسنده نامشخص 1381/08/23 بانوی صبور، خدیجه علیها السلام . رسالت: ص 13

ص: 302

24. نویسنده نامشخص . 1378/09/27. بانویی در سنگر عدالت اجتماعی. جبهه: ص 10.
25. نویسنده نامشخص. 1378/09/28. حضرت خدیجه علیها السلام اسوه اخلاص. کارو کارگز: ص 3.
26. نویسنده نامشخص. 1375/11/01. حضرت خدیجه علیها السلام اسوه اخلاص. جمهوری اسلامی: ص 3.
27. نویسنده نامشخص. 1381/08/25 حضرت خدیجه علیها السلام ، اسوه اخلاص جمهوری اسلامی: ص 3
28. نویسنده نامشخص. 1378/09/28. در نهانخانه دل هر زن خدیجه ای هست ... آفرینش: ص 1.
29. نویسنده نامشخص. 1373/10/20. همسر همراه جمهوری اسلامی: ص 15.
30. نویسنده نامشخص. 1383/07/30 آرام جان پیامبر صلی الله علیه و آله شما 384: ص 8.
31. نویسنده نامشخص. 1384/07/21. حضرت خدیجه علیها السلام یاور همیشگی رسول خدا صلی الله علیه و آله؛ مختصری از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام به مناسبت سالروز وفات ایشان در 17 رمضان رسالت: ص 19.

1. بیگدلی، زاهد، 1386. مرجع شناسی عمومی لاتین، تهران: سمت.
2. خسروی، فریبرز 1385. دایره المعارف کتاب داری؛ ج 2 تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران
3. روغنی، شهره 1392، کتاب شناسی گزیده توصیفی تاریخ و تمدن ملل اسلامی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی
4. سلطانی، پوری، و فروردین راستین، 1379، دانشنامه کتابداری و اطلاع رسانی، تهران: فرهنگ معاصر.
5. کومار، کریشین، 1387، خدمات مرجع، ترجمه زاهد بیگدلی؛ ویرایش 5، ج 1. اهواز: دانشگاه شهید چمران.
6. کینان، استلا، 1378، فرهنگ فشرده کتابداری و اطلاع رسانی. ترجمه و تدوین فاطمه اسدی، گرگانی تهران: نشر کتابدار
7. مرادی، نورالله، 1372، مرجع شناسی: شناخت خدمات و کتاب های مرجع، تهران: فرهنگ معاصر.
8. مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان 1391، کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان
9. مسرت، حسین، 1374، کتاب شناسی رشیدالدین میبیدی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
10. وزیر پور کشمیری، مهرداد، 1386، مرجع شناسی عمومی لاتین، تهران: کتابدار.

کتاب شناسی توصیفی خدیجه کبری علیها السلام: سید رضا هاشمی شاه قبادی

*کتاب شناسی توصیفی خدیجه کبری علیها السلام: سید رضا هاشمی شاه قبادی (1)

این نوشتار کتاب شناسی توصیفی از منابعی است که به زندگانی و سیره خدیجه کبری علیها السلام می پردازد کتاب های معرفی شده در دو دسته کلی تقسیم می شوند: دسته ای که صرفاً به موضوع پرداخته و مطالب در چارچوب زندگی و سیره این بانوی بزرگ اختصاص یافته است. دسته دوم که در ضمن بحث های خود به موضوع خدیجه کبری علیها السلام نیز پرداخته و قسمتی مهم و قابل توجه از کتاب و نوشته خویش را به ایشان اختصاص داده اند؛ اما با نگاهی دقیق تر می توان این کتاب ها را در قالبی تفصیلی تر نیز تقسیم بندی نمود. کتاب های ادبی، حدیثی، تاریخی و شخصیت نگاری از مجموعه کتاب هایی هستند که به این موضوع پرداخته اند که در ذیل نمونه ای از هر کدام معرفی شده است. در پایان باید اذعان داشت که کتاب های معرفی شده، یقیناً همه کتاب هایی نیست که در این موضوع نگاشته شده بلکه با توجه به محدود بودن وقت و دست رسی بدان ها به تعدادی اشاره شده است

1. خدیجه امین محمد صلی الله علیه و اله، فریبا انیسی، به سفارش اداره کل امور بانوان، شهرداری، چاپ، اول، تهران تابستان 1386 فارسی وزیری، 114 صفحه.

کتاب در قالب داستانی برای مخاطب جوان نگاشته شده است. نویسنده سعی کرده زندگانی حضرت خدیجه کبری علیها السلام را در قالب داستانی بلند، با قلمی روان و ملموس بیان کند منابع بسیار محدودی دارد تمامی منابع از

ص: 305

1- دانش پژوه دکتری تاریخ اهل بیت مجتمع امام خمینی (رحمه الله).

کتاب های عصر حاضر هستند. نویسندگان متأسفانه برای داستان پردازی، دست به سوی هر گزارشی دراز کرده و سره و ناسره را در هم آمیخته و گاه خودش بر آن افزوده تا داستان یکپارچه و پیوسته ای را پردازد. از همین رو به منابع در متن اشاره نشده است و فهرست موضوعی نیز ندارد. در مجموع، هر چند متنی زیبا و شیوا عرضه شده به صحت و سقم آن اعتمادی نیست.

2. مثلهن الاعلی؛ السیده خدیجه علیها السلام، الشیخ عبدالله العالیلی، بیروت، دار الحدید، 1992، م، عربی وزیری، 120 صفحه

کتاب با زبانی، ادبی به زندگانی و زوایای حیات خدیجه کبری علیها السلام پرداخته است. متنی که به عربی جدید نگاشته شده و از کنایات و تمثیل ها فراوان بهره برده است. این کتاب برای مخاطب دانشجو و اهل ادب نگاشته شده و فاقد روش علمی تحقیق است؛ لذا برای مطالب خویش به صورت مرتب، منبعی نکرده و اگر منبعی معرفی کرده بسیار کم است. کتاب فاقد کتاب نامه است و در متن هم گاهی برای شاهد مطالب به روایاتی در پاورقی اشاره شده و غیر از این ها منابعی برای کتاب نمی توان یافت کتاب در نه بخش سامان داده شده است: «رجع حکایه لداعیه التالیف»، «مقدمه»، «فی مدینه الاوثان»، «علی شفاء الزهر»، «إمراه تخمر الطیب»، «یوم لاقت الملائک»، «فی مرکبه الفجر»، «حبات ضوء» و «قاروره المعبد».

3. همسر آفتاب، گروهی از نویسندگان، تهیه شده در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول تهران نشر کتاب، طه، پاییز 1385، فارسی، وزیری، 63 صفحه

همسر آفتاب شماره اول از مجموعه کتاب های با پیامبر صلی الله علیه و آله است که مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما به مناسبت سال پیامبر اعظم منتشر کرده است این کتاب به زندگانی حضرت خدیجه کبری اختصاص دارد و مطالب آن در چهار فصل چینش شده است: فصل اول: «خدیجه در تاریخ»، فصل دوم: «خدیجه نخستین بانوی مسلمان»، فصل سوم: «ویژگی های نخستین خانواده اسلامی»، فصل چهارم: «برگزیده متون ادبی».

کتاب در فضای فرهنگی جامعه شیعی نگاشته شده است. کتاب بیشتر بر منابع شیعی تکیه دارد و از منابع اهل سنت کمتر استفاده نموده است. کتاب نامه پایان کتاب نیز این مطلب را تأیید می کند؛ زیرا از بیست و هفت منبع درج شده فقط هفت منبع از اهل سنت است و باقی منابع شیعی هستند. کتاب از نظر متن نوشته ای سلیس و روان دارد که سعی نموده از خدیجه کبری علیها السلام شخصیتی شایسته و بایسته را به خوانندگان معرفی کند. فصل چهارم کتاب با عنوان «برگزیده متون ادبی» برگی متفاوت از زندگانی خدیجه کبری در مقایسه با دیگر تک نگاری ها در این موضوع است. این فصل با بهره بردن از متون ادبی در مورد زندگانی و شخصیت ایشان قالبی زیبا و ادبی را برای خوانندگان و به خصوص نسل جوان عرضه می دارد که بسیار جذاب و زیباست. کتاب در حین اختصار، سعی نموده با قلمی شیوا و گیرا به تمامی زوایای زندگی آن بانو اشاره کند و در این مسیر موفق بوده است.

4. جلوه هایی از فروغ آسمان حجاز حضرت خدیجه علیها السلام، علی کرمی فریدنی، چاپ اول، قم، انتشارات دلیل ما پاییز 1383، فارسی، وزیری، 135 صفحه.

کتاب هر چند فهرست تفصیلی دارد اما فاقد کتاب نامه است آدرس ها به صورت پاورقی و مختصر در ذیل متن آمده است. نویسنده از منابع متعدد شیعی و سنی جدید و قدیم بهره برده است مخاطب آن زنان و دختران امروز جامعه ایران هستند و لذا نویسنده قلمی نو همراه با اصطلاحات و عبارات امروزی در آن به کار برده است. بیشتر سعی گشته بر ویژگی های اخلاقی و رفتاری آن بانو تأکید شود تا الگوی عملی زنان امروز جامعه قرار گیرد. نویسنده از کنار بحث های تحلیلی و نقد تاریخی و متنی عبور کرده و بیش تر به «تحلیل رفتار» روی آورده است. کتاب در مجموع با ادبیات قوی و قلمی روان، با رویکرد تربیتی برای استفاده جامعه مخاطب عام نگاشته شده است. همین کتاب را انتشارات نسیم انتظار در قالبی با اندک تفاوت با نام نگاهی نو به زندگی درخشان خدیجه نیز به چاپ رسانده است.

5. حياه ام المؤمنين خديجه عليها السلام، محمود شلبي، طبع الاولى، بيروت، دار الجيل، 1409 ق 1989م، عربي، وزيري، 366 صفحه.

نويسنده به ترتيب تاريخي زندگاني خديجه كبرى را از منابع روايي مهم اهل سنت استخراج و دسته بندي کرده و گاه توضيحات مختصري در مورد روايت داده است. كتاب در مجموع جمع آوري احاديث در مورد حضرت خديجه عليها السلام از منابع مهم يعني صحاح و مسانيد اهل سنت است كه به ترتيب تاريخي منظم شده است. نقد و تحليل و نظري در آن ديده نمي شود. فاقد كتاب نامه و منابع است و فقط به «اخرجه فلان» بسنده کرده؛ لذا فاقد روش علمي است و رويكردي كاملاً اهل حديثي دارد

6. الحبيبه اولي المومنين؛ السيده خديجه بنت خويلد، محمد علي صالح، فزني تحقيق: شيخ طه عبدالرئوف سعد از علما الازهر القايره دار جوامع الكلم، عربي، وزيري، 234 صفحه.

نويسنده كتاب را در ذی الحجه 1428 قمری به اتمام رسانيده است. كتاب فهرست تفصيلي دارد و مطالب آن را در چند بخش مي توان خلاصه کرد: بخش اول كه شامل مقدمه و اهداء است و سپس به جاياگاه همسران پيامبر صلي الله عليه و آله مي پردازد و به احكام خاص ازدواج پيامبر صلي الله عليه و آله و حكمت تعدد ازدواج هاي ايشان اشاره مي كند. بخش دوم به تفصيل به زندگاني خديجه كبرى عليها السلام پرداخته است. بخش سوم به اختصار زندگاني و جاياگاه ديگر امهات مؤمنين را بررسي مي كند بخش چهارم به ماجراي زناني پرداخته كه پيامبر صلي الله عليه و آله فقط آن ها را به عقد خود درآوردند، ولي با آنان هم بستر نشدند. اين بخش بيش تر برگرفته از منابع تاريخي اهل سنت است كه محققان به خصوص در مورد تعداد آن ها به طور جدي بحث کرده اند. نويسنده در اين بخش دوازده نفر را نام برده و وقوع عقد را در تمامی موارد پذيرفته است. بخش پنجم در مورد هشت نفر از زنان صحبت مي كند كه پيامبر صلي الله عليه و آله و از آنان خواستگاري كردند اما آنان نپذيرفتند. در پايان اين بخش دو نفر از زناني را نام برده كه پيامبر صلي الله عليه و آله مي خواستند با آن ها

ازدواج کنند و یا به حضرت پیشنهاد ازدواج با آن ها داده شده اما مانع شرعی وجود داشته است. بخش پایانی به همسرانی از پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می کند که با ایشان در جنگ ها حضور داشته اند احکامی نیز درباره زمان ازدواج و یا بعد از آن از طرف خدا، آمده مانند آیه حجاب بحث کرده است.

نویسنده کتاب در فضایی کاملاً روایی به زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و همسران ایشان و به خصوص خدیجه پرداخته است. رویکرد وی بر مبنای احادیث و فقه اهل سنت است. وی تأکید می کند که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از اهل بیت علیهم السلام به شمار می آیند و آیات و روایات در این مورد ایشان را نیز شامل می گردد. تأکید نویسنده بر جایگاه صحابه و به خصوص خلفا و عایشه اعتقاد سنتی و مذهبی وی را نشان می دهد. تندی قلم نویسنده در مورد کسانی که شأن و جایگاه عایشه و صحابه و به خصوص خلفا را رعایت نمی کنند از دیدگاه وی نسبت به عدالت صحابه خبر می دهد. وی مواردی را که منشأ کوچک ترین بدگمانی به صحابه و به خصوص افراد خاص و یا روایت گر کوچک ترین خطایی از سوی ایشان باشد حذف کرده و یا به شکلی بسیار لطیف از کنارشان رد شده است. تمامی منابع کتاب از منابع مشهور اهل سنت است و شاید بتوان گفت که نویسنده دلداده مکتب حدیثی اهل سنت بوده و عقایدی نزدیک به وهابیت داشته است. در مجموع دیدگاه نویسنده نسبت به جایگاه پیامبر اسلام و همسرانش برگرفته از روایات اهل سنت بدون هیچ گونه جرح و تعدیل است و تمامی روایات وارده را بدون هیچ گونه نقد و تحلیلی، صرفاً جمع آوری و دسته بندی کرده و باید متذکر شد که همین نقل و دسته بندی نیز کاملاً جانب دارانه و گزینشی صورت گرفته است.

7. ام المؤمنین خدیجه بنت خویلد عبدالمنعم الهاشمی، طبع الأولى، بیروت، مکتبه الهلال، 1421 ق 2000 م، عربی، وزیری، 120 صفحه.

کتاب فاقد مقدمه کتاب نامه و فهرست مطالب است. اسنادات به صورت پاورقی و بدون ترتیب خاصی بیان شده است گهگاهی انتشارات ذکر گردیده و در بیش تر مواقع به صورت بسیار موجز آدرس دهی شده است. سرفصل های

اصل کتاب به قرار ذیل است: «خدیجه بن خویلد»، «خطبه مبارکه»، «فی بیت الزوجیه»، «فی بیت خدیجه»، «خدیجه و بشار النبوه»، «نزل الوحی»، «فی سبیل الدعوه»، «المقاطعه»، «فی وداع خدیجه» و «ریحانه التاریخ و السیره».

کتاب با رویکردی تاریخی - حدیثی در فضای فکری اهل سنت نگاشته شده است. در مجموع گزارش های کتاب تنزیه و بزرگداشت شخصیت های مشهور صحابه را به دفعات می توان دید که نزد اهل سنت جایگاه ویژه ای دارند. نگاه نویسنده با تعصب مذهبی خاصی همراه است و در نوشته خویش، بدون ذکر علت به یاد خلفا پرداخته و سعی در پر رنگ نشان دادن نقش ایشان در اسلام دارد.

8. خدیجه علیها السلام ام المؤمنین نظرات فی اشراق فجر الاسلام، عبدالمنعم محمد عمر، الطبعه الثالثه، مصر، الهیئه المصریه العامه للکتاب، 1944 م. عربی، وزیری، 508 صفحه

نویسنده مدیر کل خانه کتاب و فرهنگ، قومی وکیل وزارت فرهنگ و رئیس احیاء میراث اسلامی مجلس اعلاست. کتاب فهرست مفصل و کاملی دارد اما در متن کتاب از عناوین فهرست استفاده نشده است نوشته کتاب نامه ندارد و منابع را در پاورقی به صورت مختصر آورده است اصل کتاب در سال 1402 ق 1981 م نگاشته شده و هر بار با اضافات و اصلاحاتی به چاپ مجدد رسیده است کتاب رویکردی حدیثی - تاریخی دارد و به گفته نویسنده سعی شده از منابع صحیح استفاده شود که در نظر وی صحاح و مسانید و تاریخ های مشهور اهل سنت است. تنها کاری که در نقد و شاید به صورت دقیق تر تأیید منابع و روایات شده استفاده از تفاسیر روایی و فقهی اهل سنت و گاهی استفاده از شواهد تاریخی است به تعبیری روشن تر یعنی بازگشت و عرضه دوباره گزارش ها به روایات و دیدگاه بزرگان اهل سنت تفاوتی که در این نوشته دیده می شود، دقت در زوایای تاریک تاریخ است؛ آن جا که هیچ محدث و مورخ به آن پرداخته، نویسنده سعی کرده با تکیه بر شواهد تاریخی و روایی و گاهی با تکیه بر دانسته های خود از فرهنگ و بایدها و نبایدهای اجتماعی آن را روشن

کند. مثلاً شرکت زینب و ام کلثوم در عروسی حضرت فاطمه علیها السلام و رد شرکت بنت عمیس او این مسأله را این گونه پاسخ می دهد که تاریخ از زنده بودن این دو خواهر در زمان عروسی خبر می دهد پس حتماً آن دو در عروسی خواهر کوچک تر خود شرکت داشته و کارهای فراوان برایش کرده اند و اسما در هجرت به سر می برد؛ پس روایاتی که از حضور اسما می گویند مردود است. در مجموع رویکرد حاکم بر کتاب همان رویکرد مشهور جامعه اهل سنت با تکیه بر عدالت صحابه و جایگاه رفیع ایشان در فهم و انتقال سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله به جامعه اسلامی است

9. حیاة السیة خدیجة بنت خویلد من المهد الی اللحد، حسین علی الشرهانی الاولی، بیروت، دار و مکتبه، الهلال، 2005، م، عربی، وزیری، 320 صفحه.

کتاب بیش تر از منابع اهل سنت بهره برده اما از منابع شیعی معروف نیز غافل نبوده است. این بهره بردن از منابع شیعی به معنای تأیید دیدگاه های شیعی نیست و نویسنده در مجموع، سعی نموده با توضیح و تحلیل روایات، مختلف به دیدگاه درست دست یابد الشرهانی با روش علمی پیش رفته و این روش و رویکرد منصفانه و عقلایی، وی اثر او را دارای ویژگی و فضیلت نموده است کاروی علمی است. او با بهره بردن از 164 نویسنده و رجوع فراوان و تحلیلی به منابع مختلف روایی تاریخی، تراجم، تفسیر، طبقات و حتی ادبی، به کار خود قوت بخشیده است. وی در مقدمه مفصل، خود به معرفی و پیشینه موضوع به خوبی اشاره نموده و به نقدها اشکالات و مزایای کارهای گذشتگان توجه کرده است. هم چنین به اعتبارسنجی، منابع توجه وافر نموده و محدثان و راویان موضوع را به خوبی معرفی و نقد نموده است. وی کتاب خویش را در شش فصل و یک مقدمه و خاتمه سامان داده که از قرار ذیل است:

مقدمه به تبیین موضوع، ضرورت پیشینه و شناخت و نقد منابع موضوع پرداخته است. فصل اول نسب شناسی و معرفی خانواده خدیجه کبری است و سعی در معرفی جایگاه اجتماعی و مذهبی خانواده این بانو دارد؛ از همین رو به

اوضاع اجتماعی و فرهنگی پیش از اسلام جزیره اشاره می کند و به تأثیر و تأثر آن در شخصیت و خانواده خدیجه کبری اهتمام دارد فصل دوم، به بررسی زندگی و ازدواج های خدیجه کبری قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله و تعداد فرزندان و نقد گزارش های آن پرداخته است. فصل سوم به سیره و منابع اقتصادی آن بانو پرداخته و بسیاری از گزارش ها را که نقش درایت و مدیریت خدیجه را نادیده گرفته اند، نقد قرار کرده و به معرفی ویژگی ها و علم اقتصادی ایشان توجه داده است. فصل چهارم به ازدواج خدیجه با پیامبر صلی الله علیه و آله و به نقد و بررسی گزارش های مراسم و موارد و الزامات این واقعه می پردازد. فصل پنجم به فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام اختصاص دارد و سرگذشت کاملی از ایشان به صورت مختصر آمده است فصل ششم (فصل پایانی کتاب) به حیات خدیجه کبری و نقش ایشان در پیشبرد اسلام و جایگاه ایشان در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و فرهنگ اسلامی پرداخته است.

یادآوری می شود که نویسنده بر این موضوع تأکید دارد که ملاک برای پذیرش و رد گزارش های تاریخی و روایی عقل و منطق و سپس روایات موثق است. مسلمات قرآنی و سیره نبوی دیگر معیار پذیرش و رد گزارش هاست که باید متناسب با شأن و جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و همسر ایشان باشد؛ به همین جهت در الهی بسیاری از گزارش ها و روایاتی که با این معیارها تناسب ندارد شک باید کرد و با نگاهی، علمی به نقد و تحلیل آن ها باید پرداخت نویسنده در خاتمه، نتایج بحث خویش را در 12 مورد خلاصه کرده است. بیشتر این موارد با مشهورات سازگاری دارد اما باید گفت که وی در مورد سن خدیجه علیها السلام در هنگام ازدواج به 28 سال رسیده و در مورد تعداد فرزندان، ایشان به نتیجه مشخصی نرسیده و آن را به دیگر پژوهشگران حواله داده است. گزارش هایی را که به نقش خدیجه علیها السلام در شناخت وحی و رفت و آمد ایشان نزد علمای یهود اشاره دارد از اساس نمی پذیرد و آن ها را ساختگی و مخالف با جایگاه و شأن رسول خدا صلی الله علیه و آله می داند در مجموع کتاب علمی و روشمند است که با رویکردی عقلانی به موضوع پرداخته و از نقد و تحلیل به وفور استفاده کرده است.

10. خدیجه بنت خویلد؛ أمه جمعت في إمره، السيد نبيل الحسني، اصدار قسم الشؤون الفكرية و الثقافية في العتبة الحسينية المقدسه كربلا المقدسه العتبة الحسينية المقدسه، طبع، الاولى، 1432 ق 2011م، 4 جلد، عربي، وزيري، 1230 صفحه.

این مفصل ترین کتابی است که در 4 جلد با حجم 1230 صفحه، با چاپ و کاغذی بسیار مرغوب در این زمینه نگاشته شده است. سر فصل های اصلی کتاب عبارتند از: فصل اول: «سیده القریش»، فصل دوم: «زواجها من رسول الله»، فصل سوم: «اولاد السیده خدیجه»، فصل چهارم: «بنات النبی بین النقل و العقل»، فصل پنجم: «القرآن یفسر بعضه بعضاً» (پایان جلد اول)؛ فصل ششم: «انها من عباد الله المخلصین و خیر زوجه لرسول رب العالمین» فصل هفتم: «منزله خدیجه فی القرآن والسنة» (پایان جلد دوم)؛ فصل هشتم: «خصایص دار خدیجه فی مکه»، فصل نهم: «حملها بفاطمه و اولادها» (پایان جلد سوم)؛ فصل دهم: «اخوه خدیجه و ارحامها»، فصل یازدهم: «وفاه خدیجه» و در پایان، فهرست ها آمده است

کتاب با تفصیلی که دارد سعی نموده در قالبی نو و امروزی، به زوایای مختلف زندگانی خدیجه کبری بپردازد این، تفصیل علاوه بر این که در مواردی باعث خستگی خواننده می شود در برخی موارد که تعداد آن ها هم کم نیست، به خروج از موضوع منتهی شده است؛ مثلاً در مورد زیارت قبر ایشان، به آراء فرق مختلف اهل سنت در مورد زیارت قبور پرداخته و سعی کرده در پایان، نظریه شیعه را اثبات کند و یا در برخی موارد وارد بحث های اختلافی و اعتقادی بین شیعه و اهل سنت شده و به پاسخ گویی و دفع شبهات پرداخته که گر چه مفید قالب موضوع کتاب به سختی می توان آن ها را سامان داد نیمی از جلد چهارم کتاب را فهرست های متنوع و مفصل در برگرفته و نویسنده از منابع متعددی به نقل از کتاب، نامه بیش از 450 عنوان کتاب استفاده کرده است. کتاب در مجموع در فضایی شیعی نوشته شده و کوشیده شخصیت شیعی و

ارجمندی از خدیجه کبری به خواننده عرضه دارد.

11. بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علامه محمد باقر مجلسی الطبعه الثانيه، بیروت، موسسه الوفاء، المصححه، 1403 ق 1983 م، 110 جلدی، عربی وزیری

علامه مجلسی در جلد شانزدهم باب پنجم را به زندگانی و سیره خدیجه کبری با این عنوان اختصاص داده است: «تزوجہ صلی اللہ علیہ و آلہ بخدیجہ رضی اللہ عنہا و فضائلہا و بعض احوالہا» این، باب برگرفته از کتب مختلف روایی با روش اخباری است که نویسنده به جمع آوری روایات مختلف در مورد زندگانی و سیره و فضایل خدیجه کبری پرداخته است. این باب که حدود 80 صفحه را در بر می گیرد منبع بسیاری از تحقیقات بعد از مجلسی در مورد آن بانوست؛ هر چند علامه مجلسی ذکر احوال فرزندان خدیجه کبری را به باب «احوال اولاد النبی» حواله داده و بابتی مستقل در مورد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اختصاص داده است

12. الصحیح من سیرہ النبی الاعظم سید جعفر مرتضی عاملی، الطبعه الاولى، قم، دار الحدیث للطباعة و النشر، 1426 ق 1385 ش، 35 جلدی، عربی، وزیری.

علامه عاملی در حدود 35 صفحه از باب دوم کتاب با عنوان «از میلاد تا بعثت پیامبر» را به خدیجه کبری اختصاص داده است. این مطالب با عنوان خدیجه فی بیت النبی در فصل دوم این باب (ص 189-225) آمده است. این فصل را در جلد دوم الصحیح از انتشارات یاد شده می توان یافت. عناوین ذیل مباحثی است که نویسنده بدان پرداخته است: «السفر الثاني الی الشام»، «زواجه بخدیجه»، «خطبه ابی طالب»، «نظره فی کلمات ابی طالب و دین شائع»، «مهر خدیجه»، «عمر خدیجه حین زواج»، «یتیم قریش اکتوبه مفضوحه»، «هل تزوج خدیجه طمعا فی مالها»، «خدیجه مثل اعلی»، «خدیجه بین نساء قریش»، «هل تزوجت خدیجه بأحد قبل النبی زوجتا عثمان هل هما ابنتا النبی» «هل زینب بنت الرسول ام ریبته»، «منافسون لعلی» و «خوله هند بن ابی هاله

ص: 314

13. حضرت خدیجه علیها السلام همسر پیامبر اسطوره ایثار و مقاومت محمد محمدی اشتهاردی، چاپ دوم موسسه انتشارات نبوی بهار 1384، فارسی، وزیری، 287 صفحه.

محمد محمدی اشتهاردی این کتاب را در تابستان 1377 شمسی با قلمی شیوا و گیرا نوشته است. نویسنده بیشتر به بیان مطالب و دسته بندی آن ها پرداخته و از تحلیل بهره نبرده است. شاید بتوان گفت که در تمامی موارد و زوایای زندگانی خدیجه کبری به آرا و اقوال مشهور اعتماد نموده و این گفته فقط در مواردی که بین دیدگاه شیعیان و اهل سنت اختلافی باشد، استثناپذیر است. در این موارد نویسنده به دیدگاه شیعی نظر دارد از آن جایی که کتاب برای عموم نگاشته شده در موارد فراوانی از شعر نیز بهره برده و از کنایات و تشبیهات نیز استفاده کرده که به شیوایی و روانی متن کمک فراوانی نموده است. این اثر کتاب نامه ندارد و منابع به صورت پاورقی و مختصر ذکر شده است. وی از منابع شیعی متقدم و متأخر استفاده کرده، اما در مورد منابع اهل سنت، تأکید بر منابع مشهور و متقدم آن هاست کتاب فهرست نیز ندارد، اما می توان آن را بر اساس مقدمه کتاب، در سه فصل از زندگانی آن بانو تقسیم بندی نمود: فصل اول: «حضرت خدیجه علیها السلام از آغاز ولادت تا آغاز بعثت (پنجاه و پنج سال)»؛ فصل دوم: «خدیجه نخستین بانوی مسلمان و فداکاری های او در راه اسلام (ده سال)»؛ فصل سوم: «فضایل خدیجه فرزندان، او وصیت و رحلت جان سوز و مقامات او».

14. نقش ام المؤمنین خدیجه علیها السلام در تاریخ اسلام، محمد محمود پورپشته علیها السلام پایان نامه ارشد رشته تاریخ دانشگاه تهران به راهنمایی هادی عالم زاده مشاوره حسین قره چانلو نیمسال دوم 78-1377. فارسی، رحلی 162 صفحه

پایان نامه با ادعای روش تاریخی به این موضوع پرداخته، اما متأسفانه فقط

به جمع آوری گزارش ها و دسته بندی آن ها بسنده نموده و از نقد و تحلیل آن ها به سادگی عبور کرده است نکته ای جدید در آن دیده نمی شود این پایان نامه در شش بخش تنظیم شده است بخش اول: «عربستان پیش از اسلام»، بخش دوم: «زندگانی خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر» بخش سوم: «خدیجه همسر پیامبر»، بخش چهارم: «فرزندان خدیجه»، بخش پنجم: «فضائل خدیجه»، بخش ششم: «دیگر زنان پیامبر».

15. ام المؤمنین الكبرى خدیجه بنت خویلد، تألیف مؤسسه البلاغ، طبع الاولی، تهران، انتشارات مؤسسه البلاغ، 1422 ق 2001 م، عربی، قطع جیبی 100 صفحه.

این کتاب از مجموعه کتاب های عالم المراه است که جلد اول آن، به خدیجه کبری اختصاص داده شده و جلد دوم با عنوان «زینب و فاجعه الكربلاء»، جلد سوم با عنوان «المراه بین واقع التاريخ و دور المغیب» و جلد چهارم با عنوان «نساء هن مثل الاعلی» چاپ شده است. کتاب به زبان عربی نگاشته شده و به تعداد فراوان برای جامعه خارج از ایران به چاپ رسیده است. مؤسسه بلاغ در نظر داشته با انتشار کتاب های این چنینی، به تبلیغ اسلام و فرهنگ اسلامی کمک نماید این کتاب، مخاطب عام و به خصوص جامعه زنان است. سرفصل های اصلی کتاب شامل عناوین ذیل است:

«المراه والدعوه الالهیه»، «المراه فی الاسلام»، «سیده قریش»، «البدایه و المسار»، «الخطبه و الزواج»، «بیت خدیجه»، «فی انتظار الوحی»، «فی مرفأ النور»، «اسلام و تصدیق»، «فی اول الساجدین»، «تحیه السلام و بشری الخلود»، «خدیجه فی شعب الحصار»، «أبناء خدیجه»، «وداعا یا رسول الله» و «انی لاحب حبیبها».

کتاب با متنی شیوا و زیبا بیشتر بر جنبه هایی از زندگانی خدیجه کبری تأکید دارد که الگویی برای جامعه اسلامی است. از حواشی و مطالب زاید تاریخی و غیر لازم پرهیز نموده اما متأسفانه فاقد کتاب نامه است و سعی شده در

متن آدرس ها به صورت پاورقی و مختصر بیان شود. نویسندگان یا نویسندگان، از منابع جدید و قدیم اهل سنت و شیعه توأمان استفاده نموده اند. کتاب در فضای علمی نگاشته نشده به همین جهت منابع از نظر صحت و قوت ناسنجیده است. در مجموع کتاب در جهت هدف فرهنگی و اشاعه فرهنگ اسلامی موفق عمل نموده و متنی خواندنی و وزین را به جامعه تقدیم داشته است.

16. حضرت محمد صلی الله علیه و اله و خدیجه علیها السلام، احمد صادقی اردستانی، انتشارات فجر قرآن چاپ اول تابستان 1385 علیها السلام به مناسبت سال پیامبر اعظم فارسی، وزیر، 174 صفحه

بیش تر حجم کتاب به زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله اختصاص دارد. تنها فصل دوم کتاب با عنوان «خدیجه همسر پیغمبر» در 38 صفحه (ص 38-76) به زندگانی این بانوی بزرگ پرداخته است. این فصل شامل عنوان های ذیل است: «ازدواج با پیامبر»، «تاریخ ازدواج»، «در آغوش اسلام»، «شریک سختی ها»، «در محاصره اقتصادی»، «ثروت خدیجه و شمشیر علی»، «فرزندان خدیجه»، «وفات خدیجه» و «[خدیجه] از نظر بزرگان و دانشمندان»

نویسنده با بهره گیری از منابع محدود فارسی و عربی قدیم و جدید (36 منبع) سعی نموده در قالبی نو و گیرا و با ادبیاتی امروزی و به زبان فارسی به این موضوع بپردازد. قالب نوشتاری در فضایی، معقول به تحلیل فضای اجتماعی و اعتقادی آن زمان مکه پرداخته و سعی نموده خدیجه کبری و اقدامات ایشان را در این فضای اجتماعی تحلیل و معرفی نماید.

17. نساء مبشرات بالجنه احمد خلیل جمعه، بیروت، دار ابن کثیر، طبع الثانیه، 1412 ق 1991 م، عربی، قطع پالتویی، 283 صفحه.

همان طور که از اسم کتاب پیداست نویسنده سعی کرده در دو جلد کتاب از زنانی صحبت کند که پیامبر آن ها را بشارت به بهشت داده است. جلد اول این کتاب (ص 13 - 53) به ام المؤمنین خدیجه کبری اختصاص دارد. نویسنده با مراجعه به منابع روایی تفسیری و تاریخی اهل سنت، بیش تر

ص: 317

به ویژگی های اخلاقی و فردی این بانو پرداخته است. در مجموع می توان گفت که نوشته مذکور نشان دهنده دیدگاه اهل حدیثی اهل سنت بوده، متأسفانه از هر گونه نقد و تحلیل روایات به دور است. نویسنده گاه با منابع تاریخ و مغازی نیز مانند متون حدیثی برخورد کرده و هر آن چه را در جهت هدف نوشتار بوده، بدون هیچ کم و کاستی پذیرفته و گزارش کرده است. کتاب دارای کتاب نامه و فهرست است و ادبیات نوشتاری نسبتاً خوبی دارد.

18. أعلام النساء، علی محمد علی دخیل طبعه الاولى، بیروت، دارالهادی، 1422 ق 2001، م، عربی، وزیری، 406 صفحه

نویسنده در این کتاب به زندگانی زنان الگو پرداخته است. این زنان شامل خدیجه کبری فاطمه بنت اسد فاطمه الزهرا ام سلمه، ام کلثوم بنت امیرالمؤمنین السیده زینب بنت امیرالمؤمنین، السیده سکینه بنت الحسین والسیده فاطمه بنت الحسین است. 34 صفحه اول کتاب به خدیجه کبری اختصاص دارد و سعی شده با مراجعه به منابع اصلی اهل سنت از حدیث و تاریخ، به گزارشی از زندگانی ایشان دست یابد. هر چند أعلام النساء کتاب نامه ندارد، منابع را به صورت مختصر در پاورقی آورده است. در پایان فهرست تفصیلی مطالب کتاب آمده است این بخش در عین اختصار، شامل مباحث ذیل در مورد خدیجه کبری می شود: «[خدیجه] فی سطور»، «اسلام ها»، «فی عهد الرساله»، «سیرتها»، «مکانتها عند الرسول الاعظم»، «فی احادیث الرسول الاعظم»، «کلمات العلماء والعظماء»، «نهاية المطاف». کتاب در اوج اختصار نگاشته شده و به نقل قول بزرگان بسنده کرده است. بیش تر به وجوه اخلاقی و سیره فردی آن بانو توجه داشته و از بحث و ذکر گزارش های متناقض و ضعیف خودداری نموده است.

19. اسوه های جاویدان سیری در زندگانی اصحاب وفادار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قال چاپ اول، سید رضی سید نژاد، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی زمستان، 1389، فارسی، وزیری، 760 صفحه.

همان طور که عنوان کتاب نشان می دهد نقدی است بر دیدگاه عدالت صحابه نویسنده کوشیده تا با تکیه بر دو بازوی عقل و نقل و با استفاده از قرآن و روایات صحیح به نقد عملی دیدگاه عدالت صحابه و برخی آراء اهل سنت در مورد اطرافیان رسول خدا صلی الله علیه و آله پردازد وی در مقدمه ای سی صفحه ای به معرفی مبانی تحقیق خویش پرداخته و سعی نموده به مفهوم شناسی درست از اصحاب و دیگر واژگان مربوط به موضوع پردازد کتاب در قالبی روشمند و علمی، در حدود 40 صفحه به زندگانی و سیره خدیجه کبری (ص 140-179) پرداخته است. این بخش به بحث درباره شرح حال خاندان والقباب خدیجه کبری، ویژگی های فردی و اجتماعی ایشان ازدواج اسلام دفاع و فعالیت های آن بانو از اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و در پایان، رحلت و مقام ایشان نزد پیامبر پرداخته است. نویسنده سعی کرده با متنی کلامی و علمی و با بهره گیری از منابع فراوان و دسته اول شیعی و سنی به موضوع پردازد هر چند کتاب فاقد نقد و تحلیل جدی گزارش هاست، گزینش و دسته بندی خوب آن به اثر قوت بخشیده و سعی شده از ذکر موارد ضعیف و ناسازگار با مبانی که در مقدمه آمده پرهیز شود.

20. همسران پیامبر صلی الله علیه و آله (پرسش ها و پاسخ ها)، حسن عاشوری لنگرودی، چاپ اول تهران تهیه و تنظیم: مرکز پاسخ به سؤالات دفتر تبلیغات اسلامی بهار 1386، فارسی، وزیری، 344 صفحه.

کتاب شماره چهارم از مجموعه کتاب های پرسش ها و پاسخ هاست که مرکز پاسخ به سؤالات دفتر تبلیغات اسلامی تهیه کرده است. نویسنده کوشیده در قالب سؤال و پاسخ به زوایای مختلفی از زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و همسران وی پردازد. تعدد زوجات احکام و اخلاق، همسررداری، زندگی نامه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و دیدگاه قرآن در مورد ازدواج و همسررداری، از مهم ترین موضوعات این کتاب است. نویسنده در بخش زندگی نامه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در 25 صفحه به سؤال هایی در مورد خدیجه کبری و زندگانی و سیره ایشان پاسخ داده است. قالب نوشتاری «پرسش و پاسخ» به این نوشته جذابیت خاصی

بخشیده به ویژه که این نوشته از نظر متنی هم بسیار روان نگاشته شده است. نویسنده از منابع متعدد تاریخی روایی تفسیری و فقهی اهل سنت و شیعه بهره برده و هر چند در برخی موارد به پاسخ دقیقی، نرسیده، اما در مجموع تصویر قابل قبولی از مباحث عرضه داشته است با توجه به این که مخاطب کتاب عموم مردم هستند و کتاب برای هدف مشخصی نگاشته شده، می توان نویسنده را در این مسیر موفق دانست.

21. ریاحین الشریعه در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه، ذبیح الله محلاتی، چاپ اول تهران دارالکتب الاسلامیه، بهار 1370، در 6 جلد، فارسی، وزیری.

جلد اول به زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اختصاص دارد در مجلد دوم این مجموعه که به ادامه مباحث حضرت زهرا علیها السلام می پردازد از صفحه 202 تا 273 به زندگانی خدیجه کبری مادر فاطمه زهرا علیها السلام اختصاص دارد.

نویسنده در ذیل سرفصل آتی به زندگانی ام المؤمنین خدیجه کبری می پردازد؛ فضایل این بانو در کتب اهل سنت، کمال ایمان خدیجه و پاره ای از شئون خاصه، ایشان اطلاع خدیجه به احوال پیغمبر از علمای یهود، خواب دیدن ایشان رسول خدا صلی الله علیه و آله را ورود اعمام النبی در خانه خدیجه علیها السلام به جهت سرمایه برای تجارت آمدن رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانه خدیجه، بار بستن پیامبر صلی الله علیه و آله بر شتر در محضر خدیجه رفتن پیامبر صلی الله علیه و آله به جانب شام برای، تجارت، نزول قافله به وادی امواء و جریان سیل نزول قافله بر سر چاه و پر کردن ابوجهل آن چاه را رسیدن قافله به وادی ذبیان و قصه ازدها و قصاید بنی هاشم در مدح رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن، وادی ایجاد نخلستان در وادی بی آب، نزول قافله به عقبه ایله و قصه راهب با رسول خدا صلی الله علیه و آله، ورود قافله به شام و قصه سعید بن قمطور با آن حضرت مراجعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و از سفر شام و دیدن خدیجه قبه نور را استقبال خدیجه از رسول خدا و مراجعت دادن او را به سوی، قافله ورود رسول خدا به خانه خدیجه و مکالمات ایشان وارد شدن صفیه دختر عبدالمطلب بر خدیجه برای تحقیق مطلب وارد شدن ورقه بر خدیجه و

مکالمات ایشان در باب مزاجت، کیفیت عروسی خدیجه کبری بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و تسلیت دادن خدیجه آن حضرت را سلام آوردن جبرئیل از جانب حق تعالی برای خدیجه حامله شدن خدیجه به حضرت زهرا علیها السلام و مسألت او از خدای تعالی اضطراب خدیجه در مسأله شق القمر و تسلیت دادن فاطمه او را در رحم اولاد ام المؤمنین خدیجه کبری وفات خدیجه کبری و آوردن کفن از جانب حق تعالی و ضراء خدیجه کبری و زنان بهشتی رسول خدا.

نویسنده کتاب را به زبان فارسی قدیم در خردادماه سال 1349 شمسی به اتمام رسانیده است مجموعه دارای کتاب نامه نیست و آدرس دهی مطالب به نقل در متن از فلان شخص بسنده کرده است. مثلاً احمد بن حنبل چنین می گوید در مواردی نیز اسم کتاب و نویسنده با هم ذکر شده و در مواردی فقط به اسم کتاب کفایت کرده است. نقل ها و مطالب کاملاً سلیقه ای گزینش شده و تمامی منابع نزد نویسنده دارای رتبه اعتبار یکسانی هستند. در پایان هر نقل، سعی شده کلمات مبهم معنا شود و در برخی موارد به توضیح مطلب نیز پرداخته شده و نویسنده سعی کرده از پیچیدگی متن جلوگیری نماید و آن را همه فهم سازد هر چند نویسنده از کتب اهل سنت هم در زمینه حدیث و هم در بحث تاریخی بسیار بهره برده اما کتاب در فضای فکری شیعی نوشته شده و در همه جای آن سعی گردیده نظر مخالفان نقد و رد شود. نویسنده از نظر دیدگاه اعتقادی توجه خاصی به وجوه فرابشری و کرامات و معجزات داشته و تا توانسته از این امور یاد کرده و بهره برده است؛ مانند رؤیت فرشتگان و جبرئیل توسط خدیجه کبری و یا امتحان و اختبار نمودن جبرئیل با گشودن روی و موی خویش ایشان از منابعی مانند ناسخ التواریخ و نظایر آن بسیار بهره برده که باعث ضعف علمی کتاب شده است. در مجموع کتاب سعی داشته تا امکان دارد، مطالب را از منابع مختلف گردآوری نماید، اما متأسفانه منابع را از نظر اعتبار و وثاقت طبقه بندی ننموده و هر چه را که خوشایند طبع و عقیده اش بوده گرد آورده و هر چه را نبوده فرو گذاشته است کتاب از نظر اعتبار و وزانت، علمی

در درجه ضعیفی قرار دارد به خصوص که آدرس دقیق مطالب را نیز نیاورده و فاقد تحلیل و نقد علمی مطالب است.

22. نساء حول الرسول تراجم و قصص محمد علی القطب محمد عمر الداعوق احمد عبد الجواد الدومی، صیدا، بیروت، المكتبه العصریه، 1425 ق - 2005م، عربی، وزیری.

کتاب همان طور که از اسمش پیداست به زندگانی مادر، پرستاران و دایه پیامبر صلی الله علیه و آله، همسران دختران و برخی از نوه های دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و زنانی پرداخته که با آن حضرت تعاملی داشته اند در بخش همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به زندگانی خدیجه به عنوان اولین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله در 14 صفحه پرداخته است. سر فصل های این بخش عبارتند از: «توطئه» که مقدمه ای است که جامعه زنان مسلمان را مخاطب قرار داده و از آنان دعوت نموده که به سوی الگوی اسلامی زن مسلمان و سجایای اخلاقی بروند. «نسب حضرت خدیجه»، «ولادت»، «نشأت»، «ازدواج ها»، «تجارت»، «فضایل اخلاقی الطاهره سیده قریش»، سرفصل های بعدی هستند. نویسنده سعی کرده به زوایای زندگی خدیجه کبری با رسول خدا توجه نماید از همین رو در ادامه به سرفصل های ذیل می پردازد: «امین بر تجارت خدیجه»، «بازگشت»، «ازدواج»، «در خانه خدیجه»، «ریاحین قلب النبی» که به دختران پیامبر از خدیجه می پردازد، «الحکمه البالغه» که به فهم و علم خدیجه می پردازد «فجر الاسلام» که به اسلام آوردن ایشان است، «الخلوه» که بیان صبر و تسلیم خدیجه در مواقع دوری و عزلت پیامبر در حراء است. «لیله القدر» که نقش خدیجه در فهم ليله القدر را به واسطه ورقه بن نوفل بیان داشته است که اشاره از ذکاوت ایشان بر شمرده شده است «المسلمه الاولى»، «الجهر بالدعوه» «ایام الشدائد و المحن»، «الجزء، في شعب ابی طالب» سر فصل های بعدی است که به زندگانی مشترک خدیجه کبری با پیامبر و همراهی با ایشان پرداخته و در پایان، با سر فصل «عام الحزن»، به رحلت و جایگاه عاطفی خدیجه در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و اشاره می کند.

ص: 322

با این که کتاب در زمان معاصر نگاشته شده متأسفانه کتاب نامه ندارد و فقط به ذکر منابع در پاورقی آن هم به صورت مختصر اکتفا شده است. کتاب با توجه به نویسندگان آن که اهل سنت و عرب هستند بیش تر با روش حدیثی - تاریخی نگاشته شده و از منابع دسته اول حدیث و تاریخ اهل سنت بهره برده است. کتاب به صورتی مختصر و با رویکردی فرهنگی - اجتماعی نگاشته شده است. متن کتاب از ادبیات و زین و قوی عربی معاصر بهره برده است. نوشته سعی نموده با مخاطبان کتاب صحبت کند که جامعه زنان امروز دنیای عربی اسلامی و به خصوص کشورهایی مانند مصر، سوریه و لبنان هستند و آن ها را به سوی فرهنگ زن اسلامی سوق دهد و از فرهنگ غربی دور نماید.

23. نساء حول الرسول و اهل البيت فوزی آل سیف، بیروت، دار الصفوه چاپ اول، 1432 ق 2011 م، عربی، وزیری، 565 صفحه.

کتاب در سیزده، فصل به زندگانی زنانی پرداخته که با معصومان زیسته اند که به ترتیب از پیامبر صلی الله علیه و آله تا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) است. در فصل اول که به زنان حول پیامبر صلی الله علیه و آله، پرداخته، بعد از فاطمه بنت اسد به خدیجه علیها السلام بنت خویلد در 12 صفحه می پردازد (ص 52-64) «خدیجه الطاهره»، «خدیجه المومنه»، «المجاهده المنفقه»، «أم الذریه النبویه الطاهره» و «عام الحزن»، سر فصل های کتاب است. نویسنده سعی نموده در فضایی کاملاً علمی و منطقی، به تحلیل اجتماعی زندگانی خدیجه کبری با تکیه بر منابع اهل سنت و شیعه پردازد و شخصیتی کاملاً منطقی و قابل پیروی و الگویی به جامعه عرضه کند. کتاب بیش از آن که به نقل قول پردازد، سعی در تحلیل قضایا و مطالب دارد و با ادبیات عربی معاصر به بیان این تحلیل ها پرداخته است. نویسنده به عنوان یک زن مسلمان در همان سر فصل های محدود، سعی کرده شاکله تصویر یک الگوی کامل زن را از خدیجه کبری و علت این انتخاب را توضیح دهد که به نظر موفق هم بوده است.

ص: 323

کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام (به زبان های فارسی عربی، اردو ترکی اسپانیولی انگلیسی ایتالیایی، آلمانی و فرانسوی) مریم اسماعیلی (سما)

مقدمه

حضرت خدیجه علیها السلام در آغاز اسلام ایمان آورد بزرگترین حرکت را به عنوان یک بانوی کامله و عاقله انجام داد نخستین ایمان آورنده به اسلام بود ثروتش را در راه ترویج اسلام خرج کرد تأثیر این کار را کسانی می دانند که در مبارزات و دوران اختناق نقش کمک های مالی را به مبارزان تجربه کرده اند. اگر کمک های حضرت خدیجه علیها السلام نبود شاید در حرکت و پیشرفت اسلام اختلال وقفه عمده ای به وجود می آمد. بعد هم با رسول خدا و همه مسلمین به شعب ابی طالب تبعید شدند و چند سال دو سه سال زندگی دشوار و طاقت فرسا را در آن جا تحمل کرد و در همان شعب ابی طالب هم دعوت حق را لبیک گفت و در حال تبعید از دنیا رفت. (16 تیر 1393)

حجت الاسلام و المسلمین دکتر ناصر رفیعی در دیدار با مقام معظم رهبری در خصوص همایش حضرت خدیجه علیها السلام تصریح کردند: رهبری فرمودند که خدیجه کبری مظلوم است و باید این حضرت از غربت و مظلومیت خارج شود. رهبری فرمودند که حضرت خدیجه مادر 12 امام هستند زیرا حضرت علی علیه السلام را نیز ایشان پرورش دادند و بزرگ کردند. (<http://basijnews.ir>)

بر این اساس کتاب شناسی حضرت خدیجه علیها السلام انجام شد. تلاش شده است علاوه بر کتاب های فارسی کتب عربی، ترکی، اردو، انگلیسی اسپانیولی

ایتالیایی آلمانی و فرانسوی هم جمع آوری شوند. امید که مورد قبول واقع شود. در این راستا از همکاری خانم ها: فاطمه الغزوی (عربستان) زهرا آیتکین (ترکیه) شهناز صفی الدین (آمریکا و انگلیسی) طیبه ربانی (ایران و اسپانیولی)، ساداتی (ایران و ایتالیایی) مقدم (ایران و آلمانی) کریمی مهر (ایران و فرانسوی) تقدیر و تشکر شود تعداد کتب و مقالات در این زبان ها بسیار محدود بود.

الف) فارسی

1. تو را می خواهم؛ داستان زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام، رضا شیرازی، انتشارات پیام نور 1375 ش رمانی است که زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام را به تصویر کشیده است.

2. فروغ آسمان حجاز (خدیجه علیها السلام)، علی، کرمی، انتشارات نسیم انتظار چاپ سوم، 1385 ش.

در این کتاب درباره ویژگی های حضرت خدیجه علیها السلام (پیش گامی در ایمان، نماز، بیعت و حمایت پیامبر اکرم حیا اخلاص و شجاعت) و همراهی ایشان با پیامبر اسلام و نیز نقش ایشان در گسترش اسلام مطالبی آمده است.

3. نیم نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام علی کرمی فریدنی، بی نا، بی تا.

از جمله خصوصیات حضرت خدیجه علیها السلام در فعالیت اقتصادی که در این کتاب بدان پرداخته شده اندیشمندی صاحب اعتبار بودن ایشان است. همچنین ایجاد انگیزه نظارت و کنترل رعایت پاک روشی در مدیریت، اقتصادی جلب اعتماد بازارهای داخلی و خارجی کارآفرین با معنویت از دیگر ویژگی های آن بانوی کریمه می باشد که در این کتاب به آن ها اشاره شده است.

4. مأخذ شناسی توصیفی زندگی حضرت خدیجه علیها السلام مینا درفشی، چاپ اول، انتشارات هاجر، 1388 ش.

واحد پژوهش مدرسه علمیه حضرت خدیجه علیها السلام به ذکر 208 عنوان کتاب به صورت توصیفی پرداخته است که بیش تر کتاب های تاریخی-حدیثی و انساب هستند که در قسمتی از آن درباره این بانوی گرامی مطالبی آمده است. مانند تاریخ کامل، نساء النبی، البدایة والنهایة امالی، اعلام النساء، تاریخ سیاسی اسلام، کافی، احتجاج، اعلام الوری و... کتاب خدیجه الکبری بعاج عبدالستار و سیده خدیجه عبدالحمید محمود طهماز از جمله کتبی است که به طور مستقیم با موضوع حضرت خدیجه علیها السلام نوشته شده است.

5. پرتویی از زندگانی دو بانوی بزرگ اسلام خدیجه علیها السلام و فاطمه علیها السلام، غلامعلی موسوی سیستانی، چاپ اول، انتشارات عصمت 1377 ش.

کشف علامات، نبوت کاروان بازرگانی به شام پیشنهاد ابوطالب به حضرت خدیجه علیها السلام، ازدواج ایشان با پیامبر و نیز زندگی حضرت زهرا علیها السلام بعد از ایشان از جمله مطالب مطرح در این کتاب است.

6. همسر آفتاب گروهی از نویسندگان انتشارات طه، قم، چاپ اول، 1385 ش.

زندگانی این بانوی کریمه در دوران جاهلیت، ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، زندگی در شعب ابی طالب و نیز خدمات ایشان به اسلام قبل و بعد از طلوع اسلام و مادر امامت بودن ایشان از جمله مطالب عنوان شده در این کتاب است.

7. حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام احمد صادقی اردستانی، چاپ اول انتشارات فجر، قرآن، 1385 ش.

8. حضرت خدیجه علیها السلام اسطوره ایثار و مقاومت، محمد محمدی اشتهاردی انتشارات نبوی چاپ اول، 1377 ش.

9. خدیجه علیها السلام شکوه زندگی محمدتقی کمالی، نیا انتشارات نورالسجاد 1381 ش.

10. خدیجه کبری علیها السلام، احد موسوی انتشارات نیک معارف، 1373 ش.

11. خصائص ام المومنین خدیجه الکبری؛ ویژگی های حضرت خدیجه کبری علیها السلام،

12. سرور زنان جهان، ام المومنین خدیجه کبری علیها السلام، اکرم السادات هاشمی نژاد، انتشارات نوآور، چاپ اول، 1388 ش.

مقالات فارسی

1. «حضرت خدیجه علیها السلام، اولین شیعه علی علیه السلام»، محمد عابدی مجله مبلغان، ش 11 دی 1379 ش.
2. «تقدیر از پدید آوردگان اثر در خصوص حضرت خدیجه علیها السلام» مجله گلستان قرآن ش، 187 نیمه اول آبان 1383 ش.
3. «فضائل حضرت خدیجه علیها السلام»، علی، امامی، مجله مبلغان، ش 59، مهر و آبان 1383 ش.
4. «فرازهایی از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام»، فرهاد تاجدینی، مجله تربیت ش، 8 سال دوم، اردیبهشت 1366 ش
5. «برگی از فضایل حضرت خدیجه کبری علیها السلام»، غلامرضا گلی زواره مجله مبلغان، ش 155، رمضان 1433 ش.
6. «تأثیر حضرت خدیجه علیها السلام بر زندگی سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله»، نهله غروی نایینی، مجله گلستان قرآن، ش 59، آذر 1380 ش.
7. «نگاهی به آموزه های تربیتی در زندگی حضرت خدیجه علیها السلام»، عبدالکریم پاک نیا، مجله مبلغان، ش 35، آذر 1381 ش.
8. «اولین بانوی اسلام (به مناسبت دهم ماه مبارک رمضان سالروز رحلت حضرت خدیجه)»، احمد محیطی اردکانی، مجله فرهنگ کوثر، آذر 1378 ش.
9. «به پیشگاه مادر والا، ام المومنین حضرت خدیجه علیها السلام»، مجله تحول اداری، ش 17 آذر 1376 ش.
10. فضیلت خدیجه علیها السلام در گفتار بزرگان»، مجله گلستان قرآن، ش 95، آذر 1380 ش.
11. «بانوی نمونه تاریخ»، علیرضا قاسمی، مجله گلستان قرآن، ش 95، آذر

12. «حضرت خدیجه علیها السلام مادر امت» محمد محسن طبسی، مجله فرهنگ کوثر، ش 34، دی 1378 ش.
13. «مناسبات اقتصادی و روابط شغلی حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله» منصوره، اعتمادی مجله مباحث بانوان شیعه، ش 13 و 14، پاییز و زمستان 1386 ش.
14. «مقام حضرت خدیجه علیها السلام در پیشگاه خدا و رسول اکرم»، علی امامی، مجله مبلغان، ش 71، مهر و آبان 1384 ش.
15. «فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام سمیه صبوری، مجله گلستان قرآن، ش 95، آذر 1380 ش.
16. «هفت نکته قرآنی در سیره اولین زن مسلمان حضرت خدیجه طاهره علیها السلام سید حسین حر، مجله کوثر ش 20، بهار 1385 ش.

(ب) عربی

1. السیده خدیجه علیها السلام ام المؤمنین و سبأة الخلق إلى الإسلام، عبد الحمید محمود طهماز الناشر: دار القلم - دمشق سنة النشر: 1417 / 1996 رقم الطبعة: 2 عدد المجلدات: 1 عدد الصفحات: 159. نبذة عن الكتاب لكتاب مقسم لخمسة فصول: في الفصل الأول وضح كيف كانت تتاجر خدیجة بمالها و إنها توكل الرجال علیه و لم تكن تسافر و تباشر تجارتها بنفسها، انما ترسل معهم مولی لها يدعی ميسرة، و لذا اختارت النبی صلی الله علیه و آله و حدث بعدها أمر الخطبة و الزواج في الفصل التالي تحدث عن خدمتها بنفسها للنبي في الفصل الثالث تحدث عن لحظة نزول الوحي لمحمد صلی الله علیه و آله مرة، و دهشته و خوفه و لجوءه لخدیجة دون غيرها من الناس و سرعة تطمينها و تخفيفها عن النبي أما الفصل الرابع فكان عن الدور الجديد في حياة خدیجة و وقوفها بجانب النبي و

صبرها و تحملها للأذى الفصل الخامس عن ذكرى خديجة و وفاء النبي لذكراها.

گزارش: کتاب پنج فصل دارد در قسمت اول توضیح می دهد چگونه حضرت خدیجه با ثروت خود تجارت می کردند و وکیل می گرفتند و خود به مسافرت نمی رفتند بلکه وکلا را می فرستادند (همراه کنیز خود به نام مسیره) به خاطر این پیامبر را انتخاب کرد که بعد از آن عقد و ازدواج حاصل شد. در فصل دوم درباره خدمت به پیامبر صلی الله علیه و آله و در فصل سوم درباره نازل شدن وحی به پیامبر صلی الله علیه و آله و رجوع به حضرت خدیجه علیها السلام برای آرام شدن آمده است. در فصل چهارم درباره نقش جدید زندگی حضرت خدیجه علیها السلام و ایستادن آن حضرت و تحمل همه سختی ها و در فصل پنجم درباره سالگرد خدیجه و وفاداری پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه سخن گفته است.

2. حياة السيدة خديجة بنت خويلد عليها السلام من المهد إلى اللحد، حسين علي الشرهاني الناشر: دار و مكتبة الهلال دار البحار، تاريخ النشر: 2005 /12/01 الطبعة: 1 الصفحات: 320 المجلدات: 1

نبذة عن الكتاب: الكتاب مقسم على ستة فصول كل قسم يروي سيرة عطرة عن حياة السيدة خديجة عليها السلام إنها بالفعل قدوة حسنة لفتياتنا في زمن اختلف على الناس معنى القدوة ما يمسز هذا الكتاب هو اعتماده على عدد كبير من المراجع.

3. خديجة بنت خويلد أمة جمعت في امرأة، السيد نبيل الحسنی طبعة: ط 1 تاريخ النشر: العتبة الحسينية 2011م الناشر: مكتبة العتبة الحسينية المقدسة.

نبذة عن الكتاب: يتناول هذا الكتاب حياة أم المؤمنين السيدة خديجة بنت خويلد عليها السلام و دراستها و ذكر الكثير من المسائل المتعلقة بحياة النبي صلی الله علیه و آله و السيدة خديجة من الفترة المكية و التي قضاها النبي مع أم عياله خديجة عليها السلام فضلا عن الرد على كثير من المسائل العقائدية و مناقشة كثير

ص: 329

من المسائل التاريخية والأسرية وذلك أن بيت خديجة عليها السلام كان هو البيت الأنموذج في الإسلام إذ كانت أم العيال و خير سند لرسول الله صلى الله عليه و آله 25 فحظيت بما لم تحظى به امرأة في الإسلام.

4. خديجة عليها السلام دختر خويلد امتی جمع شده در یک زن، سيد نبيل الحسنی

گزارش: این کتاب درباره زندگی حضرت خدیجه عليها السلام درس خواندن ایشان و زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه عليها السلام در مکه صحبت می کند و نیز به بسیاری از مسائل اعتقادی پاسخ می دهد و در مورد بسیاری از مسائل تاریخی و خانواده بحث می کند؛ به طوری که خانه خدیجه عليها السلام را الگوی خانه در، اسلام به عنوان مادر و بهترین پشتیبان برای رسول خدا صلی الله علیه و آله می داند

5. خديجة بنت خويلد عليها السلام سمیة عبد الحلیم الطبعة: 1 تاریخ النشر: 1 2001/11/01 الناشر: مكتبة العبيكان السلسلة: امهات المسلمین عدد الصفحات: 22 الطبعة: 1 المجلدات: 1.

نبدۀ عن الكتاب: يتحدث عن سيرة السيدة خديجة عليها السلام مبينا اسمها ونسبها وزواجها قبل النبي صلى الله عليه و اله و لقائها معه و زواجها منه و إعلان اسلامها و جهادها مع الرسول صلى الله عليه و آله و اخيرا وفاتها و ينصح للأعمار 18 - 13 سنوات.

6. خديجة دختر خويلد سمیة عبد الحلیم رسته: مادران مسلمانان

گزارش این کتاب درباره زندگی حضرت خدیجه عليها السلام، نام و نسب و ازدواج آن حضرت قبل از دیدار او به پیامبر صلی الله علیه و آله و ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله هم چنین درباره اعلام حضرت خدیجه عليها السلام به اسلام خود و جهادش با پیامبر صلی الله علیه و آله و در آخر درباره مرگ حضرت خدیجه عليها السلام صحبت می کند. این کتاب برای سنین 13-18 مناسب است.

7. حياة السيدة خديجة بنت خويلد، الشيخ ماجد ناصر الزبيدي، الناشر: دار المحجة البيضاء - دار الرسول الاكرم الطبعة: الاولى 2004 م عدد الصفحات: 209، الموقع: مكتبة نرجس تاريخ النشر: 2004/04/01 المجلد: 1.

نبذه عن النيل والفرات: يتحدث المؤلف عن سيرة السيدة خديجة وذلك في 6 فصول، الفصل الأول احتوى على وصف الحياة التي سادت في الجاهلية وعن طريقه عبادتهم وكذلك المساواة التي كانت تملئ قلوبهم اما في الفصل الثاني ذكر بعض الإفتراعات التي كانت تنتشر على أم المؤمنين خديجة اما الفصول الباقية فتحدثن عن حياة السيدة و لقاءها بالرسول صلى الله عليه وآله وزواجها وسيرتها وولادتها بالطاهرة فاطمة و دعاء الحزن الذي فقد فيه النبي صلى الله عليه وآله أكبر دعامتين كان مستندا عليهما.

8. صفات السيدة خديجة ، سناء أيمن الموقع موضوع (1) تاريخ النشر: 2016 ، السيدة خديجة هي من أشرف نساء مكة فهي بنت خويلد الأسدية و تلتقى مع النبي في النسب و قد كانت ارملة صاحبه مال و كان الكل يتمناها و عند رؤيتها للنبي و مدى صدقه و اخلاقه طلبت الزواج منه من خلال صديقه لها و تزوجها النبي صلى الله عليه وآله. صفات السيدة خديجة بنت خويلد العفة والطهارة، الفطنة والذكاء والحكمة و معرفة علوم الأديان السابق، الصبر و تحمل الصعاب. لقد تحمّلت السيدة خديجة مع النبي صلى الله عليه وآله المصاعب المختلفة في سبيل تبليغ الرسالة السماوية، فعانت مما عاناه الرسول والصحابة في حصار قريش، و تحمّلت عندما تطلقت بناتها من أزواجهن الكفار ليضغطوا بذلك على النبي بالعودة عن الدعوة، بل دعت الله أن يبدلهن أزواجاً خيراً منهم و لم تحاول لوم النبي على رسالته. و لكنها توفيت رضى الله عنها قبل أن تنال من نعيم الدولة الإسلامية و تشاهد قوتها و ظهورها.

9. سيرة المعصومين الاربعة عشر و ام المؤمنين خديجه، مرتضى عسكري، دانشكده اصول دين 1422، 44 صفحه.

نويسنده محترم به اختصار زندگى نامه ايشان را در کنار ساير معصومان عليهم السلام

1. ص: 331

نقل کرده است.

15. السيدة الخديجة بنت خويلد، من المهد الى اللحد، حسين على شرفهاني انتشارات دار و مكتبة الهلال، دارالبحار، 2005 ، 320 صفحه.

بررسی نسب حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج، ایشان، اوضاع مالی، تجارت و انفاق و فرزندان ایشان و نیز موضع ایشان بعد از وحی و احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله درباره ایشان از جمله مباحث مطرح در این کتاب می باشد.

11. الانوار الساطعة من الغراء الطاهرة خديجة بنت خويلد غالب سيلاوي انتشارات غالب السيلوي، 1421 ق، 507 صفحه.

کتابی است که نسبت به دیگر کتب مفصل تر به موضوع حضرت خدیجه علیها السلام پرداخته است و در بیان تاریخ نظرات متفاوت علمای شیعه و سنی را آورده و تحلیل کرده است. حتی در مورد موضع ایشان نسبت به حضرت علی علیه السلام هم اشاراتی دارد.

12. ام المومنین خديجة بنت خويلد عبد المنعم، هاشمی، انتشارات دارالبحار 1379، 119 صفحه.

مقالات عربی

1. خدیجه بنت خویلد

هي أول زوجات النبي صلى الله عليه و اله و أمّ أولاده، و خيرة نسائه، و أول من آمن به و صدقه، أم هند، خديجة بنت خويلد بن أسد بن عبد العزى بن قصي القرشية الأسدية، و أمها فاطمة بنت زائدة، قرشية من بني عامر بن لؤي. ولدت خديجة رضى الله عنها بمكة، و نشأت في بيت شرف و وجهة، و قد مات والدها يوم حرب الفجار. تزوجت مرتين قبل رسول الله صلى الله عليه و آله باثنين من سادات العرب، ... و تم الزواج قبل البعثة بخمس عشرة سنة و للنبي صلى الله عليه و اله 25 سنة، بينما كان عمرها 40 سنة، و عاش الزوجان حياة كريمة هائلة ، و قد رزقهما الله بستة من الأولاد... و قد بين النبي فضلها حين قال: (أفضل نساء أهل الجنة خديجة بنت

ص: 332

خويلد و فاطمة بنت محمد و آسية بنت مزاحم امرأة فرعون، و مريم ابنة عمران رضى الله عنهن أجمعين) رواه أحمد، و بين أنها خير نساء الأرض في عصرها في قوله: (خير نسائها مريم بنت عمران و خير نسائها خديجة بنت خويلد) متفق عليه و دفنت بالحجون، لترحل من الدنيا بعدما تركت سيرة عطرة، و حياة حافلة، لا ينسيها مرور الأيام والشهور، والأعوام والدهور، فرضى الله عنها و أرضاها. (1)

2. السؤال: لم تكن خديجة متزوجة قبل رسول (2) مشهد محمد على العراق في الصحيح من سيرة النبي الأعظم صلى الله عليه و آله للسيد جعفر مرتضى ج 2 ص 121 قال: هل تزوجت خديجة بأحد قبل النبي صلى الله عليه و آله؟! ثم إنه قد قيل: إنه لم يتزوج بكرا غير عائشة، و أما خديجة، فيقولون: إنها قد تزوجت قبله برجلين و لها منهما بعض الأولاد . و هما عتيق بن عائذ بن عبد الله المخزومي، و أبوهاالة التميمي. أما نحن فنقول: اننا نشك في دعواهم تلك، و نحتمل جدا أن يكون كثير مما يقال في هذا الموضوع قد صنعتها يد السياسة...

3. وصية السيدة خديجة بالزهاء المصدر: كتاب قصص فاطمة الزهراء ، الشيخ ماجد ناصر الزبيدي، لما اشتد مرض خديجة قالت يا رسول الله: اسمع وصاياي أولاً فإنني قاصرة في حقك فاعفني يا رسول الله قال حاشا و كلاً ما رأيت منك تقصيراً، فقد بلغت جهدك و تعبت في داري غاية التعب و لقد بذلت أموالك و صرفت في سبيل الله مالك. قالت: يا رسول الله الوصية الثانية أوصيك بهذه - و أشارت إلى فاطمة - فإنها غريبة من بعدى فلا يؤذيها أحد من نساء قريش و لا يلطمن خدها و لا يصحن في وجهها و لا يرينها مكروهاً . و أما الوصية الثالثة، فإنني أقولها لابنتي فاطمة و هي تقول لك فإنني مستحبة منك يا رسول الله . فقام النبي و خرج من الحجرة فدعت بفاطمة و قالت يا حبيبتى و قرة عيني قولى لأبيك إن أمى تقول: أنا خائفة من القبر أريد منك رداك الذى تلبسه حين نزول الوحي تكفني فيه. فخرجت فاطمة و قالت لأبيها ما قالت أمها خديجة فقام النبي و أعطى الرداء

ص: 333

1- <http://articles.islamweb.net/media/index.php?page=maincategorylang=AvPart-429>.

2- <http://www.omalmomnin.com/?page=articlesid=26>

إلى فاطمة وجاءت به إلى أمها فسرت به سروراً عظيماً. و روى أنه لما توفيت خديجة عليها السلام أخذ رسول الله صلى الله عليه وآله في تجهيزها وغسلها وحنطها فلما أراد أن يكفنها هبط الأمين جبرائيل وقال: يا رسول الله إن الله يقرئك السلام ويخصك بالتحية والإكرام و يقول: لك يا محمد إن كفن خديجة من و هو من أكفان الجنة أهده الله إليها، فكفنها رسول الله بردائه الشريف أولاً و بما جاء به جبرائيل ثانياً، فكان لها كفنان كفن من الله و كفن من رسوله

4. خديجة بنت خويلد عليها السلام الموقع الألوكة الثقافية المؤلف: ايمان ثابت ، تاريخ النشر: 2013/3/2

قال الرسول في حقها (كامل من الرجال كثير و كامل من النساء أربع أسية بنت مزاحم و مريم بنت عمران و خديجة بنت خويلد و فاطمة بنت محمد) هي خديجة زوجة الرسول صلى الله عليه وآله و حبيته و رفيقه جهادة و كفاحه من أجل إعلاء كلمة الله و تبليغ رسالته حيث كان وفيا محب هالها و يعظمها و لهذا غارت عائشه منها اقرأها جبريل السلام من ربها و بشرها بالجنة حيث قال النبي صلى الله عليه وآله (هذه خديجة اقرأها السلام من ربها و امره ان يبشرها ببيت في الجنة من قصب لاصحب فيه و لا نصب) و هي تجتمع مع النبي في الجد الخامس و كان زواجها في الجاهلية مرتين و ثم تزوجت النبي صلى الله عليه وآله قبل البعثة توفيت في السنه 10 من البعثة و انجبت له عبد الله و القاسم و رقيه و زينب و ام كلثوم و فاطمة و حزن عليها كثيرا و هي اول من آمن به كانت خديجة امرأة تاجرة شريفه تستأجر صلى الله عليه وآله في مالها و كان الرسول صلى الله عليه وآله من بين هؤلاء حيث خرج إلى الشام مع غلامها ميسرة و كانت رحلته رابعه فحدثت نفسها بالزواج منه...

5. السيدة خديجة اسمها و شرف نسبها الدكتور راغب السرجاني الموقع: قصة الإسلام، هي أم المؤمنين السيدة خديجة بنت خويلد بن أسد بن عبد العزى بن قصي القرشية الأسدية ، و أمها فاطمة بنت زائدة بنت جندب . ولدت بمكة سنة 68 ق.هـ، و كانت من أعرق بيوت قريش نسباً و حسباً و شرفاً، و قد نشأت على التخلُّق بالأخلاق الحميدة، و كان من صفاتها الحزم والعقل والعفة. يلتقى

نسبها بنسب النبي في الجد الخامس، فهي أقرب أمهات المؤمنين إلى النبي وهي أول امرأة تزوجها النبي صلى الله عليه و اله كانت السيدة خديجة عليها السلام امرأة ذات مال و تجارة رابحة فكانت تستأجر الرجال لتجارتها و تبعثهم بها إلى الشام ... إسلام السيدة خديجة كانت السيدة خديجة قد ألقى الله في قلبها صفاء الروح، و نور الإيمان، والاستعداد لتقبُّل الحق، فحين نزل على رسول الله في غار حراء {أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ} [العلق : 1] ، رجع ترجف بوادره و ضلوعه، حتى دخل على السيدة خديجة فقال: «زملوني زملوني». فزملوه حتى ذهب عنه الروع. و هنا قال لخديجة «أى خديجة ما لي لقد خشيت على نفسي و أخبرها الخبر فردت عليه السيدة خديجة بما يطيب من خاطره، و يهدئ من روعه فقالت: «كلاً أبشر، فوالله لا يخزيك الله أبداً، فوالله إنك لتصل الرحم، و تصدق الحديث و تحمل الكل، و تكسب المعدوم، و تقرى الضيف، و تعين على نوائب الحق". ثم انطلقت به رضى الله عنها حتى أتت به ورقة بن نوفل - و هو ابن عم السيدة خديجة و كان امرأ تنصر في الجاهلية، و كان يكتب الكتاب العربي، و يكتب من الإنجيل بالعربية، و كان شيخاً كبيراً قد عمى - فأخبره النبي خبر ما رأى، فأعلمه ورقة أن هذا هو الناموس الذى أنزل على موسى. و من ثمَّ كانت السيدة خديجة أول من آمن بالله و رسوله و صدَّق بما جاء به، فخفف الله بذلك عن رسول الله؛ لا يسمع شيئاً يكرهه من ردِّ عليه و تكذيب له فيحزنه إلا فرج الله عنه بها، إذا رجع إليها تثبته و تخفف عنه و تصدقه و تهوَّن عليه أمر الناس.

6. السيدة خديجة .. العفيفة الطاهرة، كان أول ما يبرز من ملامح السيدة خديجة الشخصية صفتي العفة والطهارة، هاتان الصفتان التي قلما تسمع عن مثلهما في بيئة انتشر فيها الفساد و في ذات هذه البيئة، و من بين نساها انتزعت هذه المرأة العظيمة هذا اللقب الشريف، و لقبته ب«الطاهرة»، كما لُقِّب أيضاً في ذات البيئة ب- «الصادق الأمين» السيدة خديجة .. الحكيمة العاقلة و تلك هي السمة الثانية التي تميز بها شخص السيدة خديجة كيف لا و قد تجلت مظاهر حكمتها و عقلانيتها منذ أن استعانت به في أمور تجارتها، و كانت قد عرفت

عنه الصدق والأمانة. حب النبي لخديجة.. والوفاء لها فكان لها فضل كبير عند النبي محمد صلى الله عليه و اله

7. أم المؤمنين والجهر بالدعوة المصدر: كتاب التريه الإسلاميه ، د. سفيان كيهبا، د. فائدة أبو مخ كانت السيدة خديجة رضی الله عنها أول من آمن بالرسول صلى الله عليه وآله من النساء وأول من تعلم الوضوء والصلاة، و خرجت معه إلى الكعبة تصلى خلفه أمام الناس، وقد آمن بالدين الجديد بعض كبراء مكة وكثير من الضعفاء والمستعبدین ، لأنهم وجدوا فيه منقذا لهم من الذل والاستعباد و وجدوا فيه العدل والإحسان والمساواة والحريه. وبدأ رؤساء مكة يخافون من مبادئ هذا الدين، و تبتّهوا إلى أن عدد المؤمنین به يزداد يوماً بعد يوم، فأخذوا يعذبونهم بأقسى ألوان العذاب، و يشعلون الفتنة بين صفوفهم ، و كان على السيدة خديجة الله عنها أن تخفف العذاب عنهم و تعطیهم من مالها بعد أن حرمهم المشركون العمل، و تحرر العبيد الذين يسومونهم سوء العذاب....

ج) ترکی

1. بیابان دریا ، (deniz Çöl) نویسنده: سییل ارسلان/ انتشارات: تیماش این کتاب نگاهى متفاوت به زندگى همسر بزرگوار پیامبر حضرت خدیجه علیها السلام دارد که حاصل تحقیقات طولانى سییل ارسلان می باشد ایشان زندگى همسر وفادار پیامبر را با تمام جنبه های شناخته شده و شناخته نشده در این کتاب بیان کرده است.

2. نام کتاب حضرت خدیجه: مادر رسالت (risalet davas n n: Hazreti Hatice annesi)، محمد امین یلدرم انتشارات انتشارات ، سیر این کتاب اثری است که در آن با منابع و اطلاعات تاریخی به زندگانی این بانوی بزرگوار پرداخته است. در پایان عکس هایی به نمایش گذاشته شده که فضای معنوی برای خواننده ایجاد می کند به عنوان مثال عکس تابلویی که شجره نامه آن حضرت را نشان می دهد یا عکس قبر آن حضرت در زمان قدیم و جدید.

ص: 336

3. اولین ایمان آورنده به آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله ام المومنین حضرت خدیجه علیها السلام (Son peygamber silk inanan insan)، عمر سا بونجو انتشارات: سمرقند این کتاب اثری است که با دقت آکادمیک تهیه شده است و در آن مطالبی در مورد اجداد و فرزندان و نزدیکان حضرت خدیجه و حمایت های ایشان از پیامبر و اخلاق والای ایشان از منابع معتبر وجود دارد.

4. خدیجه علیها السلام کبری (Hatice in Kubra) نجاتی بورسالی انتشارات: چلیک این کتاب از زندگانی ما در اسلام مرواریدهایی را عرضه می کند. آن مادری که برای زن مسلمان بزرگ ترین الگوست ایشان در دوره ای بزرگ شدند که دنیا در میان شعله ها می سوخت بیابان تشنگی و چشم ها پنجره هایی بودند که از آن ها خون می چکید دنیا را سیاهی مشرکان پر کرده بود گناه و بی اخلاقی مد شده بود و ناله مظلومان همه جا را گرفته بود.

5. حضرت خدیجه علیها السلام همسر وفادار پیامبرمان (Hz Hatice peygamberimizin vefadar eşi) هلال چلیکل کارا انتشارات: نسل، حضرت خدیجه علیها السلام بانویی عاقل و با اخلاق تاجری صادق و الگو بود ایشان محبت و احترام اطرافیان را به خود جلب کرده و فرشته ها شیفته اخلاق و رفتار او بودند و به همین دلیل القاب زیبایی را از جمله طاهره به معنای بانوی پاک و ... را به او داده شد. حضرت خدیجه علیها السلام در کنار همه این صفات مادری خوب و همسری فداکار بود ایشان همیشه تسلی دهنده همراه و حامی پیامبر بود. او اولین کسی بود که به خدا و پیامبر ایمان آورد و در این راه همیشه حامی پیامبر بود و از هیچ فداکاری دریغ نکرد.

6. حضرت خدیجه علیها السلام (Hatice .Hz)، آل حاج حسین ودات.

7. حضرت خدیجه علیها السلام (Hatice Hz) احمد جمیل آکینجی انتشارات: بهار. نویسنده محترم آقای احمد جمیل آکینجی نویسنده ماهری است که این را در کتاب هایش مشاهده می کنیم مباحث علمی را تبدیل به رمان کردن مسئولیت بزرگی به شمار می رود. ایشان در مورد حساسیت لازم را به خرج داده اند.

8. بهترین زن روی زمین حضرت خدیجه علیها السلام (yeryü zü nü n en hayırlı kadim Hz Hatice) گلشن غزل انتشارات: موشتو این کتاب برای سنین نوجوانان با هدف معرفی و محبوب کردن این شخصیت بزرگوار به نگارش درآمده است زبانی روان و قابل فهم دارد که مخاطب از خواندن آن لذت می برد و از مطالب پر عبرت آن استفاده می کند

9. زندگی فدایی عشق خدیجه (AŞka adanm Ş bir omar hz.Hatice)، نوردان داملا انتشارات: حیات حضرت خدیجه علیها السلام گنج پنهانی است که باید سرگذشت او را در تاریخ جست و جو کرد. بعد از تحقیقات طولانی که در مورد حضرت خدیجه علیها السلام داشتم متوجه شدم که ایشان همه عمر خود را فدای رسالت پیامر نمودند حضرت خدیجه علیها السلام اولین مسلمان و اولین حامی پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. در زمانی که زن دارای جایگاه بسیار پایینی بود ایشان اسوه زیبایی ها بودند به همین دلیل زندگی ایشان باید به طور دقیق آنالیز شود. این کتاب به سبک رمان نوشته شده است و به دلیل ادبیاتی که دارد بسیار جوان پسند است.

د) اردو

1. إني رزقت حبها: السيرة العطرة لأم المؤمنين خديجة عليها السلام، محمد سالم الخضر اصدار الكتاب: الطبعة الأولى عدد صفحات الكتاب: 109 ، الناشر: دار عالم الفوائد للنشر والتوزيع.

نبذة عن الكتاب السيرة العطرة لأم المؤمنين خديجة عليها السلام: إني رزقت حبها، هو كتاب باللغة الأردنية يسرد فيه الكاتب أهم ملامح شخصية أم المؤمنين خديجة بنت خويلد عليها السلام

2. بیوگرافی معطر از مادر مؤمنان حضرت خدیجه علیها السلام نویسنده: محمد سالم الخضر.

گزارش: این کتاب درباره زندگی حضرت خدیجه علیها السلام صحبت می کند

ص: 338

و به زبان اردو است؛ نویسنده فهرستی از مهم ترین ویژگی های شخصی ام المؤمنین خدیجه علیها السلام را آورده است

ه) انگلیسی Khadija Bint Khuwaylid

Khadijah Al-Kubra: The great lady and the first wife of the holy prophet .1

by Syed A. A. Razwy

Khadija Bint Khuwaylid (The Age of Bliss) Paperback – March 7, 2016 .2

by Mehmet Buyuksahin (Author)

The Tale of Lady Khadijah Bint Khuwaylid Wife of Prophet Muhammad SAW Kindle Edition .3

by Muham Taqra (Author)

Khadijah bint Khuwaylid By: Abdullah, Dr. Daud Language: English .4

A beautiful summarized biography of the first wife of the Prophet (s), by Dr. Daud Abdullah

Other editions Enlarge cover

Khadija: The First Muslim and the Wife of the Prophet Muhammad .5

by ReŞit Haylamaz

The Wives of the Prophet Muhammed (Ahmad Thomson) Wealth of knowledge for all Muslim women, .6

both young and old, who wish to follow their example

-Khadija Paperback – November 1, 2007 by Resit Hayl .7

Noble Women of Faith: Asiya, Mary, Khadija, Fatima Hardcover – April 16, 2012 by Shahada Sharelle .8

(Haqq (Author

Untold: A History of the Wives of Prophet Muhammad Paperback – August 31, 2010 by Tamam Kahn .9

((Author

The Wives of the Prophet Muhammad (Blessing and Peace Be Upon Him) Hardcover – 2009 by Faridah .10

(Masood Debas (Author

The Wives Of The Prophet Muhammad (SAAS Dec 9, 2014 by Ahmad Thomson) .11

The Wives of the Prophet Muhammad (Pbuh) 2009 by Faridah Mas'ood Debas .12

The Wives of the Prophet Muhammad; A Complete Book on the Biographies of the Wives of Holy .13

Prophet Muhammad 2003

The Tale of Lady Khadijah Bint Khuwaylid Wife of Prophet Muhammad SAW Jun 14, 2015 by Muham .14

Taqra The Story of Khadijah (The First Muslim Women and the Wife of the Prophet Muhammad) 2013 by

Saniyasnain Khan

The Days of Prophet Muhammad with His Wives .15

by Abdul-Munim al-Hashimi and Nour M. Jaffala 2011 .16

The Wives of Prophet Muhammad Dec 28, 2006 by Bint Al-Shati .17

The Wives of the Prophet Muhammad 1991 by Muhammad Fathi Musad .18

The Wives of the Prophet Muhammad 2007 by Shaykh Ashiq Ilahi Bulandshehri 20- The Wives of the Prophet Muhammad – (English/Arabic) – (PB) 2012 by M. Ashiq Elahi

The Story of Khadijah (The First Muslim Women and the Wife of the Prophet Muhammad) by 19 Saniyasnain Khan (2013-...1656 by Saniyasnain Khan

:Online Books

<https://www.al-islam.org/khadijatul-kubra-sayyid-ali-asghar>

Articles

<https://www.al-islam.org/articles/khadijah-daughter-khu-waylid-wife-prophet-muhammad-yasin-t-al-jibouri>

<http://elhaam.org/?p=775>

<http://www.islamicinsights.com/religion/lady-khadija-the-esteemed-wife-of-the-prophet-s.html>

(و) اسپانیولی

1. خدیجه بزرگ همسر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

این کتاب یکی از آثار نویسنده محترم جناب آقای رضوی به زبان انگلیسی نوشته شده و مؤسسه اندیشه شرق (بزرگ ترین مؤسسه شیعی در خدمت تبلیغ اسلام به زبان اسپانیایی) آن را ترجمه نموده و انتشارات الهام شرق وابسته به مؤسسه مذکور آن را به چاپ رسانیده است این کتاب وزین با قلمی بسیار شیوا به ابعاد گوناگون زندگی حضرت خدیجه علیها السلام بزرگ بانوی اسلام می پردازد.

ص: 341

نویسنده پس از ترسیم بسیار دقیق و جذاب از شرایط اجتماعی سیاسی و فرهنگی بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ترسیم شخصیت بانوی اسلام از، فردی، اجتماعی، سیاسی معنوی و عبادی ایشان پرداخته و خدمت این بانوی گران قدر را به ساحت اسلام و فرهنگ اسلام به خوبی تبیین می نمایند او نه تنها ثروت مادی خود را در اختیار اسلام گذاشت بلکه همه وجودش، ذوقش و استعدادهایش را در اختیار اسلام قرارداد

نویسنده از منابع شیعی و سنی استفاده کرده و علاوه بر این به تعدادی از منابع مهم مستشرقین نیز ارجاع داده است و برخی از اشکالات آن منابع را مورد نقد علمی قرار داده است گر چه این کتاب به جهت نقل مطالبی از کتب اهل سنت بی اشکال نیست اما در نوع خود یکی از بهترین هاست در ترجمه تلاش شده برخی از اشکالات با اضافه نمودن نکات مترجم رفع و تصحیح گردد.

جایگاه و مقام والای حضرت خدیجه علیها السلام، جایگاه ایشان و تصمیم قهرمانانه او در ایمان به اسلام و تبدیل شدن به اولین مسلمان زن در مجموعه مقالاتی در کوثر تحت عنوان جایگاه و حقوق زن در اسلام در مجله کوثر به زبان اسپانیایی تبیین شده است به طور ویژه آن بخش از مقاله که به شخصیت ایشان می پردازد در شماره 74 به چاپ می رسد که هم اکنون در حال تدوین است لازم به یادآوری است که این مجموعه مقالات در جشنواره بانوآمین حائز رتبه مقالات برتر به زبان اسپانیایی گردید

Presentación del libro

Este libro escrito por A' Razauy y traducido al español por Fundación Cultural

Oriente es uno de los mejores libros escritos respecto a Jadiya, la gran dama del Islam (la paz sea con ella). El autor luego de ofrecer un perfecto panorama de las circunstancias de Arabia en el tiempo de aparición del Islam describe con una atractiva pluma

ص: 342

los diferentes aspectos de la vida de Jadiya, aspectos individuales, sociales, devocionales y espirituales. El autor describe esta personalidad y da una admirable imagen de sus grandes servicios al Islam su pura intención, su gran fe y sus sacrificios por el querido Islam

(ز) فرانسوی

1. Khadija – La première musulmane et femme du Prophète Mohammed (PBSL) Broché – 2011

de Resit Haylamaz (Auteur)

خدیجه، نخستین پیامبر محمد: نویسنده رسیت های لاماز (انتشارات بروشه) - تاریخ انتشار: 2011

2. Les femmes de l'islam, Tome 1: Khadija: L'épouse de Mahomet Broché – 27 mai 2015 de Marek

Halter (Auteur)

زنان اسلام جلد یک خدیجه همسر محمد صلی الله علیه و آله، نویسنده: مارک هالتر انتشارات بروشه - 27 مه 2015

Ce titre fait partie de la promotion 2 livres J'ai Lu acheté s = 1 livre offert (voir conditions sur la page de)

l'opération en cliquant ici

3. L'histoire de Khadija, la première musulmane et femme du prophète Mohammad

Auteur: Saniyasnian Khan

Nombre de pages :64

Editeur: Goodword Books

داستان خدیجه علیها السلام نخستین زن مسلمان و همسر پیامبر محمد (صلی الله علیه و آله) نویسنده: سانی یاس نیان

ص: 343

(IKHADIJA: LA PRIMA MOGLIE DEL PROFETA MU- HAMMAD (SAW)

mondoislam la donna nell'Islam khadija, le mogli del profeta. mogli del profeta muhammad 0 Comments

Share: Di Mamdouh AbdEl Kawi Dello Russo)

Quando il Profeta Muhammad (pace e benedizione su di lui aveva venticinque anni, viaggiò ancora una volta verso Siria come mercante di una nobile e ricca vedova dei Quraishi di nome Khadijah bin Khuailid bin Assad, e diventò una persona fidata nel commercio e negli affari della donna, il Profeta Muhammad (pace e benedizione su di lui) fu presto ricompensato e chiese la sua mano per sposarla. Khadijah era molto più anziana del marito [più grande di lui di 15 anni], lui ne aveva 25 e lei 40 di anni, ma nonostante la differenza di età tra loro, fu un matrimonio fortunata e felice. Khadija era una donna molto innamorata ed era sempre pronta a consolarlo nei momenti difficili, come quando nessuno credeva in lui per esempio, e il mondo ... appariva cupo ai suoi occhi

Tratto da "Mondo Islam" n. 17

il video: <http://www.youtube.com/watch?v=ixL81gx-PRL&list=UU4Ai3ps41GJOG-JqAS8tnTQ>

2Esce in Francia «Khadija». Copie esaurite ma anche minacce ai librai che lo espongono

Lo scrittore franco-polacco denuncia le intimidazioni

La sposa di Maometto per Halter Secondo i musulmani è sac- rilegio

»> - PARIGI

proporgli di sposarsi, ed è lei, moglie e figura materna, a incorag- giare quel ragazzo analfabeta dopo che

Allah gli ha parlato per la prima volta. Senza il suo "Io ti cre- do", Maometto non avrebbe trovato la forza di diventare il Profeta e non ci sarebbe stato il Corano. Le donne sono figure centrali, determinanti, nella storia della fede musulmana. Che differenza con certo Islam oscurantista di oggi», dice Marek Halter, nella sua casa .del Marais

Lo scrittore ebreo, 78 anni, scampato al ghetto di Varsavia, co- fondatore di Sos Racisme, ha già scritto una Bibbia al femmi- nile e pubblica adesso in Italia Maria, la madre di Gesù (Newton Compton, pp. 328, e 12) e in Francia il primo volume di una tril- ogia dedicata alle donne dell'Islam: Khadija, la sposa di Maom- etto, che sarà seguita da Fatima (la figlia all'origine dello scisma degli Sciiti) e Aïcha, l'ultima sposa cara alla tradizione sunnita. Un ebreo che scrive una storia dell'Islam dal punto di vista delle donne. Quali sono le ?reazioni

>

ص: 345

in 40 mila copie, e l'editore Robert Laffont lo sta già ristampando. Ma alcuni fanatici, come prevedibile, «non hanno gradito». Ha ricevuto minacce

>

È sotto protezione della polizia

»>

Quali sono le librerie minacciate

Soprattutto nel la Francia e nella zona di Sud del- Roubaix, nel Nord». Perché ha deciso di dedicarsi alle >>
donne dell'Islam

È un'idea che mi è venuta anni fa, se i libri non sono usciti prima è anche perché il mio editore aveva >>
«paura delle possibili reazioni. Voglio mostrare che le donne sono al cuore dell'Islam

Un possibile modello per le musulmane d'Occidente

»>

ص: 346

voir o Giovanna d'Arco, ma credo che tante musulmane francesi ed europee potrebbero amare piuttosto una eroina come Khadija: il mio libro è una storia romanzata ma vera, che dimostra come la sottomissione delle donne sia una costruzione artificiale dei secoli successivi. Khadija è tutto per Maometto. E non portava il velo. Mi piacerebbe che entrasse a fare parte del pantheon di un femminismo delle ragazze musulmane

?Ci sono passaggi controversi

A un certo punto nel manoscritto raccontavo che Khadija toccò Maometto, e gli dice: tu mi desideri. Il mio amico filosofo algerino Malek Chebelha ha detto che era troppo, e ho seguito il suo consiglio, togliendo la frase. Ho mantenuto invece altri passaggi garbatamente segnalati da Dalil Boubakeur, il rettore della Grande Moschea di Parigi, che mi chiama mio professore. L'ho ringraziato, ma li ho pubblicati. Che Allah ti protegga, ha detto sorridendo

ADVERTISING inRead invented by Teads ©RIPRODUZIONE RISERVATA

ط) آلمانی

Vrouwen van de profeet Mohammed (vzmh): Khadija

Sasati in Religie (Mens en Samenleving) op 23-01-2008-1 reactie Facebook Google+TwitterWhatsapp/
reageer / meld

Khadija en Aisha zijn de meest bekende vrouwen van de profeet Mohammed (vzmh). Khadija was zijn eerste vrouw en de eerste die zich tot de Islam bekeerde. De eerste moslim was een vrouw

ص: 347

Khadija was een rijke zakenvrouw toen Mohammed (vz mh) haar leerde kennen. Haar vader, Khuwaylid, was een van de belangrijkste leiders van zijn stam, tot hij omkwam in een oorlog. Ook verloor Khadija haar eerste man, die haar vervolgens als een rijke weduwe achterliet. Mohammed (vz mh) ging werken voor Khadija, hij zou handel voor haar drijven in Syrië. Op dat moment was Mohammed (vz mh) al bekend om zijn betrouwbaarheid en

eerlijkheid. Hij keerde terug uit Syrië met een grote winst. Huwelijk en Kinderen

Na het relaas van zijn reis te hebben gehoord besloot Khadija dat Mohammed (vz mh) een goede echtgenoot zou zijn en ze vroeg hem ten huwelijk. Eerder hadden rijke, belangrijke mannen uit de stam der Quraish haar al ten huwelijk gevraagd, maar ze had hen afgewezen. Nu trouwde ze, na toestemming van de oom van Mohammed (vz mh) te hebben gekregen, met een man die vijftien jaar jonger was. Mohammed (vz mh) was 25, .Khadija 40

Khadija kreeg zeven kinderen van Mohammed (vz mh). Drie jongens, Qasim, Abdallah (die ook liefkozend Tayyib genoemd werd) en Tahir, die alledrie jong stierven. En vier dochters, Zaynab, Ruqqaya, Umm .Khaltoum en Fatima

Openbaring

Mohammed (vz mh) en Khadija leefden voor vijftien jaren samen, in relatieve rust. In deze tijd kwam Mohammed (vz mh) bekend te staan als 'Al-Amin' (de betrouwbare). Hij had de gewoonte om te vasten en zich dan terug te trekken in een grot in

de berg Hira, in de directe omgeving van Mekka. Tijdens een van die vastenperiodes, Mohammed (vzmh) was 40 en Khadija 55, kwam hij midden in de nacht thuis, trillend van angst. Khadija bedekte hem met een deken en vroeg, toen hij gekalmeerd was, wat er gebeurd was. Een engel, de engel Gabriël of Jibril, was aan hem verschenen en had gezegd 'Lees!'. 'Ik kan niet lezen' had Mohammed (vzmh) hem geantwoord. De engel had hem vast- gegrepen en opnieuw gezegd 'Lees!'. Opnieuw zei Mohammed (vzmh) dat hij niet kon lezen. De engel herhaalde 'Lees!'. 'Wat moet ik dan lezen?' vroeg Mohammed (vzmh) hem wanhopig. En toen citeerde de engel hem het eerste vers uit wat later de Koran zou worden: "Lees, in de naam van de Heer, uw schepper. Die de mens schiep uit een klompje bloed. Lees, uw Heer is de meest Eerbiedwaardige. Hij .(onderwees de mens door middel van de pen. Hij leerde de mens datgene wat hij niet kende." (Soera 96, 1-6

Mohammed (vzmh) wist aanvankelijk niet wat hem overkwam en wilde de grot ontvluchtte. Waar hij ook naar toe probeerde te rennen, overal stond de engel Gabriël tegenover hem. 'Moham- med', zei de engel, 'Jij bent de boodschapper van Allah en ik ben de engel Gabriël'. Toen verdween de engel. Mohammed (vzmh) vreesde dat hij gek aan het worden was. Khadija echter, zag het als een moment van openbaring. Ze zei dat ze dacht dat hij de profeet van de Arabieren was. "Je bent een goed mens, je zorgt voor je familieleden, geeft .hulp aan de armen, geeft je gasten te eten en luistert en helpt naar degenen die daar om vragen

Waraqah Ibn Nawfal

ص: 349

Khadija nam Mohammed (vzmh) mee naar haar neef, Waraqa Ibn Nawfal, een man die bekend stond om zijn wijsheid. Ibn Nawfal had de boeken van de Joden en de Christenen bestudeerd en wist dat er voorspeld was dat er nog een profeet zou komen. Hij kende de tekenen die de identiteit van de profeet moesten bevestigen wanneer hij zou verschijnen. Ibn Nawfal werd bevangen door opwinding en voorspelde dat de bewoners van Mekka hem de stad uit zouden verdrijven. Hij was er zeker van dat Mohammed (vzmh) de voorspelde .profeet was. En hij begreep wie de engel was die aan hem was verschenen

Geloofsgetuigenis

Er volgde een nieuwe openbaring door de engel Gabriël, waarbij hij Mohammed (vzmh) vroeg om zijn volk op te roepen om alleen tot Allah te bidden. Khadija sprak nu in het openbaar uit wat ze sinds kort als nieuwe waarheid zag: 'Er is geen God behalve Allah. En Mohammed is de boodschapper van Allah'. Hiermee .sprak ze als eerste de geloofsverklaring uit, die moslims tot op de dag van vandaag gebruiken

Ballingschap

De jaren die volgden waren niet eenvoudig. Khadija gebruikte al haar geld in naam van de Islam. Geld om tot de Islam bekeerde slaven vrij te kopen, voor opvang van gelovigen die dat nodig hadden en in het algemeen om de boodschap te verspreiden. Zeven jaren na de eerste openbaring, Ibn Nawfal was al overleden, werden Mohammed (vzmh) en zijn volgelingen en stamgenoten, de Banu Hashim, inderdaad uit Mekka verdreven. Ze kampeerden

drie jaren in een ravijn in de omgeving van Mekka en het was een tijd van ontbering. Sympathisanten stuurden af en toe voedsel, maar in het algemeen volgden de mensen in Mekka het gebod om geen contacten te onderhouden. Het geloof van de moslims werd echter alleen maar sterker in deze periode. Een aantal volgelingen was naar Abbesinië gevlucht, wat geleid werd door een christelijke koning, Negus. Deze volgelingen keerden terug en vonden de situatie nog slechter dan tevoren, ze keerden terug naar Abbesinië, met een grotere groep mensen. In Mekka versoepelde men het regime en de moslims mochten terugkeren. Het ballingschap had echter een hoge tol geeist, Abu Talib, de oom van Mohammed (vz mh) was overleden en ook Khadija stierf op 65-jarige leeftijd. Mohammed (vz mh) rouwde diep om haar, ze waren vijftwintig jaar getrouwd geweest. Ook na haar dood en nadat hij vele andere vrouwen trouwde, bleef hij van haar houden. Hij sprak altijd met respect over haar en bleef voedsel en geschenken sturen naar de familieleden en .vrienden van Khadija

Lees verder

(Vrouwen profeet Mohammed: Vrouwen van de profeet Mohammed (vz mh) (special

Sasati, het auteursrecht van dit artikel ligt bij de infoteur. Zonder toestemming 2016 – 2008 ©

.van de infoteur is vermenigvuldiging Gerelateerde artikelen verboden

Reageer op het artikel "Vrouwen van de profeet Mohammed

ص: 351

"vzmh): Khadija)

.Plaats een reactie, vraag of opmerking bij dit artikel. Reacties moeten voldoen aan de huisregels van InfoNu

Naam

E-mailadres

Reactie

Meld mij aan voor de tweewekelijkse InfoNu nieuwsbrief PLAATS REACTIE

Reactie

Khadija, 18-10-2009 12:46 1

Mag ik erop aanwijzen dat deze citaat verkeerd is: "Khadija kreeg zeven kinderen van Mohammed (vzmh). Drie jongens, Qasim, Tayyib en Tahir, die alledrie jong stierven. En vier dochters, Zaynab, Ruqqaya, Umm .Khaltoum en Fati- ma

Khadija heeft 6 kinderen gebaar met De Profeet (Vrede zij met hem), Qasim, Abdoelaah, Zaynab, Ruqqaya, ?Umm Khaltoum en Fatima. Ik weet niet vanwaar jullie da namen Tahir en Tayyib hebben

En Maria é é n van zijn andere vrouwen heeft é é n zoon met hem, genaamd Ibrahiem. De Profeet had 7 (kinderen in totaal, 6 met Khadija en 1 met Maria Reactie infoteur, 18-10-2009 (1

ص: 352

[http://mens-en-samenleving.infonu.nl/religie/13897-vrouwen-van-de-pro-feet-mohammed-vzmh--1 khadija.html](http://mens-en-samenleving.infonu.nl/religie/13897-vrouwen-van-de-pro-feet-mohammed-vzmh--1-khadija.html)

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

